

سوکندبه قلم و آنچه می نویسند

موفقیت در آزمون‌های حقوقی آرزوی شیرینی است؛ شوق برای قبولی در آزمون وکالت راه اعاشه‌ای برای مؤسسات و مدرسینی را فراهم کرده که با تبلیغات فریبا سعی در جذب دانشجویان دارند. این موفقیت هیچ معجون جادویی یا فرمول سری ندارد! این نخستین بار است که کامل‌ترین و ساده‌ترین جزوه حقوق جزای اختصاصی ۱ به صورت رایگان قابل دریافت است. این جزوه به روشی ساده - اما شگفت‌انگیز - موفقیت شما را تضمین می‌کند.

آخرین بروزرسانی: ۱۴۰۲

جزوه حقوق جزای اختصاصی ۱

جرائم علیه اموال و مالکیت

دکتر امید ملاکریمی

(وکیل پایه یک دادگستری و عضو هیأت علمی دانشگاه)

به کوشش انور یوسفی

بسیاری از اوونهبایی که می‌خوان در آزمون‌های حقوقی قبول بشن در انبوه کتاب‌های موجود در آشفته‌بازار حقوقی و همچنین شمار زیاد مؤسسات آموزشی، سردرگم هستند و نمی‌دانند چگونه تصمیم بگیرند و یا نمی‌توانند به یک تصمیم قطعی برسند. این سردرگمی، طبیعی‌ست اما فقط یک روز آن! انتخاب هم جزوه و هم کتاب مرجع، انتخاب خوبی نیست؛ نباید دور خود را شلوغ کنیم! تضمین می‌کنم این جزوه، برای آزمون‌های حقوقی، کافی است. به تیکه از کتاب «کیمیایگر» نوشته پائولو کویلو رو براتون می‌آرم: «وقتی با تمام وجود و از درون، چیزی را می‌خواهید تمام کائنات دست در دست هم می‌دهند تا خواسته شما را اجابت کنند. آرزوها زبان خداوند هستند، در این جهان حقیقتی بزرگ وجود دارد، هر کس که باشی یا هر عملی که از تو سر می‌زند و وقتی چیزی را از ته قلبت بخواهی آنگاه این خواسته تو از وجود این جهان سرچشمه می‌گیرد و تو مأمور انجام آن می‌شوی» خواستم بگم که اگر این جزوه به دست شما رسیده، حکمتی در آن است!

حیرت‌انگیزی که دنبالش بودید این جزوه است!

درس حقوق جزا با این که از جرم، جنایت و مجازات بحث میشه اما جذابیت‌های خاص خودشود داره و از شیرین‌ترین درس‌های حقوق و البته از مهم‌ترین دروس در همه آزمون‌های حقوقی وکالت، ارشد و قضاوته! در این جزوه از ورود به مباحث حاشیه‌ای و بعضاً زائد پرهیز شده و فقط به نکات و مباحث اصلی و مهم پرداخته شده. به طوری که با خوندن این جزوه مطالب حقوق جزا به صورت مُدَوْن در ذهن شما شکل میگیره. مطالعه‌ی این جزوه به دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد و علی‌الخصوص داوطلبان شرکت در آزمون‌های تخصصی حقوقی مانند آزمون‌های کارشناسی ارشد، وکالت، قضاوت، توصیه می‌شود. ضمناً باید بگم: ده‌ها جزوه سُبُک و روانِ حقوقی که به طور شگفت‌انگیزی شیوا و گیرا و رسا توضیح دادم و قول می‌دم که اگه فقط یکی از اوونها رو از سایتتم (www.mollakarimi.ir) بگیرید و مطالعه کنید به جزواتم اعتیاد پیدا می‌کنید.

ما در سایت فوق، کانال تلگرام و صفحه اینستاگرام مون، هر آنچه برای قبولی در آزمون‌های حقوقی نیاز است را به شما خواهیم داد! می‌دانیم که داوطلبان آزمون‌های حقوقی، زمانی که تصمیم می‌گیرند که شروع به خواندن نمایند در انتخاب منابع سردرگم هستند؛ کاری که ما انجام می‌دهیم این است که اوون منابعی رو که برای قبولی کفایت می‌کند رو به طور رایگان در اختیارتون می‌گذاریم و بهتون اطمینان می‌دیم که نیاز به خواندن منابع متعدد نخواهید داشت. در واقع، صدها داوطلبی که از این خدمات استفاده کردند و جواب گرفتن رو می‌تونیم شاهد عملکرد مثبتمون بدونیم.

توجه: این جزوه برای تدریس در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی توسط معلم (امید ملاکریمی) تهیه و تکثیر شده و جنبه انتفاعی نداشته و تکثیر و نسخه‌برداری از آن، بدون قصد سودجویی و «تنها با ذکر منبع» مجاز می‌باشد، در غیر این صورت، قانوناً ضمان آور است. نگارندگان، سپاسگزار خوانندگانی خواهد بود که نظرات، پیشنهادهای و انتقادات خود را پیرامون این نوشتار از راه‌های فوق یا ایمیل (mollakarimi.omid@gmail.com) بیان فرمایند. به صورت مُدَوْن و منظم، کل حقوق جزا را آموزش خواهیم داد به گونه‌ای که بعد از مطالعه این جزوه احاطه کامل بر مباحث حقوق جزا داشته باشید. مفاهیم و مباحث حقوق جزا اگر بدون اسلوب مُدَوْن توضیح داده بشه فهم آن دشوار و غیرقابل تحمل است ما در این نوشته، مطالب حقوق جزا را به نحو طبقه‌بندی شده نگاشته‌ایم به صورتی که شما با خواندن این جزوه نیاز به خواندن هیچ کتاب و جزوه دیگری ندارید جزا رو به طور کامل می‌گم و شما رو معتاد به روش خودم می‌کنم؛ قول می‌دم! البته بگم که حقوق مدنی و آیین دادرسی مدنی، آیین دادرسی کیفری و همینطور دروس دیگه رو هم با همین روش گفته‌ام.

در آخر، باید بگم که جزوات سایت MollaKarimi.ir و حتی این نوشته دائماً با توجه به سرفصل‌های جدید و آخرین تغییرات قوانین و تست‌های آزمون‌های هر سال، به روز می‌شه و چنانچه پی.دی.اف یا نسخه چاپ‌شده جزوه رو در دست دارید بهتره مجدداً از سایت، نسخه به روز رو دانلود کنید. ضمناً ما کارگاهی داریم که متفاوت از بقیه کارگاه‌هاست! اسم کارگاه ما، «کارگاه تولید محتوای حقوقی» است که می‌تونید اینستاگرام ([@vekalatyar](https://www.instagram.com/vekalatyar)) و تلگرام ما ([@omidmollakarimi](https://www.t.me/omidmollakarimi)) رو دنبال کنید تا کلی محتوای حقوقی خوب رو مشاهده و دریافت کنید.

داستان من: امید ملاکریمی هستم مدرس دانشگاه، عضو هیأت علمی و وکیل پایه یک دادگستری و همینطور تدوین‌کننده جزوات آزمون‌های حقوقی. می‌خواهم به داستان جالب براتون تعریف کنم، یادمه زمانی که مدرک کارشناسی رو گرفتم خب اوون موقع مثل الان اینجوری در فضای مجازی فایل‌های صوتی یا جزوات در دسترس نبود؛ به دوستی داشتم که توی کلاسای یکی از مؤسسات آموزشی که توی تهران بود شرکت کرده بود و سر کلاس جزواتی را که اساتید می‌گفتن رو با یه خط خیلی بدی نوشته بود؛ خلاصه من هم که توان شرکت در اوون کلاس‌ها در اون زمان نداشتم ازش خواهش کردم که کپی اونهارو در اختیارم بگذاره، بهم گفت که من اوومدم توی یه خونه‌ای که در شهرستان دارم و برای آزمون وکالت می‌خونم و دسترسی و امکان تهیه کپی ندارم؛ گفت که برو فلان آدرس توی تهران (که آدرس همون مؤسسه آموزشی بود) برو واحد انتشاراتش و جزوات رو بخر! خوشحال شدم و رفتم اونجا، یه آقای مُسِنی توی قسمت تکثیر یا همون واحد انتشارات اون مؤسسه نشسته بود و تا گفتم جزوه فلان اساتید رو می‌خواهم بهم گفت دانشجوی مؤسسه هستی؟ گفتم که نه! گفت بین پسر جون! اینجا یه مؤسسه است که داره کار تجاری انجام می‌ده اینجوری که مثلاً استاد یه جزوه ۲۰۰ صفحه‌ای میده به من که تکثیر کنم و بدم به دانشجویهای همین مؤسسه که کلاس‌های اوون استاد در اوون درس خاص رو شرکت کردن؛ حرفش رو قطع کردم بهش گفتم: «می‌تونم خواهش کنم که همین جزوه‌ها رو به من بدین؟»؛ گفت: «وایسا هنوز حرفم تموم نشده!»؛ گفتم: «ببخشید، بفرمایید!»؛ ادامه داد که «اون استاده که جزوه ۲۰۰ صفحه‌ای تاییی را در اختیار دانشجویها قرار داده اینجوری نیست که کل کلید یا فرمول یا دستورالعمل قبولی رو بده به دست من که تکثیر شه!»؛ ادامه داد که: «همون استاد به بچه‌ها سر کلاس جزوه هم می‌گه که بنویسن و جزوه دست‌نویس می‌شه مکمل این جزوه تاییی و گفت جالب‌تر اینکه در همین جزوه تایپ‌شده هم ایراداتی وجود داره که سرکلاس به بچه‌ها می‌گه که اصلاحش کنن!»؛ ادامه داد: «بعله اینجوریاس!»؛ خیلی ناراحت شدم از اینکه چرا باید اوونهایی که به این کلاس دسترسی دارن یا توان مالی دارن قبول بشن، از طرف دیگه هم از اون دوستم ناراحت شدم که چرا منو بیچوندا! زنگ زد بهم بهش گفتم ماجرا از این قراره؛ متوجه کاری که باهام انجام داده بود شد، خواست جبران کنه، بهم گفت پاشو بیا اینجا و از جزوات نت‌برداری کن، البته باز نگفت که بهت کپی‌ها رو می‌دم! شاید حق داشت چون هزینه کرده بود و نمی‌خواست یه رقیب اضافه بشه! منم که «مُصر بودن» و «پیگیر بودن» اصن تو ذاتمه کوبیدم رفتم اونجا؛ پنج ساعت توی راه بودم و خلاصه بهم محبت کرد و سه شبانه روز ازم پذیرایی کرد و یک دونه از این میزهایی که مُلاها دارن بهم داد که بنشینم و یادداشت‌برداری کنم؛ بعد از اینکه کارم تموم شد و با اتوبوس در مسیر برگشت بودم در حالی که داشتم به انگشت بزرگ دست راستم که کبود شده بود (اینقدر که نوشته بودم!) نگاه می‌کردم توی این فکر بودم که اگه یکی این رفیقی که من داشتم رو نداشتم و امکان حضور در این کلاس‌ها رو هم به جهت عدم توانایی مالی نداشتم مسلماً از پیشرفت باز می‌موند و البته نتیجه، این می‌شد که فقر و زندگی کردن توی نقاط دورافتاده و محروم باعث باز موندن آدم‌های مُستعد می‌شه، البته بگذریم که معدود اساتیدی هم هستند که همه چیز رو در مادیات می‌دونن و اونها هم در خصوص عدم پیشرفت این آدم‌های مستعد مسؤوند؛ تو همین فکر بودم که یهو یه جمله از یکی از معلم‌هام یادم اومد، گفته بود که: «اگر با خدا وعده کنی که یه بخشی از کارت رو در آینده به اونهایی که نیاز به خدمت تو دارن تبرعاً خیر کنی جواب خوبی می‌گیری»، خلاصه به اون بزرگ‌بابا («خدا» رو می‌گم) قول دادم که اگه قبول بشم یک به ده پول حاصله از وکالت یا قضاوت و همینطور یک‌دهم از زمانم رو به تدوین جزوات رایگان اختصاص بدم؛ اینجوری شد که سال بعدش، خبر شیرین قبولیم رو بعد از مادرم، به خودش (یعنی خدا) دادم و گفتم بهش که: «از فردا، اجرای وعدهم رو شروع می‌کنم الان نه سال از اون روز می‌گذره و من تمام جزوات مورد نیاز برای قبولی در آزمون‌های حقوقی رو کامل کردم؛ البته بگم که من نه یک به ده؛ بلکه نه به ده مالم و وقتم رو به این مهم اختصاص دادم و البته خدا در تمام این سال‌ها آدم‌هایی رو سر راهم گذاشت که بهم کمک کردن و وجودشون مایه رحمت بود؛ خلاصه اینکه به گفته قرآن «رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است!» و من دست‌های او را در کلیه امور دیدم؛ امروز که این متن را برای اولین بار می‌خونید خرسندم از اینکه جزواتم روزانه صدها مرتبه دانلود می‌شود و خدا را شاکرم که داوطلبان از کامل بودن و بی‌نقص بودن اون‌ها صحبت می‌کنن؛ من تردید ندارم که مطالعه جزواتم برای موفقیت در آزمون‌ها (البته در کنار خواندن قانون) کافی است. این جزوات کاملاً رایگان است (و دائماً بروز می‌شه) و یه خواهش از شما دارم که فقط یکی از جزوات رو دانلود کنید و اگه به معجزه اون‌ها پی‌بردین اون‌ها رو به دوستان‌تون معرفی کنین، من برای گسترش این کار خیر به کمک شما نیاز دارم؛ بدون وجود شما محاله که به این منابع کنکوری دست پیدا کنند. البته بدونید این کار خیر شما هم بهتون برمی‌گرده!

تقدیم به تمام کسانی که تا به حال هیچ‌به‌آن تقدیم نشده است؛ تقدیم به گمنامان!

یادآوری

عناصر تشکیل‌دهنده جرم

هر جرم از ۳ عنصر قانونی، مادی و روانی تشکیل می‌شود و برای محکوم شدن متهم به ارتکاب جرم، باید کلیه اجزای این عناصر توسط مرجع تعقیب اثبات شود.

عنصر قانونی

عنصر قانونی را نباید یک عنصر مجزا مورد بررسی قرار داد. عنصر قانونی پرتوی از اصل قانونی بودن جرم و مجازات و زیربنای عناصر مادی و روانی است؛ به عبارت دیگر، عنصر قانونی هم‌عرض عناصر مادی و روانی نیست تا در کنار آنها و همسنگ با آنها مورد بحث قرار گیرد، بلکه هم‌عرض مادی و هم‌عرض روانی مبتنی بر قانون هستند، یعنی تنها بنا به تصریح قانون ما می‌توانیم رفتار یا حالت خاصی را به عنوان عنصر مادی یا روانی جرمی بشناسیم.

عنصر مادی: عنصر مادی متشکل از ۳ جزء به شرح زیر می‌باشد:

۱. **رفتار مجرمانه:** ارتکاب رفتار مجرمانه اعم از فعل، ترک فعل، فعل ناشی از ترک فعل، حالت و نگهداری توسط مرتکب. برای مثال در جرم قتل، اقدام سالب حیات مانند شلیک با اسلحه به سمت مجنی‌علیه رفتار مجرمانه محسوب می‌شود.
 ۲. **شرایط و اوضاع و احوال برای تحقق جرم:** شرایط و اوضاع و احوالی که وجود یا فقدان آنها از نظر قانون شرط تحقق جرم می‌باشد. برای مثال در جرم قتل، انسان و زنده‌بودن شخص مجنی‌علیه از جمله شرایط لازم برای تحقق جرم قتل است.
 ۳. **نتیجه حاصله از رفتار مجرمانه متهم:** نتیجه‌ای که باید رابطه علیت با رفتار مجرمانه متهم داشته باشد؛ یعنی رفتار مجرمانه متهم باعث نتیجه مجرمانه شده باشد. برای مثال در جرم قتل، مرگ نتیجه‌ای است که باید از رفتار مجرمانه حاصل شود.
- ✓ البته باید در نظر داشت که همه جرائم لزوماً از هر ۳ جزء عنصر مادی برخوردار نیستند.

عنصر روانی

مجرد ارتکاب رفتار مجرمانه باعث ایجاد مسؤولیت جزایی نمی‌گردد، بلکه در مورد اکثریت جرائم، وجود عنصر روانی لازم است. عنصر روانی، وجود عمد در جرائم عمدی و تقصیر در جرائم شبه‌عمد و خطای محض می‌باشد.

جرم کلاهبرداری

تعریف جرم کلاهبرداری

تعریف جرم کلاهبرداری از نظر دکتر ملاکریمی عبارت است از: «بردن مال دیگری از طریق توسل به وسایل یا عملیات متقلبانه و اغفال و فریب او»؛ به عبارت دیگر کلاهبرداری عبارت است از توسل (متمسک شدن، به کار گرفتن) وسیله متقلبانه (ابراز دروغ و خلاف واقع و اغفال دیگری) از کار انداختن قوه تشخیص مالی دیگری و بردن مال او است.

جرم کلاهبرداری در فقه اسلامی

کلاهبرداری از زمره جرائمی است که نوعی «اکل مال باطل» محسوب می‌شود و با توجه به عموم آیه شریفه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» با استفاده از عنوان کلی تعزیرات که برای اعمال حرام وضع شده‌اند. قابل مجازات می‌باشد. در متون فقهی از کلاهبرداری تحت عنوان «احتیال» و از کلاهبردار تحت عنوان «مُحتال» نام برده شده و برای او مجازات تعزیری مقرر گشته است.

عناصر تشکیل‌دهنده جرم کلاهبرداری

عنصر قانونی جرم کلاهبرداری: عنصر قانونی جرم عام کلاهبرداری در حقوق ایران ماده ۱ «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری» و عنصر قانونی کلاهبرداری‌های خاص قوانین و مواد متفرقه‌ای هستند که به آنها اشاره خواهیم کرد.

ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری: «هر کس از راه حيله و تقلب مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارتخانه‌ها یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیرواقعی امیدوار نماید یا از حوادث و

پیش‌آمدهای غیر واقع بترسند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر، وجوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاصاحساب و امثال آنها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به حبس از یک تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود»

عنصر مادی جرم کلاهبرداری: عنصر مادی جرم کلاهبرداری متشکل از ۳ جزء عبارت است از: ۱- رفتار مجرمانه در جرم کلاهبرداری ۲- شرایط و اوضاع و احوال برای تحقق جرم کلاهبرداری ۳- نتیجه حاصله جرم کلاهبرداری

رفتار مجرمانه جرم کلاهبرداری: در کلاهبرداری، رفتار مجرمانه مرتکب، باید شکل فعل مثبت باشد. ترک فعل حتی اگر همراه با سوءنیت باشد و موجب اغفال طرف مقابل و ورود ضرر به وی شود، هیچ‌گاه نمی‌تواند عنصر مادی جرم کلاهبرداری را تشکیل دهد؛ برای مثال در صورتی که (الف) به تصور این که (ب) مسؤل اخذ وجوه مربوط به صدور گذرنامه است، مبالغی را به وی بپردازد و (ب) با علم به اشتباه (الف) وجوه مزبور را دریافت کند و در واقع از گوشزد کردن اشتباه (الف) به او خودداری نماید (ترک فعل)، وی را نمی‌توان مرتکب جرم کلاهبرداری دانست. حتی اگر شخص ثالثی در حضور (الف)، شخص (ب) را با عنوان خاصی خطاب کرده و (ب) نیز با سکوت خود (ترک فعل)، موجب اشتباه افتادن (الف) و در نتیجه پرداخت وجه به (ب) شود، باز نمی‌توان (ب) را به صرف سکوت، کلاهبردار دانست، مگر آنکه (ب) قبلاً با شخص ثالث در این زمینه تبانی کرده باشد، که در این حالت ممکن است، به اعتبار تبانی و اخذ مال (ب) مباشر جرم کلاهبرداری و شخص ثالث، شریک جرم تلقی گردد. بنابراین

رفتار مجرمانه جرم کلاهبرداری: توصل به وسایل یا عملیات متقلبانه + بردن مال دیگری

شرایط و اوضاع و احوال برای تحقق جرم کلاهبرداری: از میان همه شرایطی که وجود آنها برای تحقق جرم کلاهبرداری ضروری است، ۳ شرط مهم وجود دارد که عبارتند از:

۱. متقلبانه بودن وسایلی که کلاهبردار از آنها برای اغفال دیگری استفاده می‌کند.
 ۲. اغفال و فریب قربانی، که مستلزم عدم آگاهی وی نسبت به متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده مجرم می‌باشد.
 ۳. تعلق مال برده‌شده به دیگری.
۱. **متقلبانه بودن وسایل یا عملیات مورد استفاده کلاهبردار:** وسیله در این جرم دارای اهمیت و ویژگی خاصی است، باید متقلبانه باشد به عبارت دیگر برای تحقق این جرم، صرف بردن مال غیر کفایت نمی‌کند، بلکه متقلبانه محسوب شدن وسایلی که کلاهبردار از آنان برای بردن مال دیگری استفاده کرده است، دارای اهمیت است. لزوم متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده کلاهبردار از قسمت صدر ماده ۱ «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری» استنباط می‌شود.
- تقلب عبارت است از مشتبه ساختن عمدی کسی نسبت به امری به منظور بردن مال او می‌باشد. «قلب» یعنی غیرواقع، تقلبی، یعنی وسیله غیرواقعی، مانور متقلبانه، توصل به وسایل متقلبانه است.
- متقلبانه بودن وسایلی که کلاهبردار از آنها برای اغفال دیگری استفاده می‌کند. برای تحقق این جرم شرط است و ملاک برای تشخیص متقلبانه بودن آن ضابطه نوعی است؛ یعنی وسیله بر اساس قضاوت عرف، متقلبانه محسوب می‌گردد و بر اثر توصل به وسایل متقلبانه توسط مرتکب، بزه دیده باید فریب خورده باشد؛ بنابراین اغفال شدن و فریب خوردن قربانی مستلزم عدم آگاهی نسبت به متقلبانه بودن وسیله می‌باشد.
- ✓ تقلب وقتی واجد وصف جزایی است که مستقیماً و رأساً وسیله فریب خوردن و تصاحب مال غیر شده باشد؛ بنابراین کسی که با استفاده از داروی بیهوشی، دیگری را بیهوش نموده و مال او را برمی‌دارد، عمل او کلاهبرداری نبوده و عنوان سرقت با عمل او مناسبت‌تر می‌باشد.
 - ✓ صرف گرفتن وجه از کسی دارای جنبه کیفری نخواهد بود؛ به عبارت دیگر مادام که ارکان و عناصر اختصاصی کلاهبرداری که از جمله به کار بردن حيله و تقلب در گرفتن وجه محرز نگردد، کلاهبرداری منتفی است.
 - ✓ عمل تاجری که با دست بردن در دفاتر تجاری خویش، خود را معاف از پرداخت مالیات قلمداد می‌نماید، کلاهبرداری محسوب نمی‌شود.
 - ✓ اگر کسی موجبات ورشکستگی دیگری را فراهم کند، کلاهبردار نیست؛ مگر اینکه نفعی عاید او شده باشد.
 - ✓ صرف عدم ذکر عیوب مبیع توسط فروشنده، هرچند بعداً موجب خیار غبن یا عیب را فراهم سازد، کلاهبرداری نیست.

- ✓ فروش جنس گران‌تر از قیمت روز، کلاهبرداری نیست.
- ✓ اگر فرد گران‌فروش، جنسی را، با توسل به وسایل متقلبانه، برخوردار از کیفیت بهتر یا کمیت بالاتر قلمداد نموده و به تبع آن گرانفروشی کند، کلاهبردار محسوب می‌شود.
- ✓ اگر کسی با دست بردن در سند یا پلاک اتومبیل آن را برخوردار از مدل بالاتر قلمداد کند، کلاهبردار محسوب می‌شود.
- ✓ اگر مغازه‌داری با دست بردن در ترازو کم‌فروشی کند، کلاهبردار محسوب می‌شود.
- ✓ اثبات توسل متهم به وسایل متقلبانه بر عهده شاکی (دادستان) است.
- ✓ صرف دروغ‌گویی محض (اعم از کتبی یا شفاهی) بدون توسل به وسایل متقلبانه، موجب مسؤلیت کیفری و عنوان مجرمانه کلاهبرداری نمی‌شود. برای مثال در صورتی که شخصی به دروغ خود را رئیس بانک معرفی نموده و طرف دیگر از روی سادگی این دروغ را باور کرده و به آن شخص به ظاهر رئیس بانک پول بدهد تا برای او وام بگیرد، چنین رفتار را نمی‌توان کلاهبرداری دانست، چراکه شخص تنها با یک دروغ معمولی و بدون هرگونه تلاش بیشتر برای فریفتن طرف مقابل به مال او دسترسی پیدا کرده است.
- ✓ عنوان نمودن وعده ازدواج به دروغ بدون توسل به حيله و تقلب کلاهبرداری نیست.
- ✓ صرف تقدیم دادخواست واهی (دروغ‌گویی کتبی) به دادگاه حتی اگر منتهی به صدور حکم به نفع خواهان و صدور اجراییه و تصاحب مال غیر شود، کلاهبرداری نیست؛ زیرا تحصیل مال غیر، نتیجه مستقیم دروغ‌گویی نبوده، بلکه در نتیجه حکم دادگاه بوده است.
- ✓ وسیله مورد استفاده کلاهبردار ممکن است از لحاظ شکل و ظاهر هم تقلبی باشد، مثل اینکه با استفاده از سند معجول مال دیگری را ببرد. در این گونه موارد، همان‌طور که در مبحث راجع به تعدد جرم کلاهبرداری خواهیم دید، می‌توان کلاهبردار را هم به جرم جعل و هم به ارتکاب کلاهبرداری محکوم کرد.
- ✓ همچنین در صورتی که «کلاهبرداری» و «استفاده از سند معجول» مقارن هم واقع شوند (یعنی عمل واحد، واجد هر دو عنوان مجرمانه باشد) می‌توان از مصادیق تعدد معنوی دانسته و به موجب ماده ۱۳۱ ق.م.ا، مجازات اشد را بر مرتکب تحمیل کرد.
- ✓ ممکن است وسیله مورد استفاده کلاهبردار از لحاظ شکل و ظاهر کاملاً صحیح و بدون خدشه، ولی به اصطلاح «خالی از وجه باشد» و مورد استفاده متقلبانه قرار گیرد. برای مثال اگر موجری به بهانه اینکه قبض اصلی را گم کرده است، مال الاجاره یک ماه را بدون قبض اصلی به مستأجر، از او بگیرد و سپس با علم به دریافت مال الاجاره، همان مال الاجاره را به موجب قبض اصلی مطالبه و آن را مجدداً از مستأجر ناآگاه از دادنی قبلی مال الاجاره دریافت نماید، وی مرتکب جرم کلاهبرداری شده است. در این مثال هرچند که قبض مورد استفاده مؤجر از لحاظ شکلی متقلبانه نیست، ولی با پرداخت شدن مال الاجاره موضوع قبض، آن قبض خالی از وجه شده است و بنابراین استفاده مؤجر از آن یک استفاده متقلبانه محسوب می‌شود.
- ✓ طلبکاری هنگام دریافت طلب، سند را به بهانه‌های مختلف در نزد خود نگاه می‌دارد و مجدداً با همان سند علیه بدهکار اقامه دعوا جهت مطالبه طلب می‌نماید، این عمل کلاهبرداری است.
- ✓ نمونه‌های دیگر استفاده از اسنادی که از لحاظ شکل و ظاهر صحیح، ولی در واقع خالی از وجه می‌باشد، عبارت است از:
 - * استفاده از شناسنامه شخص مرده برای دریافت چیزهایی مثل کالبرگ ارزاق عمومی، که در زمره اوراق بهادار محسوب می‌شود.
 - * ارائه حکم مدیریت شرکت برای اخذ مال از غیر، در حالی که حکم مذکور بعداً لغو شده است.
 - * ارائه حکم بدوی به محکوم‌علیه برای اخذ محکوم‌به از او، در حالی که این حکم بدون اطلاع محکوم‌علیه بر اثر تجدیدنظرخواهی وکیل او، در مرحله تجدیدنظر نقض شده است.
- ✓ توسل به وسایل متقلبانه باید مقدم بر تحصیل مال و برای تحصیل مال انجام شود. برای مثال اگر عاریه‌گیرنده با توسل به وسایل متقلبانه وانمود کند که مورد عاریه از او به سرقت رفته است و به تبع آن مال متعلق به عاریه‌دهنده را تصاحب کند، عمل وی را نمی‌توان کلاهبرداری دانست. همچنین عمل بدهکاری که با جعل سند وانمود می‌کند که بدهی خود را به طلبکار پرداخت کرده است کلاهبرداری محسوب نمی‌شود؛ بنابراین برای تحقق کلاهبرداری «گرفتن» لازم است و «پس ندادن» یا «نپرداختن» را نمی‌توان کلاهبرداری دانست.
- ✓ اگر فردی خود را فقیر معرفی کرده و با جلب حس ترحم طلبکار باعث شود که طلبکار، طلب خود را به او ببخشد با این استدلال که هبه و

بخشش طلب بعد از استفاده از وسایل متقلبانه بوده است ظاهراً می‌توان موضوع را مشمول کلاهبرداری دانست؛ ولی با تفسیر به نفع متهم باید بیان کرد که در این فرآیند عین مال برده نشده، بلکه صرفاً دینی بخشیده شده است.

✓ برای تحقق جرم کلاهبرداری لازم نیست، که هر آنچه که کلاهبردار انجام می‌دهد متقلبانه بوده و به عبارت دیگر تنها علت تحصیل مال توسط وی توسل به وسایل متقلبانه بوده باشد و غالباً آنچه که موجب فریب می‌شود، اجتماع وسایل متقلبانه و غیرمتقلبانه است.

• **سوال:** در جرم کلاهبرداری اگر فردی نزد رمالی برود و رمال برایش دعایی بنویسد و وجهی بگیرد، آیا می‌توان به استناد اینکه چون رمال نزد مال‌باخته نرفته، اقدام به منع تعقیب یا برائت نمود؟ ملاک مانور متقلبانه چیست؟ (رفتن کلاهبردار نزد رمال یا رفتن مال‌باخته نزد کلاهبردار؟)

✓ **پاسخ:** رمالی نیز تحت شرایطی می‌تواند از مصادیق بزه کلاهبرداری باشد؛ اعم از اینکه مال‌باخته به رمال مراجعه کند یا رمال به او. مانور متقلبانه مجموعه اقداماتی است که موجب اغفال طرف و تحصیل مال او شود که این مانور نسبت به افراد مختلف با توجه به میزان آگاهی آنان متفاوت است.

✓ تشخیص این که رفتار مرتکب از مصادیق عملیات متقلبانه محسوب می‌شود یا نه بر عهده دادگاه می‌باشد.

مصادیق وسایل متقلبانه در کلاهبرداری ساده

قانونگذار در ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، پس از ذکر نمونه‌هایی از وسایل متقلبانه، با ذکر عبارت «به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر ... مال دیگری را ببرد» به وضوح روشن کرده است که برشمردن برخی از وسایل تقلبی در ماده از باب تمثیل بوده و نباید حصری تلقی شود. این نمونه‌ها از قرار ذیل است:

• **فریب دادن مردم به وجود شرکت‌ها یا تجارتخانه‌ها یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم:** این بخش از ماده به هر نوع مؤسسه، اعم از تجاری صنعتی، تولیدی، خدماتی و غیره اشاره دارد. کسی که با اجاره محل، استخدام منشی و نصب تابلو، خود را مدیر یک شرکت خانه‌سازی یا یک مؤسسه اخذ پذیرش تحصیلی برای متقاضیان ادامه تحصیل در دانشگاه‌های خارج وانمود کرده، و از این راه از متقاضیان خرید خانه یا داوطلبان تحصیلات عالیه، وجوهی را دریافت می‌دارد، و یا اوراق سهام کارخانه یا شرکت موهومی را به فروش می‌رساند، می‌تواند تحت عنوان کلاهبرداری مورد تعقیب قرار گیرد.

• **فریب دادن مردن به داشتن اموال و اختیارات واهی:** هرگاه کسی با صحنه‌سازی، خود را مالک اموال زیادی وانمود کند، یا خود را ذی‌نفوذ در مقامات مربوطه قلمداد نموده و با گرفتن وجوهی از اشخاص، قول اخذ پروانه وکالت یا گواهینامه رانندگی یا گذرنامه یا برگ پایان خدمت و وظیفه عمومی یا رواید ورود به یک کشور خارجی و نظایر آنها را به آنان بدهد، کلاهبردار محسوب می‌شود.

• **امیدوار کردن مردم به امور غیرواقعی:** هرگاه کسی با توسل به وسایل متقلبانه دیگری را امیدوار نماید که اجناس او را به قیمتی بالاتر از قیمت بالاتر از قیمت بازار فروخته، یا سوالات کنکور را در اختیار او قرار دهد، یا بیماری صعب‌العلاج او را درمان کرده و از این طریق وجوهی را از او دریافت کند، در صورت وجود سایر شرایط می‌تواند به عنوان کلاهبردار تحت تعقیب قرار گیرد.

• **ترساندن مردم از حوادث و پیش‌آمدهای غیرواقعی:** در صورتی که کسی، با صحنه‌سازی‌های متقلبانه، از قبیل جعل نقشه شهرداری، دیگری را از اینکه بخشی از ملکش در طرح احداث میدان یا تعریض خیابان قرار دارد بترساند، و در نتیجه، ملک او را با پرداخت قیمتی ارزان‌تر از نرخ بازار از چنگش بیرون آورد، یا وی را با حيله‌گری از خراب شدن وضع بازار و پایین آمدن قیمت‌ها ترسانیده و اجناس او را به قیمتی کمتر از قیمت معمول بخرد، وی کلاهبردار محسوب می‌شود.

• **اختیار اسم یا عنوان مجعول:** منظور از اختیار اسم مجعول، آن است که مرتکب با صحنه‌سازی متقلبانه، مثلاً با دست بردن در شناسنامه‌اش، برای خود اسم دیگری غیر از اسم واقعی‌اش اختیار کند. تعلق یا عدم تعلق اسم اتخاذشده به شخص دیگر مهم نیست. یک شخص معروف به بدحسابی و بی‌اعتباری ممکن است صرفاً به قصد پنهان کردن نام اصلی‌اش، در شناسنامه خود دست برده و نام دیگری را برای خود اختیار کند، بدون اینکه نام اتخاذشده متعلق به شخص خاصی باشد. از سوی دیگر، شخصی ممکن است نام یک شخص معتبر را اختیار کرده و از این طریق اموال مردم را ببرد. بدیهی است در این حالت رضایت یا عدم رضایت شخصی که نام او مورد استفاده قرار گرفته است تأثیری بر مسؤولیت مرتکب ندارد. کسی که دو شناسنامه با دو نام متفاوت از دو کشور یا دو شهر مختلف دارد، در صورت استفاده از هر

یک از آن دو، محکوم به اتخاذ اسمِ مجعول نمی‌گردد. هرگاه اسمِ اتخاذشده، اسم خودِ شخص باشد (آن هم اسم فعلی او نه اسم قبلی و تغییر یافته‌اش) ولی به دلیل اینکه در آن شهر به نام مستعار یا نام کوچک خود شناخته شده است، طرف مقابل او را شناخته و در نتیجه بدنامی و بی‌اعتباری او را تشخیص ندهد و اموال را به وی بدهد «اسم مجعول» محقق نشده است. اگر کسی اسم مستعار خود را به جای اسم اصلی‌اش جا زده و از این راه موفق به بردن مال دیگری شود، کلاهبرداری محسوب می‌شود.

منظور از عنوان، تیترا دانشگاهی و هر نوع مقام دولتی و غیردولتی است. کسی که خود را پزشک، مهندس، استاد یا رئیس دانشگاه، وکیل دادگستری، قاضی، رئیس کانون وکلای دادگستری، وزیر و نظایر اینها معرفی می‌کند، عنوان مجعول اتخاذ کرده است. عناوین دوستی یا خویشاوندی نیز مشمول همین حکم است، مانند اینکه کسی خود را فرزندِ شخص معروفی وانمود کرده، و از این طریق مال دیگری را ببرد.

• **وسایل تقلبی دیگر:** ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری، پس از ذکر برخی از انواع وسایل متقلبانة، اشعار می‌دارد: «و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر ... مال دیگری را ببرد...» تردیدی باقی نمی‌گذارد که استفاده از هرگونه وسیله‌ای که عرفاً وسیله متقلبانة محسوب گردد، می‌تواند موجب تحقق عنصر مادی جرم کلاهبرداری شود، از قبیل:

- * ایجاد تصادف یا حادثه ساختگی و گرفتن پول از شرکت بیمه
- * دایر کردن مَطَب مجلّل و ظاهر فریب برای تظاهر به اشتغال به امر پزشکی
- * صحنه‌سازی برای جا زدن خود به جای گیرنده یک پسته پستی و دریافت آن از مأمور پست
- * ایجاد تصادف ساختگی بین دو وسیله نقلیه و اخذ غرامت از شرکت بیمه و تقسیم آن بین مالکین دو اتومبیل
- * فروش جواهرات بدلی به جای جواهرات اصلی
- * دادن معجون مهر و محبت برای به دست آوردن دل معشوق بی‌وفا
- * استفاده مالی کردن از دیگری تحت عنوان رمل انداختن برای یافتن اموال مسروقه او
- * نشان دادن زمین مرغوب به جای زمین نامرغوب مورد معامله توسط دلال یا فروشنده و فروش آن به خریدار
- * به رهن گذاشتن ملکی با توسل به وسایل متقلبانة به چند برابر ارزش واقعی آن و اخذ وام
- * تغییر دادن یا گریب کردن چهره برای جا زدن خود به جای یک فرد مشهور و اخذ پول
- * پوشیدن شنل و کلاه مخصوص دانشگاهیان به قصد تظاهر به اینکه فرد عضو هیأت علمی دانشگاه است و اخذ مال به نسیه
- * فریب دادن دیگری نسبت به برقراری ارتباط وی با ارواح و اخذ پول از او
- * فروش ساختمان‌های دولتی یا باستانی به عنوان ملک شخصی به افراد ساده لوح
- * استفاده از ارز دانشجویی با ریزنمرات مجعول
- * اخذ کمک از مردم با جلب حسّی ترحم
- * تظاهر به معلولیت یا ناتوانی و دریافت کمک از سازمان‌های ذی‌ربط؛ هرگاه کسی برای دریافت کمک‌هایی که برای اشخاص معلول پیش‌بینی شده است، خود را عمداً معلول کرده و از آن کمک استفاده کند، چون معلولیت او حقیقی است، کلاهبرداری منتفی است؛ اما اگر کسی صرفاً تظاهر به معلولیت نماید و یا با جعل مدارکی معلولیت خود را ناشی از جنگ قلمداد کرده و از کمک‌هایی که برای جانبازان جنگی پیش‌بینی شده است، استفاده کند، کلاهبردار محسوب می‌شود.

۲. **اغفال و فریب صاحب مال:** شرط دیگری که برای تحقق جرم کلاهبرداری ضروری است، اغفال و فریب صاحب مال است؛ به عبارت دیگر، صاحب مال باید مال را با رضایت، اما در نتیجه فریب خوردن در اختیار کلاهبردار قرار دهد.

✓ این جرم لزوماً نسبت به شخص حقیقی محقق می‌شود و بحث فریب خوردن شخص حقوقی منتفی است، بنابراین در فرضی که شخصی با انداختن یک فیش تقلبی به داخل دستگاه نوشیدنی، چند لیوان قهوه دریافت کند، رفتار وی کلاهبرداری نیست؛ زیرا در نتیجه رفتار متقلبانة وی یک دستگاه دچار اغفال و فریب شده است، نه یک انسان.

✓ نکته مهم این که هرچند در کلاهبرداری لزوماً شخص حقیقی فریب می‌خورد، ولی لزوماً مال شخص حقیقی برده نمی‌شود، به عبارت دیگر در جرم کلاهبرداری شخص قربانی با شخص صاحب مال یکی نیست؛ برای مثال در فرضی که شخصی با فریب دادن حسابدار یک شرکت

خصوصی تمام اموال آن را ببرد، مرتکب کلاهبرداری شده است.

• لزوم رابطه سببیت بین مانور متقلبانه و فریب و اغفال قربانی

- ✓ قربانی باید در نتیجه مانور متقلبانه کلاهبردار فریب خورده و مال را به کلاهبردار تحویل داده باشد
- * (الف) با توسل به مانور متقلبانه نوشابه حاوی مواد بیهوشی را به (ب) می‌دهد و سپس اموال او را برمی‌دارد، جرم ارتكابی سرقت است، نه کلاهبرداری. عدم رابطه سببیت بین مانور متقلبانه و تحصیل مال، موضوع را از شمول کلاهبرداری خارج می‌نماید.
- * راننده‌ای با عملیات متقلبانه وانمود می‌کند که خودروی او اشکال فنی دارد و زمانی که مسافران از اتومبیل پیاده می‌شوند آن را حرکت داده و اموال مسافران را می‌برد؛ عمل راننده مشتمل بر عنوان سرقت، ربودن مال غیر است؛ زیرا هر چند عملیات یا مانور متقلبانه‌ای وجود داشته است، اما این مانور مؤخر بر تحصیل مال غیر قرار گرفته است و از قبل اموال در داخل اتومبیل بوده است و مسافران در نتیجه فریب، اموال خود را به راننده تسلیم نکرده‌اند.
- * فردی با توسل به وسایل متقلبانه، خود را برخوردار از صفتی نشان می‌دهد و موفق به ازدواج با دختری شده و جهیزیه او را تصاحب می‌کند.
- * فردی با جعل مدرک تحصیلی استخدام می‌شود و موفق به تحصیل حقوق ماهانه ناشی از انجام وظایف مرتبط با استخدام می‌شود.
- ✓ هر دو واقعه فوق کلاهبرداری نیست؛ زیرا هر دو واقعه، ازدواج یا استخدام رابطه سببیت بین اغفال و تحصیل مال را قطع کرده و مال مستقیماً در نتیجه فریب تحصیل نشده است.

• لزوم عدم آگاهی قربانی فریب‌خورده از متقلبانه بودن وسایل

- ✓ اگر خریدار عالم باشد که زمینی را که فروشنده یا دلال به وی نشان می‌دهد همان زمین مورد معامله نیست، بلکه نامرغوب‌تر از آن است، ولی با این حال اقدام به انجام معامله کند، کلاهبرداری نیست.
 - ✓ شرکت بیمه علی‌رغم آگاهی نسبت به عمدی بودن آتش‌سوزی، برای رعایت حال شخص بیمه‌شده که فرد بانفوذی است، خسارت را می‌پردازد، نمی‌تواند مدعی وقوع کلاهبرداری از شرکت بیمه شود.
- ### ۳. تعلق مال برده‌شده به دیگری: در کلاهبرداری نیز، مثل سایر جرائم علیه اموال، تعلق مال برده شده اعم از منقول یا غیرمنقول، به دیگری شرط تحقق جرم است. بنابراین اگر کسی مال خودش را که در اختیار شخص دیگری باشد، ولی به حالت عادی نتواند خارج کند، اما با وسایل تقلبی خارج کند، کلاهبرداری محسوب نمی‌شود، چون مال خودش بوده که برده است. بدین ترتیب راهن یا موجری که با توسل به وسایل متقلبانه عین مرهونه یا عین مستأجره را از ید مرتهن یا مستأجر خارج می‌کند یا کسی که برای گریز از دادن حق انبارداری با توسل به وسایل متقلبانه اموال خود را از انبار خارج می‌کند یا مشتری که قبل از پرداخت ثمن معامله و برای محروم کردن بایع از حق حبس، مبیع را با حيله و تقلب از ید بایع خارج می‌کند، هیچ یک کلاهبردار محسوب نمی‌شوند.
- ✓ آن دسته از اقلامی که از نظر شرعی و قانونی اساساً فاقد مالیت هستند (مانند مشروبات الکلی) بحث کلاهبرداری منتفی است، مگر در مورد افراد غیرمسلمان.

- ✓ برای تحقق کلاهبرداری ضرورتی به معین بودن مال نیست و بردن هر مالی برای تحقق این جرم کفایت می‌کند ولو آنکه مال مورد نظر مرتکب نبوده باشد، برای مثال در فرضی که مرتکب به قصد به دست آوردن دلارهای دیگری به وسایل یا عملیات متقلبانه متوسل شود؛ ولی در نتیجه آن تعدادی سکه بهار آزادی به دست آورد، رفتار او کلاهبرداری محسوب می‌شود؛ زیرا در هر حال در نتیجه این عملیات، مالی از دیگری برده شده است.

نتیجه حاصله جرم کلاهبرداری: نتیجه حاصله جرم کلاهبرداری بردن مال دیگری توسط کلاهبردار یا شخص مورد نظر کلاهبردار است؛ بنابراین کلاهبرداری جرمی مقید است که شرط تحقق آن حصول نتیجه خاص می‌باشد. بنابراین هرگاه کسی با توسل به وسایل متقلبانه، اعمال زیر را انجام دهد، عمل او مشمول عنوان کلاهبرداری نیست، هر چند ممکن است جبران‌های مدنی برای فریب‌خورده موجود بوده و یا جرائم دیگری غیر از کلاهبرداری مانند جعل یا زنا به وقوع پیوندد:

- * نظر شخص دیگر را نسبت به ازدواج با خود جلب کند
- * وارد دانشگاه شود یا مدرک تحصیلی بگیرد

- * کسب شهرت نماید
- * شخص دیگر را توقیف یا حبس کند
- * با تظاهر به بیماری، موفق به گرفتن گواهی از شورای پزشکی و اخذ کارت معافیت از خدمت نظام وظیفه شود
- * با استفاده از لباس نیروهای مسلح یا جعل کارت ورودی یا شبیه ساختن خود به مأمورین رسمی و نظایر آن اجازه ورود به مناطق ممنوعه را کسب کند.
- * با صحنه‌سازی خود را همسر زنی جا زده و با او رابطه جنسی برقرار نماید.
- * با جعل مدرک تحصیلی موفق شود نامزد انتخابات شده و به عنوان نماینده وارد مجلس شود.
- نتیجه جرم کلاهبرداری با توجه به ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری
- * تحصیل وجوه: اعم از اسکناس و مسکوک داخلی و خارجی رایج.
- * تحصیل اموال: اعم از منقول و غیرمنقول.
- * تحصیل اسناد: اعم از رسمی و غیررسمی و هر نوع نوشته‌ای که قانوناً و عرفاً دلیل ایجاد حق و تعهد بوده و ارزش مالی و معاوضه‌ای داشته باشد.
- * تحصیل حوالجات و قبوض: اسناد ذمه‌آوری که معمولاً دلیل وصول یا دریافت وجه نقد یا مال است.
- * تحصیل مفاصاحساب: اسناد موجد دلیل تسویه حساب قبلی و انتفاء طلب.
- * یا تحصیل هر چیزی که جنبه مالی داشته باشد.
- ✓ نکته مهمی که در عبارت ماده ۱ قانون تشدید به چشم می‌خورد آن است که قانونگذار پس از «تحصیل» وجوه، اموال، اسناد، حوالجات، قبوض، مفاصاحساب و امثال آنها، بر لزوم «بردن مال دیگری» تأکید کرده است دلیل این امر چیست؟ در مورد اسناد، حوالجات، قبوض، مفاصاحساب و نظایر آنها، که در واقع «وسیله تحصیل مال» محسوب می‌شوند، پاسخ تا حدودی روشن است. شاید به نظر قانونگذار، صرف تحصیل اینها موجب تحقق جرم کلاهبرداری نمی‌گردد، بلکه پس از تحصیل باید مال شخص دیگری برده شود؛ یعنی مثلاً چک تحصیل شده به بانک ارائه و نقد گردد؛ بنابراین در صورتی که کلاهبردار اسناد فوق را تحصیل کرده باشد، اما نقد نکند، هنوز در مرحله شروع به جرم کلاهبرداری قرار دارد.
- ✓ حتی در مورد وجوه (که اعم است از وجه رایج ایران یا ارز خارجی) و اموال نیز تحصیل آنها لزوماً به معنی بردن مال دیگری نمی‌باشد؛ زیرا شاید کسی با تحصیل اینها در واقع مال خودش را برده باشد، یا اینکه قصد استرداد و بازپرداخت آنها را داشته باشد. از این گذشته، فرض کنید مدیران شرکتی به دروغ و با توسل به وسایل متقلبانه، به سهام‌داران وانمود نمایند که شرکت برای توسعه فعالیت یا پرداخت دیون خود نیازمند پول است؛ ولی پس از اخذ پول از سهام‌داران، آن را صرف خرید مبلمان برای شرکت (که طبیعتاً متعلق به شرکا خواهد بود) نمایند. با توجه به عبارت به کار رفته در قانون، این مورد کلاهبرداری محسوب نمی‌شود؛ زیرا علی‌رغم تحصیل متقلبانه وجوه، مال دیگری برده نشده، بلکه از وجوه حاصله در خود شرکت استفاده شده است، این کار در واقع مثل گذاشتن پول از جیبی به جیبی دیگر است.
- ✓ نتیجه جرم کلاهبرداری بردن مال از طریق «گرفتن» است نه «پس ندادن» یا «نپرداختن».
- لازمه بردن مال دیگری اعم از این است علت قانونی یا ما به ازایی در قبال آن باشد یا نباشد:
- ✓ کسی که خود را پزشک معرفی می‌کند و بدون انجام هیچ اقدامی، حق الزحمه دریافت کند، کلاهبردار است.
- ✓ کسی که موجب اشتباه طرف مقابل در مورد هویت خود به عنوان طرف معامله شود و بدین وسیله او را به انجام معامله اغوا کند، کلاهبردار است، هر چند در مقابل آن ما به ازایی هم داده باشد.
- بردن مال دیگری مستلزم تحقق ۲ چیز است:
- ۱. ورود ضرر مالی به قربانی (اعم از شخص حقیقی یا حقوقی)
- ۲. انتفاع مالی کلاهبردار یا شخص مورد نظر وی
- * وارثی قسمتی از اموال غیرمنقول مورث را که بین او و سایر ورثه مشترک بوده است، با سوءنیت در ارزیابی کارشناس، نشان نمی‌دهد و مقداری

از ترکه تقسیم نشده می‌ماند، وارث کلاهبردار نیست؛ زیرا عدم تقسیم باعث تملک او نشده است.

* فردی با هدف انتقام‌جویی، برنج‌فروشی را فریب می‌دهد که قیمت برنج به زودی ارزان خواهد شد و برنج‌فروش تحت تأثیر این فریب برای جلوگیری از اضرار به خود، برنج را به قیمت ارزان بفروشد. فرد اول کلاهبردار نیست؛ زیرا فرد اول یا شخص مورد نظر او انتفاع مالی از این عمل نبرده‌اند؛ مگر اینکه فرد اول، برنج‌فروش را فریب دهد که کلیه برنج‌ها را به شخص مورد نظر او به قیمت ارزان بفروشد، در این حالت نفر اول کلاهبردار است.

* دائمی بودن یا غیرقابل برگشت بودن ضرر وارده به قربانی و یا فایده حاصل شده توسط کلاهبردار، ضروری نیست، مگر اینکه کلاهبردار از همان ابتدا قصد فریب دادن دیگری را برای استفاده موقت از مال او (و نه بردن مالش) داشته باشد؛ بنابراین نمی‌توان به استناد این که بر اثر حيله‌گری کلاهبردار قرارداد نامعقول منعقد شده، توسط شخص فریب‌خورده با استفاده از خیار غبن یا خیار عیب قابل فسخ می‌باشد، یا اینکه شرکت بیمه خسارت زیان‌دیده را می‌دهد، ضرر را محقق ندانست.

✓ جرم کلاهبرداری از نظر ساختار عنصر مادی جرمی مرکب است و دارای این اجزاء است:

۱. وجود وسایل و عملیات متقلبانه

۲. به کار بردن وسایل و عملیات متقلبانه

۳. اغفال و فریب صاحب مال

۴. گرفتن سند یا مال

۵. بردن سند یا مال

شروع به جرم کلاهبرداری

تعریف شروع به جرم کلاهبرداری از نظر دکتر ملاکریمی عبارت است از: «شروع به عملیات اجرایی تحصیل مال غیر، به دلیل مانعی خارجی متوقف شود»

✓ تظاهر به بروز آتش‌سوزی یا تظاهر به سرقت مغازه و متعاقباً درخواست خسارت از بیمه و احراز این تقلب توسط کارشناس، در شمول شروع به کلاهبرداری قرار می‌گیرد.

✓ تقاضای صدور اجراییه توسط موجر نسبت به مبلغی از مال‌الاجاره سابق که مستحق آن نبوده است و متعاقباً احراز این تقلب توسط مقام قضایی، در شمول شروع به کلاهبرداری قرار می‌گیرد.

مجازات شروع به جرم کلاهبرداری

مجازات شروع به جرم کلاهبرداری مقرر در تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا اختلاس و کلاهبرداری به موجب ماده ۱۵ قانون مجازات کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، نسخ شده است و طبق حکم عام ماده ۱۲۲ ق.م.ا، مجازات شروع به جرم کلاهبرداری تعیین می‌شود؛ ماده ۱۵ قانون مجازات کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ چنین مقرر داشته است: «... مصادیق خاص قانونی که در آنها برای شروع به جرم مجازات تعیین شده است ... نسخ می‌گردد»؛ بنابراین مجازات شروع به جرم کلاهبرداری مطابق بند «ب» و «پ» ماده ۱۲۲ ق.م.ا تعیین می‌شود.

• اگر مبلغ جرم کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال باشد مجازات تعزیری درجه ۴ محسوب شده و مجازات شروع‌کننده کلاهبرداری حبس تعزیری درجه ۵ است.

• اگر مبلغ جرم کلاهبرداری کمتر از یک میلیارد ریال باشد مجازات تعزیری درجه ۵ محسوب شده و مجازات شروع‌کننده کلاهبرداری به حبس تعزیری یا شلاق درجه ۶ است.

✓ در شروع به کلاهبرداری رد مال نداریم و پرداخت جزای نقدی هم مطرح نیست، دلیلش آن است که در شروع، مرتکب موفق به بردن مال نمی‌شود؛ بنابراین رد مال و جزای نقدی معنی ندارد.

عنصر روانی جرم کلاهبرداری

علم به موضوع: مرتکب جرم کلاهبرداری باید بداند مالی که می‌برد آن مال متعلق به دیگری است و در صورتی که مرتکب مدعی عدم آگاهی خود به اینکه مال متعلق به دیگری است باشد و این امر را به اثبات برساند، مشمول اتهام جرم کلاهبرداری نخواهد شد؛ زیرا با توجه به ضرورت علم مرتکب به این که عمل او بر روی مال متعلق به دیگری است، اشتباهش در این خصوص، موجب زوال عنصر روانی جرم کلاهبرداری است.
سوءنیت عام: سوءنیت عام عبارت است از قصد ارتکاب رفتار مجرمانه می‌باشد در تمام جرائم عمدی، سوءنیت عام از اجزای اصلی رکن روانی است، در جرم کلاهبرداری نیز مرتکب باید در انجام عمل ارتكابی عامد باشد؛ یعنی عمد در بکار بردن وسایل متقلبانه داشته باشد.
سوءنیت خاص: سوءنیت خاص عبارت است از قصد تحقق نتیجه که در جرائم عمدی مقید باید وجود داشته باشد، در جرم کلاهبرداری نیز که یک جرم مقید به نتیجه است، سوءنیت خاص باید وجود داشته باشد. سوءنیت خاص در جرم کلاهبرداری قصد نتیجه که همان قصد بردن مال دیگری است، می‌باشد.

ارتکاب جرم کلاهبرداری

مباشر (فاعل) جرم کلاهبرداری: مباشر یا فاعل جرم کلاهبرداری کسی است که از طریق توسل به وسایل یا عملیات متقلبانه مال دیگری را ببرد، به عبارت دیگر فاعل جرم کلاهبرداری، شخصی است که عملیات متقلبانه و بردن مال دیگری توسط او انجام شود.
شرکت در جرم کلاهبرداری: لازمه شرکت در کلاهبرداری این است که توسل به وسایل یا عملیات متقلبانه، فریب دیگری و بردن مال دیگری مستند به عمل همه شرکا باشد. چون رفتار مجرمانه جرم کلاهبرداری مرکب است؛ بنابراین با ارتکاب هر یک از اجزای این جرم توسط اشخاص متفاوت، با رعایت سایر شرایط مقدر در قانون، جرم به همگی آنها منتسب و همگی آنان شریک در جرم محسوب می‌شوند.
معاونت در جرم کلاهبرداری: اگر شخصی با علم به قصد مرتکب جرم کلاهبرداری، ارتکاب این جرم را برای وی تسهیل کند، یا اینکه وسایل ارتکاب جرم کلاهبرداری را برای وی فراهم کند، یا نحوه ارتکاب جرم کلاهبرداری را با علم به قصد وی به او ارائه کند، یا او را برای انجام جرم کلاهبرداری ترغیب، یا تهدید یا تحریک یا تطمیع نماید، معاون جرم کلاهبرداری محسوب می‌شود.

مجازات جرم کلاهبرداری

مجازات اصلی جرم کلاهبرداری

- ✓ اگر ارزش مال برده شده در جرم کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال باشد مجازات تعزیری درجه ۴ محسوب شده و مرتکب به ۱ تا ۷ سال حبس، رد مال به صاحب آن و جزای نقدی معادل مال برده شده محکوم می‌شود.
- ✓ اگر ارزش مال برده شده در جرم کلاهبرداری یک میلیارد ریال یا کمتر از آن باشد مجازات تعزیری درجه ۵ محسوب شده و مرتکب به ۶ ماه تا ۳ سال و ۶ ماه حبس، رد مال به صاحب آن و جزای نقدی معادل مال برده شده محکوم می‌شود.
- مجازات شریک در جرم کلاهبرداری:** مجازات هر یک از شرکا جرم کلاهبرداری، مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود؛ یعنی:
- ✓ اگر ارزش مال برده شده در جرم کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال باشد مجازات تعزیری درجه ۴ محسوب شده و شریک در جرم کلاهبرداری به ۱ تا ۷ سال حبس و جزای نقدی معادل مال برده شده محکوم می‌شود.
- ✓ اگر ارزش مال برده شده در جرم کلاهبرداری یک میلیارد ریال یا کمتر از آن باشد مجازات تعزیری درجه ۵ محسوب شده و شریک در جرم کلاهبرداری به ۶ ماه تا ۳ سال و ۶ ماه حبس و جزای نقدی معادل مال برده شده محکوم می‌شود.

مجازات معاون در جرم کلاهبرداری:

- ✓ اگر ارزش مال برده شده در جرم کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال باشد مجازات تعزیری درجه ۴ محسوب شده و مجازات معاون مطابق بند «ت» ماده ۱۲۷ ق.م.ا: «یک تا دو درجه پایین تر از مجازات جرم ارتكابی» می‌باشد؛ بنابراین مجازات معاون در این فرض، مجازات تعزیری درجه ۵ یا ۶ به انتخاب قاضی خواهد بود.
- ✓ اگر ارزش مال برده شده در جرم کلاهبرداری یک میلیارد ریال یا کمتر از آن باشد مجازات تعزیری درجه ۵ محسوب شده و مجازات معاون

مطابق بند «ت» ماده ۱۲۷ ق.م.ا: «یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی» می‌باشد؛ بنابراین مجازات معاون در این فرض، مجازات تعزیری درجه ۶ یا ۷ به انتخاب قاضی خواهد بود.

مجازات تکمیلی جرم کلاهبرداری

با توجه به این که مجازات کلاهبرداری نیز از نوع تعزیر می‌باشد. و به استناد ماده ۲۳ ق.م.ا دادگاه می‌تواند در مورد فردی که مرتکب جرم تعزیری شده است، مجازات تکمیلی را نیز علاوه بر مجازات اصلی تعیین نماید. لذا دادگاه می‌تواند برای مرتکب جرم کلاهبرداری علاوه بر مجازات اصلی، مجازات تکمیلی نیز تعیین کند.

مجازات تبعی جرم کلاهبرداری

با توجه به بندهای «ب» و «پ» ماده ۲۵ ق.م.ا:

- اگر ارزش مال برده‌شده در جرم کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال باشد حبس تعزیری درجه ۴ محسوب شده و محکوم‌علیه به مدت ۳ سال از حقوق اجتماعی محروم خواهد شد و سپس اعاده حیثیت می‌شود.
- اگر ارزش مال برده‌شده در جرم کلاهبرداری یک میلیارد ریال یا کمتر از آن باشد حبس تعزیری درجه ۵ محسوب شده و محکوم‌علیه به مدت ۲ سال از حقوق اجتماعی محروم خواهد شد و سپس اعاده حیثیت می‌شود.

انتشار حکم محکومیت

حکم محکومیت قطعی در جرم کلاهبرداری بیش از یک میلیارد (۱/۰۰/۰۰۰/۰۰) ریال در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود. (ماده ۳۶ ق.م.ا)

جرم کلاهبرداری		
بردن مال دیگری از طریق توسل به وسایل یا عملیات متقلبانه و اغفال و فریب او کلاهبرداری جرمی، مرکب، آنی و مقید است		
عنصر قانونی	ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری	
عنصر مادی	رفتار مجرمانه	توسل به وسایل یا عملیات متقلبانه + بردن مال دیگری
	شرایط و اوضاع و احوال	متقلبانه بودن وسایل یا عملیات مورد استفاده کلاهبردار
		اغفال و فریب قربانی
		تعلق مال برده‌شده به دیگری
عنصر روانی	نتیجه حاصله جرم	بردن مال دیگری توسط کلاهبردار یا شخص مورد نظر کلاهبردار است
	علم به موضوع	مرتکب بداند مال دیگری را می‌برد.
	سوء نیت عام	داشتن قصد مجرمانه یعنی، قصد توسل به وسایل متقلبانه را داشته باشد.
	سوء نیت خاص	داشتن قصد نتیجه یعنی، قصد بردن مال دیگری را داشته باشد.
مجازات	اگر ارزش مال برده شده بیش از یک میلیارد ریال باشد	مجازات تعزیری درجه ۴ محسوب شده و مرتکب به ۱ تا ۷ سال حبس، رد مال به صاحب آن و جزای نقدی معادل مال برده شده محکوم می‌شود.
	اگر ارزش مال برده شده یک میلیارد ریال یا کمتر از آن باشد	مجازات تعزیری درجه ۵ محسوب شده و مرتکب به ۶ ماه تا ۳ سال و ۶ ماه حبس، رد مال به صاحب آن و جزای نقدی معادل مال برده شده محکوم می‌شود

یه نکته بسیار مهم: ده‌ها جزوه سبک و روان حقوقی که به طور شگفت‌انگیزی شیوا و گیرا و رسا توضیح دادم و قول می‌دم که اگه فقط یکی از اوونها رو از سایتتم (www.mollakarimi.ir) مطالعه کنید به جزواتم اعتیاد پیدا می‌کنید! در ضمن کلیه جزوات رو به طور رایگان در اختیارتون می‌گذاریم و بهتون اطمینان می‌دیم که نیاز به خواندن منابع متعدد نخواهید داشت.

تعدد یا تکرار جرم کلاهبرداری

تعدد جرم در مورد جرم کلاهبرداری

- **تعدد معنوی:** حالت مجرمی است که مرتکب رفتار واحدی شده است، ولی این رفتار واحد دارای عناوین متعدد مجرمانه می‌باشد، مانند استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری که در این صورت مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود؛ بنابراین در این فرض که مجازات کلاهبرداری که شدیدتر از جرم استفاده از سند مجعول است، مجازات کلاهبرداری به مرتکب جرم تحمیل می‌شود.
- **تعدد واقعی:** تعدد واقعی حالت مجرمی است که مرتکب چند رفتار مجرمانه مستقل از یکدیگر شده باشد، بدون آنکه در فاصله ما بین آنها تعقیب، محاکمه، و مجازات شده باشد؛ به عبارت دیگر ارتکاب چندین جرم بدون آنکه درباره آنها رسیدگی شده و حکمی صادر شده باشد.

تعدد واقعی در جرائم تعزیری (جرم کلاهبرداری)		
حدافل مجازات افزایش می‌یابد؛ یعنی حداقل مجازات، بیش از میانگین حداقل تا حداکثر مجازات مقرر قانونی است. برای مثال اگر کسی مرتکب دو فقره کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال شده باشد؛ قاضی فقط یک مجازات تعیین می‌کند و می‌تواند حداقل مجازات، بیش از میانگین حداقل تا حداکثر مجازات مقرر قانونی باشد؛ یعنی ۱ تا ۷ سال که میانگین آن ۴ سال می‌شود، مجازات را ۴ تا ۷ سال در نظر بگیرد.	تعدد جرائم ۲ یا ۳ فقره باشد	جرائم متعدد ارتكابی مختلف نباشد (مشابه باشد) (فقط یک مجازات تعیین و اجرا می‌شود)
حداکثر مجازات تعیین می‌شود و قاضی می‌تواند بیش از حداکثر مجازات تا یک چهارم آن تعیین کند. برای مثال در کلاهبرداری قاضی می‌تواند حداکثر مجازات را که ۷ سال است تعیین کند و می‌تواند تا یک چهارم به ۷ سال اضافه کند، یعنی مجازات را بیش از ۷ سال تا ۸ سال و ۹ ماه در نظر بگیرد و می‌تواند این کار را انجام ندهد.	تعدد جرائم بیش از ۳ فقره باشد	
حدافل مجازات افزایش می‌یابد؛ یعنی حداقل مجازات بیش از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی است.	تعدد جرائم ۲ یا ۳ فقره باشد	جرائم متعدد ارتكابی مختلف باشد (فقط مجازات جرم اشد اجرا می‌شود)
حداکثر مجازات هر جرم تعیین می‌شود و قاضی می‌تواند بیش از حداکثر مجازات تا یک چهارم آن تعیین کند.	تعدد جرائم بیش از ۳ فقره باشد	

✓ منظور از جرائم متعدد ارتكابی مختلف نباشد (مشابه باشد)، این است که به طور مثال فرد مرتکب چند فقره کلاهبرداری شده باشد.

✓ منظور از جرائم متعدد ارتكابی مختلف باشد، این است که به طور مثال فرد مرتکب جرم کلاهبرداری و جعل شده باشد.

مجازات جزای نقدی جرم کلاهبرداری در صورت تعدد جرم

ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری: «... کلاهبردار محسوب ... و به پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود.»

بند «ج» ماده ۱۳۴ ق.م.ا: «در هر مورد که مجازات قانونی فاقد حداقل یا ثابت باشد، اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه می‌تواند تا یک‌ششم و اگر بیش از سه جرم باشد تا یک چهارم به اصل آن اضافه کند»

با لحاظ ماده ۱۳۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ در صورت وقوع تعدد مادی در کلاهبرداری باید اقدام به تشدید مجازات نمود و در این حالت نمی‌توان جزای نقدی را معادل مجموع اموال تحصیل شده در همه کلاهبرداری‌ها تعیین کرد، بلکه جزای نقدی در هر فقره از کلاهبرداری بر اساس آنچه

که در قسمت ذیل ماده ۱۳۴ ق.م.ا آمده است، تعیین و تشدید و سپس طبق ماده مذکور جزای نقدی اشد اجرا می‌شود. فرض کنید شخصی مرتکب ۴ فقره کلاهبرداری شده است که دادگاه به همه آنها رسیدگی می‌کند. اموال تحصیل شده در این ۴ فقره کلاهبرداری به ترتیب ۸ میلیون، ۱۶ میلیون، ۲۴ میلیون و ۳۲ میلیون ریال باشد، قاضی می‌تواند جزای نقدی را به ترتیب ۱۰ میلیون، ۲۰ میلیون، ۳۰ میلیون و ۴۰ میلیون ریال تعیین کرده و پرداخت مبلغ ۴۰ میلیون ریال را به عنوان جزای نقدی قابل پرداخت، مورد حکم قرار دهد.

تکرار جرم در مورد جرم کلاهبرداری

تکرار جرم در تعزیرات وضعیت مجرمی است که یک بار مرتکب جرم عمدی قابل تعزیر از درجه ۱ تا ۵ شده و مورد رسیدگی قرار گرفته و حکم محکومیت قطعی در مورد او صادر شده است و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مجدداً مرتکب جرم قابل تعزیری درجه ۱ تا ۶ شده باشد. با توجه به اینکه جرم کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال جزء جرائم تعزیری درجه ۴ است؛ لذا اگر فرد سابقه محکومیت به جرائم عمدی تعزیری درجه ۱ تا ۵ داشته باشد و قبل از حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان، مرتکب جرم کلاهبرداری شود در این حالت وضعیت مرتکب مطابق با قاعده تکرار جرم است و مجازات او تشدید می‌شود؛ بدین صورت که حداقل مجازات افزایش می‌یابد، یعنی حداقل مجازات بیش از میانگین حداقل و حداکثر قانونی خواهد بود. به طور مثال برای مرتکب جرم کلاهبرداری از ۴ سال تا ۷ سال حبس تعیین می‌شود و قاضی می‌تواند بیش از حداکثر تا یک چهارم آن را تعیین کند یعنی ۷ سال تا ۸ سال و ۹ ماه مجازات تعیین کند.

موارد تخفیف یا تشدید مجازات جرم کلاهبرداری

تخفیف مجازات کلاهبرداری

تخفیف مجازات کلاهبرداری در تبصره ۱ ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مقرر شده بود که این تبصره به موجب ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ نسخ شده است. در حال حاضر تخفیف مجازات کلاهبرداری به کمتر از حداقل مقرر در قانون در صورت وجود جهات تخفیف مقرر در مواد ۳۷ و ۳۸ ق.م.ا بلامانع است. در رابطه با حدود اختیارات دادگاه در تخفیف مجازات حبس در جرم کلاهبرداری قابل ذکر است که با توجه به بندهای (الف) و (ب) ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳:

- اگر ارزش مال برده شده در جرم کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال باشد (درجه ۴) تنها تقلیل مجازات حبس برای ۱ تا ۳ درجه امکان پذیر است
- اگر ارزش مال برده شده در جرم کلاهبرداری یک میلیارد ریال یا کمتر از آن باشد (درجه ۵) امکان تقلیل مجازات حبس برای ۱ تا ۲ درجه یا تبدیل آن به جزای نقدی وجود دارد.

نحوه تخفیف مجازات مرتکب جرم کلاهبرداری در صورت وجود شرایط	
اگر ارزش مال برده شده در جرم کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال باشد: حبس درجه ۴ محسوب می‌شود:	تنها تقلیل مجازات حبس برای ۱ تا ۳ درجه امکان پذیر است؛ یعنی نمی‌توان مجازات حبس را به مجازات دیگری تبدیل کرد.
اگر ارزش مال برده شده در جرم کلاهبرداری یک میلیارد ریال یا کمتر از آن باشد: حبس درجه ۵ محسوب می‌شود:	۱- امکان تقلیل مجازات حبس برای ۱ تا ۲ درجه، یا ۲- تبدیل آن به جزای نقدی وجود دارد.

تشدید مجازات کلاهبرداری

کلاهبرداری در ۲ فرض تشدید می‌شود:

۱. تشدید مجازات کلاهبرداری مبتنی بر ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا اختلاس و کلاهبرداری: در صورت وجود

یکی از شرایط زیر مجازات جرم کلاهبرداری تشدید می‌شود:

۱. اتخاذ عنوان یا سمت مأموریت بر خلاف واقع از طرف:

* سازمان و مؤسسات دولتی

- * سازمان و مؤسسات وابسته
- * شرکت‌های دولتی
- * شوراها یا شهرداری‌ها
- * نهادهای انقلابی
- * قوای سه‌گانه
- * نیروهای مسلح
- * نهادهای مأمور به خدمات عمومی

۲. استفاده از تبلیغ عامه از طریق:

- * وسایل ارتباط جمعی (رادیو، تلویزیون، روزنامه، مجله، فضای مجازی)
- * نطق در مجامع عمومی (نطق در مجامع مستلزم حضور فیزیکی در جمع است - صرف انجام یک سخنرانی در یک جمع کافی است و لزومی به تکرار نیست)

* انتشار آگهی چاپی یا خطی (ارسال آگهی به طور خصوصی برای چند شخص محدود، انتشار محسوب نمی‌شود)

✓ موارد فوق تمثیلی بوده و از هر وسیله و طریقی که تبلیغ انجام گیرد، کلاهبرداری مشدد محسوب می‌شود.

۳. مرتکب از کارکنان دولت یا مؤسسات و سازمان‌های دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی یا به طور کلی قوای

سه‌گانه و یا نیروهای مسلح و مأمورین به خدمت عمومی باشد.

✓ قانونگذار در این حالت، تشدید مجازات را به اعتبار «سِمَتِ مرتکب» انجام داده است، صرف نظر از اینکه کارمند از سِمَتِ خود سوءاستفاده کرده یا نکرده باشد، یا فریب‌خورده از سِمَتی او مطلع بوده یا نبوده باشد.

مجازات در صورت وجود موجبات تشدید مجازات مطابق ماده ۱ قانون ت.م.م.ا.ک

- اگر ارزش مال برده شده در جرم کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال باشد، ۲ تا ۱۰ سال حبس، انفصال ابد از خدمات دولتی و جزای نقدی معادل مال برده شده و رد مال خواهد بود.
- اگر ارزش مال برده شده در جرم کلاهبرداری یک میلیارد یا کمتر از آن باشد، ۱ تا ۵ سال حبس و انفصال ابد از خدمات دولتی و جزای نقدی معادل مال برده شده و رد مال خواهد بود.

۲. تشدید مجازات کلاهبرداری مبتنی بر ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا اختلاس و کلاهبرداری:

ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا اختلاس و کلاهبرداری: «کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چندنفری، به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیرمنقولی که از طریق رشوه کسب کرده‌اند به نفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می‌شوند و در صورتی که مصداق مُفسد فی الارض باشند مجازات آنها، مجازات مُفسد فی الارض خواهد بود.»

مجازات کلاهبرداری از طریق تشکیل یا رهبری شبکه چندنفری، مطابق ماده ۴ قانون ت.م.م.ا.ک:

✓ جزای نقدی معادل مجموع اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از ۱۵ سال تا حبس ابد.

✓ در صورتی که مصداق مُفسد فی الارض باشد، مجازات اعدام خواهد بود.

اعمال جهات تأخیر اجرای مجازات در کلاهبرداری

تعویق صدور حکم در جرم کلاهبرداری: با توجه به اینکه مجازات جرم کلاهبرداری حسب مورد جزء جرائم تعزیری درجه ۴ و یا درجه ۵ می‌باشد و با توجه به اینکه تعویق صدور حکم در جرائم تعزیری درجه ۶ تا ۸ امکان‌پذیر می‌باشد، لذا در جرم کلاهبرداری امکان صدور قرار تعویق صدور حکم وجود ندارد.

تعلیق اجرای مجازات در جرم کلاهبرداری: تبصره ۱ ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا اختلاس و کلاهبرداری که مقرر داشته بود: «در کلیه موارد مذکور در این ماده ... دادگاه ... نمی‌تواند به تعلیق اجرای کیفر حکم دهد.» به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ نسخ شده است. همچنین با توجه به اینکه بر طبق ماده ۴۶ ق.م.ا.ت.ج. تعلیق اجرای مجازات در مورد جرائم تعزیری درجه ۳ تا ۸ در صورت وجود شرایط امکان‌پذیر است و جرم کلاهبرداری حسب مورد جزء جرائم تعزیری درجه ۴ و یا ۵ می‌باشد و مطابق تبصره الحاقی به ماده ۳۷ ق.م.ا.ت.ج. به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ که چنین بیان داشته است: «... تعلیق مجازات جرائم... کلاهبرداری و کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود و شروع به جرائم مقرر در این تبصره، بلامانع است»؛ بنابراین مجازات جرم کلاهبرداری قابل تعلیق است.

نظام نیمه آزادی در جرم کلاهبرداری: با توجه به اینکه طبق ماده ۵۷ ق.م.ا.ت.ج. در صورت وجود شرایط نظام نیمه آزادی در جرائم تعزیری درجه ۵ تا ۷ به طور مطلق امکان‌پذیر است و در جرائم تعزیری درجه ۲، ۳ و ۴ در صورتی که یک چهارم مجازات را گذرانده باشد، امکان‌پذیر است؛ بنابراین:

✓ اگر ارزش مال برده‌شده در جرم کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال باشد مجازات تعزیری درجه ۴ محسوب شده و در صورتی که مرتکب یک چهارم مجازات را گذرانده باشد امکان اعطای نظام نیمه آزادی وجود دارد.

✓ اگر ارزش مال برده‌شده در جرم کلاهبرداری یک میلیارد ریال یا کمتر از آن باشد مجازات تعزیری درجه ۵ محسوب شده و امکان اعطای نظام نیمه آزادی برای مرتکب در این فرض وجود ندارد؛ زیرا این فرض یک جرم قابل گذشت است.

آزادی مشروط در جرم کلاهبرداری: با توجه به اینکه مجازات جرم کلاهبرداری حبس تعزیری کمتر از ۱۰ سال و جزای نقدی است، لذا اگر مرتکب یک سوم مجازات تعیین‌شده در دادنامه را تحمل کرده باشد و در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد و حالات و رفتار مرتکب جرم کلاهبرداری در زندان نشان دهد که پس از آزادی دیگر مرتکب جرم نمی‌شود و به تشخیص دادگاه محکوم به جرم کلاهبرداری تا آنجا که استطاعت دارد، ضرر و زیان را که مورد حکم و موافقت مدعی خصوصی است بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد همچنین در صورتی که قبلاً از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد قاضی دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند حکم آزادی مشروط مرتکب جرم کلاهبرداری را صادر نماید.

مجازات جایگزین حبس در جرم کلاهبرداری: امکان استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس در جرم کلاهبرداری وجود ندارد؛ زیرا امکان استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس در جرائم عمدی با حداکثر مجازات تا یک سال حبس امکان‌پذیر است، در حالی که حداکثر مجازات کلاهبرداری ساده مورد ۳ سال و ۶ ماه تا ۱ سال حبس است؛ لذا امکان استفاده از جایگزین‌های حبس در جرم کلاهبرداری وجود ندارد.

اعمال جهات سقوط اجرای مجازات در جرم کلاهبرداری

گذشت در جرم کلاهبرداری

- در حال حاضر با استناد به ماده ۱۰۴ ق.م.ا.ت.ج.، اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳:
- اگر ارزش مال برده‌شده در جرم کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال باشد، جرم کلاهبرداری غیرقابل گذشت می‌باشد.
 - اگر ارزش مال برده‌شده در جرم کلاهبرداری یک میلیارد یا کمتر از آن باشد، جرم کلاهبرداری قابل گذشت می‌باشد.

مرور زمان در جرم کلاهبرداری

نکته مهم: کلاهبرداری با مبلغ بیش از یک میلیارد ریال مشمول مرور زمان نمی‌شود.

مرور زمان شکایت: مرور زمان شکایت فقط در جرائم تعزیری قابل گذشت جریان دارد و شامل جرائم تعزیری غیرقابل گذشت نمی‌شود؛ بنابراین:

- ✓ اگر ارزش مال برده‌شده در جرم کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال باشد، جرم غیرقابل گذشت بوده و لذا مشمول مرور زمان نمی‌شود.
- ✓ اگر ارزش مال برده‌شده در جرم کلاهبرداری یک میلیارد ریال یا کمتر از آن باشد، جرم قابل گذشت بوده و مشمول مرور زمان می‌شود و مدت مرور زمان شکایت ۱ سال از تاریخ اطلاع بزه‌دیده از وقوع جرم است.

مرور زمان تعقیب و مرور زمان صدور حکم: مرور زمان تعقیب و صدور حکم در جرائم تعزیری غیرشرعی و غیرمنصوص شرعی راه دارد، و کلاهبرداری جزء این جرائم است؛ بنابراین کلاهبرداری مشمول مرور زمان تعقیب و صدور حکم می‌شود البته:

- اگر ارزش مال برده‌شده در جرم کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال باشد، مشمول مرور زمان نمی‌شود.
- اگر ارزش مال برده‌شده در جرم کلاهبرداری یک میلیارد ریال یا کمتر از آن باشد، مشمول مرور زمان می‌شود و مدت مرور زمان تعقیب و صدور حکم ۷ سال می‌باشد؛ یعنی اگر از زمان وقوع جرم کلاهبرداری ۷ سال سپری شده باشد و هیچ اقدام تعقیبی انجام نشده باشد، مرتکب این جرم قابل تعقیب نیست و قاضی باید به استناد بند «ث» ماده ۱۳ ق.آ.د.ک قرار موقوفی تعقیب صادر کند و همچنین اگر از زمان آخرین اقدام تعقیبی مدت ۷ سال سپری شده باشد و حکم محکومیتی صادر نشده باشد، قاضی باید در این فرض نیز برای مرتکب جرم کلاهبرداری قرار موقوفی تعقیب صادر نماید.

مرور زمان اجرای مجازات: مرور زمان اجرای مجازات فقط شامل جرائم تعزیری می‌شود، بنابراین جرم کلاهبرداری که جزء جرائم تعزیری است، مشمول مرور زمان اجرای مجازات می‌شود، البته:

- ✓ اگر ارزش مال برده‌شده در جرم کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال باشد، مشمول مرور زمان نمی‌شود.
- ✓ اگر ارزش مال برده‌شده در جرم کلاهبرداری یک میلیارد ریال یا کمتر از آن باشد، مشمول مرور زمان می‌شود و مدت آن ۱۰ سال از تاریخ قطعیت حکم است؛ بنابراین اگر از تاریخ قطعیت حکم صادره جرم کلاهبرداری ۱۰ سال سپری شده باشد و حکم اجرا نشده باشد، حکم دیگر قبل اجرا نخواهد بود و قاضی اجرای احکام قرار موقوفی اجرای مجازات را مطابق ماده ۵۰۵ ق.آ.د.ک صادر می‌نماید.

تأثیر توبه بر مجازات مرتکب جرم کلاهبرداری: با توجه به ماده ۱۱۵ ق.م.ا، اگر ثابت شود که مرتکب جرم کلاهبرداری توبه کرده است با توجه به اینکه این جرم حسب مورد جزء جرائم تعزیری درجه ۴ و یا ۵ می‌باشد، دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید.

اقسام خاص کلاهبرداری

علاوه بر جرم کلاهبرداری، که قانونگذار آن را در ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری، مورد حکم قرار داده است، برخی از جرائم خاص نیز کلاهبرداری محسوب می‌شوند که به استناد مواد و قوانین متفرقه جرم‌انگاری شده‌اند.

جرم انتقال مال غیر بدون مجوز قانونی

تعریف جرم انتقال مال غیر بدون مجوز قانونی از نظر دکتر ملاکریمی: «انتقال مال از شخصی به شخصی دیگر همراه با سوءنیت، بدون هیچ‌گونه سِمَت یا مجوز قانونی» مطابق ماده ۱ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸/۱/۵ مجلس شورای ملی: «کسی که مال غیر را با علم به اینکه مال غیر است به نحوی از انحاء عیناً یا منفعتاً بدون مجوز قانونی به دیگری منتقل کند کلاهبردار محسوب و مطابق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم می‌شود و همچنین است انتقال‌گیرنده که در حین معامله عالم به عدم مالکیت انتقال‌دهنده باشد.

اگر مالک از وقوع معامله مطلع شده و تا یک ماه پس از حصول اطلاع اظهاریه برای ابلاغ به انتقال‌گیرنده و مطلع کردن او از مالکیت خود به اداره ثبت اسناد یا دفتر بدایت یا صلحیه یا یکی از دوایر دیگر دولتی تسلیم نماید معاون مجرم محسوب خواهد شد هر یک از دوایر و دفاتر فوق مکلفند در مقابل اظهاریه مالک رسید داده آن را بدون فوت وقت به طرف برسانند.»

ارتکاب جرم انتقال مال غیر بدون مجوز قانونی

- **انتقال‌دهنده:** انتقال‌دهنده مال غیر، عالماً و عمداً اقدام کرده باشد، کلاهبرداری محسوب می‌شود.
- **انتقال‌گیرنده:** انتقال‌گیرنده در صورتی که در حین معامله عالم به عدم مالکیت انتقال‌دهنده باشد، کلاهبردار محسوب می‌شود؛ بنابراین اگر انتقال‌گیرنده از عدم مالکیت انتقال‌دهنده مطلع نباشد، مجرم نبوده و مجازات نخواهد شد.
- **مالک مطلع از وقوع معامله:** اگر مالک از وقوع معامله مطلع شده، اما تا یک ماه پس از حصول اطلاع از وقوع معامله، اظهاریه برای ابلاغ به انتقال‌گیرنده و مطلع کردن او از مالکیت خود تسلیم ننماید، معاون جرم انتقال مال غیر بدون مجوز قانونی (معاون در کلاهبرداری) محسوب می‌شود؛ بنابراین اگر مالک از وقوع معامله مطلع نباشد، مجرم نبوده و مجازات نخواهد شد.

رفتار مجرمانه مرتکبین در جرم انتقال مال غیر بدون مجوز قانونی

• **انتقال دهنده:** انتقال مال از شخصی به شخصی دیگر

• **انتقال گیرنده:** اطلاع از عدم مالکیت انتقال دهنده

• **مالک مطلع از وقوع معامله:** خودداری از ارسال اظهارنامه

انتقادات وارده بر معاون دانستن مالک مطلع از وقوع معامله:

۱. معاونت معمولاً با فعل محقق می‌شود، در حالی که خودداری از ارسال اظهارنامه یک ترک فعل است.
 ۲. برای تحقق معاونت در جرم، تقدّم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مباشر جرم شرط است، در حالی که در اینجا رفتار معاون (یعنی مالک) بعد از عمل مباشر (یعنی انتقال دهنده) انجام شده است.
 ۳. وجود وحدت قصد مورد تردید است، مگر عدم ارسال اظهارنامه کاشف از تبانی قبلی باشد.
- ✓ عنصر مادی در این جرم، رفتار مجرمانه جرم انتقال مال غیر بدون مجوّز قانونی، فقط به صورت فعل مثبت خواهد بود که عبارت است از انتقال مال غیر بدون مجوّز قانونی.
- ✓ جرم انتقال مال غیر بدون مجوّز قانونی یک جرم مقید به نتیجه است و سوءنیت خاص باید در این جرم وجود داشته باشد. سوءنیت خاص در جرم انتقال مال غیر بدون مجوّز قانونی قصد نتیجه که همان قصد منتقل شدن مال غیر است، می‌باشد.

مجازات جرم انتقال مال غیر بدون مجوّز قانونی

- ✓ رأی وحدت رویه شماره ۵۹۴ مورخ ۱۳۷۳/۹/۱: «جرائمی که به موجب قانون، کلاهبرداری محسوب می‌شود از حیث تعیین کیفر مشمول قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ می‌باشد»
- ✓ با استناد به ماده ۱۰۴ ق.م.ا اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، جرائمی که کلاهبرداری محسوب می‌شوند و به مجازات کلاهبرداری محکوم می‌شوند، اگر دارای شاکی خصوصی باشند، جرائم قابل گذشت محسوب می‌شوند و حداقل و حداکثر مجازات حبس آن به نصف تقلیل می‌یابد؛ یعنی به ۶ ماه تا ۳ سال و ۶ ماه حبس و جزای نقدی تبدیل می‌شود.
- ✓ همچنین به موجب تبصره الحاقی به ماده ۴۷ ق.م.ا به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، تعلیق مجازات جرائم در حکم کلاهبرداری بلامانع است.
- ✓ در صورتی که شرایط کلاهبرداری مشدد (مثلاً کارمند دولت بودن مرتکب یا استفاده مرتکب از وسایل ارتباط جمعی) وجود داشته باشد، مرتکب به مجازات کلاهبرداری مشدد محکوم می‌شود.
- ✓ همچنین تمام آثار و احکام جرم کلاهبرداری بر جرم انتقال مال غیر بدون مجوّز قانونی بار خواهد شد.

در مورد جرم انتقال مال غیر بدون مجوّز قانونی نکات ذیل قابل توجه است:

- ✓ (الف) ملک خود را با سند عادی به (ب) منتقل می‌کند، سپس همان ملک را با تفویض وکالت به (ج) می‌فروشد، (ج) به استناد وکالت مذکور ملک را به صورت رسمی به خود منتقل می‌کند، عمال مالک (الف) انتقال مال غیر است.
- ✓ (الف) ساختمان مسکونی متعلق به (ب) را به عنوان مال متعلق به خود (مانور متقلبانه) به شخص (ج) منتقل می‌کند (انتقال مال غیر)، عمل او مشتمل بر کلاهبرداری نسبت به (ج: انتقال گیرنده) و انتقال مال غیر نسبت به (ب) است
- ✓ قانونگذار با قید عبارت «به نحوی از انحاء عیناً یا منفعتاً بدون مجوّز قانونی به دیگری منتقل کند» کلیه انواع انتقالات را مدّ نظر قرار داده است؛ بنابراین انتقال دادن مال اعم است از انتقال آن در قالب عقدی از عقود معین مانند بیع، اجاره، صلح و هبه یا در چهارچوب هر عقدی نامعین.
- ✓ انتقال مال غیر بدون مجوّز قانونی، اعم است از انتقال عین یا منفعت و اعم از مال منقول و غیرمنقول است؛ بنابراین کسی که مال غیر را بدون مجوّز قانونی اجاره می‌دهد، نیز مشمول حکم این ماده قرار می‌گیرد.
- ✓ انتقال عین مرهونه توسط راهن، به دلیل تعلق مال به راهن مشمول این ماده نمی‌شود؛ اما شاید بتوان این عمل را نسبت به منتقل‌إلیه (مثلاً خریداری) که بدون اطلاع از در رهن بودن مالی که آن را خریده و متضرّر شده است، کلاهبرداری محسوب گردد. در این مورد

نمی‌توان گفت که عمل فروشنده در واقع ترک فعل (یعنی نگفتن اینکه مال فروخته شده در رهن می‌باشد) است، و در نتیجه کلاهبرداری محسوب نمی‌شود، غلط بودن این موضع از آن رو است که فرضی متعارف آن است که هر کس مالی را که می‌فروشد خالی از هرگونه رهن و آزاد است و خریدار پس از خرید می‌تواند هر حق مالکانه‌ای را بر آن اعمال نماید.

✓ مالی که مفروز نشده و مالکیت در آن به نحو اشاعه است، به دلیل آنکه جزء جزء آن به نحوی اشاعه در مالکیت هر شریک قرار دارد، نسبت به هر یک از شرکا مال غیر محسوب نمی‌شود؛ بنابراین شریکی که آن را بدون رضایت سایر شرکا به کسی منتقل می‌کند (اعم از آنکه انتقال معادل سهم وی یا کمتر یا بیشتر از آن باشد) یا اینکه حتی بخشی از ملک را افزاز کرده و انتقال دهد، نمی‌تواند به جرم انتقال مال غیر محکوم شود.

✓ انتقال دهنده‌ای که مال دیگری را به خودش منتقل می‌کند، مشمول عنوان جرم انتقال مال غیر نمی‌گردد؛ ولی رفتار وی می‌تواند تحت عناوینی مثل «تحصیل مال از طریق نامشروع»، موضوع ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا اختلاس کلاهبرداری قرار گیرد، یا اگر این کار را با جعل سند مرتکب شده باشد، به ارتکاب جرائم مثل جعل یا استفاده از سند مجعول هم محکوم می‌شود.

✓ در این جرم، برخلاف کلاهبرداری، اثبات هیچ حيله و تقلبی و یا اثبات ورود هیچ ضرر دیگری، غیر از انتقال مال غیر، ضرورت ندارد.

✓ اگر مالک بعداً رضایت دهد و معامله را تنفیذ کند، تأثیری در تحقق جرم قبلاً واقع شده نخواهد داشت.

✓ اجاره دادن مجدد مال توسط موجر به مستأجر دوم، انتقال مال غیر نبوده، ولی می‌تواند در صورت وجود سایر شرایط، انجام معامله معارض محسوب شود یا ممکن است در چنین حالتی جرم کلاهبرداری علیه مستأجر دوم از سوی موجر ارتکاب یابد.

✓ فروش مال مسروقه مشمول مقررات راجع به انتقال مال غیر می‌باشد.

تفاوت معامله فضولی با جرم انتقال مال غیر بدون مجوز قانونی	
معامله فضولی	جرم انتقال مال غیر بدون مجوز قانونی
فضول، معامله را به نام خود و به حساب دیگری انجام می‌دهد	مرتکب، معامله را به نام خود و به حساب خود انجام می‌دهد
فضول فاقد سوءنیت و قصد مجرمانه است	مرتکب دارای سوءنیت و قصد مجرمانه است
فضول خواهان استرداد ثمن حاصل از معامله به مالک است	مرتکب خواهان استرداد ثمن حاصل از معامله به مالک نیست

جرم تبانی و مواضعه برای بردن مال غیر

تعریف جرم تبانی و مواضعه برای بردن مال غیر از نظر دکتر ملاکریمی: «تبانی شخصی با یکی از اصحاب دعوا و اقامه دعوی صوری به قصد بردن مال یا تضييع حق طرف دیگر دعوا» مطابق ماده ۲ قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌نمایند، مصوب ۱۳۰۷/۵/۳: «اشخاصی که به عنوان شخص ثالث در دعوائی وارد شده یا به عنوان شخص ثالث بر حکمی اعتراض کرده یا بر محکوم به حکمی مستقیماً اقامه دعوی نمایند و این اقدامات آنها ناشی از تبانی با یکی از اصحاب دعوی برای بردن مال یا تضييع حق طرف دیگر دعوی باشد کلاهبردار محسوب و علاوه بر تأدیه خسارات وارده به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهند شد. تبانی هر یک از طرفین دعوی اصلی با اشخاص فوق نیز در حکم کلاهبرداری است و مرتکب به مجازات مذکوره محکوم می‌گردد»

✓ رفتار مجرمانه جرم تبانی و مواضعه برای بردن مال غیر، فقط به صورت فعل مثبت خواهد بود که عبارت است از: تبانی شخصی با یکی از اصحاب دعوا و اقامه دعوی صوری به قصد بردن مال یا تضييع حق طرف دیگر دعوا:

- به عنوان شخص ثالث که در دعوائی وارد شده است.
- یا به عنوان ثالث که بر حکمی اعتراض کرده است.
- یا بر محکوم به حکمی، مستقیماً اقامه دعوا کند.

✓ عنصر روانی جرم تبانی و مواضعه برای بردن مال غیر عبارت است داشتن قصد مجرمانه تبانی و اقامه دعوی صوری به قصد بردن مال یا تضييع حق

✓ مجازات جرم تبانی و مواضعه برای بردن مال غیر، ماده ۲ قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌نمایند: «اشخاصی که

به عنوان شخص ثالث در دعوائی وارد شده یا به عنوان شخص ثالث بر حکمی اعتراض کرده یا بر محکوم به حکمی مستقیماً اقامه دعوی نمایند و این اقدامات آنها ناشی از تبانی با یکی از اصحاب دعوی برای بردن مال یا تضییع حق طرف دیگر دعوی باشد کلاهبردار محسوب و علاوه بر تأدیه خسارات وارده به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهند بود. تبانی هر یک از طرفین دعوی اصلی با اشخاص فوق نیز در حکم کلاهبرداری است و مرتکب به مجازات مذکوره محکوم می‌گردد»

- ✓ با استناد به ماده ۱۰۴ ق.م.ا اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، جرائمی که کلاهبرداری محسوب می‌شوند و به مجازات کلاهبرداری محکوم می‌شوند، اگر دارای شاکی خصوصی باشند، جرائم قابل گذشت محسوب می‌شوند و حداقل و حداکثر مجازات حبس آن به نصف تقلیل می‌یابد؛ یعنی به ۶ ماه تا ۳ سال و ۶ ماه حبس و جزای نقدی تبدیل می‌شود.
- ✓ همچنین به موجب تبصره الحاقی به ماده ۴۷ ق.م.ا به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، تعلیق مجازات جرائم در حکم کلاهبرداری بلا مانع است.

کلاهبرداری در امور ثبتی

- قانون ثبت اسناد و املاک، مصوب ۱۳۱۰/۲/۲۶، اعمال مختلفی را در حکم کلاهبرداری محسوب کرده است، این اعمال از قرار ذیل است:
- ✓ **جرم تقاضای ثبت ملک متعلق به دیگری**، که عبارت است از جرائم ذیل:
 - * **جرم تقاضای ثبت ملک متعلق به دیگری به نام خود**؛ مطابق ماده ۱۰۵ قانون ثبت اسناد و املاک: «جز در مورد مذکور در ماده ۳۳ (راجع به بیع شرط و امثال آن) هر کس تقاضای ثبت ملکی را بنماید که قبلاً به دیگری انتقال داده یا با علم اینکه به نحوی از انحاء قانونی سلب مالکیت از او شده است تقاضای ثبت نماید کلاهبردار محسوب می‌شود و همچنین است اگر در موقع تقاضا، مالک بوده ولی در موقع ثبت ملک در دفتر ثبت املاک مالک نبوده و مع هذا سند مالکیت بگیرد یا سند مالکیت نگرفته ولی پس از اخطار اداره ثبت حاضر برای تصدیق حق طرف نباشد.
 - ✓ در ماده ۱۰۵ قانون ثبت، عمل به کلاهبرداری نزدیک است، درخواست توسط کسی که از او سلب مالکیت شده، در حکم کلاهبرداری است؛ زیرا در واقع اتخاذ سبب مجعول کرده است؛ اشکال وارده بر ماده ۱۰۵ این است که تقاضای ثبت را در حکم کلاهبرداری دانسته، در حالی که تقاضای ثبت صرفاً اتخاذ وسیله متقلبانه است؛ یعنی شروع به کلاهبرداری؛ به عبارت دیگر نباید شروع کننده را به مجازات کامل محکوم کرد؛ اما در این ماده کلاهبرداری را به عنوان جرمی مطلق تعریف کرده است و این خلاف مقتضای کلاهبرداری است؛ بنابراین این جرم در حکم کلاهبرداری است.
 - ✓ جرم موضوع این ماده لزوماً از سوی کسی قابل ارتکاب است که مال قبلاً در مالکیت خودش بوده باشد
 - ✓ جرم تقاضای ثبت ملک متعلق به دیگری، نسبت به معاملات رهنی، معاملات با شرط خیار یا حق استرداد و سایر معاملات مندرج در ماده ۳ قانون ثبت، منتفی است؛ زیرا در این گونه معاملات مالکیت طرف مقابل تا حدی متزلزل است. برای مثال ممکن است در بیع خیار (با شرط خیار یا حق فسخ در مدت معین) مالک پیش از پایان مهلت تعیین شده اقدام به فسخ معامله نماید، در این صورت ملکیت مال به خود او برمی‌گردد و واضح است که اگر در چنین فرضی، مال را به نام خودش ثبت نماید، مرتکب جرم فوق نشده است.
 - * **جرم تقاضای ثبت ملک متعلق به دیگری به نام خود، توسط وراثت با علم به انتقال به سلب مالکیت مورث**؛ ماده ۱۰۶ قانون ثبت اسناد و املاک: «مقررات فوق در مورد وارثی نیز جاری است که با علم به انتقال ملک از طرف مورث خود یا با علم به اینکه به نحوی از انحاء قانونی سلب مالکیت از مورث او شده است تقاضای ثبت آن ملک یا تقاضای صدور سند مالکیت آن ملک را به اسم خود کرده و یا مطابق قسمت اخیر ماده فوق پس از اخطار اداره ثبت رفتار نکند در تمام این موارد علم وارث باید به وسیله امضاء یا مهر و یا نوشته به خط او محرز شود.»
 - * **جرم تقاضای ثبت ملک متعلق به دیگری به نام خود، بدون مجوز توسط امین**؛ ماده ۱۰۷ قانون ثبت اسناد و املاک: «هر کس به عنوان اجاره یا عمری یا زقبی یا سکنی و یا مباشرت و به طور کلی هر کس نسبت به ملکی امین محسوب بوده و به عنوان مالکیت تقاضای ثبت آن را بکند به مجازات کلاهبردار محکوم خواهد شد.»

* **جرم خیانت یا تبانی متصرف برای ثبت ملک متعلق به دیگری به نام دیگری با سوء نیت:** ماده ۱۰۸ قانون ثبت اسناد و املاک: «هرگاه شخصی که ملک را به یکی از عناوین مذکوره در فوق متصرف بوده شخصاً تقاضای ثبت ننموده ولی به واسطه خیانت یا تبانی او ملک به نام دیگری به ثبت برسد به طریق ذیل عمل خواهد شد:

الف - اگر کسی که ملک به اسم او ثبت شده مشمول مقررات یکی از مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۹ باشد شخص او و امین هر دو به عنوان مجرم اصلی به مجازات کلاهبردار محکوم شده و نسبت به خسارات مدعی خصوصی متضامناً مسئول خواهند بود.

ب - هر گاه کسی که ملک به نام او به ثبت رسیده مشمول هیچ یک از مقررات مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۹ نباشد شخص مزبور به هیچ عنوان اعم از حقوقی و جزائی قابل تعقیب نیست ولی امین به عنوان مجرم اصلی تعقیب و مطابق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم شده و به علاوه برای جبران خسارت صاحب ملک در توقیف خواهد ماند در صورتی که در ظرف پنج سال نتوانست با تأدیه خسارت یا از طریق دیگری رضایت مدعی خصوصی را فراهم سازد وزیر عدلیه از مقام سلطنت عفو او را استدعا می‌کند.»

* **جرم متصرف قلمداد کردن خود نسبت به ملکی که در تصرف دیگری بوده و تقاضای ثبت آن به نام خود؛** ماده ۱۰۹ قانون ثبت اسناد و املاک: «هر کس نسبت به ملکی که در تصرف دیگری بوده خود را متصرف قلمداد کرده و تقاضای ثبت کند کلاهبردار محسوب می‌شود اختلافات راجع به تصرف در حدود مشمول این ماده نیست.»

✓ در صورتی که شخص ثالثی اقدام به ثبت ملک متعلق به دیگری نماید، ۲ حالت متصور است:

۱. آن ملک را به نام خود ثبت می‌کند که در این صورت رفتار وی با رعایت سایر شرایط مقرر در قانون، تحصیل مال از طریق نامشروع محسوب می‌شود.

۲. آن را به نام شخص دیگری ثبت می‌کند، که در این صورت رفتار وی انتقال مال غیر یا معامله معارض است.

✓ قانونگذار در بعضی از موارد، ارتکاب جرم تقاضای ثبت ملکی متعلق به دیگری را از سوی افرادی به غیر از مالک قبلی نیز متصور می‌داند، که این افراد عبارتند از:

۱. وزات: مطابق ماده ۱۰۶ قانون ثبت

۲. امین: مطابق ماده ۱۰ قانون ثبت

۳. شخص غیر متصرف: مطابق ماده ۱۰۹ قانون ثبت

در مورد جرم تقاضای ثبت ملک متعلق به دیگری نکات ذیل قابل توجه است:

✓ جرم تقاضای ثبت ملک متعلق به دیگری، در زمره جرائم مطلق است و صرف تقاضای ثبت برای تحقق آن کفایت می‌کند، ولو آنکه در عمل منتهی به ثبت ملک به نام شخص نشود.

✓ جرم تقاضای ثبت ملک متعلق به دیگری، نسبت به ملکی قابل تصور است که هیچ‌گونه ثبتی انجام نشده باشد؛ چرا که اگر ملک قبلاً به نام شخص دیگری به ثبت رسیده باشد و مرتکب مجدداً اقدام به ثبت آن نماید، رفتار وی معامله معارض محسوب می‌شود.

✓ جرم تقاضای ثبت ملک متعلق به دیگری، در زمره جرائم قابل گذشت به شمار می‌رود و همان‌گونه که در مواد ۱۱۱ تا ۱۱۳ قانون ثبت ذکر شده است، شروع به تعقیب و ادامه رسیدگی به این جرم مستلزم شکایت شاکی خصوصی و عدم گذشت اوست.

✓ مجازات جرم تقاضای ثبت ملک متعلق به دیگری، با توجه به قابل گذشت بودن این جرم مستنداً به تبصره ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، حداقل و حداکثر این جرم به نصف تقلیل و درجه آن از چهار به پنج تغییر می‌کند؛ بنابراین مجازات جرم تقاضای ثبت ملک متعلق به دیگری، از ۱ تا ۷ سال به ۶ ماه تا ۳ سال و ۶ ماه حبس تقلیل یافته است.

✓ همچنین به موجب تبصره الحاقی به ماده ۴۷ ق.م.ا به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، تعلیق مجازات جرائم در حکم کلاهبرداری بلامانع است.

✓ با توجه به اینکه، ارتکاب جرائم علیه اموال از سوی شریک مال مشاعی قابل تصور است، دیوان عالی کشور در رأی اصرائی شماره ۳۶۲۹- مورخ ۱۳۱۷/۱/۲۴: «تقاضای ثبت سند نسبت به ملکی که در تصرف دیگری است که ماده ۱۰۹ قانون ثبت تقاضاکننده را کلاهبردار محسوب داشته، اختصاص به صورتی که تمام ملک مورد تقاضا در تصرف غیر بوده، نداشته بلکه صورتی را هم که ملک به صورت اشاعه

مشترک بین او و دیگری بوده و او به نام خود مورد تقاضا قرار داده باشد، شامل است»

✓ دادگاه کیفری فقط به جرم تقاضای ثبت ملک متعلق به دیگری، رسیدگی می‌نماید و تنها می‌تواند مرتکب را به مجازات مقرر در قانون و پرداخت ضرر و زیان ناشی از جرم محکوم نماید و تصمیم‌گیری راجع به ابطال سند بر عهده این مرجع نمی‌باشد.

✓ **جرم امتناع از استرداد حق منتقل‌الیه**، مطابق ماده ۱۱۶ قانون ثبت اسناد و املاک: «در مورد املاکی که به رهن یا به یکی از عناوین مذکوره در ماده ۳۳ انتقال داده شده رهن یا تقاضا دهنده مکلف است حق طرف، را در ضمن اظهارنامه خود قید نماید در صورتی که رهن یا انتقال دهنده به این تکلیف عمل ننمود مرتبهن یا انتقال گیرنده می‌تواند تا یک سال از تاریخ انقضاء مدت حق استرداد یا رهن به وسیله اظهارنامه رسمی، حق خود را مطالبه کند هر گاه در ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه رهن یا انتقال دهنده حق طرف را نداد کلاهدار محسوب و با رعایت مواد ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ مطابق ماده ۱۱۴ با او رفتار خواهد شد.

اگر اخطار قبل از انقضاء مدت حق استرداد و یا رهن به عمل آمده باشد رهن یا انتقال دهنده وقتی مجرم خواهد بود که در صورت بقاء ملک به ملکیت او حق طرف را تا ده روز پس از ابلاغ اظهارنامه در اداره ثبت تصدیق ننماید و در صورتی که ملک به ملکیت او باقی نباشد وقتی مجرم محسوب خواهد شد که تا ده روز پس از انقضای مدت حق استرداد یا رهن حق مرتبهن یا انتقال گیرنده را تأذیه نکند:

✓ **جرم معامله معارض**، به موجب ماده ۱۱۷ قانون ثبت اسناد و املاک: «هر کس به موجب سند رسمی یا عادی نسبت به عین یا منفعت مالی (اعم از منقول و یا غیرمنقول) حقی به شخص یا اشخاص داده و بعد نسبت به همان عین یا منفعت به موجب سند رسمی معامله یا تعهد معارض با حق مزبور بنماید به حبس با اعمال شاقه از سه تا ده سال محکوم خواهد شد»

✓ **شرایط تحقق جرم معامله معارض:**

۱. انجام معامله دوم به موجب سند رسمی

۲. تعارض بین حقوق و یا منافع انتقالی به موجب معامله اول و معامله دوم

✓ برای تحقق این جرم شخصی، در مورد مالی (اعم از عین یا منفعت و اعم از منقول یا غیرمنقول) به موجب سند رسمی عادی حقی به شخصی داده و بعد نسبت به همان عین یا منفعت به موجب سند رسمی، معامله یا تعهدی معارض با حق مزبور بنماید.

✓ هر چند با توجه به ماده ۱۱۷ قانون ثبت، معاملاتی که معامله اول با سند عادی و معامله دوم با سند رسمی باشد، معامله معارض به شمار می‌روند، ولی باید بدانیم که به صراحت صدر ماده ۱۱۷ قانون ثبت در نقاطی که اداره ثبت اسناد و املاک و دفاتر رسمی موجود بوده، ثبت کلیه عقود و معاملات راجع به عین یا منافع اموال غیرمنقول الزامی است و با توجه به ضرورت ثبت چنین معاملاتی اساساً قراردادهایی که قبلاً با سند عادی نسبت به اموال غیرمنقول صورت گرفته‌اند، توانایی مقابله با سند رسمی را ندارند و با وجود سند رسمی، سند عادی اعتبار ندارد و در صورت وجود دو معامله، که اولی با سند عادی و دومی با سند رسمی باشند؛ معامله دوم را باید انتقال مال غیر دانست. مطابق رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور به شماره ۴۳ مورخ ۱۳۵۱/۸/۱۰: «نظر به این که شرط تحقق بزه مشمول ماده ۱۱۷ قانون ثبت اسناد و املاک، قابلیت تعارض دو معامله یا تعهد نسبت به یک مال می‌باشد و در نقاطی که ثبت رسمی اسناد مربوط به عقود و معاملات اموال غیرمنقول به موجب بند اول ماده ۴۷ قانون مزبور اجباری باشد سند عادی راجع به معامله آن اموال طبق ماده ۴۸ همان قانون در هیچ یک از ادارات و محاکم پذیرفته نشده و قابلیت تعارض با سند رسمی نخواهد داشت بنابراین چنانچه کسی در این قبیل نقاط با وجود اجباری بودن ثبت رسمی اسناد قبلاً معامله‌ای نسبت به مال غیرمنقول به وسیله سند عادی انجام دهد و سپس به موجب سند رسمی معامله‌ای با معامله اول در مورد همان مال واقع سازد عمل او از مصادیق ماده ۱۱۷ قانون ثبت اسناد نخواهد بود بلکه ممکن است بر فرض احراز سوءنیت با ماده کیفری دیگری قابل انطباق باشد.» البته راجع به این رأی وحدت رویه باید توجه داشت که: ۱- مقصود از سند رسمی، سندی است که مراحل ثبت آن به طور قانونی صورت گرفته و شامل سند جعلی نمی‌شود؛ بنابراین در فرضی که شخصی با سند جعلی اقدام به انتقال مال دیگری نماید، با توجه به آنکه اساساً چنین معامله‌ای صحیح نیست، رفتار مرتکب کلاهداری محسوب می‌شود. ۲- در مواردی که شخص پس از فسخ معامله اول (مثلاً به دلیل اعمال خیار شرط) اقدام به معامله دوم از طریق سند رسمی نماید، چنین معامله‌ای از نظر قانونی صحیح بوده و اساساً رفتار مرتکب جرم نیست.

✓ بنابر توضیحات نکته قبل، در رابطه با معاملاتی که در تعارض با یکدیگر واقع می‌شوند این حالت قابل تصور است:

۱. هر دو معامله به سند عادی: انتقال مال غیر
 ۲. معامله اول با سند رسمی، معامله دوم با سند عادی: انتقال مال غیر
 ۳. اگر مال موضوع جرم، مال غیرمنقول باشد: معامله اول با سند عادی، معامله دوم با سند رسمی: انتقال مال غیر
 ۴. اگر مال موضوع جرم، مال منقول باشد: معامله اول با سند عادی، معامله دوم با سند رسمی: معامله معارض
 ۵. هر دو معامله با سند رسمی: معامله معارض
- ✓ معامله معارض برخلاف مشابهت‌هایی که با کلاهبرداری دارد، جرم مستقلی است که نه در حکم کلاهبرداری محسوب می‌شود و نه مجازات این جرم برای آن در نظر گرفته شده است؛ بنابراین جرم معامله معارض در هر حال جزء جرائم غیرقابل گذشت محسوب می‌شود.

تفاوت جرم معامله معارض با جرم انتقال مال غیر	
جرم انتقال مال غیر	جرم معامله معارض
لزوماً آخرین معامله با سند عادی است	لزوماً آخرین معامله با سند رسمی است
مرتکب، مالک مال موضوع جرم نیست	مرتکب، مالک مال موضوع جرم بوده است
حتی با یک معامله این جرم محقق می‌شود	دو معامله باید نسبت به مال واحد انجام گیرد
مجازات آن ۱ تا ۱۰ سال است	مجازات آن ۳ تا ۱۰ سال حبس می‌باشد

کلاهبرداری در شرکت‌ها

جرم کلاهبرداری در شرکت‌های سهامی

مطابق ماده ۲۴۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت (راجع به شرکت‌های سهامی) مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴: «هرکس با سوءنیت برای تشویق مردم به تعهد خرید اوراق بهادار شرکت سهامی به صدور اعلامیه پذیره‌نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه که متضمن اطلاعات نادرست یا ناقص باشد مبادرت نماید و یا از روی سوءنیت جهت تهیه اعلامیه یا اطلاعیه مزبور اطلاعات نادرست یا ناقص داده باشد به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم خواهد شد و هرگاه اثری بر این اقدامات مترتب شده باشد مرتکب در حکم کلاهبردار بوده و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد.»

جرم کلاهبرداری در شرکت‌های مختلط سهامی

مطابق ماده ۲۹۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴: «آن قسمت از مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ مربوط به شرکت‌های سهامی که ناظر بر سایر انواع شرکت‌های تجاری می‌باشد نسبت به آن شرکت‌ها به قوت خود باقی است» و به موجب ماده ۱۸۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، برخی از مواد این قانون (از جمله ماده ۹۲) در مورد شرکت مختلط نیز لازم‌الرعایه می‌باشد. به موجب ماده ۹۲ قانون تجارت: «اشخاص ذیل کلاهبردار محسوب می‌شوند:

- ۱- هر کس بر خلاف حقیقت مدعی وقوع تعهد ابتیاع سهام یا تأدیه قیمت سهام شده یا وقوع تعهد و یا تأدیه را که واقعیت ندارد اعلام یا جعلیاتی منتشر کند که به این وسایل دیگری را وادار به تعهد خرید سهام یا تأدیه قیمت سهام نماید اعم از اینکه عملیات مذکور مؤثر شده یا نشده باشد.
- ۲- هر کس به طور تقلب برای جلب تعهد یا پرداخت قیمت سهام اسم اشخاصی را بر خلاف واقع به عنوانی از عناوین جزء شرکت قلمداد نماید.
- ۳- مدیرهایی که با نبودن صورت‌داری یا به استناد صورت‌داری مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم نموده باشند.»

جرم کلاهبرداری در شرکت‌های با مسئولیت محدود

مطابق ماده ۱۱۵ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳: «اشخاص ذیل کلاهبردار محسوب می‌شوند:

- الف - مؤسسين و مدیرانی که بر خلاف واقع پرداخت تمام سهم‌الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهم‌الشرکه غیر نقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند.

ب - کسانی که به وسیله متقلبانه سهم‌الشرکه غیر نقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند.
ج - مدیرانی که با نبودن صورت دارائی یا با استناد صورت دارائی مزور منافع موهومی را بین شرکاء تقسیم کنند»

جرم کلاهبرداری رایانه‌ای

مطابق ماده ۶۷ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷: «هرکس در بستر مبادلات الکترونیکی، با سوءاستفاده و یا استفاده غیرمجاز از «داده‌پیام»‌ها، برنامه‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای و وسایل ارتباط از راه دور و ارتکاب افعالی نظیر ورود، محو، توقف «داده‌پیام»، مداخله در عملکرد برنامه یا سیستم رایانه‌ای و غیره دیگران را بفریبد و یا سبب گمراهی سیستم‌های پردازش خودکار و نظایر آن شود و از این طریق برای خود یا دیگری وجوه، اموال یا امتیازات مالی تحصیل کند و اموال دیگران را ببرد مجرم محسوب و علاوه بر رد مال به صاحبان اموال به حبس از یک تا سه سال و پرداخت جزای نقدی معادل مال مأخوذه محکوم می‌شود ...»

و مطابق ماده ۱۳ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۱۱ (برابر با ماده ۷۴۱ قانون تعزیرات ۱۳۷۵): «هرکس به طور غیرمجاز از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی با ارتکاب اعمالی از قبیل واردکردن، تغییر، محو، ایجاد یا متوقف کردن داده‌ها یا مختل کردن سامانه، وجه یا مال یا منفعت یا خدمات یا امتیازات مالی برای خود یا دیگری تحصیل کند علاوه بر رد مال به صاحب آن به حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

✓ از عبارت «از قبیل» در ماده فوق، معلوم می‌شود که عنصر مادی جرم کلاهبرداری رایانه‌ای اهمیتی ندارد که چه رفتار مجرمانه‌ای باشد و مرتکب می‌تواند با هر روشی اعم از رفتار فیزیکی، تغییر داده‌ها، محو داده‌ها، ایجاد داده‌ها، متوقف کردن داده‌ها، مختل کردن سامانه (مصادیق تمثیلی اند، نه حصری) به طور غیرمجاز در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی انجام شود.

✓ موضوع جرم کلاهبرداری: سامانه‌های رایانه‌ای یا سامانه‌های مخابراتی

✓ نتیجه جرم کلاهبرداری رایانه‌ای عبارت است از:

۱. تحصیل وجه برای خود یا دیگری
۲. تحصیل مال برای خود یا دیگری
۳. تحصیل منفعت برای خود یا دیگری
۴. تحصیل خدمات برای خود یا دیگری
۵. تحصیل امتیازات دولتی برای خود یا دیگری

✓ در کلاهبرداری عادی، رفتار مرتکب در مواردی که از طریق جعل سند اقدام به کلاهبرداری نماید، مشمول تعدد معنوی خواهد بود؛ اما در کلاهبرداری رایانه‌ای مجموع اقدامات مرتکب اعم از تغییر، محو، ایجاد، متوقف کردن، مختل کردن داده‌ها دارای یک وصف مجرمانه است و بحث تعدد جرم در این موارد منتفی است؛ برای مثال مطابق ماده ۶ قانون جرائم رایانه‌ای، تغییر، ایجاد داده‌های رایانه‌ای، جعل رایانه‌ای یا مطابق ماده ۸ قانون جرائم رایانه‌ای، حذف، تخریب، مختل یا غیرقابل پردازش کردن داده‌ها، تخریب رایانه‌ای محسوب می‌شود، حال اگر شخصی با حذف رمز بانکی دیگری (تخریب) و واردکردن اطلاعات جدید (جعل) موفق به خالی کردن حساب طرف مقابل شود، مجموع این اقدامات کلاهبرداری رایانه‌ای محسوب می‌شود و نمی‌توان مرتکب را علاوه بر مجازات این جرم به تخریب و جعل رایانه‌ای نیز محکوم نمود.

✓ برای تحقق کلاهبرداری رایانه‌ای لازم نیست که مرتکب مال دیگری را برداشت کند و همان‌گونه که در متن ماده نیز آمده است، شامل تحصیل وجه مال یا منفعت یا خدمات یا امتیازات مالی برای خود یا دیگری می‌شود؛ بنابراین در فرضی که شخص با ورود به سایت بانک و حذف نام بعضی از متقاضیان دریافت وام، نوبت وام خود را جلو بیندازد به جهت تحصیل یک امتیاز، مرتکب کلاهبرداری رایانه‌ای شده است، یا در فرضی که شخص بتواند با دست‌کاری در سایت راهنمایی و رانندگی، مجوز ورود به طرح ترافیک را بگیرد، عمل وی کلاهبرداری رایانه‌ای است.

✓ با توجه به عبارت «تحصیل کند» مشخص می‌شود که عدم پرداخت بدهی یا ایفای تعهدات مشمول جرم کلاهبرداری (اعم از عادی یا رایانه‌ای) نخواهد بود؛ زیرا در این موارد مرتکب چیزی را «نمی‌گیرد» بلکه آن را «نمی‌دهد»؛ برای مثال در فرضی که مسافر در پایان سفر

- وانمود کند که در کیف او پول نیست و باید از عابر بانک پول دریافت کند و به محض پیاده شدن، پا به فرار بگذارد، عمل او فاقد عنوان مجرمانه است؛ زیرا تقلب او برای گرفتن پول نبوده بلکه برای ندادن آن بوده است؛ در کلاهبرداری رایانه‌ای نیز به همین شکل است برای مثال اگر شخص با ورود به سامانه بانک، نام خود را از فهرست بدهکاران بانکی حذف نماید، رفتار او تخریب رایانه‌ای محسوب می‌شود، نه کلاهبرداری رایانه‌ای؛ زیرا عمل او در اینجا برای تحصیل وام نبوده بلکه برای عدم بازپرداخت آن بوده است.
- ✓ با توجه به حصول نتایج فوق مشخص می‌شود که کلاهبرداری رایانه‌ای نیز همچون کلاهبرداری عادی در زمره جرائم مقید به شمار می‌رود و علاوه به قصد رفتار مجرمانه یا سوءنیت عام، مستلزم قصد نتیجه یا سوءنیت خاص نیز می‌باشد.
- ✓ (الف) با استفاده از رایانه و در فضای مجازی ضمن گفت و گو با (ب) مدعی می‌شود که قادر به استخدام او در یک شرکت است، سرانجام پس از گذشت یک ماه، اعتماد (ب) را جلب و (ب) مبلغ ۲ میلیون تومان به حساب (الف) واریز می‌کند؛ رفتار (الف) کلاهبرداری از طریق رایانه است، نه کلاهبرداری رایانه‌ای چون با لحاظ ماده ۱۳ قانون جرائم رایانه‌ای مستلزم وقوع تقلب در داده‌ها و سامانه‌های رایانه است و از شمول جعل رایانه‌ای هم که با لحاظ ماده ۶ قانون مذکور، مستلزم قلب حقیقت در دیتا یا سامانه‌های رایانه‌ای است خارج می‌باشد؛ در این مسأله صرفاً مرتکب در فضای سایبر و با استفاده از این وسایل بدون دست‌کاری و تقلب در نرم‌افزارها و داده‌ها و سامانه‌ها، موفق به مانور متقلبانه و دریافت وجه شده است و جرم کلاهبرداری عادی از طریق رایانه به دلیل واریز وجه به حساب او به طور کامل واقع شده است.
- ✓ کلاهبرداری رایانه‌ای با هر مبلغی در زمره جرائم غیرقابل گذشت محسوب می‌شود، در حالی که کلاهبرداری عادی با مبلغ یک میلیارد ریال یا کمتر از آن، جزء جرائم قابل گذشت به شمار می‌رود.
- ✓ در کلاهبرداری رایانه‌ای به تشدید مجازات در نتیجه تبلیغات عمومی اشاره نشده و از سوی دیگر تشدید مجازات مأموران دولتی و سایر نهادهای مقرر در قانون منوط به آن است که مرتکب به مناسبت انجام وظیفه دست به ارتکاب زده باشد و صرف اشتغال در نهادهای دولتی موجب تشدید مجازات نمی‌گردد. مطابق ماده ۲۶ قانون جرائم رایانه‌ای: «در موارد زیر، حسب مورد مرتکب به بیش از دوسوم حداکثر یک یا دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد:
- الف - هر یک از کارمندان و کارکنان اداره‌ها و سازمان‌ها یا شوراها و یا شهرداری‌ها و موسسه‌ها و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت یا نهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسسه‌هایی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند و دیوان محاسبات و مؤسسه‌هایی که با کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضائی و به طور کلی اعضاء و کارکنان قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأموران به خدمت عمومی اعم از رسمی و غیررسمی به مناسبت انجام وظیفه مرتکب جرم رایانه‌ای شده باشند.
- ب - متصدی یا متصرف قانونی شبکه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که به مناسبت شغل خود مرتکب جرم رایانه‌ای شده باشد.
- ج - داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، متعلق به دولت یا نهادها و مراکز ارائه‌دهنده خدمات عمومی باشد.
- د - جرم به صورت سازمان یافته ارتکاب یافته باشد.
- ه - جرم در سطح گسترده‌ای ارتکاب یافته باشد.»
- ✓ همان‌گونه که ملاحظه می‌شود علل مشدده فوق مختص کلاهبرداری نبوده و شامل کلیه جرائم رایانه‌ای اعم از جعل، سرقت، دسترسی غیرمجاز و ... خواهد بود.
- ✓ رأی وحدت رویه شماره ۷۲۹ - مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱: «نظر به اینکه در صلاحیت محلی، اصل صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم است و این اصل در قانون جرائم رایانه‌ای نیز (مستفاد از ماده ۲۹) مورد تأکید قانون‌گذار قرار گرفته، بنابراین در جرم کلاهبرداری مرتبط با رایانه هرگاه تمهید مقدمات و نتیجه حاصل از آن در حوزه‌های قضائی مختلف صورت گرفته باشد، دادگاهی که بانک افتتاح‌کننده حساب زیان‌دیده از بزه که پول به طور متقلبانه از آن برداشت شده در حوزه آن قرار دارد صالح به رسیدگی است.»

تفاوت کلاهبرداری سنتی با کلاهبرداری رایانه‌ای		
کلاهبرداری سنتی	کلاهبرداری رایانه‌ای	
رفتار مجرمانه	توسل به وسایل یا عملیات متقلبانه	ارتکاب اعمالی از قبیل واردکردن، تغییر، محو، ایجاد یا متوقف کردن داده‌ها یا مختل کردن سامانه
نتیجه	بردن مال دیگری	تحصیل وجه یا مال یا منفعت یا خدمات یا امتیازات مالی برای خود یا دیگری
قربانی جرم	انسان	سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی

جرم تحصیل متقلبانه انحصر وراثت

مطابق ماده ۹ قانون تصدیق انحصر وراثت مصوب ۱۳۰۹/۷/۱۴: «هرگاه معلوم شود که مستدعی تصدیق با علم به عدم وراثت خود، تحصیل تصدیق وراثت نموده و یا با علم به وجود وارثی غیر از خود تحصیل تصدیق بر خلاف حقیقت کرده است کلاهبردار محسوب و علاوه بر ادای خسارت به مجازاتی که به موجب قانون برای این جرم مقرر است محکوم خواهد شد.»

نظریه مشورتی شماره ۷/۲۹۹۶ مورخ ۱۳۷۷/۵/۲۴: «اقدام احد ورثه در انتقال سهم بقیه ورثه با جعل امضاء از مصادیق ارتکاب جرم موضوع ماده ۱ قانون راجع به انتقال مال غیر بوده و به لحاظ داشتن عنصر مادی مشخص در ارتکاب جرم، مورد از موارد تعدد معنوی بوده، مشمول ماده (۱۳۱) ق.م.ا خواهد بود.»

- ✓ جرم تحصیل متقلبانه انحصر وراثت هم از سوی شخصی غیر از ورثه (با علم به عدم وراثت خود) و هم از سوی احد ورثه (با علم به وجود سایر وراثت) قابل ارتکاب است
- ✓ برای تحقق جرم تحصیل متقلبانه انحصر وراثت لازم است که مرتکب تصدیق انحصر وراثت را منحصرأً به نام خود دریافت کند، تا از این طریق سایرین را از سهم خود محروم ساخته و به اصطلاح سهم‌شان را بالا بکشد؛ بنابراین در صورتی که شخص در کنار اسم سایر وراثت، نام شخص دیگری را هم به دروغ وارد نماید، هر چند موجب کاهش سهم الارث سایر ورثه می‌گردد؛ ولی مشمول جرم موضوع ماده فوق نخواهد شد، شاید بتوان این رفتار را با رعایت سایر شرایط قانونی جعل دانست.
- ✓ برای تحقق جرم تحصیل متقلبانه انحصر وراثت، صرف تحصیل تصدیق حصر وراثت کافی است، ولو آنکه مرتکب نتواند در عمل به سهم سایر وراثت دسترسی پیدا کند.

جرم دریافت مال یا سند از سوی وکیل یا توسل به حيله مازاد بر حق الوکاله

مطابق ماده ۳۴ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵: «دریافت هر وجه یا مالی از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیر رسمی از او علاوه بر میزان مقرر به عنوان حق الوکاله و علاوه بر مخارج لازمه به هر اسم و هر عنوان که باشد ولو به عنوان وجه التزام و نذر ممنوع است و مرتکب به مجازات انتظامی از درجه پنج به بالا محکوم می‌شود و چنین سند و التزام در محاکم و ادارات ثبت منشأً ترتیب اثر نخواهد بود. در صورتی که وکیل این عمل را به طور حيله انجام دهد مثل اینکه پول یا مال یا سندی در ظاهر به عنوان دیگر و در باطن راجع به عمل وکالت باشد و یا در ظاهر به اسم شخص دیگر و در باطن برای خود بگیرد کلاهبردار محسوب و مورد تعقیب جزائی واقع خواهد شد»

جرم استفاده نادرست از ارز دولتی برای ورود کالا

مطابق تبصره ۲ ماده ۲ قانون اصلاح ماده دوم قانون مصوب ۱۳۲۷/۷/۱۸ راجع به کیفی استفاده نادرست از ارز دولتی برای ورود کالا مصوب ۱۳۲۷/۴/۳۱: «هر کس برای ورود کالا ارزی از دولت دریافت دارد و به مصرفی که دولت برای آن ارز داده است نرساند و یا به قیمت آزاد در بازار سیاه بفروشد و یا از طرق دیگر سوءاستفاده نماید و یا جنسی که با ارز دولتی تهیه می‌کند از قیمت مقرر قانونی گران‌تر بفروشد کلاهبردار محسوب و طبق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی قابل تعقیب کیفری است»

جرم قبول بیمه بدون داشتن پروانه بیمه

مطابق ماده ۶۹ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری، مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ «هر مؤسسه بیمه در رشته یا رشته‌های معینی که پروانه بیمه ندارد رأساً و یا به وسیله نمایندگان خود قبول بیمه نماید مکلف به جبران خسارت زیان‌دیده خواهد بود.»
تبصره ماده فوق: «هر شخص حقیقی یا حقوقی که بدون داشتن پروانه از مؤسسه بیمه تحت عنوان نمایندگی بیمه برای هر یک از رشته‌ها قبول بیمه نماید به مجازات مقرر در ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم خواهد شد.»

جرم عدم درج حقوق اشخاص در تقاضانامه ثبت مالکیت املاکی که سند آنها در اثر جنگ یا حوادث غیر مترقبه از بین رفته است

در مواردی که به دلیل جنگ و حوادث غیر مترقبه نظیر زلزله، سیل و آتش‌سوزی آثار اعیان املاک یا اسناد و مدارک ثبتی از بین رفته باشد، اشخاص ذی‌نفع می‌توانند با مراجعه به اداره ثبت و ارائه اسناد و مدارک و با رعایت سایر شرایط مقرر در قانون، تقاضای صدور سند مالکیت بنمایند؛ در صورتی که شخص متقاضی، حقوق سایر اشخاص ذی‌نفع را در تقاضانامه خود قید ننماید، کلاهبردار محسوب شده و به مجازات این جرم محکوم می‌گردد؛ مطابق ماده ۱۵ قانون نحوه صدور اسناد مالکیت املاکی که اسناد ثبتی آنها در اثر جنگ یا حوادث غیر مترقبه‌ای مانند زلزله، سیل و آتش‌سوزی از بین رفته‌اند مصوب ۱۳۶۹/۱۲/۲۸ مجلس و ۱۳۷۰/۲/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «کلیه اشخاصی که از مزایای مقرر در این قانون استفاده می‌کنند موظفند در تقاضانامه خود هرگونه حقی را که اشخاص حقیقی یا حقوقی نسبت به تمام یا قسمتی از املاک و اسناد مورد تقاضا دارند را منعکس نمایند در غیر این صورت چنانچه عالمأ و عامداً اعلام و منعکس ننمایند کلاهبردار محسوب و به مجازات آن محکوم خواهند شد.»

جرم فعالیت مؤسسات و واحدهای آموزشی، تحقیقاتی و فرهنگی بدون مجوز قانونی

به موجب ماده واحده قانون تعطیل مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی که بدون مجوز قانونی دایر شده و می‌شود مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۷: «اشخاصی که بدون اخذ مجوز از مراجع قانونی اقدام به ایجاد مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی از قبیل دانشگاه، مؤسسه آموزش عالی یا تحقیقاتی، مدرسه و آموزشگاه که از وظایف وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی، آموزش و پرورش، کار و امور اجتماعی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشد، نمایند و بعد از صدور دستور انحلال طبق ضوابط مقرر مؤسسه یا واحد مربوطه را دائر نگاهدارند در حکم کلاهبردار محسوب و در صورت شکایت وزارتخانه مربوطه تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت.»
برای تحقق جرم فوق، صرف تشکیل مؤسسات و واحدهای مزبور کفایت نمی‌کند و رفتار شخص زمانی جرم محسوب می‌شود که «بعد از صدور دستور انحلال طبق ضوابط مقرر مؤسسه یا واحد مربوطه را دائر نگاهدارند»؛ بنابراین در صورتی که شخصی به طور غیرقانونی اقدام به ایجاد این مؤسسات نموده و به محض صدور دستور انحلال، اقدام به منحل نمودن مؤسسه نماید، رفتار وی مشمول جرم فوق نخواهد بود.

جرم مبادرت به عملیات بیمه‌گری یا نمایندگی بیمه بدون مجوز قانونی

مطابق ماده ۶۰ قانون بیمه اجباری خسارت وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵/۲/۲: «فروش هر نوع بیمه‌نامه یا مبادرت به عملیات بیمه‌گری یا نمایندگی بیمه بدون مجوز قانونی، در حکم کلاهبرداری است و مرتکب علاوه بر مجازات کلاهبرداری، ضامن جبران خسارت وارده حسب مورد به زیان‌دیده یا صندوق به نرخ جبران می‌باشد.»

یه پیام غیربازرگانی: ما در سایت www.mollakarimi.ir، کانال تلگرام ([@omidmollakarimi](https://t.me/omidmollakarimi)) و صفحه اینستاگرام مون ([@vekalatyar](https://www.instagram.com/vekalatyar))، هر آنچه برای قبولی در آزمون‌های حقوقی نیاز است را به شما خواهیم داد! می‌دانیم که داوطلبان آزمون‌های حقوقی، زمانی که تصمیم می‌گیرند که شروع به خواندن نمایند در انتخاب منابع سردرگم هستند؛ کاری که ما انجام می‌دهیم این است که اوون منابعی رو که برای قبولی کفایت می‌کند رو به طور رایگان در اختیارتون می‌گذاریم و بهتون اطمینان می‌دیم که نیاز به خواندن منابع متعدد نخواهید داشت. در واقع، صدها داوطلبی که از این خدمات استفاده کردند و جواب گرفتن رو می‌تونیم شاهد عملکرد مثبتمون بدونیم.

جرایم در حکم کلاهبرداری جرایم ورشکستگی به تقلب یا تقلب

ورشکستگی به حالتی گفته می‌شود که تاجر به دلیل عدم کفایت دارایی از پرداخت بدهی‌های خود ناتوان شده و نمی‌تواند تعهدات خود را عملی کند. گاهی تجار با انجام رفتارهای متقلبانه نظیر مخفی کردن اموال یا از بین بردن آن به طور صوری خود را ورشکسته نشان می‌دهند تا از انجام تعهدات خود در برابر طلبکاران شانه خالی کنند، این موضوع که از تحت عنوان «ورشکستگی به تقلب» یا «ورشکستگی به تقلب» یاد می‌شود با واکنش کیفری مواجه شده و قانونگذار در مواد ۶۷۰ و ۶۷۱ ق.م.ا تعزیرات برای آن مجازات در نظر گرفته است.

جرم ورشکستگی به تقلب

ماده ۵۴۱ قانون تجارت: «تاجر در موارد ذیل ورشکسته به تقلب اعلان می‌شود:

۱- در صورتی که محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه مشاغلیه در ایام عادی بالنسبه به عایدی او فوق العاده بوده است.
۲- در صورتی که محقق شود که تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده صرف معاملات کرده که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض است.

۳- اگر به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی بالاتر یا فروشی نازل‌تر از مظنه روز کرده باشد یا اگر به همان قصد وسایلی که دور از صرفه است به کار برده تا تحصیل وجهی نماید اعم از اینکه از راه استقراض یا صدور برات یا به طریق دیگر باشد.

۴- اگر یکی از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد»

ورشکسته به تقلب، مثل کلاهبردار، موجب ورود ضرر به سایرین شده و در عین حال، ممکن است مرتکب اعمالی شده باشد که اطلاق عنوان متقلبانه با این اعمال دور از ذهن نیست. برای مثال به موجب بند ۳ ماده ۵۴۱ قانون تجارت یکی از مواردی که موجب ورشکسته به تقلب محسوب شده تاجر می‌شود، اقدام وی به خریدهایی بالاتر یا فروش‌هایی نازل‌تر از مظنه روز به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی است، که این اقدام ماهیتاً می‌تواند یک عمل متقلبانه باشد.

مجازات ورشکستگی به تقلب

ماده ۶۷۱ ق.م.ا تعزیرات: «مجازات ورشکسته به تقلب از شش ماه تا دو سال حبس است»

✓ اگر کسی با علم و اطلاع برای تاجر ورشکسته قرض کند و تا مدتی مانع ظهور ورشکستگی او شود، عمل او معاونت در جرم است.

جرم ورشکستگی به تقلب

ماده ۵۴۹ قانون تجارت: «هر تاجر ورشکسته که دفاتر خود را مفقود نموده یا قسمتی از دارایی خود را مخفی کرده و یا به طریق مواضعه و معاملات صوری از میان برده و همچنین هر تاجر ورشکسته که خود را به وسیله اسناد و یا به وسیله صورت دارایی و قروض به طور تقلب به میزانی که در حقیقت مدیون نمی‌باشد مدیون قلمداد نموده است ورشکسته به تقلب اعلام و مطابق قانون جزا مجازات می‌شود.» این‌گونه اعمال متقلبانه، که موجب ورود ضرر به اشخاص دیگر شده است، عمل تاجر ورشکسته را ماهیتاً شبیه کلاهبرداری می‌سازد.

✓ قانونگذار در مواد ۵۵۱ و ۵۵۲ قانون تجارت اشخاصی به غیر از تاجر را نیز تحت شرایطی کلاهبردار محسوب نموده است.

ماده ۵۵۱ قانون تجارت: «در مورد ورشکستگی اشخاص ذیل مجرم محسوب و مطابق قانون جزا به مجازات ورشکسته به تقلب محکوم خواهند شد:

۱- اشخاصی که عالمأً به نفع تاجر ورشکسته تمام یا قسمتی از دارایی منقول یا غیرمنقول او را از میان ببرند یا پیش خود نگاهدارند یا مخفی نمایند.

۲- اشخاصی که به قصد تقلب به اسم خود یا به اسم دیگری طلب غیر واقعی را قلمداد کرده و مطابق ماده ۴۶۷ انضمام داده باشند.»

ماده ۵۵۲ قانون تجارت: «اشخاصی که به اسم دیگری یا به اسم موهومی تجارت نموده و اعمال مندرجه در ماده ۵۴۹ را مرتکب شده‌اند به مجازاتی که برای ورشکسته به تقلب مقرر است محکوم می‌باشند.»

مجازات ورشکستگی به تقلب

ماده ۶۷۰ ق.م.ا تعزیرات: «کسانی که به عنوان ورشکستگی به تقلب محکوم می‌شوند به مجازات حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهند شد»

- ✓ رضایت طلبکاران در ورشکستگی به تقلب تاجر، تأثیری در مجازات ندارد.
- ✓ اگر کسی با علم و اطلاع برای تاجر ورشکسته قرض کند و تا مدتی مانع ظهور ورشکستگی او شود، عمل او معاونت در جرم است.

جرم تعدی نسبت به دولت

ماده ۵۹۹ ق.م.ا تعزیرات: «هر شخصی عهده‌دار انجام معامله یا ساختن چیزی یا نظارت در ساختن یا امر به ساختن آن برای هر یک از ادارات و سازمان‌ها و مؤسسات مذکور در ماده (۵۹۸) بوده است به واسطهٔ تدلیس در معامله از جهت تعیین مقدار یا صفت یا قیمت بیش از حد متعارف مورد معامله یا تقلب در ساختن آن چیز نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کند، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا پنج سال محکوم خواهد شد»

- ✓ در بسیاری از موارد نهادها و ادارات دولتی یا عمومی، انجام یک پروژه خاص مانند احداث یک ساختمان برای یک نهاد دولتی را به شخص دیگری می‌سپارند و آن شخص نیز اقدام به خرید مصالح نامرغوب نموده و با فریب و جعل فاکتور آن مصالح را مرغوب و دارای قیمت بسیار بالاتر نشان می‌دهد، تا مابقی مبلغ آن را به نفع خود یا دیگری تحصیل نماید. در واقع این جرم را باید مشابه کلاهبرداری دانست. با این تفاوت که بزه‌دیده در این جرم یک نهاد دولتی یا عمومی است؛ البته مرتکبین این جرم، برخلاف بزه تصرف غیرقانونی لزوماً از کارکنان یک نهاد دولتی یا عمومی نمی‌باشد و ممکن است یک فرد عادی یا یک شرکت خصوصی (مانند یک شرکت ساختمانی) مرتکب این جرم شود.
- ✓ جرم فوق در زمره جرائم مقید به شمار می‌رود و تحقق آن منوط به تحصیل نفعی (نفع مادی) برای مرتکب یا شخص مورد نظر مرتکب است و صرف اضرار به دولت بدون انتفاع مرتکب یا شخص مورد نظر او مشمول ماده فوق نخواهد بود. با توجه به مقید بود جرم فوق برای تحقق آن علاوه بر قصد رفتار مجرمانه (قصد تدلیس) قصد در نتیجه (قصد تحصیل مال) نیز لازم است.
- ✓ با توجه به اطلاق لفظ «معامله» در ماده فوق، تحصیل منفعت از طریق تدلیس در کلیه معاملات اعم از منقول یا غیرمنقول مشمول ماده فوق می‌باشد. برای مثال در فرضی که آقای «الف» به عنوان نماینده یک شرکت خصوصی که عهده‌دار خرید مواد غذایی برای یک نهاد دولتی است، مواد غذایی را با قیمتی بسیار پایین‌تر از قیمت درج شده در فاکتور خریداری کرده و از این طریقی نفعی عاید خود کند، به مجازات مقرر در ماده فوق محکوم خواهد شد.

ماده مرتبط با ماده فوق: مطابق ماده ۱۰۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹: «هر نظامی که عهده‌دار انجام معامله یا ساختن چیزی یا نظارت در ساختن یا امر به ساختن آن برای نیروهای مسلح بوده و به واسطه تدلیس در معامله از جهت تعیین مقدار یا صفت یا قیمت بیش از حد متعارف مورد معامله یا تقلب در ساختن آن چیز، نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کند یا موجب ضرر نیروهای مسلح گردد علاوه بر جبران خسارت وارده و جزای نقدی معادل بهای مال مورد تدلیس به ترتیب زیر محکوم می‌شود:

- الف - در صورتی که سود حاصله یا ضرر وارده تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد به حبس از شش ماه تا دو سال
 - ب - چنانچه سود حاصله یا ضرر وارده بیش از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد به حبس از یک تا پنج سال
 - ج - هرگاه سود حاصله یا ضرر وارده بیش از یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد به حبس از دو تا ده سال
- ✓ این جرم فقط از سوی نظامیان محقق می‌شود.

جرم تبانی در معاملات دولتی

مطابق ماده واحده قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸/۳/۱۹: «اشخاصی که در معاملات یا مناقصه‌ها و مزایده‌های دولتی یا شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت یا مأمور به خدمات عمومی و یا شهرداری‌ها با یکدیگر تبانی کنند و در نتیجه ضرری متوجه دولت و یا شرکت‌ها و مؤسسات مذکور بشود به حبس تأدیبی از یک تا سه سال و جزای نقدی به میزان آنچه من غیر حق تحصیل کرده‌اند محکوم می‌شوند. هر گاه مستخدمین دولت یا شرکت‌ها و یا مؤسسات مزبور یا شهرداری‌ها و همچنین کسانی که به نحوی از انحاء از طرف دولت یا شرکت‌ها و یا مؤسسات فوق در انجام معامله یا مناقصه یا مزایده دخالت داشته باشند و با علم یا اطلاع از تبانی معامله را انجام دهند یا به نحوی در تبانی شرکت

یا معاونت کنند به حداکثر مجازات حبس و انفصال ابد از خدمات دولتی و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها محکوم خواهند شد.

✓ جرم تبانی در معاملات دولتی موضوع ماده مذکور و ماده ۶۰۳ ق.م.ا تعزیرات در زمره جرائم اقتصادی، به شمار می‌رود و مشمول الزامات و محدودیت‌های مقرر در مواد ۳۶، ۴۷ و ۱۰۹ ق.م.ا می‌باشد.

جرم کلاشی

ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی تعزیرات: «هر کس ... کلاشی را پیشه خود قرار داده باشد و از این راه امرار معاش نماید ... به حبس از یک تا سه ماه محکوم خواهد شد و چنانچه با وجود توان مالی مرتکب عمل فوق شود علاوه بر مجازات مذکور کلیه اموالی که از طریق ... کلاشی به دست آورده است مصادره خواهد شد»

کلاشی در لغت به معنای مفلس، ولگرد و حيله‌گر است و در اصطلاح نیز به کسی گفته می‌شود که به دروغ و دغل از دیگری مالی بستاند. کلاشی جرمی به عادت و مقید می‌باشد.

شرایط تحقق جرم کلاشی

۱. مرتکب این کار را پیشه خود قرار داده باشد.
 ۲. مرتکب از این راه امرار معاش نماید.
- ✓ برای تحقق کلاشی لازم نیست که مرتکب حتماً بی‌بضاعت باشد و چنانچه به رغم توانایی مالی دست به چنین رفتارهایی بزند، کلیه اموالی که از این طریق به دست آورده است نیز مصادره خواهد شد؛ اما اگر واقعاً فقیر بوده باشد، مصادره اموال منتفی است.
- ✓ مثالی برای کلاشی: شخصی به صورت مکرر و به دروغ به مردم می‌گوید که ماشینش خراب‌شده و همراه خود پول ندارد و برای تعمیر از آن‌ها مبالغی دریافت می‌کند.

تفاوت کلاشی با کلاهبرداری

۱. در کلاشی فرد با یک دروغ ساده، مال را از دیگری می‌گیرد، در حالی که کلاهبرداری مستلزم عملیات و مانور متقلبانه است.
 ۲. در کلاشی حتی اگر طرف مقابل فریب نخورده و صرفاً از سر دلسوزی مال را به مرتکب بدهد، این جرم محقق می‌شود، در حالی که در کلاهبرداری بردن مال باید در نتیجه فریب طرف مقابل باشد و اگر آن فریب بر خلاف آگاهی از متقلبانه بودن اظهارات شخص، مالی را به او بدهد، به دلیل قطع رابطه سببیت بحث کلاهبرداری منتفی است.
 ۳. در کلاشی لزوماً مالی تحصیل نمی‌شود و نپرداختن پول یا بدهی هم مشمول کلاشی است (مانند کسی که هر روز در رستوران‌های مختلف غذا خورده و وانمود کند که کیف پول خود را جا گذاشته است)، در حالی که کلاهبرداری مستلزم تحصیل مال است و در صورتی که شخصی با مانور متقلبانه وانمود کند که مفلس بوده و از این طریق دیون خود را نپردازد، کلاهبردار محسوب نمی‌شود.
 ۴. کلاشی جرمی به عادت است، در حالی که کلاهبرداری جرمی ساده است و برای تحقق آن نیاز به تکرار جرم نیست.
- ✓ تفاوت کلاشی با اخاذی در آن است که، در کلاشی مرتکب با فریب و دروغ و از طریق به دست آوردن حس ترحم سایرین از آنان مالی می‌ستاند، در حالی که در اخاذی مرتکب با توسل به زور و تهدید (باج‌گیری) سایرین را وادار به دادن پول یا سایر اموال خود می‌نماید.

جرائم دارای مجازات کلاهبرداری

قانونگذار برای بعضی از جرائم صرفاً مجازات کلاهبرداری را در نظر گرفته است که این جرائم در حال حاضر همگی قابل گذشت و با مجازات ۶ ماه تا ۳ سال و ۶ ماه حبس (درجه ۵) می‌باشد.

این جرائم عبارتند از: ۱- جرم معرفی مال غیر به عوض مال خود، ۲- جرم نقل و انتقال اموال موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی به منظور فرار از مقررات این قانون

جرم معرفی مال غیر به عوض مال خود

تعریف جرم معرفی مال غیر به عوض مال خود از نظر دکتر ملاکریمی: «معرفی مال غیر به عوض مال خود از جانب محکوم‌علیه یا مدیون یا ضامن یا کفیل بدون مجوز قانونی همراه با سوءنیت و عملیاتی نسبت به آن مال» مطابق ماده ۲ قانون مجازات اشخاصی که مال غیر را به عوض مال خود معرفی می‌نمایند مصوب ۱۳۰۸/۲/۳۱: «محکوم‌علیه یا مدیون یا ضامن یا کفیلی که بدون مجوز قانونی و با علم به اینکه مال متعلق به او نیست مال غیر را مال خود معرفی کرده و عملیاتی نسبت به آن مال شده باشد مطابق قسمت اخیر ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی مجازات خواهد شد.»

- ✓ رفتار مجرمانه جرم معرفی مال غیر به عوض مال خود، فقط به صورت فعل مثبت خواهد بود که عبارت است از معرفی مال غیر به عنوان مال خود که توسط محکوم‌علیه یا مدیون یا ضامن یا کفیل صورت می‌گیرد.
- ✓ مرتکبین این جرم فقط کسانی هستند که عهده‌دار پرداخت مالی یا دینی هستند، خواه به طور مستقیم (محکوم‌علیه یا مدیون) و یا غیرمستقیم (ضامن یا کفیل) می‌باشند؛ تا بدین شکل با فریب طلبکار و معرفی مال دیگری به جای مال خود ذمه خود را بری نمایند. برای مثال در صورتی که شخص «الف» به عنوان مدیون زمینی را که متعلق به دیگری است و او با عملیاتی مانند محصور کردن و نصب نام خود و ... متعلق به خودش قلمداد می‌کند، به قاضی اجرای احکام معرفی می‌کند تا از این طریق شخص «ب» آن را به جای محکوم‌به بپذیرد، مرتکب جرم معرفی مال غیر به عوض مال خود شده است. واضح است که در صورتی که شخص «ب» تقاضای محکوم‌علیه را پذیرفته و زمین را به جای طلب خود بردارد و پس از ورود به زمین متوجه شود که متعلق به دیگری بوده است، ضامن خساراتی که از این جهت بر مالک اصلی وارد شده است، نخواهد بود و تمام مسؤلیت بر عهده شخص «الف» است.
- ✓ نتیجه حاصله جرم معرفی مال غیر به عوض مال خود باید انجام عملیاتی نسبت به مال باشد، مثل اینکه مال در معرض حراج گذاشته شود یا برای مزایده معرفی شود؛ بنابراین این جرم در زمره جرائم مرکب به شمار می‌رود. البته برای تحقق این جرم نیازی به پذیرش مال از جانب دائن یا بستانکار نیست و همین که مرتکب آن مال را به نام خود معرفی کرده و عملیاتی هم نسبت به آن انجام داده باشد، کفایت می‌کند. واضح است در صورتی که در نتیجه رفتار مرتکب، طرف مقابل مال دیگری را به جای طلب خود بردارد، رفتار مرتکب با رعایت سایر شرایط مقرر در قانون، مشمول جرم انتقال مال غیر خواهد بود.
- ✓ عنصر روانی این جرم عبارت است از آگاهی معرفی‌کننده نسبت به عدم تعلق مال به وی.

جرم نقل و انتقال اموال موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی به منظور فرار از مقررات این قانون

مطابق ماده ۱۴ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۳/۵/۱۷: «هرگونه نقل و انتقال اموال موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی به منظور فرار از مقررات این قانون پس از اثبات باطل و بلااثر است انتقال‌گیرنده در صورت مطلع بودن و انتقال‌دهنده به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهد شد.»

جرم خیانت در امانت

تعریف جرم خیانت در امانت

تعریف جرم خیانت در امانت از نظر دکتر ملاکریمی عبارت است از: «استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نمودن، مالی که از طرف مالک یا متصرف قانونی از طریق قانونی به کسی سپرده به قصد اضرار مالک یا متصرف و بنا به استرداد یا به مصرف معین رساندن مال سپرده شده باشد»؛ به عبارت دیگر خیانت در امانت عبارت است از رفتار عمدی و خلاف قرارداد امین در مال سپرده شده به ضرر مالک یا سپارنده

عناصر تشکیل‌دهنده جرم خیانت در امانت

عنصر قانونی جرم خیانت در امانت: عنصر قانونی جرم خیانت در امانت در حقوق ایران ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و عنصر قانونی خیانت در امانت‌های خاص قوانین و مواد متفرقه‌ای هستند که به آنها اشاره خواهیم کرد.

ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات: «هرگاه اموال منقول یا غیرمنقول یا نوشته‌هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی‌اجرت به کسی داده شده و بنا بر این بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود یا

به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد.»

عنصر مادی جرم خیانت در امانت: عنصر مادی جرم خیانت در امانت متشکل از ۳ جزء عبارت است از: ۱- رفتار مجرمانه در جرم خیانت در امانت ۲- شرایط و اوضاع و احوال برای تحقق جرم خیانت در امانت ۳- نتیجه حاصله جرم خیانت در امانت
رفتار مجرمانه در جرم خیانت در امانت: رفتار مجرمانه مرتکب در جرم خیانت در امانت شامل ۴ فعل: ۱- استعمال نمودن، ۲- تصاحب، ۳- اتلاف و ۴- مفقود کردن می‌باشد، اکنون به شرح این موارد می‌پردازیم:

۱. **استعمال نمودن:** منظور از استعمال، مصرف کردن یا مورد استفاده قرار دادن مالی امانی است؛ مثل اینکه امین اقدام به مصرف دارو یا پوشیدن لباس نماید. همچنین هرگونه استعمال ناروای مال مورد امانت، در صورتی که با سوءنیت همراه باشد، موجب تحقق جرم خیانت در امانت است؛ به عبارت دیگر استعمال با بقای عین نیز ممکن بوده و ملازمه با از بین رفتن عین ندارد؛ مثل اینکه امین به قصد ضرر زدن به مالک و بر خلاف حدود استعمال عرفی برخلاف موازین عرفی، مصالح ساختمانی از قبیل آجر، سنگ، خاک، سیمان، تیرآهن و گچ را در داخل پورشه که به منظور استفاده شخصی امین یا به رسم امانت به وی سپرده شده است حمل نماید.

۲. **تصاحب:** منظور از تصاحب، برخورد مالکانه کردن با مال می‌باشد؛ یعنی اینکه کسی مال دیگری را برای خود دانسته و با آن برخوردی کند که معمولاً مالک حق چنین برخورداری را با مال دارد، مثل اینکه مال را به فروش برساند یا اجاره دهد در رهن گذارد و یا از استرداد آن خودداری نماید.

۳. **تلف نمودن:** اتلاف یا تلف نمودن مال مورد امانت یعنی از بین بردن آن به هر وسیله ممکن (از قبیل آتش زدن، شکستن، پاره کردن و ...) می‌باشد. اتلاف ممکن است با مباشرت شخص امین صورت گیرد، مثل اینکه امین شخصاً کتاب مورد را پاره کند و یا اینکه مسبب از بین رفتن مال مورد امانت شود، مثلاً با وجود طوفان شدید ظرف عتیقه مورد امانت را در کنار پنجره قرار دهد، تا در نتیجه وزش باد ظرف عتیقه به پایین پرت شده و بشکند. اتلاف اعم از است، اتلاف کل مال (مثل آتش زدن کتاب) و اتلاف جزء (مثل خراب کردن موتور اتومبیل یا خراب کردن یک ورق از کتاب) و اتلاف وصف (مثل اینکه امین با سوءنیت بر روی رنگ زیبا و مرغوب اتومبیل، رنگ نامرغوبی زده و بدین وسیله، موجب کاهش قیمت آن شود) تلف کرد مال با ترک فعل نیز صورت می‌گیرد. مثل اینکه امین از آب دادن و در معرض آفتاب قرار دادن گل‌های گران‌بهای که به عنوان امانت در نزد او است خودداری نماید.

۴. **مفقود نمودن:** ممکن است امین بدون اینکه مال مورد امانت را تلف کند، موجب شود که دسترسی مالک به مال عملاً غیرممکن گردد، مانند اینکه الماس مورد امانت را به داخل دریا پرتاب کند، یا اینکه الماس موجود است، اما دسترسی آن برای مالک غیرممکن است. یا برای مثال باز کردن قفس طوطی و پرواز کردن و از دسترس خارج شدن این پرنده.

رفتار مجرمانه جرم خیانت در امانت: استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نمودن مال سپرده شده

✓ انجام رفتار مجرمانه (استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نمودن مال سپرده شده) زمانی خیانت در امانت محسوب می‌شود که این رفتارها از جانب کسی که مال را به امانت گرفته است، انجام شود و اگر شخص دیگری دست به چنین رفتارهایی بزند (مانند سارق که مال را از امین برآید) اساساً امانت‌گیرنده را نمی‌توان مجرم قلمداد کرد؛ مگر اینکه اقدامات با اطلاع او صورت گرفته باشد که در این صورت شاید بتوان او را معاون در جرم دانست؛ مطابق رأی شماره ۸۴ - ۱۳۲۳/۶/۲۳: «اگر کسی اشیایی نزد یک نفر امانت گذارد و یک نفر دیگر اشیاء دیگر را به دستور امانت‌دار بفروشد، یا رهن گذارد، در صورت علم این شخص نسبت به امانت بودن اشیاء موضوع بحث، مشاژلیه معاونت در بزه خیانت در امانت کرده است و نمی‌توان او را مرتکب اصلی دانست؛ زیرا که شرط تحقق بزه موضوع ماده ۲۴۱ قانون کیفر عمومی (ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات) سپرده شدن مال به کسی است که به ضرر مالک به یکی از طرق مذکور در آن ماده تصرف نماید» ناگفته نماند در مواردی که امین هدف خود را از طریق شخص ثالثی عملی نماید (مانند آنکه شخصی را مجبور به تلف نمودن مال امانی نموده یا با فریب خود را صاحب مال نشان داده یا از صغیر غیر ممیز یا مجنون استفاده نماید) با توجه به اقوی بودن سبب از مباشر، رفتار امین خیانت در امانت محسوب می‌شود.

شرایط و اوضاع و احوال برای تحقق جرم خیانت در امانت: از میان همه شرایطی که وجود آنها برای تحقق جرم خیانت در امانت

ضروری است، ۳ شرط مهم وجود دارد که عبارتند از:

۱. موضوع جرم باید عین مال یا وسیله تحصیل مال باشد

۲. سپردن شدن مال به امین به یکی از راه‌های قانونی با شرط استرداد یا به مصرف معین رساندن

۳. تعلق مال به دیگری

۱. **موضوع جرم خیانت در امانت باید عین مال یا وسیله تحصیل مال باشد:** موضوع جرم خیانت در امانت، مال می‌باشد. همچنین موضوع جرم خیانت در امانت طبق تصریح ماده ۶۷۴ ق.م.ا.ت.عزیرات در مورد «نوشتجاتی از قبیل، سفته و چک و قبض و نظایر آن» که در حقیقت وسیله تحصیل مال می‌باشند، نیز قابل ارتکاب است؛ بنابراین هرگاه مثلاً موجر زودتر از زمان مقرر برای تخلیه ملک، چکی را که مستأجر بابت تضمین تخلیه در اختیار وی گذاشته است به بانک ارائه نماید جرم خیانت در امانت محقق شده است.
- ✓ هرگاه کسی فرزند خود یا چیزهایی مثل مواد مخدر یا مشروبات الکلی یا حشرات بی‌ارزش که یا در نگاه شرع و یا از نظر عرف مالیت ندارند را به دیگری بسپارد، یا او را نسبت به اسرار زندگی یا اسرار راجع به اختراع خود، امین قرار دهد، خیانت در امانت منتفی است؛ زیرا هیچ یک از این موارد مال محسوب نشده و مالیت ندارند.
۲. **سپردن شدن مال به امین به یکی از راه‌های قانونی با شرط استرداد یا به مصرف معین رساندن:** این شرط متشکل از ۳ جزء به شرح ذیل می‌باشد:

۱. **سپرده شدن مال به امین:** برای تحقق جرم خیانت در امانت لازم است که مال موضوع جرم توسط مالک یا متصرف قانونی به امین داده سپرده شده باشد؛ و الا اگر شخصی خودش مالی را به دست آورده باشد، ارتکاب جرم خیانت در امانت توسط امین منتفی است.

✓ منظور از سپردن در جرم خیانت در امانت، سپردنی است که از نظر قانونی و شرعی صحیح به شمار رود؛ بنابراین در فرضی که مرتکب مال را به واسطه اکراه از صاحب مال یا متصرف قانونی بگیرد یا شخصی که مال را از او گرفته است، صغیر غیر ممیز یا مجنون باشد، رفتار مرتکب خیانت در امانت محسوب نمی‌شود و رفتار وی با دیگر عناوین مجرمانه نظیر سرقت، کلاهبرداری یا تحصیل مال از طریق نامشروع قابل انطباق است.

✓ منظور از سپردن در جرم خیانت در امانت، قراردادن مال تحت استیلا دیگری است و صرف در دسترس گذاشتن، به معنای سپردن آن نیست؛ برای مثال در فرضی که صاحب طلا فروشی، گردن بند طلا را در دسترس دیگری قرار داده تا آن را برای خرید بررسی کند، اما آن شخص فوراً پا به فرار بگذارد، رفتار وی سرقت محسوب می‌شود، نه خیانت در امانت؛ در حالی که اگر در همین مثال گردن بند به دیگری داده می‌شد تا آن را به خانه برده و پس از مشورت با سایرین نظر خود را اعلام کند، در صورت پس ندادن مال، رفتار او خیانت در امانت محسوب می‌شود، نه سرقت؛ چرا که در اینجا مال به استیلا دیگری (نه صرفاً در دسترس او) قرار گرفته است. بدیهی است در فرضی که مرتکب وانمود به قصد خرید نماید و اساساً قصد خرید نداشته باشد، رفتار وی به دلیل قصد تقلب در گرفتن مال و رفتار فریبکارانه، کلاهبرداری به شمار می‌رود؛ بنابراین در مواردی که ارباب رجوع برای ورود به مراجع قضایی، کلانتری‌ها و دیگر اماکن تلفن همراه خود را در اختیار سرباز یا نگهبان آن محل قرار داده و شخص آن را بردارد، رفتار وی سرقت محسوب می‌شود، نه خیانت در امانت (همچنین است کفشداری‌های مساجد و اماکن متبرکه، مسؤول تحویل کمد در باشگاه‌های ورزشی و غیره...) بر همین اساس قانونگذار در بند (۶) ماده ۶۵۶ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مقرر داشته است: «هر گاه اداره‌کنندگان هتل و مسافرخانه و کاروانسرا و کاروان و به طور کلی کسانی که به اقتضای شغل اموالی در دسترس آنان است تمام یا قسمتی از آن را مورد دستبرد قرار دهند (سارق محسوب می‌شوند).»

✓ تصرف در اموال گمشده (لقطه) خیانت در امانت نیست.

• **آیا جهیزیه در دست شوهر امانت است، یا نه؟ عدم استرداد جهیزیه توسط زوج خیانت در امانت محسوب می‌شود یا خیر؟**

✓ پاسخ این سؤال منفی است. جهیزیه در ایام ازدواج در اختیار زوجه و مورد استفاده خانواده است و زوج امین محسوب نمی‌شود، گرفتن رسید جهیزیه ازدواج هنگام نکاح فقط حاکی از حمل جهیزیه به خانه زوج و تعلق جهیزیه به زوجه است. عدم استرداد آنها فقط مستلزم

مطالبه فقط از طریق حقوقی خواهد بود.

- ✓ اگر امین فوت کرده و ورثه او مال سپرده شده به امین را تصاحب یا تلف یا مفقود یا استعمال کنند، ورثه امین مرتکب جرم خیانت در امانت نشده‌اند؛ زیرا مال به آنان سپرده نشده بوده است.
 - ✓ تصاحب امین نسبت به مالی امانی بعد از فوت (مالک) امانت‌گذار، خیانت در امانت می‌باشد.
 - ✓ موارد امانت قانونی یعنی مواردی که مقنن شخصی را نسبت به مالی امین فرض کرده بدون آنکه عنصر سپردن به شرط استرداد یا مصرف معین وجود داشته باشد، جز در موارد مصرّحه خیانت در امانت محسوب نمی‌شود؛ بنابراین به طور مثال نمی‌توان وصی را که به موجب ماده ۸۵۸ قانون مدنی نسبت به اموالی که بر حسب وصیت در ید او می‌باشد و حکم امین را دارد و ولی قهری (پدر یا جد پدری) را که مسؤول اداره اموال مولی علیه می‌باشد، در صورت تصاحب اموال موصی یا مولی علیه، از لحاظ کیفری مسؤول دانست و به مجازات خیانت در امانت محکوم کرد؛ زیرا این موارد امانت، قانونی می‌باشد؛ به عبارت دیگر قانون وصی و ولی قهری را امین دانسته است و مال به وصی و ولی قهری سپرده نشده است.. ناگفته نماند که در این مورد نظر مخالف نیز وجود دارد که به موجب آن رابطه امانی قانونی، از قبیل آنچه ذکر شد نیز می‌تواند منشأ جرم خیانت در امانت قرار گیرد. حتی دیوان عالی کشور نیز در رأی شماره ۸۰۵۴/۲۲۸ اشعار می‌دارد: «کلمه داده شده در ماده (۶۷۴ ق.م.ا تعزیرات) به معنای حقیقی خود که عبارت است از تأدیه و تسلیم مال یا وجه نقد یا اشیاء امانتی از طرف امانت‌گذار به دست امین، استعمال نشده و در صدق عنوان مزبور کافی است که اشیاء مزبور به نحوی از انحاء در اختیار امین قرار گرفته یا تحت استیلائی او در آید ...»
 - ✓ برای اینکه مالی را سپرده شده به امین محسوب کنیم، لازم نیست که عین آن مال به وی سپرده شده باشد؛ بنابراین وجه حاصل از فروش مالی که به امین سپرده شده است، یا وجه حاصل از نقد کردن چک سپرده شده و یا عواید و منافع حاصل از مال سپرده شده نیز به تبع خود مال سپرده شده به امین محسوب می‌گردد. بدین ترتیب اگر کسی اتومبیلی خود را به دیگری بسپارد تا آن را بفروشد و وجه حاصل از فروش را مسترد داشته یا به مصرف معینی برساند، تصاحب وجه حاصل از فروش موجب تحقق جرم خیانت در امانت خواهد شد و تصاحب‌کننده نمی‌تواند، با استناد به اینکه وجه، برخلاف اتومبیل به او سپرده نشده است، از مسؤولیت کیفری ناشی از خیانت در امانت شانه خالی کند.
 - ✓ حکم فوق در مورد منافع و عواید مال مورد امانت نیز عیناً صادق است؛ بنابراین میوه درختان باغی که به شخصی سپرده شده است، یا بزه متولد شده از گوسفند سپرده شده به او، یا عواید حاصله از اتومبیلی که به راننده سپرده شده تا با آن کار کرده و عواید حاصله از بخشی از آن را به مالک اتومبیل مسترد دارد و یا پول خرد حاصل از خرد کردن اسکناسی که کسی مأموریت خرد کردن آن را به دیگری داده است، به تبع عین اموال، سپرده شده به فرد امین محسوب می‌گردند و تصاحب آنها موجب تحقق جرم خیانت در امانت می‌شود.
 - ✓ سپرده شدن عین اموال به طور مستقیم ضرورتی ندارد، بلکه اموال ممکن است به اعتبار سپرده شدن کلید محلی که آن اموال در آن قرار دارند، سپرده شده به شخص امین محسوب شوند. کسی که کلید خانه یا اتومبیل خود را به دیگری می‌دهد یا مسافری که کلید اتاق خود را به هتل دار می‌سپارد؛ در واقع با این کار خود اتومبیل و یا اثاثیه و لوازم داخل اتاق را به وی می‌سپارد، و در نتیجه ارتکاب رفتار خائنه نسبت به اتومبیل یا اثاثیه و لوازم توسط دریافت‌کننده کلید موجب تحقق جرم خیانت در امانت می‌گردد.
 - ✓ اگر مالکی مال خود را نزد امینی بسپارد و شخص ثالثی با علم به امانت بودن آن مال و به دستور امین، مال را بفروشد یا رهن دهد، عمل شخص ثالث معاونت در جرم خیانت در امانت است، زیرا مال به شخص ثالث سپرده نشده تا مرتکب اصلی محسوب شود.
 - ✓ در رابطه با اموال مثلی نظیر سکه، شمش طلا، پول و ارز که به عنوان امانت نزد دیگری سپرده شده‌اند، تعهد امین به بازگرداندن مثل آن مال است و نیازی به بازگرداندن همان سکه یا اسکناس‌ها نیست، برای مثال ممکن است شخصی ۱۰ اسکناس ده هزار تومانی را نزد دیگری به امانت بگذارد و آن شخص، آن اسکناس‌ها را خرج کند، در این صورت چنانچه در زمان مطالبه، امین، ۱۰ اسکناس ده هزار تومانی دیگری به او برگرداند، رفتار او خیانت در امانت محسوب نمی‌شود.
۲. **سپردن شدن مال به یکی از راه‌های قانونی:** منظور از این شرط آن است که مال باید توسط متصرفی که تصرف وی مورد حمایت قانون قرار دارد به امین سپرده شده باشد، تا به تبع آن سپردن وی مورد حمایت قرار گیرد؛ بنابراین:

✓ اگر مالی توسط سارق یا غاصب (که تصرف آنها غیرقانونی است) به امین سپرده شود و امین به جای استرداد آن به سارق یا غاصب، آن را به مالک اصلی یا به مقامات صلاحیت‌دار دهد، نه تنها مرتکب جرم خیانت در امانت نشده است، بلکه به وظیفه قانونی خود عمل کرده است.

✓ همچنین اگر مالی توسط سارق یا غاصب (که تصرف آنها غیرقانونی است) به امین سپرده شود و امین، به جای استرداد مال به مالک یا متصرف قانونی خودش مال را تصاحب کند، عمل امین خیانت در امانت محسوب نمی‌شود؛ زیرا مال توسط متصرف قانونی سپرده نشده و سپردن منتفی است (یعنی آنچه که از نظر قانون «سپردن» محسوب می‌شود) و به تبع آن خیانت در امانت منتفی است. و آگاهی یا عدم آگاهی شخص امین نسبت به اینکه عنصر سپردن مخدوش بوده است، تأثیری ندارد.

✓ تصاحب مال مسروقه توسط امین، در صورت وجود سایر شرایط، علاوه بر مسؤولیت مدنی، ممکن است در صورت وجود سایر شرایط، موجب مسؤولیت کیفری او به موجب ماده ۶۶۲ ق.م.ا.ت.ج نیز بشود. نکته مهم این که اگر گیرنده از همان ابتدا از مسروقه بودن مال آگاه باشد، جرم موضوع ماده مذکور از همان زمان محقق می‌شود. ماده ۶۶۲ ق.م.ا.ت.ج: «هر کس با علم و اطلاع یا با وجود قرائن اطمینان‌آور به اینکه مال در نتیجه ارتکاب سرقت بدست آمده است آن را به نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد در صورتی که متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد به حداکثر مجازات در این ماده محکوم می‌گردد.»

۳. **استرداد یا به مصرف معین رساندن مال سپرده شده:** در صورتی می‌توان گیرنده مال را به ارتکاب جرم خیانت در امانت محکوم کرد که او موظف به استرداد یا به مصرف معین رساندن مال سپرده شده باشد، مثل وکیلی که موظف است، پس از خاتمه دعوا، اسناد و مدارک راجع به دعوا را به موکل مسترد دارد، یا شخصی که از سوی دیگری مأمور شده است اموالی را که او در اختیارش گذاشته است، به یک مؤسسه خیریه تسلیم کند.

✓ تخلف در عقد قرض موجب تحقق جرم خیانت در امانت نمی‌شود، زیرا قرض جزء عقود تملیکی است و جرم خیانت در امانت فقط در عقود امانی واقع می‌شود، نه در عقود تملیکی مثل قرض و بیع.

✓ وقتی موضوع پول نقد است، جرم خیانت در امانت متزلزل می‌گردد، چون از حالت شیء بودن خارج می‌شود. اگر کسی بسته‌ای پول به دیگری بدهد و بگوید: «همین بسته پول را صرف فلان کار کن» آن اسکناس‌ها مهم نیست و فقط مبلغ آن پول مهم است که تعدی در آن دیگر موجب خیانت در امانت نمی‌گردد، در این مورد بحث امانت مطرح نیست، بلکه تعهد مطرح است.

✓ صرف عدم استرداد مال مورد امانت، خیانت در امانت نیست، بلکه سوءنیت در عمل مزبور شرط تحقق جرم خیانت در امانت است؛ بنابراین اگر امین در قبال مطالبه حق الزحمه نگاهداری مال مورد امانت از استرداد آن خودداری کند قابل تعقیب و مجازات نیست.

✓ اجاره اماکن مسکونی و تجاری و اداری تابع قانون خاص است و خودداری از استرداد پس از انقضای مدت اجاره از شمول مقررات کیفری خارج بوده و حقوقی است، در این خصوص می‌توان به نظریه شماره ۷/۱۲۵۱ مورخ ۱۳۷۶/۳/۷ حقوقی اداره قوه قضاییه اشاره کرد که چنین مقرّر داشته است: «صرف عدم تخلیه مورد اجاره پس از انقضای مدت اجاره، استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود کردن مورد اجاره به ضرر مالک نمی‌باشد، تا مشمول ماده ۶۷۴ ق.م.ا.ت.ج تعزیرات گردد. مضافاً اینکه در کلیه جرائم رکن معنوی جرم شرط تحقق جرم می‌باشد و مجرد عدم تخلیه عین مستأجره پس از انقضای مدت، نوعاً ملازمه‌ای با سوءنیت ندارد و با در نظر گرفتن عسر و حرج برای مستأجر من حیث المجموع، عمل مستأجر فاقد وصف کیفری بوده و جرم تلقی نمی‌گردد» با وجود این اگر مستأجر مورد اجاره را بفروشد یا عمداً تلف کند با وجود شرایط پیش‌بینی شده در قانون می‌توان گفت که مرتکب خیانت در امانت شده است. البته این اعمال با عناوین مجرمانه دیگری مانند تخریب نیز منطبق است که به نظر می‌رسد که مشکل را باید به استناد قواعد راجع به تعدد معنوی حل کرد.

۳. **تعلق مال به دیگری:** در صورتی که امین، مالک عین مال سپرده شده به او باشد، تصاحب مال توسط امین را نمی‌توان خیانت در امانت نیست؛ بنابراین:

✓ هرگاه مرتهن عین مرهونه را برای مدت کوتاهی به راهن بسپارد تا مجدداً آن را از وی باز پس گرفته و به عنوان وثیقه دین تا تأدیة کامل دین،

نزد خود نگاه دارد، ولی راهن از استرداد مال مرهون خودداری کند، راهن مرتکب جرم خیانت در امانت نشده است.

- ✓ آقای (الف) یک دستگاه اتومبیل به مدت یک سال از آقای (ب) اجاره کرده است و مال الاجاره را به طور کامل پرداخته است؛ آقای (الف) به دلیل سفری که در پیش دارد در اواسط سال اتومبیل را به آقای (ب) سپرده تا پس از مراجعت از سفر آن را باز پس گرفته و تا پایان سال مورد استفاده قرار دهد؛ پس از بازگشت آقای (الف)، آقای (ب) از استرداد اتومبیل خودداری می‌نماید، عمل وی را، هر چند که موجب محروم شدن مستأجر (آقای الف) از منفعت مال می‌شود، نمی‌توان خیانت در امانت دانست؛ زیرا آقای (ب) مالک اتومبیل است.
- ✓ شخصی مال خود را نزد تنها وارث خود به امانت می‌سپارد، بعد از مرگ آن شخص، وارث هر اقدامی نسبت به مال امانی انجام دهد، خیانت در امانت محسوب نمی‌شود.

آیا خیانت در امانت در اموال مشاع توسط أحد شرکا قابل ارتکاب است؟

- **نظر اول:** با لحاظ اینکه هر جزء از مال مشاع متعلق به کلیه شرکا است، نمی‌توان نسبت به هر یک از شرکا کلمه «مال غیر» را در نظر گرفت، پس ارتکاب جرم خیانت در امانت نسبت به مال مشاع منتفی است.
- **نظر دوم:** با لحاظ اینکه در تمامی اجزا مال مشاع، شرکا شریک اند نمی‌توان آن مال را متعلق به هر یک از شرکا فرض کرد و تحقق خیانت در امانت توسط هر شریک نسبت به مال مشاع ممکن است. (این نظر مبتنی بر تفسیر بر اساس عدل و انصاف صادر شده است)
- **رای وحدت رویه شماره ۱۰ مورخ ۱۳۵۵/۷/۲۱:** «ارتکاب جرم تخریب باغ متعلق به غیر در صورتی که مقرون به قصد اضرار یا جلب منافع غیرمجاز با سوءنیت باشد، قابل تعقیب است، هر چند مالکیت مال به طور اشاعه و اشتراک باشد.
- ✓ **نتیجه گیری:** با لحاظ تفسیر به نفع متهم و اکتفا به قدر متیقن، بر مبنای رأی وحدت رویه که صرفاً تکلیف تحقق جرم تخریب در اموال مشاع را روشن ساخته است و اینکه شرط لازم خیانت در امانت تعلق به مال غیر است، نه عدم تعلق مال به مرتکب، و با لحاظ اصول حقوقی، جرم خیانت در امانت در اموال مشاع قابل تحقق نیست. (تأیید نظریه اول)

نتیجه حاصله جرم خیانت در امانت: خیانت در امانت از زمره جرائم مقید می‌باشد، که تحقق آن منوط به این است که رفتار مرتکب منتهی به نتیجه خاصی شود. قسمت اخیر ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات چنین مقرر داشته است: «... شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید ...» بدین ترتیب ورود ضرر به مالک یا متصرف، بر اثر فعل مرتکب، لازمه تحقق جرم خیانت در امانت می‌باشد؛ اعم از این که این ضرر مشتمل بر منفعتی برای شخص خائن باشد یا خیر.

✓ ذبح کردن حیوان سپرده شده‌ای که در شرف موت است، برای جلوگیری از حرام شدن گوشت آن، یا فروختن میوه‌های سپرده شده‌ای که در آستانه خراب شدن قرار گرفته‌اند به قصد کنار گذاشتن پول آنها برای صاحب میوه‌ها، خیانت در امانت نیست؛ زیرا این کار ضرری به مالک نمی‌زند، بلکه برعکس وی را منتفع می‌سازد.

✓ ورود ضرر از نظر حقوق جزا لزوماً به معنی آن نیست که از دیدگاه بازاری و عرفی نیز ضرر ملموسی متوجه شخص شده باشد؛ بنابراین کسی که قطعه جواهر گران قیمت و بیمه شده دیگری را که به او سپرده شده است تلف می‌کند، در صورت وجود سایر شرایط خائن در امانت محسوب می‌شود، هر چند که مالک بعداً بتواند (به فرض آنکه قرارداد بیمه چنین اجازه‌ای را بدهد) مبلغی معادل چند برابر ارزش مبادلاتی را که آن مال در زمان تلف داشته است به عنوان خسارت از شرکت بیمه دریافت کند و بدین ترتیب، نه تنها ضرر وارده به خود را جبران کند، بلکه حتی نفعی هم ببرد.

✓ برای تحقق ضرر، نیازی به زنده بودن مالک یا متصرف مال نیست و برای مثال در فرضی که شخصی در زمان حیات خود مالی را برای فروش به دیگری سپرده و امین مال را تصاحب کرده باشد، وراثت متوفی، با وجود اینکه خودشان مال را به دیگری سپرده‌اند، می‌توانند برای تعقیب مرتکب اقدام به طرح شکایت نمایند.

✓ ضرر وارده می‌بایست در نتیجه رفتار امین بوده باشد و به عبارت دیگر باید میان رفتار شخص و نتیجه حاصله رابطه سببیت وجود داشته باشد؛ برای مثال در فرضی که شخصی گاوی را به امینی بسپارد، و امین از دادن علوفه به گاو خودداری کند و گاو بمیرد، سپس معلوم شود که تلف گاو در نتیجه بیماری قبلی آن بوده است، به دلیل عدم وجود رابطه علی و معلولی مرتکب را نمی‌توان به مجازات جرم خیانت در امانت محکوم نمود.

شروع به خیانت در امانت

مجازات شروع به خیانت در امانت

با توجه به اینکه شروع به جرم در همه موارد قابل مجازات نیست، مگر در موارد پیش‌بینی شده در قانون و با توجه به اینکه این موارد در ماده ۱۲۲ ق.م.ا پیش‌بینی شده است؛ شروع به جرم در این ماده در جرائم تعزیری که مجازات آن حبس تا درجه ۵ است قابل مجازات می‌باشد. مجازات خیانت در امانت مطابق ماده ۶۷۴ ق.م.ا تعزیرات حبس از ۶ ماه تا ۳ سال می‌باشد؛ اما با توجه به ماده ۱۰۴ ق.م.ا اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ که جرم خیانت در امانت را قابل گذشت دانسته همچنین به موجب تبصره الحاقی ماده ۱۰۴ ق.م.ا به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ که چنین بیان داشته است: «حداقل و حداکثر مجازات‌های حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد.» بنابراین مجازات جرم خیانت در امانت ۳ ماه تا ۱ سال و ۶ ماه حبس می‌باشد؛ بنابراین برای تعیین درجه جرم باید حداکثر مجازات توجه کرد و چون حداکثر مجازات جرم خیانت در امانت ۱ سال و ۶ ماه حبس است؛ در گروه بیش از ۶ ماه تا ۲ سال قرار می‌گیرد؛ لذا خیانت در امانت که جزء مجازات تعزیری درجه ۶ است شروع به خیانت در امانت قابل مجازات نیست؛ زیرا شروع به جرم در مورد جرائمی که مجازات آنها حبس درجه ۵ است قابل مجازات می‌باشد.

عنصر روانی جرم خیانت در امانت

علم به موضوع: در جرم خیانت در امانت، موضوع جرم، مال متعلق به دیگری است و مرتکب در جرم خیانت در امانت الزاماً باید علم به امانی بودن مال داشته باشد.

سوءنیت عام: سوءنیت عام عبارت است از قصد ارتکاب رفتار مجرمانه می‌باشد در تمام جرائم عمدی، سوءنیت عام از اجزای اصلی رکن روانی است، در جرم خیانت در امانت نیز مرتکب باید در انجام عمل ارتكابی عاقد باشد؛ یعنی مرتکب باید قصد و عمد در استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نمودن مال سپرده‌شده را داشته باشد. برای مثال در فرضی که دست امین به طور اتفاقی به مجسمه‌ای که به عنوان امانت نزد او گذاشته شده بود، برخورد کرده و موجب شکستن مجسمه شود، به دلیل فقدان قصد مجرمانه نمی‌توان او را مجرم تلقی کرد.

سوءنیت خاص: سوءنیت خاص عبارت است از قصد تحقق نتیجه که در جرائم عمدی مقید باید وجود داشته باشد، در جرم خیانت در امانت نیز که یک جرم مقید به نتیجه است، سوءنیت خاص باید وجود داشته باشد. سوءنیت خاص در جرم خیانت در امانت قصد نتیجه که ضرر رساندن به مالک یا متصرف است، می‌باشد؛ بنابراین در فرضی که سرایدار یک ویلا، به دلیل بارش شدید باران و بیم آسیب به بنا مجبور شود قسمتی از باغچه را برای ساختن مجرای آب خراب کند، رفتار وی را نمی‌توان به دلیل نداشتن قصد ضرر خیانت در امانت دانست.

ارتکاب جرم خیانت در امانت

مباشر (فاعل) جرم خیانت در امانت: مباشر یا فاعل جرم خیانت در امانت کسی است مال سپرده شده به وی را استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید، به عبارت دیگر فاعل جرم خیانت در امانت، شخصی است که کلیه عناصر تشکیل‌دهنده جرم خیانت در امانت در وجود وی جمع باشد

شرکت در جرم خیانت در امانت: لازمه شرکت در خیانت در امانت این است که استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نمودن مال سپرده‌شده به شرکا مستند به عمل همه شرکا باشد.

معاونت در جرم خیانت در امانت: اگر شخصی با علم به قصد مرتکب جرم خیانت در امانت، ارتکاب این جرم را برای وی تسهیل کند، یا اینکه وسایل ارتکاب جرم خیانت در امانت را برای او فراهم کند، یا نحوه ارتکاب جرم خیانت در امانت را با علم به قصد وی به او ارائه کند، یا او را برای انجام جرم خیانت در امانت ترغیب، یا تهدید یا تحریک یا تطمیع نماید، معاون جرم خیانت در امانت محسوب می‌شود.

مجازات جرم خیانت در امانت

مجازات اصلی جرم خیانت در امانت

مجازات خیانت در امانت مطابق ماده ۶۷۴ ق.م.ا تعزیرات حبس از ۶ ماه تا ۳ سال می‌باشد؛ اما با توجه به ماده ۱۰۴ ق.م.ا اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ که جرم خیانت در امانت را قابل گذشت دانسته همچنین به موجب تبصره الحاقی ماده ۱۰۴ ق.م.ا به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ که چنین بیان داشته است: «حداقل و حداکثر مجازات‌های حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد.» بنابراین مجازات جرم خیانت در امانت ۳ ماه تا ۱ سال و ۶ ماه حبس می‌باشد.

✓ انتشار حکم محکومان به این جرم در روزنامه محلی تحت هیچ شرایطی امکان‌پذیر نیست.

مجازات شریک در جرم خیانت در امانت: مجازات هر یک از شرکا جرم خیانت در امانت، مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود؛ یعنی: مجازات هر یک از شرکای جرم خیانت در امانت از ۳ ماه تا ۱ سال و ۶ ماه حبس می‌باشد.

مجازات معاون در جرم خیانت در امانت:

با توجه به اینکه جرم خیانت در امانت جز جرائم تعزیری درجه ۶ محسوب شده و مجازات معاون مطابق بند «ت» ماده ۱۲۷ ق.م.ا: «یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی» می‌باشد؛ بنابراین مجازات معاون در این فرض، مجازات تعزیری درجه ۷ یا ۸ به انتخاب قاضی خواهد بود.

مجازات تکمیلی جرم خیانت در امانت

با توجه به این که مجازات خیانت در امانت نیز از نوع تعزیر می‌باشد. و به استناد ماده ۲۳ ق.م.ا دادگاه می‌تواند در مورد فردی که مرتکب جرم تعزیری شده است، مجازات تکمیلی را نیز علاوه بر مجازات اصلی تعیین نماید. لذا دادگاه می‌تواند برای مرتکب جرم خیانت در امانت علاوه بر مجازات اصلی، مجازات تکمیلی نیز تعیین کند.

مجازات تبعی جرم خیانت در امانت

با توجه به ماده ۲۵ ق.م.ا که محکومیت قطعی به حبس تا درجه پنج در جرائم عمدی محکوم علیه را از حقوق اجتماعی محروم می‌کند؛ در مورد مرتکب جرم خیانت در امانت حبس آن درجه ۶ می‌باشد، لذا در مورد مرتکب جرم خیانت در امانت مجازات تبعی وجود ندارد.

جرم خیانت در امانت	
استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نمودن، مالی که از طرف مالک یا متصرف قانونی از طریق قانونی به کسی سپرده به قصد اضرار مالک یا متصرف و بنا به استرداد یا به مصرف معین رساندن مال سپرده شده باشد	
خیانت در امانت جرمی، ساده، آنی و مقید است	
عناصر قانونی	ماده ۶۴۷ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی «قانون تعزیرات» مصوب ۱۳۷۵
عناصر مادی	رفتار مجرمانه
	شرایط و اوضاع و احوال
	سپردن شدن مال به امین به یکی از راه‌های قانونی با شرط استرداد یا به مصرف معین رساندن
	سپردن شدن مال به امین
تعلق مال به دیگری	سپردن شدن مال به امین به یکی از راه‌های قانونی با شرط استرداد یا به مصرف معین رساندن
نتیجه حاصله جرم	ضرر رساندن به مالک یا متصرف
عناصر روانی	علم به موضوع
	سوء نیت عام
	سوء نیت خاص
مجازات	۳ ماه تا ۱ سال و ۶ ماه حبس

یه نکته بسیار مهم: ده‌ها جزوه سبک و روان حقوقی که به طور شگفت‌انگیزی شیوا و گیرا و رسا توضیح دادم و قول می‌دم که اگر فقط یکی از اوونها رو از سایتیم (www.mollakarimi.ir) مطالعه کنید به جزواتم اعتیاد پیدا می‌کنید! در ضمن کلیه جزوات رو به طور رایگان در اختیارتون می‌گذاریم و بهتون اطمینان می‌دیم که نیاز به خواندن منابع متعدد نخواهید داشت.

در مورد جرم خیانت در امانت نکات ذیل قابل توجه است:

- ✓ خودداری از استرداد مال الاجاره بعد از انقضای مدت اجاره از شمول مقررات کیفری خارج بوده و در شمول دعاوی حقوقی است.
 - ✓ فروش و تلف عین مال الاجاره، توسط مستأجر می‌تواند در شمول جرم خیانت در امانت قرار گیرد.
 - ✓ عقود قرار گرفته در شمول جرم خیانت در امانت عقود امانی هستند نه عقود تملیکی؛ بنابراین عقد قرض که به مفهوم تملیک عین در مقابل تعهد به رد مثل است از شمول بحث خارج است. در عقد قرض مال به مقترض تملیک شده و وی متقابلاً متعهد می‌گردد که مثل آن را از حیث مقدار، جنس و وصف به مقرض رد کند و هرگونه تصرف مقترض، تصرف در مال خویش است و عدم استرداد مثل آن خیانت در امانت نیست، فقط می‌تواند موجب تحقق دعوی حقوقی گردد؛ بنابراین اگر کسی مبلغ یک میلیارد ریال از دیگری قرض بگیرد تا به یک انجم خیره کمک کند، ولی این مبلغ را در شرط‌بندی فوتبال ببازد، به جرم خیانت در امانت محکوم نخواهد شد، چون قرض ایجاد رابطه امانی نمی‌کند و رکن سپردن منتفی است و مال به مالکیت او درآمده است و هر طور که مایل بوده می‌توانسته آن را تصرف و تملک کند، هر چند اگر قماربازی محرز باشد، می‌توان او را محکوم به جرم قماربازی موضوع ماده ۷۰۵ ق.م.ا تعزیرات نمود.
 - ✓ (الف) با حيله و تقلب موفق به اخذ حواله یک دستگاه اتومبیل می‌شود و سپس قبض حواله را (ب) که در جریان حيله و تقلب قرار دارد می‌سپارد، تا اتومبیل را تحویل گرفته و به او مسترد کند. (ب) پس از تحویل اتومبیل از مسترد کردن آن به (الف) خودداری می‌کند:
 - * (الف) و (ب) شریک در کلاهبرداری‌اند، که هر یک جزئی از اجزای جرم مرکب کلاهبرداری را، توسط به وسایل متقلبانه و تحصیل مال غیر را انجام داده‌اند.
 - * (ب) مرتکب خیانت در امانت نشده است؛ زیرا مال به طریق قانونی به او سپرده نشده است و (الف) نیز نسبت به وسیله تحصیل مال، قانونی نبوده است.
 - ✓ شخصی تخته قالی مستعملی را نزد سمسار گذاشته تا پس از فروش وجه آن دریافت نماید، اگر سمسار پس از فروش از پرداخت وجه حاصل از فروش به صاحب قالی خودداری کند، مرتکب خیانت در امانت شده است.
 - ✓ کسی که از مسترد کردن سند مالکیت اتومبیلی که نزد او به امانت گذاشته شده خودداری کند و روز بعد آن را تلف نماید، مرتکب خیانت در امانت شده است.
 - ✓ خیانت در امانت در زمره جرائم آنی محسوب می‌شود و به محض انجام یکی از رفتارهای مجرمانه (استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نمودن مال سپرده شده) جرم محقق می‌شود و استمرار آثار آن را نمی‌توان به منزله مستمر بودن جرم دانست، برای مثال در مورد استعمال مال سپرده شده) به محض استفاده غیرمجاز از آن، جرم خیانت در امانت تحقق می‌یابد
 - ✓ گاه رفتاری که شخص برای ارتکاب خیانت در امانت مرتکب می‌شود، دارای عنوان مجرمانه مستقل است، برای مثال در فرضی که امین مال امانی را بفروشد یا آن را تخریب نماید، در این مثال‌ها رفتار مرتکب علاوه بر خیانت در امانت مرتکب جرم انتقال مال غیر یا تخریب نیز شده است و به عبارت دیگر رفتار واحد او متضمن دو عنوان مجرمانه مستقل است، در این موارد دادگاه موظف است با رعایت مقررات تعدد معنوی و با استناد به ماده ۱۳۱ ق.م.ا حکم به مجازات جرم شدیدتر صادر نماید.
- اگر امین به قصد تقاص و احقاق حقوق خود از استرداد مال به مالک آن خودداری ورزد، آیا می‌توان رفتار او را خیانت در امانت دانست؟
- ✓ در پاسخ به این سؤال میان نویسندگان اختلاف نظر وجود دارد، ولی به نظر می‌رسد که با توجه به آنکه رفتار امین در این موارد، نه به دلیل قصد ضرر رساندن به مالک بلکه به دلیل احقاق حقوق خود بوده است، عمل او را نتوان خیانت در امانت دانست.

تفاوت جرم کلاهبرداری با جرم خیانت در امانت	
جرم کلاهبرداری	جرم خیانت در امانت
سپردن مال در اثر عملیات متقلبانه است	سپردن مال در اثر رضایت مالک یا متصرف قانونی است
رفتار مجرمانه کلاهبرداری با بردن مال دیگری در نتیجه مانور متقلبانه کامل می‌شود.	رفتار مجرمانه خیانت در امانت با استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نمودن مال سپرده‌شده کامل می‌شود.
نتیجه کلاهبرداری ضرر رساندن به دیگری به همراه نفع بردن کلاهبردار یا شخص مورد نظر او واقع می‌شود.	نتیجه خیانت در امانت ضرر رساندن به مالک یا متصرف قانونی است، اعم از اینکه خائن منتفع شود یا نشود.

✓ با توجه به تفاوتی که بین دو جرم کلاهبرداری و خیانت در امانت از نظر عنصر حیله و تقلب وجود دارد، عمل واحد نمی‌تواند واجد هر دو عنوان کلاهبرداری و خیانت در امانت باشد، از آن رو که اگر بردن مال حاصل مانور متقلبانه توسط مجرم، و در نتیجه فریب خوردن قربانی باشد، جرم کلاهبرداری ارتکاب می‌یابد؛ ولی در صورتی که بدون هیچ صحنه‌سازی متقلبانه‌ای مال با رضایت مالک یا متصرف قانونی به شخص سپرده شده باشد و وی آن را تصاحب کند، جرم خیانت در امانت تحقق خواهد یافت.

تعدد یا تکرار جرم خیانت در امانت

تعدد جرم در مورد جرم خیانت در امانت

- **تعدد معنوی:** حالت مجرمی است که مرتکب رفتار واحدی شده است، ولی این رفتار واحد دارای عناوین متعدد مجرمانه می‌باشد، که در این صورت مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود؛ به طور مثال اگر امین مال مورد امانت را با سوءنیت بفروشد، رفتارش هم با عنوان مجرمانه خیانت در امانت و هم با عنوان مجرمانه انتقال مال غیر منطبق است؛ به عبارت دیگر این فرض یکی از مثال‌های تعدد معنوی است، یعنی رفتار واحد دارای عناوین متعدد مجرمانه، که در این صورت مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود، که در این مثال مجازات جرم انتقال مال غیر اعمال می‌شود.
- **تعدد واقعی:** تعدد واقعی حالت مجرمی است که مرتکب چند رفتار مجرمانه مستقل از یکدیگر شده باشد، بدون آنکه در فاصله مابین آنها تعقیب، محاکمه، و مجازات شده باشد؛ به عبارت دیگر ارتکاب چندین جرم بدون آنکه درباره آنها رسیدگی شده و حکمی صادر شده باشد.

تعدد واقعی در جرائم تعزیری (جرم خیانت در امانت)		
حدافل مجازات افزایش می‌یابد؛ یعنی حدافل مجازات، بیش از میانگین حدافل تا حداکثر مجازات مقرر قانونی است. برای مثال اگر کسی مرتکب دو فقره خیانت در امانت شده باشد؛ قاضی فقط یک مجازات تعیین می‌کند و می‌تواند حدافل مجازات، بیش از میانگین حدافل تا حداکثر مجازات مقرر قانونی باشد؛ یعنی ۳ ماه تا ۱ سال و ۶ ماه، ۱۰/۵ ماه تا ۱ سال و ۶ ماه حبس می‌شود.	تعدد جرائم ۲ یا ۳ فقره باشد	جرائم متعدد ارتكابی مختلف نباشد (مشابه باشد) فقط یک مجازات تعیین و اجرا می‌شود)
حداکثر مجازات تعیین می‌شود و قاضی می‌تواند بیش از حداکثر مجازات تا یک‌چهارم آن تعیین کند. برای مثال در خیانت در امانت قاضی می‌تواند حداکثر مجازات را که ۱ سال و ۶ ماه است تعیین کند و می‌تواند تا یک‌چهارم به ۱ سال و ۶ ماه اضافه کند، یعنی مجازات را بیش از ۱ سال و ۶ ماه تا ۲۲/۵ ماه در نظر بگیرد و می‌تواند این کار را انجام ندهد.	تعدد جرائم بیش از ۳ فقره باشد	مجازات جرم اشد اجرا می‌شود)
حدافل مجازات افزایش می‌یابد؛ یعنی حدافل مجازات بیش از میانگین حدافل و حداکثر مجازات مقرر قانونی است.	تعدد جرائم ۲ یا ۳ فقره باشد	جرائم متعدد ارتكابی مختلف باشد (فقط مجازات جرم اشد اجرا می‌شود)
حداکثر مجازات هر جرم تعیین می‌شود و قاضی می‌تواند بیش از حداکثر مجازات تا یک‌چهارم آن تعیین کند.	تعدد جرائم بیش از ۳ فقره باشد	مجازات جرم اشد اجرا می‌شود)

- ✓ منظور از جرائم متعدّد ارتكابی مختلف نباشد (مشابه باشد)، این است که به طور مثال فرد مرتکب چند فقره خیانت در امانت شده باشد.
- ✓ منظور از جرائم متعدّد ارتكابی مختلف باشد، این است که به طور مثال فرد مرتکب جرم خیانت در امانت و انتقال مال غیر شده باشد.

تکرار جرم در مورد جرم خیانت در امانت

تکرار جرم در تعزیرات وضعیت مجرمی است که یک‌بار مرتکب جرم عمدی قابل تعزیر از درجه ۱ تا ۵ شده و مورد رسیدگی قرار گرفته و حکم محکومیت قطعی در مورد او صادر شده است و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مجدداً مرتکب جرم قابل تعزیری درجه ۱ تا ۶ شده باشد. با توجه به اینکه جرم خیانت در امانت جزء جرائم تعزیری درجه ۶ است؛ لذا اگر فرد سابقه محکومیت به جرائم عمدی تعزیری درجه ۱ تا ۵ داشته باشد و قبل از حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان، مرتکب جرم خیانت در امانت شود در این حالت وضعیت مرتکب مطابق با قاعده تکرار جرم است و مجازات او تشدید می‌شود؛ بدین صورت که حداقل مجازات افزایش می‌یابد، یعنی حداقل مجازات بیش از میانگین حداقل و حداکثر قانونی خواهد بود. به طور مثال برای مرتکب جرم خیانت در امانت از ۱۰/۵ ماه تا ۱ سال و ۶ ماه حبس تعیین می‌شود و قاضی می‌تواند بیش از حداکثر تا یک چهارم آن را تعیین کند یعنی بیش از ۱ سال و ۶ ماه تا ۲۲/۵ ماه در نظر بگیرد.

تخفیف مجازات جرم خیانت در امانت

تخفیف مجازات، یعنی پایین آوردن میزان مجازات از مجازاتی که قانونگذار معین کرده است. در خصوص مرتکب جرم خیانت در امانت که جزء جرائم تعزیری است (تعزیر درجه ۶) در صورت احراز جهات تخفیف مذکور مقرر در ماده ۳۸ ق.م.ا قاضی می‌تواند مجازات مرتکب جرم خیانت در امانت را تخفیف دهد و به استناد ماده ۳۷ ق.م.ا در مورد میزان حبس قاضی می‌تواند ۱ تا ۲ درجه مجازات را تقلیل دهد؛ یعنی در خصوص مرتکب جرم خیانت در امانت که مجازات حبس تعزیری درجه ۶ است، مجازات را به حبس تعزیری درجه ۷ و یا ۸ تقلیل دهد. یا اینکه مجازات را به جزای نقدی متناسب با همان درجه یعنی درجه ۶ تبدیل کند.

✓ قاضی برای تخفیف مجازات، باید مجازاتی کمتر از حداقل مجازات مقرر در قانون برای مرتکب تعیین نماید، لذا حداقل مجازات خیانت در امانت که ۳ ماه حبس است و حبس تعزیری درجه ۷، بیش از ۳ ماه تا ۶ ماه است؛ با این وجود قاضی نمی‌تواند در جهت تخفیف مجازات مرتکب خیانت در امانت حبس تعزیری درجه ۷ را انتخاب نماید؛ زیرا اگر این کار را انجام دهد در حقیقت تخفیفی برای مرتکب اعمال نکرده است؛ زیرا بدون وجود جهات تخفیف هم می‌توانست برای مرتکب جرم خیانت در امانت ۳ ماه حبس را که حداقل مجازات برای این جرم است، انتخاب نماید؛ در نهایت اینکه قاضی در صورتی که می‌خواهد مجازات مرتکب جرم خیانت در امانت را تخفیف دهد، باید حبس تعزیری درجه ۸ را یعنی کمتر از ۳ ماه حبس انتخاب نماید.

• آیا قاضی می‌تواند جرم حبس مرتکب جرم خیانت در امانت را در صورت وجود جهات تخفیف به مجازات دیگری تبدیل نماید یا خیر؟

✓ پاسخ سؤال مثبت است. در این خصوص می‌توان به بند «ب» ماده ۳۷ ق.م.ا استناد کرد، که چنین مقرر داشته است: «حبس درجه پنج و درجه شش به میزان یک تا دو درجه یا تبدیل این مجازات و مجازات حبس درجه هفت حسب مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه؛» تبدیل کرد؛ یعنی حبس خیانت در امانت را که درجه ۶ است به جزای نقدی درجه ۶ تبدیل کرد.

اعمال جهات تأخیر اجرای مجازات در خیانت در امانت

تعویق صدور حکم در جرم خیانت در امانت: با توجه به اینکه مجازات جرم خیانت جزء جرائم تعزیری در امانت درجه ۶ می‌باشد و با توجه به اینکه تعویق صدور حکم در جرائم تعزیری درجه ۶ تا ۸ امکان‌پذیر می‌باشد، لذا در جرم خیانت در امانت امکان صدور قرار تعویق صدور حکم وجود دارد.

تعلیق اجرای مجازات در جرم خیانت در امانت: با توجه به اینکه بر طبق ماده ۴۶ ق.م.ا تعلیق اجرای مجازات در مورد جرائم تعزیری درجه ۳ تا ۸ در صورت وجود شرایط امکان‌پذیر است و جرم خیانت در امانت جزء جرائم تعزیری درجه ۶ می‌باشد و بنابراین مجازات جرم خیانت در امانت قابل تعلیق است.

نظام نیمه آزادی در جرم خیانت در امانت: با توجه به اینکه مجازات خیانت در امانت جزء جرائم تعزیری درجه ۶ است، ولی جزء جرائم قابل گذشت است؛ لذا در خصوص مرتکب جرم خیانت در امانت امکان استفاده از نظام نیمه آزادی وجود ندارد.

آزادی مشروط در جرم خیانت در امانت: با توجه به اینکه مجازات جرم خیانت در امانت حبس تعزیری کمتر از ۱۰ سال حبس است، لذا اگر مرتکب یک‌سوم مجازات تعیین شده در دادنامه را تحمل کرده باشد و در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد و حالات و رفتار مرتکب جرم خیانت در امانت در زندان نشان دهد که پس از آزادی دیگر مرتکب جرم نمی‌شود و به تشخیص دادگاه محکوم به جرم خیانت در امانت تا آنجا که استطاعت دارد، ضرر و زیان را که مورد حکم و موافقت مدعی خصوصی است بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد همچنین در صورتی که قبلاً از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد قاضی دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند حکم آزادی مشروط مرتکب جرم خیانت در امانت را صادر نماید.

مجازات جایگزین حبس در جرم خیانت در امانت: امکان استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس در جرم خیانت در امانت وجود ندارد؛ زیرا امکان استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس در جرائم عمدی با حداکثر مجازات تا یک سال حبس امکان‌پذیر است، در حالی که حداکثر مجازات خیانت در امانت ۱ سال و ۶ ماه حبس است؛ لذا امکان استفاده از جایگزین‌های حبس در جرم خیانت در امانت وجود ندارد.

اعمال جهات سقوط اجرای مجازات در جرم خیانت در امانت

گذشت در جرم خیانت در امانت

در حال حاضر با به استناد ماده ۱۰۴ ق.م.ا، اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳: جرم خیانت در امانت جزء جرائم تعزیری قابل گذشت می‌باشد و با گذشت شاکی خصوصی نیز تعقیب یا مجازات موقوف می‌شود

مرور زمان در جرم خیانت در امانت

مرور زمان شکایت: مرور زمان شکایت فقط در جرائم تعزیری قابل گذشت جریان دارد و شامل جرائم تعزیری غیرقابل گذشت نمی‌شود؛ بنابراین در خصوص جرم خیانت در امانت که جزء جرائم تعزیری قابل گذشت است، مرور زمان شکایت در خصوص این جرم جریان دارد و مدت مرور زمان شکایت ۱ سال از تاریخ اطلاع بزه‌دیده از وقوع جرم است؛ بنابراین اگر بزه‌دیده ظرف این مدت اقدام به طرح شکایت نکند، دیگر شکایت کیفری او قابل استماع نخواهد بود.

مرور زمان تعقیب و مرور زمان صدور حکم: در صورتی که از تاریخ وقوع جرم یا از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی، مدت زمانی که قانونگذار در نظر گرفته است، سپری شود و در این فاصله هیچ اقدام تعقیبی انجام نشود و یا اینکه منتهی به صدور حکم قطعی نشده باشد دیگر امکان تعقیب و محاکمه متهم وجود نخواهد داشت؛ به عبارت دیگر در این فرض تعقیب به عمل نیامده و مجرم محکومیت جزایی پیدا نکرده است.

لازم به ذکر است که تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا مرور زمان تعقیب و صدور حکم را شامل جرائم تعزیری منصوص شرعی نمی‌داند، لذا این محدودیت شامل جرم خیانت در امانت نمی‌شود به دلیل اینکه خیانت در امانت جزء جرائم تعزیری غیرمنصوص شرعی است. بنابراین جرم خیانت در امانت مشمول مرور زمان تعقیب می‌شود و با توجه به اینکه جرم خیانت در امانت جزء جرائم تعزیری درجه ۶ می‌باشد، مدت مرور زمان تعقیب در جرم خیانت در امانت ۵ سال می‌باشد؛ یعنی اگر از زمان وقوع جرم خیانت در امانت ۵ سال سپری شده باشد و هیچ اقدام تعقیبی یا تحقیقی انجام نشده باشد، مرتکب این جرم قابل تعقیب نیست و قاضی باید به استناد بند «ث» ماده ۱۳ ق.ا.د.ک قرار موقوفی تعقیب صادر کند و همچنین اگر از زمان آخرین اقدام تعقیبی مدت ۵ سال سپری شده باشد و حکمی صادر نشده باشد، قاضی باید در این فرض نیز برای مرتکب جرم خیانت در امانت قرار موقوفی تعقیب صادر نماید.

✓ در مورد جرم خیانت در امانت، مبدأ مرور زمان، تاریخ مطالبه مال مورد امانت و انکار امین است، نه تاریخ تودیع مال نزد امین.

مرور زمان اجرای مجازات: سپری شدن مدت زمانی که قانونگذار از زمان صدور حکم قطعی در نظر گرفته است که در این صورت دیگر حکم صادره قابلیت اجرایی نخواهد داشت؛ به عبارت دیگر در فرض مرور زمان اجرای مجازات، تعقیب به عمل آمده و مجرم محکوم شده است، ولی مجازات اجرا نگردیده است، مرور زمان اجرای مجازات موجب معافیت محکوم جزایی از مجازات است، ولی محکومیت جزایی به سبب آن زایل نمی‌گردد.

مرور زمان اجرای مجازات فقط شامل جرائم تعزیری می‌شود، بنابراین جرم خیانت در امانت که جزء جرائم تعزیری درجه ۶ است مشمول مرور زمان می‌شود و مدت آن ۷ سال از تاریخ قطعی حکم است؛ بنابراین اگر از تاریخ قطعی حکم صادره جرم خیانت در امانت ۷ سال سپری شده باشد و حکم اجرا نشده باشد، حکم دیگر قبل اجرا نخواهد بود و قاضی اجرای احکام قرار موقوفی اجرای مجازات را مطابق ماده ۵۰۵ ق.آ.دک صادر می‌نماید.

✓ در مورد جرم خیانت در امانت، مبدأ مرور زمان اجرای مجازات، تاریخ قطعی حکم صادره می‌باشد.

✓ مرور زمان اجرای مجازات، مانع اجرای مجازات می‌شود، ولی آثار محکومیت به قوت خود باقی است.

تأثیر توبه بر مجازات مرتکب جرم خیانت در امانت: اگر مرتکب جرم خیانت در امانت توبه نماید، با توجه به اینکه این جرم، جزء جرائم تعزیری درجه ۶ می‌باشد، لذا شامل حکم ماده ۱۱۵ ق.م.ا خواهد بود؛ یعنی به استناد آن مجازات ساقط می‌شود؛ زیرا اثر توبه در جرائم تعزیری درجه ۶ و ۷ و ۸ سقوط مجازات است.

با توجه به اطلاق ماده ۱۵ ق.م.ا، مرتکب جرم تعزیری در هر مرحله از مراحل دادرسی توبه نماید، مشمول این ماده است، اعم از مرحله بدوی، تجدیدنظر و اعاده دادرسی.

جرائم در حکم خیانت در امانت

علاوه بر حکم مقرر در ماده ۶۷۴ ق.م.ا تعزیرات، قانونگذار برخی از جرائم مندرج در قوانین دیگر را در حکم خیانت در امانت دانسته، این موارد عبارتند از:

- ۱. خیانت در دلالی،** مطابق ماده ۳۴۹ قانون تجارت: «اگر دلال برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که به او مأموریت داده به نفع طرف دیگر معامله اقدام نماید و یا بر خلاف عرف تجارتهی محل از طرف مزبور وجهی دریافت و یا وعده وجهی را قبول کند مستحق اجرت و مخارجی که کرده نخواهد بود به علاوه محکوم به مجازات مقرر برای خیانت در امانت خواهد شد.»
 - ۲. خیانت در حق العمل کاری،** مطابق ماده ۳۷۰ قانون تجارت: «اگر حق العمل کار نادرستی کرده و مخصوصاً در موردی که به حساب آمر قیمتی علاوه بر قیمت خرید و یا کمتر از قیمت فروش محسوب دارد مستحق حق العمل نخواهد بود به علاوه در دو صورت اخیر آمر می‌تواند حق العمل کار را خریدار یا فروشنده محسوب کند. تبصره - دستور فوق مانع از اجرای مجازاتی که برای خیانت در امانت مقرر است نیست.»
 - ۳. خیانت مدیر تصفیه،** مطابق ماده ۵۵۵ قانون تجارت: «اگر مدیر تصفیه در حین تصدی به امور تاجر ورشکسته وجهی را حیف و میل کرده باشد به مجازات خیانت در امانت محکوم خواهد شد» البته در مواردی دیگر نیز به جرائم که از سوی مدیر تصفیه قابل ارتکاب می‌باشد، اشاره شده که مصداق بارز آن ماده ۶۷۲ ق.م.ا تعزیرات است، به موجب این ماده: «هر گاه مدیر تصفیه در امر رسیدگی به ورشکستگی بین طلبکاران و تاجر ورشکسته مستقیماً یا مع الواسطه از طریق عقد قرارداد یا به طریق دیگر تبانی نماید به شش ماه تا سه سال حبس و یا به جزای نقدی از پنجاه تا دویست و پنجاه میلیون ریال محکوم می‌گردد.»
 - ۴. عدم تسلیم مال مجهول الوارث به دولت ظرف مهلت مقرر،** مطابق ماده ۱۱ قانون تصدیق انحصار وراثت: «هرگاه متصرفین مال متعلق به اشخاص مجهول الوارث و یا مدیونین به اشخاص مزبور بعد از انقضاء مدتی که به موجب ماده ۶ مقرر است مال و یا دین و یا منافع حاصله از آن را مطابق تبصره ماده مذکور به دولت تسلیم و یا تأدیه نمایند به مجازاتی که به موجب قوانین جزائی برای خیانت در امانت مقرر است محکوم خواهند شد. در صورتی که متصرف یا مدیون شرکت باشد مدیر شرکت و یا شعبه آنکه متصرف و یا مدیون است مسئول اجرای مقررات تبصره ماده ۶ بوده و در صورت تخلف به مجازات مذکور فوق محکوم خواهد شد.»
- ماده ۶ قانون تصدیق انحصار وراثت: «اگر اموال منقول و غیرمنقول و وجه نقد متعلق به اشخاص مجهول الوارث که در تصرف دولت یا مؤسسات تجارتهی و یا صرافیه و غیره و یا اشخاص است در ظرف ده سال نسبت به مال منقول و وجه نقد و بیست سال نسبت به مال غیرمنقول از تاریخ فوت مالک کسی به عنوان وراثت ادعا نماید دیگر ادعائی پذیرفته نخواهد شد و اموال مزبوره متعلق به دولت است که به مصرف مؤسسات خیریه برساند. تبصره - مؤسسات تجارتهی و صرافیه و غیره و یا اشخاصی که اموال مجهول الوارث نزد آنها است مکلفند به وسیله پارک‌های بدایت (دادسرای عمومی) هر محل آن اموال را تسلیم و یا تأدیه به دولت نمایند.»

۵. **تبانی متولی مال یا نماینده موقوفی، حبس و ثلث زاید برای عدم انجام تکالیف قانونی**، مطابق ماده ۲۸ قانون ثبت اسناد و املاک: «هر گاه نسبت به این قبیل املاک به عنوان مالکیت تقاضای ثبت شده و متولی یا نماینده اوقافی که به موجب نظام نامه مکلف به دادن عرض حال اعتراض و تعقیب دعوی و حفظ حقوق وقف یا حبس یا ثلث باقی است در اثر تبانی به تکلیف خود عمل ننماید به مجازات خیانت در امانت محکوم خواهد شد»
- ✓ منظور از ثلث باقی یا ثلث مؤبد، مال غیرمنقولی است که موصی آن را از محل ثلث ترکه برای صرف در مصارف خیر معین می‌کند که منافع آن علی‌الدوام (و بدون تحدید به مدت معین) در آن مصرف که معین کرده، صرف گردد.
۶. **خیانت در امانت نسبت به اموال و وجوه شرکت‌های تعاونی**، مطابق ماده ۱۲۸ قانون شرکت‌های تعاونی: «هر یک از مدیران عامل یا اعضای هیأت مدیره یا بازرسان و یا کارکنان شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی مرتکب خیانت در امانت در مورد وجوه و اموال شرکت یا اتحادیه گردد به حداکثر مجازات مقرر در ماده ۲۴۱ قانون مجازات عمومی (ماده ۶۷۴ ق.م.ا.ت.عزیرات) محکوم می‌شود.»
۷. **خیانت در امانت از سوی کارگزاری‌های بورس**، مطابق ماده ۲۷ قانون تأسیس اوراق بهادار: «هر کارگزاری که اوراق بهادار یا وجوهی را که برای انجام معامله به وی سپرده شده است به نفع خود و یا دیگران مورد استفاده قرار دهد عمل او خیانت در امانت محسوب می‌گردد.»

اقسام خاص خیانت در امانت

جرم اختلاس

مطابق ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری: «هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها یا شوراها و یا شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضائی و به طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی از رسمی یا غیررسمی وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب و به ترتیب زیر مجازات خواهد شد: در صورتی که میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد مرتکب به ۶ ماه تا ۳ سال حبس و ۶ ماه تا ۳ سال انفصال موقت و هر گاه بیش از این مبلغ باشد به ۲ تا ۱۰ سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می‌شود»

رفتار مجرمانه جرم اختلاس: شامل ۲ مورد ذیل است:

۱. **برداشت و تصاحب اموالی که به اشخاص بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری:** برخورد مالکانه با مال سپرده شده می‌باشد.
- ✓ تصاحب برخورد مالکانه با مال سپرده شده می‌باشد، مثل فروختن یا گرو گذاشتن یا خودداری از استرداد آن یا به مصرف معین نرساندن مال سپرده شده می‌باشد.
۲. **اتلاف عمدی اموالی که به اشخاص بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است:** اتلاف یعنی، از بین بردن و نابود کردن عمدی مال است.
- ✓ هر چند «برداشت و تصاحب و اتلاف عمدی اموال دولتی توسط کارمند دولت» در شمول «جرم اختلاس» قرار می‌گیرد، اما «استفاده غیرمجاز از اموال دولتی توسط کارمند دولت بدون قصد تملک آنها» و «تضییع غیرعمدی اموال دولتی» در شمول «جرم تصرف غیرقانونی اموال دولتی توسط کارمندان دولت» موضوع ماده ۵۹۸ ق.م.ا.ت.عزیرات قرار می‌گیرد؛ بنابراین اگر کارمند شهرداری، اموال شهرداری سپرده شده به وی را عمدتاً تخریب نماید، با لحاظ تبصره ۱ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری در حکم مختلس می‌باشد و از شمول ماده ۵۹۸ ق.م.ا.ت.عزیرات خارج است.

شرایط تحقق جرم اختلاس

۱. مرتکب باید از کارمندان سازمان‌های مذکور در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری باشد.

۲. کارمند باید از اموال دولت یا اموال اشخاص خصوصی که نزد دولت است، بردارد.
۳. کارمند باید اموالی را که بر حسب وظیفه به وی سپرده شده است، بردارد.
۴. کارمند باید اموال مذکور را به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب یا اتلاف کند.
۵. کارمند باید عامد باشد

کارمند دولت بودن		
ادارات دولتی		کارمند دولتی رسمی
سازمان‌های دولتی		
شهرداری‌ها و شوراها		
شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت	در	کارمند دولتی پیمانی
نهادهای انقلابی		
مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند		
دیوان محاسبات عمومی		
دارندگان پایه قضایی		
قوای سه‌گانه		کارمند دولتی قراردادی
نیروهای مسلح		
مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی یا غیررسمی		

نهادهای مذکور در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری

- ✓ منظور از «شوراها»، شوراهایی هستند که وابسته به دولت بوده و زیر نظر دولت اداره می‌شوند، و نه شوراهای صنفی یا کارگری.
- ✓ منظور از «مؤسسات دولتی»، مطابق بند «ث» ماده ۱ قانون استخدام کشوری: «واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون ایجاد و به وسیله دولت اداره می‌شود.»؛ به عبارت دیگر مؤسساتی هستند که زیر نظر یکی از قوای سه‌گانه اداره می‌شود و عنوان وزارتخانه ندارد.
- ✓ منظور از «شرکت دولتی»، مطابق بند «ج» ماده ۱ قانون استخدام کشوری: «واحد سازمانی مشخصی است که با اجازه قانون به صورت شرکت ایجاد شود و بیش از پنجاه درصد سرمایه آن متعلق به دولت باشد. هر شرکت تجارتي که از طریق سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی ایجاد شود تا زمانی که بیش از پنجاه درصد سهام آن متعلق به شرکت‌های دولتی است شرکت دولتی تلقی می‌شود.»
- ✓ منظور از «مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند» مثل سازمان بازنشستگی کشوری و صندوق ذخیره فرهنگیان می‌باشند.
- ✓ با توجه به ذکر «قوای سه‌گانه»، هرگاه نمایندگان مجلس اموالی را که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است تصاحب نمایند، مرتکب جرم اختلاس شده‌اند.
- ✓ مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۵۷۹ مورخ ۱۳۷۳/۳/۱ اداره حقوقی قوه قضاییه، کارمندان بانک ملی نیز جزء مأموران به خدمات عمومی می‌باشند.
- ✓ منظور از «مأمورین به خدمات عمومی» و برای تبیین «مؤسسات و نهادهای عمومی» می‌توان به قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۹ اشاره کرد، به موجب ماده واحده مذکور: واحدهای سازمانی مشروحه زیر و مؤسسات وابسته به آنها، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی موضوع تبصره ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ می‌باشند:
 ۱. شهرداری‌ها و شرکت‌های تابعه آنان مادام که بیش از ۵۰ درصد سهام و سرمایه آنان متعلق به شهرداری‌ها باشد.
 ۲. بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی.
 ۳. هلال احمر.
 ۴. کمیته امداد امام.

۵. بنیاد شهید انقلاب اسلامی.
 ۶. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
 ۷. کمیته ملی المپیک ایران.
 ۸. بنیاد ۱۵ خرداد.
 ۹. سازمان تبلیغات اسلامی.
 ۱۰. سازمان تأمین اجتماعی.
 ۱۱. فدراسیون‌های ورزشی آماتوری جمهوری اسلامی ایران.
 ۱۲. مؤسسه‌های جهاد نصر، جهاد استقلال و جهاد توسعه زیر نظر جهاد سازندگی.
 ۱۳. شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی
 ۱۴. کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی (قم)
 ۱۵. جهاد دانشگاهی
 ۱۶. بنیاد امور بیماری‌های خاص
 ۱۷. سازمان دانش‌آموزی جمهوری اسلامی ایران
 ۱۸. صندوق بیمه روستاییان و عشایر
 ۱۹. صندوق تأمین خسارت‌های بدنی
- تبصره ۱ - مؤسسه وابسته از نظر این قانون واحد سازمانی مشخصی است که به صورتی غیر از شرکت و برای مقاصد غیر تجارتي و غیرانتفاعی توسط یک یا چند مؤسسه و نهاد عمومی غیردولتی تأسیس و اداره می‌شود و به نحوی مالکیت آن متعلق به یک یا چند مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی باشد.
- تبصره ۲ - اجرای قانون در مورد مؤسسات و نهادهای عمومی که تحت نظر مقام ولایت فقیه هستند با اذن معظم‌له خواهد بود.
- ### اموال مذکور در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری
- ✓ منظور از «اموال دولت» اموالی است که از بودجه دولت تهیه شده و در اختیار نهادهای دولتی است یا اموالی که متعلق به اشخاص خصوصی ولی نزد دولت است، می‌باشد.
 - ✓ به موجب ماده ۲ آیین‌نامه اموال دولتی، «اموال دولتی»، «اموالی است که توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و یا شرکت‌های دولتی خریداری می‌شود یا به هر طریق قانونی دیگر به تملک دولت درآمده یا درمی‌آیند»
 - ✓ مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۶۱۶۶ مورخ ۱۳۷۳/۵/۹ اداره حقوقی قوه قضاییه، «اموال دولتی» را اموالی دانسته است که «از بودجه کلی کشور تهیه شده و در اختیار قوای مقننه، قضاییه، شورای نگهبان، وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی می‌باشد»
 - ✓ منظور از «وجوه عمومی» مطابق ماده ۱۳ قانون محاسبات عمومی: «وجوه عمومی عبارت است از تقدینه‌های مربوط به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و مؤسسات وابسته به سازمان‌های مذکور که متعلق حق افراد و مؤسسات خصوصی نیست و صرف‌نظر از نحوه و منشاء تحصیل آن منحصرأً برای مصارف عمومی به موجب قانون قابل دخل و تصرف می‌باشد»
 - ✓ منظور از «مطالبات» که در مقابل دیون استفاده می‌شود، تعهداتی است که به مرحله وصول نرسیده است، مثل اینکه کارمند یک بانک دولتی که به برنامه رایانه بانک دسترسی دارد با ورود در آن مطالبه یک شخص از بانک را به خود منتقل نماید. البته بعید نیست که منظور از مطالبات، اسناد مطالبات می‌باشد، مثل اینکه کارمند بانک دولتی چک سپرده شده از سوی مشتری را تصاحب کند.
 - ✓ منظور از «حواله» مطابق ماده ۲۹ قانون محاسبات عمومی: «حواله سندی است که به موجب آن دائن باید طلب تشخیص شده خود را دریافت نماید»
 - ✓ سهم یا برگه سهم هم سندی است که حکایت از مالکیت حصه معین در شرکت تجاری دارد و انواع مختلفی دارد.

- ✓ «اوراق بهادار» اسناد مالی است که در معاملات بورسی و بانکی قابل نقل و انتقال و دارای ارزش می‌باشد.
- در مورد جرم اختلاس نکات ذیل قابل توجه است:
- ✓ شرط تحقق اختلاس «برداشت و تصاحب» مال از سوی مرتکب است، بدین ترتیب اختلاس در زمره جرائم «مرگب» به شمار می‌رود و در صورتی که شخص علی‌رغم برداشتن مال، قصد تصاحب مال را نداشته و صرفاً قصد استفاده از آن را داشته باشد، رفتار وی جرم تصرف غیرقانونی محسوب می‌شود، نه جرم اختلاس.
- ✓ کارمند شرکت خصوصی در صورت خیانت نسبت به اموال شرکت محکوم به جرم خیانت در امانت خواهد شد، نه اختلاس.
- ✓ موضوع جرم اختلاس، مال متعلق به دولت یا متعلق به اشخاص خصوصی که نزد دولت می‌باشد و حسب وظیفه به کارمند سپرده شده است می‌باشد.
- ✓ اگر کارمند دولت اموال سپرده شده به خود را جهت تصاحب یک غیر کارمند به او بدهد، کارمند دولت مختلس است و اگر غیر کارمند او را جهت تسهیل این امر کمک کرده باشد، به معاونت در جرم اختلاس محکوم می‌شود.
- ✓ اگر وظیفه کارمند مقتضی تسلیم اموال و سپردن به او نبوده و مال بر خلاف مقررات به وی سپرده یا تسلیم شده، تصاحب او موجب اختلاس نیست، رفتار او می‌تواند مشمول عنوان مجرمانه دیگری حسب مورد خیانت در امانت یا کلاهبرداری باشد.
- ✓ تلف غیرعمدی مال در قالب تضییع با اهمال و تفریط کارمند دولت نسبت به اموال دولتی از شمول عنوان اختلاس خارج و در قالب جرم تصرف غیرقانونی قابل مجازات خواهد بود.
- ✓ در مواردی که شخصی علی‌رغم آگاهی از اختلاس، اموال مورد اختلاس را خریداری نماید، با استناد به بند «الف» ماده ۲ و ۹ قانون مبارزه با پول‌شویی به مجازات جرم پول‌شویی محکوم خواهد شد.
- ✓ شاید از لفظ «برداشتن» در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، چنین برداشت شود که اختلاس صرفاً نسبت به اموال منقول امکان‌پذیر است، ولی از لفظ «اموال» در ماده فوق معلوم می‌شود که موضوع این جرم، کلیه اموال اعم از منقول یا غیرمنقول می‌باشد. توجه به اطلاق اموال شامل کلیه اموال، اعم از منقول یا غیرمنقول می‌شود. در ماده برخی از حقوق دانان معتقدند که اختلاس شامل اموال و غیرمنقول می‌شود؛ زیرا اختلاس صورتی از جرم خیانت در امانت است و خیانت در امانت در اموال غیرمنقول نیز قابل تحقق است (مانند فرضی که مدیر یکی از ادارات دولتی، ساختمانی را که جهت استقرار کارمندان به او سپرده شده است، به نام فرزند خود نماید)
- ✓ موضوع جرم در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری: وجوه، مطالبات، حواله‌ها، سهام، اسناد، اوراق بهادار و یا سایر اموال است.
- ✓ سوءنیت عام در جرم اختلاس، عمد در برداشت و تصاحب یا اتلاف اموال دولتی است.
- ✓ سوءنیت خاص در جرم اختلاس، قصد ضرر رساندن به دولت است.

مجازات جرم اختلاس

مجازات اصلی جرم اختلاس

- در خصوص مجازات مرتکب جرم اختلاس ساده به استناد ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، لازم به ذکر است که مجازات مرتکب در فرض مختلف، متفاوت است:
- در صورتی که میزان اختلاس بیش از ۵۰/۰۰۰ ریال باشد، مرتکب به ۲ تا ۱۰ سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و جزای نقدی معادل دو برابر مال مورد اختلاس و رد مال محکوم می‌شود و جزء مجازات‌های تعزیری درجه ۴ محسوب شده و مرتکب برای مدت ۳ سال از حقوق اجتماعی محروم خواهد شد و امکان صدور قرار تعلیق اجرای مجازات وجود ندارد همچنین مجازات شروع به اختلاس در این فرض حبس تعزیری درجه ۵ است. مجازات معاون در این فرض مجازات تعزیری درجه ۵ یا ۶ به انتخاب قاضی تعیین خواهد شد.
 - در صورتی که میزان اختلاس تا ۵۰/۰۰۰ ریال باشد، مرتکب به ۶ ماه تا ۳ سال حبس و ۶ ماه تا ۳ سال انفصال موقت از خدمات دولتی و جزای نقدی معادل دو برابر مال مورد اختلاس و رد مال محکوم می‌شود و جزء مجازات‌های تعزیری درجه ۵ محسوب شده و مرتکب برای

مدت ۲ سال از حقوق اجتماعی محروم خواهد شد و امکان صدور قرار تعلیق اجرای مجازات وجود دارد همچنین مجازات شروع به اختلاس در این فرض حبس یا جزای نقدی یا شلاق تعزیری درجه ۶ است. مجازات معاون در این فرض مجازات تعزیری درجه ۶ یا ۷ به انتخاب قاضی تعیین خواهد شد.

- ✓ با لحاظ تبصره ماده ۳۶ ق.م.ا، انتشار حکم محکومیت قطعی جرم اختلاس با موضوع یک میلیارد ریال و بیشتر در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار الزامی است.
- ✓ مجازات جرم اختلاس، جزء جرائم تعزیری غیرقابل گذشت می‌باشد.
- ✓ در مورد مرتکب جرم اختلاس امکان صدور قرار تعویق صدور حکم وجود ندارد.
- ✓ در مورد مرتکب جرم اختلاس امکان صدور نظام نیمه آزادی وجود دارد.
- ✓ در مورد مرتکب جرم اختلاس امکان استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس وجود ندارد.
- ✓ اثر توبه در جرم اختلاس امکان اعمال مقررات راجع به تخفیف مجازات خواهد بود.
- ✓ قاضی دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند به مرتکب جرم اختلاس، آزادی مشروط اعطا کند.
- ✓ مطابق تبصره ۲ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری: «چنانچه عمل اختلاس توأم با جعل سند و نظایر آن باشد در صورتی که میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد مرتکب به ۲ تا ۵ سال حبس و ۱ تا ۵ سال انفصال موقت و هر گاه بیش از این مبلغ باشد به ۷ تا ۱۰ سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر دو مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می‌شود» همان‌گونه که ملاحظه می‌شود قانونگذار برای حالتی که اختلاس توأم با جعل باشد، یک مجازات در نظر گرفته است و ظاهراً رفتار مرتکب در این موارد مشمول مقررات تعدد جرم نبوده و جرم خاص «اختلاس توأم با جعل» است.
- ✓ مطابق تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری: «هر گاه مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفرخواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف می‌نماید و اجراء مجازات حبس را معلق ولی حکم انفصال درباره او اجراء خواهد شد.»
- ✓ شرایط بهره‌مندی از معافیت و تعلیق به نحو خاص در مجازات جرم اختلاس مطابق تبصره فوق:
 - ۱- مرتکب قبل از صدور کیفرخواست، ۲- تمام وجه یا مال موضوع اختلاس را مسترد نماید.
- ✓ نحوه اعمال معافیت و تعلیق به نحو خاص در مجازات جرم اختلاس مطابق تبصره فوق:
 ۱. از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف می‌شود.
 ۲. اجرای مجازات حبس معلق می‌شود.
 ۳. اما حکم انفصال درباره او اجراء می‌شود.
- ✓ مطابق تبصره ۵ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری: «هر گاه میزان اختلاس زائد بر صد هزار ریال باشد، در صورت وجود دلایل کافی، صدور قرار بازداشت موقت به مدت یک ماه الزامی است و این قرار در هیچ یک از مراحل رسیدگی قابل تبدیل نخواهد بود. همچنین وزیر دستگاه می‌تواند پس از پایان مدت بازداشت موقت، کارمند را تا پایان رسیدگی و تعیین تکلیف نهایی وی از خدمت تعلیق کند. به ایام تعلیق مذکور در هیچ حالت هیچ گونه حقوق و مزایائی تعلق نخواهد گرفت.» این تبصره به موجب ماده ۲۳۷ ق. آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ نسخ گردیده است؛ تبصره ماده ۲۳۷ ق. آ.د.ک چنین مقرر داشته است: « موارد بازداشت موقت الزامی، موضوع قوانین خاص، به جز قوانین ناظر بر جرائم نیروهای مسلح از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون ملغی است» در حال حاضر صدور قرار بازداشت موقت در جرم اختلاس با رعایت شرایط بند «ث» ماده ۲۳۷ ق. آ.د.ک اختیاری است.
- ✓ مطابق تبصره ۶ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری: «در کلیه موارد مذکور در صورت وجود جهات تخفیف دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره یک ماده یک از لحاظ حداقل حبس و نیز بنا به مورد حداقل انفصال موقت و یا انفصال دائم خواهد بود» این تبصره به موجب ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ نسخ گردیده است؛ در حال حاضر تخفیف مجازات در جرم اختلاس نیز همچون جرائم دیگر تابع حکم مقرر در ماده ۳۷ ق.م.ا است و بنابراین، تعیین مجازات به کمتر از حداقل قانونی

امکان‌پذیر می‌باشد.

جرم اختلاس مشدد: تشکیل یا رهبری شبکه چندنفری

مطابق ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری: «کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چندنفری به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیرمنقولی که از طریق رشوه کسب کرده‌اند به نفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می‌شوند و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند مجازات آنها، مجازات مفسد فی الارض خواهد بود»

- ✓ حداقل اعضای شبکه برای شمول این ماده ۳ نفر است که باید برای ارتکاب جرم تشکیل شده باشد.
- ✓ واژه «تشکیل» در ماده فوق مفهومی عام دارد و هرگونه مساعدت و همکاری را در بر می‌گیرد؛ بنابراین چنین تشدیدیتی تنها شامل رهبران و تشکیل‌دهندگان و سردسته‌های شبکه (به معنی خاص آن) نشده و تمامی اعضا را در بر می‌گیرد.
- ✓ تشکیل شبکه وقتی محقق می‌گردد که همه اعضای آن یا حداقل ۳ نفر از آنها از اهداف شبکه مطلع باشند، و الا در صورت ناآگاهی، فقط فرد آگاه، مرتکب جرم اختلاس فردی (ساده) شده نه بانندی (مشدد).

مجازات جرم اختلاس مشدد: مجازات کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چندنفری اختلاس نمایند

- در صورتی که مبادرت به اختلاس با تشکیل یا رهبری شبکه چندنفری، مصداق مفسد فی الارض نباشد: تمامی اعضا علاوه به استرداد اموال مذکور و رد آن به دولت، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می‌شوند.
- ✓ مطابق ماده ۳ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، مجازات حبس ابد تعزیری به حبس درجه یک (بیش از ۲۵ سال) تبدیل شده است.
- در صورتی که مبادرت به اختلاس با تشکیل یا رهبری شبکه چندنفری، مصداق مفسد فی الارض باشد: تمامی اعضا به مجازات مفسد فی الارض (: اعدام) محکوم می‌شوند.

تفاوت جرم خیانت در امانت با جرم اختلاس	
جرم اختلاس	جرم خیانت در امانت
رفتار مجرمانه جرم اختلاس برداشت و تصاحب یا اتلاف عمدی اموالی که بر حسب وظیفه به کارمند سپرده شده می‌باشد.	رفتار مجرمانه جرم خیانت در امانت استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نمودن مال سپرده شده می‌باشد.
مال سپرده شده لزوماً متعلق به دولت است.	مال سپرده شده متعلق به شخص عادی است.
مرتکب جرم اختلاس، لزوماً از کارمندان و کارکنان دولتی هستند.	مرتکب جرم خیانت در امانت ممکن است هر شخصی با هر پست یا سمتی باشد.
جرم اختلاس، جزء جرائم غیرقابل گذشت است.	جرم خیانت در امانت، جزء جرائم قابل گذشت است.

جرم اختلاس در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲

مطابق ماده ۱۱۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح: «هر نظامی و جوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا اسناد و اشیاء و لوازم و یا سایر اموال را که بر حسب وظیفه به او سپرده شده به نفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب نماید مختلس محسوب و علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس حسب مورد به مجازات زیر محکوم می‌شود:

الف - هرگاه میزان اختلاس از حیث وجه یا بهاء مال مورد اختلاس تا یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد به حبس از یک تا پنج سال و جزای نقدی معادل دو برابر وجه یا بهاء مال مورد اختلاس و تنزیل یک درجه یا رتبه.

ب - هرگاه میزان اختلاس از حیث وجه یا بهاء مال مورد اختلاس بیش از یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

- باشد به حبس از دو تا ده سال و جزای نقدی معادل دو برابر وجه یا بهاء مال مورد اختلاس و تنزیل دو درجه یا رتبه.
- ج - هرگاه میزان اختلاس از حیث وجه یا بهاء مال مورد اختلاس بیش از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد به حبس از سه تا پانزده سال و جزای نقدی معادل دو برابر وجه یا بهاء مال مورد اختلاس و اخراج از نیروهای مسلح»
- ✓ جرم اختلاس توسط نظامیان برخلاف جرم اختلاس توسط کارمندان جرمی ساده به شمار می‌رود و در صورت برداشت یا تصاحب رفتار مجرمانه محقق می‌شود.
- ✓ اتلاف عمدی اموال توسط نیروهای مسلح در شمول ماده ۱۱۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح به عنوان جرم در حکم اختلاس قرار نگرفته است.
- ✓ در صورتی که اختلاس از اموال نیروهای مسلح همراه با جعل باشد، رفتار مرتکب مشمول قواعد تعدد مادی خواهد بود؛ بر اساس تبصره ۱ ماده ۱۱۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح ۱۳۸۲: «چنانچه عمل اختلاس توأم با جعل سند و نظایر آن باشد مرتکب به هر دو جرم محکوم می‌شود»
- ✓ مطابق تبصره ۲ ماده ۱۱۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح ۱۳۸۲: «هرکس با علم به اینکه اموال مورد اختلاس فوق‌الذکر به نیروهای مسلح تعلق دارد آن را خریداری یا در تزیین آن مساعدت نماید علاوه بر استرداد اموال یا حسب مورد مثل یا قیمت آنها به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود.»
- ✓ مطابق ماده ۱۲۲ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح ۱۳۸۲: «چنانچه نظامی مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفرخواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد کند، دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف می‌نماید و اجرای مجازات حبس را معلق ولی حکم تنزیل درجه یا رتبه را در باره او اجراء خواهد نمود.»

جرائم در حکم اختلاس

قانونگذار در بعضی از قوانین خاص به بیان جرائم در حکم اختلاس پرداخته است، این جرائم از قرار ذیل است:

۱. تبصره ماده ۱۰۱ قانون استخدام کشوری اصلاحی ۱۳۵۳: «استفاده غیرمجاز از وجوه صندوق بازنشستگی کشوری در حکم اختلاس اموال دولتی می‌باشد»
۲. ماده ۱۰۴ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴: «وجوه و اموال سازمان در حکم وجوه و اموال عمومی می‌باشد و هرگونه برداشت غیرقانونی از وجوه مذکور و تصرف غیرمجاز در اموال آن اختلاس یا تصرف غیرقانونی است و مرتکب طبق قوانین کیفری تعقیب خواهد شد.» رفتار مرتکب زمانی اختلاس محسوب می‌شود که این اموال را برداشت کرده و در غیر این صورت تصرف غیرمجاز خواهد بود.
۳. ماده ۱۷ قانون تشکیل پست جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۶: «هر یک از کارکنان شرکت یا اشخاصی که به هر نحوی به همکاری و خدمت دعوت شده‌اند یا با ادامه فعالیت آنها موافقت شده، تمام یا بعضی محموله سپرده شده به وی یا اداره پست را در هر یک از مراحل پستی به نفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب کند، این عمل در حکم اختلاس محسوب می‌شود و مرتکب علاوه بر مسؤولیت مدنی در مقابل صاحب محموله، به کیفر اختلاس محکوم خواهد شد.
- تبصره ۱- اگر محموله‌ای که توسط کارمند شرکت یا مستخدم یا مأمور دولت بدون مجوز قانونی برداشت یا تصاحب گردیده، از مراسلات ثبت نشده باشد، به شرط آنکه مراسله مفتوح نشده و مطالب آن افشاء نشده و حاوی اسناد مالکیت، مدارک تحصیلی، شناسنامه، گذرنامه و همانند آنها نباشد و شاکی خصوصی نیز گذشت نماید، پرونده امر فقط در هیات رسیدگی به تخلفات اداری شرکت یا اداره متبوع مستخدم یا مأمور دولت، مطرح و پس از رسیدگی و اثبات بزه انتسابی مرتکب به انفعال موقت از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد، و در صورت تکرار ارتکاب بزه مذکور پرونده وی جهت تعقیب کیفری به دادرسی عمومی محل وقوع جرم ارسال خواهد شد»
۴. ماده ۳۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲: «در صورتی که مأموران دستگاه‌های کاشف یا وصول درآمدهای دولت، خود مرتکب قاچاق شوند و یا شرکت یا معاونت در ارتکاب نمایند، علاوه بر مجازات قاچاق مقرر در این قانون به مجازات مختلس نیز محکوم می‌شوند.
- تبصره ۱- مأمورانی که با علم به ارتکاب قاچاق از تعقیب مرتکبان خودداری یا برخلاف قوانین و مقررات عمل نمایند در حکم مختلس محسوب

و به مجازات مقرر برای مختلسین اموال دولتی محکوم می‌گردند مگر آنکه عمل مرتکب به موجب قانون دیگری مستلزم مجازات شدیدتری باشد که در این صورت به مجازات شدیدتر محکوم می‌شوند.

تبصره ۲- کارکنان تمامی دستگاه‌ها و سازمان‌های مؤثر در امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز از جمله ستاد و سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی نیز مشمول حکم این ماده و تبصره (۱) آن می‌شوند»

جرم تصرف غیرقانونی در اموال دولتی یا عمومی

ماده ۵۹۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی «قانون تعزیرات» مصوب ۱۳۷۵: «هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها یا شوراهای یا شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضائی و به طور کلی اعضا و کارکنان قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیررسمی و جوه نقدی یا مطالبات یا حوالات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر یا اشخاصی که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است را مورد استفاده غیرمجاز قرار دهد بدون آنکه قصد تملک آنها را به نفع خود یا دیگری داشته باشد، متصرف غیرقانونی محسوب و علاوه بر جبران خسارات وارده و پرداخت اجرت‌المثل به شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود و در صورتی که منتفع شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به جزای نقدی معادل مبلغ انتفاعی محکوم خواهد شد و همچنین است در صورتی که به علت اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال و وجوه دولتی گردد و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیر مورد معین یا زائد بر اعتبار مصرف نموده باشد.»

- ✓ تصرف غیرقانونی یعنی تصرف در غیر از مواردی که در سرفصل‌های بودجه کشور آمده است.
- ✓ جرم تصرف غیرقانونی، جرمی مطلق است، در تصرف غیرقانونی رفتار مرتکب خواه موجب ضرر دولت شود یا نه، کافی است، برای مثال چنانچه مدیر دولتی، بودجه‌ای را در غیر محل خود هزینه کند، هر چند کار به نفع دولت باشد، چون خلاف مقررات ماده ۵۹۸ ق.م.ا تعزیرات عمل کرده است، جرم محقق شده است.
- ✓ در جرم تصرف غیرقانونی در اموال دولتی یا عمومی، مرتکب نباید قصد تملک یا تصاحب مال را داشته باشد، بلکه باید صرفاً قصد استفاده از مال را داشته باشد، همچنین اگر به علت اهمال و یا تفریط موجب تضییع اموال و وجوه دولتی گردد و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیر مورد معین یا زائد بر اعتبار مصرف نموده باشد به مجازات تصرف غیرقانونی محکوم خواهد شد.
- ✓ اگر فردی که ساختمانی دولتی به حسب وظیفه به او سپرده شده است را اجاره داده و مال الاجاره را برای خود بردارد، آیا باید وی را مختلس دانست؟ یا اینکه متصرف غیرقانونی است؟ چون مال الاجاره دریافتی به تبع خود مال در ید کارمند سپرده شده، محسوب می‌شود آن را تصاحب کرده است و باید تحت عنوان اختلاس مال الاجاره مورد تعقیب قرار گیرد.
- ✓ موضوع جرم تصرف غیرقانونی نیز همانند اختلاس، اموال تعلق به دولت یا نهادهای عمومی می‌باشد و در رابطه با اموال اشخاص حقیقی که به هر دلیل نزد این نهادها به امانت گذاشته می‌شود، بحث جرائم فوق‌منتفی است؛ برای مثال در فرضی که بازپرس از خودروی توقیف شده استفاده شخصی نماید، رفتار او تصرف غیرقانونی به شمار نمی‌رود؛ چراکه موضوع جرم در این فرض، مال متعلق به دیگری بوده است؛ همچنان که اگر مسؤول حسابداری یک نهاد دولتی از مال منقولی که به عنوان وثیقه وام در اختیار آن نهاد قرار داده است، استفاده نماید، رفتار او را نمی‌توان مشمول این جرم دانست.
- ✓ در قسمت اخیر ماده فوق به حالت دیگری اشاره شده است که در آن شخص بی‌آنکه اقدام به استفاده از مال نموده باشد «به علت اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال و وجوه دولتی گردد و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیر مورد معین یا زائد بر اعتبار مصرف نموده باشد.» تفاوتی که میان صدر ماده فوق (استفاده غیرمجاز) با قسمت اخیر آن (اهمال و تفریط و ...) وجود دارد، در این است که صدر ماده (استفاده غیرمجاز) هم شامل اموال ادارات دولتی می‌شود و هم شامل اموال نهادهای عمومی؛ ولی قسمت اخیر ماده (اهمال و تفریط و ...) صرفاً ناظر بر اموال و وجوه دولتی بوده و با توجه به ضرورت تفسیر مضیق قوانین جزایی، قابلیت تسری به نهادهای عمومی ندارد. مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۴/۴۶۳ مورخ ۱۳۹۴/۲/۲۱ اداره حقوقی قوه قضاییه: «قسمت اول ماده ۵۹۸ قانون

مجازات اسلامی ۱۳۷۵، مربوط به سوءاستفاده غیرمجاز، بدون قصد تملک وجوه و اموال دولتی و عمومی است و قسمت اخیر آن، ناظر بر اهمال یا تفریطی است که موجب تضییع اموال دولتی شود. در نتیجه، قسمت اخیر ماده مذکور، شامل اموال عمومی مانند، اموال شهرداری‌ها نمی‌شود و توسعه مصادیق جرائم قسمت اول ماده به قسمت دوم مذکور، خلاف اصول حقوق جزا از جمله لزوم تفسیر مضیق نصوص جزائی به نفع متهم است و وجهه قانونی ندارد»

✓ مرتکبان این جرم، با تفاوت‌های جزئی، همان مرتکبان جرم اختلاس می‌باشند، جز این که در ماده ۵۹۸ ق.م.ا تعزیرات مثلاً به کارکنان مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند، نیز اشاره شده است.

✓ اعمال مذکور در ذیل ماده یعنی خرج کردن وجوه بدون داشتن اعتبار یا در غیر مورد معین یا زائد بر اعتبار، تنها از سوی آن دسته از کارکنان که مجاز در خرج کردن می‌باشند، قابل ارتکاب است و شامل سایر کارکنان دولت نمی‌شود.

✓ مرتکبین جرم فوق علاوه بر مأموران رسمی یا غیررسمی نهادهای دولتی یا عمومی، شامل مأمورین به خدمات عمومی نیز می‌شوند؛ ولو آنکه آن نهاد ماهیت خصوصی داشته باشد (مانند بانک صادرات) این نکته شامل جرائم ارتشاء و اختلاس هم می‌شود و در صورتی که مأموران ادارات خصوصی که ارائه‌دهنده خدمات خصوصی هستند، مرتکب این اعمال شوند به مجازات مقرر در مواد ۳ یا ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری در رابطه با ارتشا یا اختلاس خواهند شد؛ مطابق رأی وحدت رویه شماره ۷۹۸ مورخ ۱۳۹۹/۷/۱۵: «مطابق ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مأمورین به خدمات عمومی همانند کارکنان دولت مشمول حکم مقرر در خصوص تصرف غیرقانونی نسبت به وجوه یا سایر اموال سپرده شده به آنها برحسب وظیفه هستند. کارکنان بانک‌های خصوصی که تحت نظارت بانک مرکزی، به ارائه خدمات گسترده پولی و بانکی به مردم می‌پردازند، از مصادیق مأمورین به خدمات عمومی محسوب می‌شوند و مشمول مجازات مقرر در ماده فوق‌الذکر هستند»

✓ حکم به جزای نقدی مذکور در ماده ۵۹۸ ق.م.ا تعزیرات منوط به آن است که مرتکب منتفع شده، مثلاً وجوه را به نفع خود مصرف کرده باشد، لیکن هرگاه اعتبار را در غیر محل مربوطه صرف کرده باشد، چون منتفع نشده است، جزای نقدی در مورد وی منتفی خواهد بود.

✓ شهردار یکی از شهرهای ایران، اعتباری در اختیار دارد که باید صرف احداث پرورشگاهی شود. وی به جای احداث پرورشگاه اعتبار مزبور را صرف احداث کتابخانه می‌نماید. در این فرض عمل شهردار تصرف غیرقانونی است.

✓ قاضی دادگاه با اخذ پول از شاکی، حکم به مجازاتی اشد از مجازات مقرر در قانون می‌دهد. در این فرض قاضی به مجازات ارتشاء و مجازات مقدار زائدی که مورد حکم واقع شده محکوم می‌شود.

✓ کارمندی حین خروج از اداره به علت نبودن انباردار از انبار دولتی مالی را می‌برد. در این فرض عمل وی سرقت است نه تصرف غیرقانونی.

✓ اگر بالاترین مقام اجرایی یک دستگاه دولتی بودجه‌ی مصوبه‌ی طرح و پروژه‌ی خاصی را بنا به مصالحی و به تشخیص خود در غیر مورد تصویب مجلس هزینه نماید عمل وی تصرف غیر مجاز در وجوه و اموال دولتی محسوب و به مجازات تعزیری آن محکوم می‌شود. هرچند خود وی نیز منتفع شده یا نشده باشد.

✓ اگر رئیس اداره‌ی آموزش و پرورش از محل بودجه‌ی عمرانی مربوط به نوسازی مدارس حقوق معلمان را پرداخت نماید عمل او جرم و در حکم تصرف غیرقانونی در اموال دولتی است.

تفاوت جرم اختلاس با جرم تصرف غیرقانونی در اموال دولتی یا عمومی

جرم اختلاس	جرم تصرف غیرقانونی در اموال دولتی یا عمومی
مرتکب مال سپرده‌شده را به نفع خود یا دیگری تصاحب می‌کند	مرتکب مال سپرده‌شده را مورد استفاده غیرمجاز قرار داده است.
مرتکب در صورت تلف عمدی اموال مجازات جرم اختلاس نسبت به او اعمال می‌شود.	مرتکب بر اثر اهمال یا تفریط باعث تضییع اموال شده که در این صورت مجازات جرم تصرف غیرقانونی نسبت به او اعمال می‌شود.

جرایم در حکم تصرف غیرقانونی

علاوه بر حکم مقرر در ماده ۵۹۸ ق.م.ا تعزیرات، قانونگذار برخی از جرائم مندرج در قوانین خاص را در حکم تصرف غیرقانونی دانسته، این موارد عبارتند از:

۱. مطابق ماده ۱۰۴ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴: «وجوه و اموال سازمان در حکم وجوه و اموال عمومی می‌باشد و هرگونه برداشت غیرقانونی از وجوه مذکور و تصرف غیرمجاز در اموال آن اختلاس یا تصرف غیرقانونی است و مرتکب طبق قوانین کیفری تعقیب خواهد شد»
۲. مطابق ماده ۵ لایحه قانونی نحوه استفاده از اتموبیل‌های دولتی و فروش اتموبیل‌های زائد مصوب ۱۳۵۸: «استفاده غیرمجاز از اتموبیل دولتی مشمول مقررات تصرف غیرقانونی در اموال دولت بوده و در این مورد استفاده‌کننده و راننده مسئول خواهند بود.»
۳. مطابق بند «ل» ماده واحده قانون نحوه هزینه‌کرد اعتباراتی که به موجب قانون از رعایت قانون محاسبات عمومی و سایر مقررات عمومی دولت مستثنی هستند مصوب ۱۳۶۴: «تخلف از این قانون تصرف غیرمجاز در اموال دولتی محسوب می‌گردد و در صورتی که موجب تضییع مالی از دولت شده باشد، متخلف به پرداخت معادل میزان مورد تخلف طبق موازین شرعی و تعزیر مطابق نظر حاکم شرع محکوم خواهد شد»
۴. مطابق تبصره ۵ ماده واحده قانون ممنوعیت از وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی از چاپ و انتشارات نشریات غیرضروری مصوب ۱۳۶۵: «هرگونه هزینه و تخلف از این قانون در حکم تصرف غیرمجاز در اموال دولتی می‌باشد»
۵. ماده ۴۴ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶: «شرکت‌های دولتی مکلفند پس از تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت توسط مجامع عمومی مربوط حداکثر ظرف یک ماه ترتیب پرداخت مبالغ مالیات و همچنین سود سهام دولت را در وجه وزارت امور اقتصادی و دارایی بدهند. تخلف از اجرای این ماده در حکم تصرف غیرمجاز در وجوه عمومی محسوب می‌شود» همچنین ماده ۹۳ قانون فوق: «در صورتی که بر اساس گواهی خلاف واقع ذی‌حساب نسبت به تأمین اعتبار و یا اقدام یا دستور وزیر یا رئیس مؤسسه دولتی یا مقامات مجاز از طرف آنها زائد بر اعتبار مصوب و یا بر خلاف قانون وجهی پرداخت یا تعهدی علیه دولت امضاء شود هر یک از این تخلفات در حکم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی محسوب خواهد شد.»
۶. مطابق ماده ۴۴ قانون تأسیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی و اساسنامه آن مصوب ۱۳۷۰: «تأخیر و یا عدم اجرای تکالیف مقرر در مواد ۹ - ۱۰ - ۳۱ - ۳۳ - ۳۸ - ۳۹ این قانون در حکم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی محسوب می‌شود»
۷. مطابق ماده ۳ قانون نحوه اعمال نظارت بر کاهش هزینه‌های غیرضروری و جلوگیری از تجمل‌گرایی مصوب ۱۳۷۰: «کلیه دستگاه‌های مذکور در ماده یک موظف به اجراء دقیق مفاد این قانون بوده و تخلف از آن در حکم تصرف غیرقانونی در اموال عمومی محسوب و طبق قوانین و مقررات مربوط رسیدگی خواهد شد.»
۸. مطابق تبصره ۳ ماده واحده قانون ممنوعیت ادامه تحصیل کارگزاران کشور در ساعات اداری مصوب ۱۳۷۲: «استفاده از بودجه و امکانات دولتی مانند وسیله نقلیه، راننده، هزینه ایاب و ذهاب برای ادامه تحصیل ممنوع می‌باشد و با متخلف به عنوان متصرف غیرقانونی در اموال دولتی برابر قوانین و مقررات مربوطه عمل خواهد شد»
۹. مطابق ماده ۳۲ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰: «انجام هرگونه هزینه توسط دستگاه‌های مذکور در ماده (۳۰) این قانون برای چاپ تقویم و سالنامه و اطلاعیه آگهی‌های مربوط به تبریک و تشکر و تسلیت و پلاکاردهای تشریفاتی و میهمانی‌های فردی و جمعی داخلی از محل اعتبارات جاری و عمرانی و اعتبارات خارج از شمول و کمک‌ها و درآمدهای اختصاصی قوانین بودجه سنواتی ممنوع و در حکم تصرف غیرقانونی در اموال دولتی و عمومی است»

جرم خیانت مستخدمان دولت در اسناد دولتی

مطابق ماده ۶۰۴ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی «قانون تعزیرات» مصوب ۱۳۷۵: «هر یک از مستخدمین دولتی اعم از قضائی و اداری نوشته‌ها و اوراق و اسنادی را که حسب وظیفه به آنان سپرده شده یا برای انجام وظایفشان به آنها داده شده است را معدوم یا مخفی نماید یا به کسی بدهد که به لحاظ قانون از دادن به آن کس ممنوع می‌باشد، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم

خواهد شد»

جرم سوءاستفاده از ضعف نفس اشخاص

مطابق ماده ۵۹۶ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی «قانون تعزیرات» مصوب ۱۳۷۵: «هر کس با استفاده از ضعف نفس شخصی یا هوی و هوس او یا حوائج شخصی افراد غیر رشید به ضرر او نوشته یا سندی اعم از تجاری یا غیرتجاری از قبیل برات، سفته، چک، حواله، قبض و مفاصاحساب و یا هرگونه نوشته‌ای که موجب التزام وی یا برائت ذمه گیرنده سند یا هر شخص دیگر می‌شود به هر نحو تحصیل نماید علاوه بر جبران خسارت مالی به حبس از شش ماه تا دو سال و از بیست میلیون تا هشتاد میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود و اگر مرتکب، ولایت یا وصایت یا قیمومیت بر آن شخص داشته باشد، مجازات وی علاوه بر جبران خسارات مالی از سه تا هفت سال حبس خواهد بود.»

✓ اشخاص مورد حمایت جرم فوق «افراد غیر رشید» هستند و در مواردی که شخص با سوءاستفاده از شرایط خاص افراد عادی (مانند حوائج شخصی آنان) اسناد یا نوشته‌های مذکور را به دست آورد، رفتار وی را نمی‌توان مشمول ماده فوق دانست، هر چند در مواردی که مرتکب با فریب افراد عادی بتواند از آن سند تحصیل مال (نه سایر اسناد و نوشته‌ها) را بگیرد، با رعایت سایر شرایط قانون، رفتار وی کلاهبرداری یا شروع به کلاهبرداری محسوب می‌شود.

✓ در رابطه با افراد غیر رشید در ماده فوق باید به این مطلب اشاره نمود که به عقیده برخی تفسیر مضیق قوانین جزایی ایجاب می‌کند که بزه‌دیدگان این جرم را تنها افراد غیر رشید به معنای خاص یا همان سفیه بدانیم و تسری آن به سایر محجورین (اطفال و مجانین) مخالف اصل قانونی بودن جرائم است، اما در پاسخ به این گروه باید گفت که هدف غایی قانونگذار از پیش‌بینی این جرم، حمایت از کسانی است که به دلیل فقدان اهلیت قادر به درک صحیح پیامدهای رفتار خود نیستند و بدیهی است که مجانین و اطفال در مقایسه با افراد سفیه در شرایط خطرناک‌تری قرار دارند، البته نباید دایره این اشخاص را به حدی گسترش داد که با حقوق و آزادی‌های افراد و البته هدف غایی قانونگذار در تعارض قرار گیرد و از این رو نمی‌توان دیگر افراد ناتوان نظیر معلولین، افراد کهنسال یا افراد با بهره هوشی پایین را مشمول این جرم دانست.

✓ تحقق این جرم مستلزم اخذ نوشته یا سند اعم از تجاری یا غیرتجاری است و شامل مواردی نظیر وجه نقد، سکه و سایر اموال نمی‌شود، هر چند شاید بتوان رفتار مرتکب را در این موارد با رعایت سایر شرایط مقرر در قانون (از جمله مانور متقلبانه) مشمول جرم کلاهبرداری دانست.

✓ صرف گرفتن سند یا نوشته برای تحقق جرم کفایت می‌کند، هر چند مرتکب در عمل به هدف اصلی خود نرسد. (مثلاً چکی را که از سفیه گرفته است وصول نماید)

✓ اخذ نوشته یا سند در این جرم باید «با استفاده از ضعف نفس شخصی یا هوی و هوس او یا حوائج شخصی افراد» صورت گرفته باشد، نه با قهر و غلبه، در غیر این صورت رفتار مرتکب مشمول جرم تهدید موضوع ماده ۶۶۸ ق.م.ا تعزیرات خواهد بود.

✓ اضرار به غیر رشید با سوءاستفاده از ضعف نفس او بدون اخذ نوشته یا سند الزام‌آور، از شمول ماده فوق خارج است؛ مثل ترغیب غیر رشید به معامله سودآور.

✓ اگر غیر رشید بدون وقوع اقدامی از جانب طرف مقابل، سند را به او تحویل دهد، طرف مقابل مجرم نیست.

✓ رفتار مجرمانه جرم سوءاستفاده از ضعف نفس اشخاص، تحصیل سند یا نوشته است نه امضا یا مهر، برای مثال در فرضی که شخصی سندی را که پیش از احراز سفته دیگری از او گرفته است، نزد وی ببرد تا آن را امضاء کند، رفتار وی را نمی‌توان مشمول ماده فوق دانست، در حالی که در جرم تهدید موضوع ماده ۶۶۸ ق.م.ا تعزیرات، علاوه بر نوشته یا سند به مهر یا امضای دیگری نیز اشاره شده است.

✓ برای تحقق جرم فوق علاوه بر علم و آگاهی از وضعیت طرف مقابل، سوءنیت عام (یعنی قصد گرفتن سند و نوشته) و همچنین سوءنیت خاص (یعنی قصد اضرار به طرف مقابل: برائت ذمه گیرنده یا شخص ثالث یا اشتغال ذمه شخص غیر رشید) باید به اثبات برسد.

✓ با توجه به ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، جرم سوءاستفاده از ضعف نفس اشخاص، مطلقاً در زمره جرائم قابل گذشت محسوب می‌شود، اعم از آنکه از سوی ولی، وصی یا قیم یا سایر افراد ارتکاب یافته باشد؛ بنابراین با استناد به تبصره ماده مذکور، حداقل و حداکثر مجازات حبس فوق به نصف تقلیل می‌یابد؛ لذا در حال حاضر مجازات این جرم در مواردی که از سوی ولی، وصی یا قیم صورت گرفته باشد یک سال و نیم تا سه سال و نیم حبس و چنانچه از سوی سایر افراد ارتکاب یافته باشد، سه ماه تا یک سال حبس

می‌باشد.

✓ در صورتی که این جرم از سوی ولی یا قیم صورت گرفته باشد، دادستان با استناد به ماده ۷۹ ق.آ.د.ک خودش تعقیب را به جریان انداخته یا شخصی را به عنوان قیم موقت برای طرح اقامه دعوی کیفری تعیین می‌نماید. اما در صورت ارتکاب جرم از سوی سایر افراد، ولی یا قیم فرد محجور اقدام به طرح شکایت می‌نماید.

جرم سوءاستفاده از سفید مهر یا سفید امضاء

مطابق ماده ۶۷۳ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی «قانون تعزیرات» مصوب ۱۳۷۵: «هر کس از سفید مهر یا سفید امضایی که به او سپرده شده است یا به هر طریق به دست آورده سوءاستفاده نماید به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.»

سفید مهر یا سفید امضاء عبارت است از ورقه سفیدی که شخص آن را مهر یا امضاء می‌کند و به دیگری می‌دهد تا آنچه را که تحویل گیرنده باید بالای آن بنویسد از قبل مورد تأیید و تصویب وی قرار داشته باشد و جرم مزبور عبارت است از نوشتن متقلبانه مطالبی حاکی از انتقال یا برائت ذمه یا هر امر موجب خسارت به زیان صاحب مهر یا امضاء می‌باشد.

سوءاستفاده به معنای نوشتن، تکمیل کردن، پر کردن محل‌های خالی در نوشته است.

✓ رفتار مجرمانه این جرم، نوشتن مطلب تعهدآور بر روی سفید امضاء یا سفید مهر می‌باشد.

✓ برای تحقق جرم فوق علاوه بر علم و آگاهی از سفید مهر یا سفید امضاء متعلق به غیر، سوءنیت عام (یعنی عمد در نوشتن مطلب تعهدآور بر روی سفید مهر یا سفید امضاء) و همچنین سوءنیت خاص (یعنی قصد اضرار به طرف مقابل: قصد ورود خسارت به صاحب امضاء یا مهر) باید به اثبات برسد.

✓ با توجه به اطلاق لفظ «سوءاستفاده» در ماده فوق به نظر می‌رسد علاوه بر سوءاستفاده مالی هر نوع سوءاستفاده دیگری نظیر سوءاستفاده سیاسی، شغلی، عاطفی و ... نیز مشمول جرم فوق خواهد بود؛ برای مثال در فرضی که شخصی از یک بازیگر سرشناس امضاء بگیرد و بالای آن مطالبی علیه وی بنویسد که جایگاه اجتماعی او را در معرض خطر قرار می‌دهد، مرتکب این جرم شده است.

✓ چه سفید مهر و سفید امضاء به مرتکب سپرده شده و چه از راه‌های دیگری مانند سرقت، پیدا کردن و ... به دست آورده باشد، مرتکب به مجازات مقرر در ماده فوق محکوم خواهد شد.

✓ حتی اگر شخص بتواند بدون نوشتن چیزی بر روی برگه نیز از آن سوءاستفاده نماید، رفتار وی مشمول جرم فوق خواهد بود. برای مثال در فرضی که مدیرعامل یک شرکت خصوصی پشت برگه‌ای به رسم یادگاری برای یکی از اعضای هیأت مدیره امضاء کرده و عضو هیأت مدیره با حيله و تقلب چنین وانمود که این امضاء به منزله استعفای مدیرعامل است، رفتار وی را می‌توان مشمول جرم فوق دانست.

✓ در مواردی که اعتبار نوشته مستلزم وجود دو امضاء باشد و تنها یکی از صاحبان امضاء اقدام به امضاء نموده باشد، امکان تحقق جرم وجود ندارد؛ زیرا اساساً با یک امضاء بحث خسارت احتمالی منتفی است تا بتوان رفتار مرتکب را سوءاستفاده قلمداد نمود.

✓ جرم فوق ناظر بر فرضی است که امضاء یا مهر دارای اصالت باشد و در صورتی که مرتکب خود اقدام به ساختن امضاء یا استفاده از مهر دیگری نماید، با توجه به ماده ۵۲۳ ق.م.ا.ت تعزیرات به مجازات جعل محکوم می‌گردد.

✓ در صورتی که شخصی اقدام به جعل امضاء یا مهر کسی نموده و شخص دیگر علی‌رغم آگاهی از این مسأله از آن سوءاستفاده نماید، به مجازات استفاده از سند مجعول محکوم خواهد شد.

✓ با توجه به ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، جرم فوق در زمره جرائم قابل گذشت محسوب شده است؛ بنابراین حداقل و حداکثر مجازات حبس مقرر در ماده فوق به نصف می‌یابد، این موضوع در درجه جرم نیز مؤثر است و از درجه پنج به درجه شش تبدیل می‌شود؛ بنابراین در حال حاضر علاوه بر تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم نیز در مورد این جرم امکان‌پذیر است.

• **سؤال:** «آیا وقوع بزه سوءاستفاده از سفید امضاء موضوع ماده ۶۷۳ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی در خصوص چک سفید امضاء قابل تحقق است؟ یا با توجه به اوصاف تجاری به لحاظ آنکه شاکی تکمیل مندرجات چک را به متهم محول نموده است وقوع بزه معتونه منتفی است؟»

✓ **پاسخ:** مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۶/۴۷۱ مورخ ۱۳۹۶/۳/۱ اداره حقوقی قوه قضاییه: «دادن چک‌های سفید امضاء ظهور در تفویض اختیار پرکردن آن به دارنده چک دارد؛ بنابراین صرف تکمیل کردن متن چک سفید امضاء توسط دارنده آن، جرم محسوب نمی‌گردد و تحقق بزه سوءاستفاده از سفید امضاء موضوع ماده ۶۷۳ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ منوط به وجود عناصر و ارکان مادی و معنوی بزه مزبور از جمله اثبات وجود رابطه امانی (سپردن چک) و استفاده از چک در غیر موارد امانی و به ضرر صاحب حساب است»

تبلیغ خودمون! جزوات سایت MollaKarimi.ir با توجه به سرفصل‌های جدید و آخرین تغییرات قوانین، به روز می‌شه و چنانچه پی.دی.اف یا نسخه چاپ شده جزوه رو در دست دارید بهتره مجدداً از سایت، نسخه به روز رو دانلود کنید. ضمناً ما کارگاهی داریم که متفاوت از بقیه کارگاه‌هاست! اسم کارگاه ما، «کارگاه تولید محتوای حقوقی» است که می‌تونید اینستاگرام (@vekalatyar) و تلگرام ما (@omidmollakarimi) رو دنبال کنید تا کلی محتوای حقوقی خوب رو مشاهده و دریافت کنید. در آخر هم باید بگم کافیه به شماره ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ واتس‌آپ بدین تا از آخرین تغییرات این جزوات و جزوات جدیدی که نگارش می‌شه مطلعتون کنیم.

جرم سرقت

تعریف جرم سرقت

ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی: «سرقت عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است.»

ارکان تعریف جرم سرقت

- ۱. ربودن:** مهم‌ترین سرقت در حقوق ایران «ربایش» است، که بدون تحقق آن عنصر مادی جرم سرقت به وقوع نخواهد پیوست.
 - ✓ ربایش، یعنی وضع ید بر مال غیر بدون رضایت صاحب مال و نقل مکان دادن از محلی به محلی دیگر
 - ✓ لازمه تحقق ربایش، نقل مکان دادن مال از محلی به محلی دیگر می‌باشد؛ بنابراین سرقت تنها در مورد اموال منقول که قابلیت نقل و انتقال و در نتیجه ربوده شدن را دارند، مصداق پیدا می‌کند.
 - ✓ اموالی که به دلیل نصب شدن در غیر منقول در حکم غیر منقول هستند نیز پس از جدا شدن منقول شده و قابل ربایش اند.
 - ✓ صرف رضایت ظاهری مالک مال در دادن مال خود به دیگری، موجب عدم تحقق عنصر ربایش نمی‌شود؛ بنابراین کسی که با تهدید کردن به وسیله اسلحه مال دیگری را گرفته و می‌گریزد و یا مالی را به بهانه دیدن از مغازه‌دار گرفته و فرار می‌کند، از نظر قانون ایران مرتکب عمل ربایش و در نتیجه سرقت می‌شود؛ البته در مورد اخیر در صورتی که عنصر سپردن محرز باشد (مثل اینکه مغازه‌دار مالی را به مشتری بدهد تا وی آن را به منزل برده و در صورت پسندیدن بخرد) به جای جرم سرقت، جرم خیانت در امانت از نظر حقوق ایران به وقوع خواهد پیوست. دلیل این امر آن است که چون بردن مال از مغازه با اجازه مغازه‌دار صورت گرفته است، عنصر ربایش موجود نمی‌باشد؛ ولی عنصر سپرده شدن مال به مشتری، که عنصر اصلی جرم خیانت در امانت است، محرز می‌باشد.
 - ✓ از نظر فقهای امامیه نیز شرط تحقق سرقت، پنهانی بودن سرقت است و رفتار مرتکب را در مواردی که به طور آشکار مال دیگری را از دست او درآورده و فرار کند، مشمول عنوان خاص استلاب دانسته‌اند؛ ولی با توجه به تعریف ماده ۲۶۷ ق.م.ا باید گفت که پنهانی بودن شرط تحقق اصل سرقت نیست و بلکه شرط تحقق سرقت حدی است، به عبارت دیگر در مواردی که عنصر پنهانی بودن در سرقت وجود نداشته باشد، رفتار مرتکب سرقت تعزیری محسوب می‌شود. (مانند کسی که در مترو یا دیگر مکان‌های عمومی اقدام به ربودن اموال دیگری می‌نماید.)
 - ✓ گاهی مرتکب با روش‌هایی مانند استفاده از حیوان دست‌آموز، آهن‌ریا، مجنون، صغیر غیر ممیز و ... اقدام به ربودن مال دیگری می‌نماید، در این موارد هر چند ربودن از جانب او صورت نگرفته ولی از باب سبب اقوی از مباشر مسؤول است.
- ۲. مال:** موضوع سرقت باید مال باشد.
 - ✓ مال آن چیزی (اعم از حیوانات، گیاهان یا اشیاء) است که پرداخت پول با یک کالای با ارزشی دیگر در مقابل آن، هم از نظر عرف و هم از نظر شرع جایز شناخته شود؛ بنابراین چیزهایی مثل هوا یا حشرات یا غذاهای فاسد شده بلامصرف، که عرف مبادله آنها را با کالای با ارزش دیگری را تأیید نمی‌کند (جز در شرایط استثنایی مثلاً در مورد هوای موجود در محفظه اکسیژن غواص که در زیر دریا هست) مال محسوب

نشده و در نتیجه ربایش آنها سرقت نخواهد بود.

✓ لزوم مُتَقَوِّم بودن (ارزش بازاری داشتن) به طور مطلق شرط مالیت نیست، پس یک عکس خانوادگی که متقوم نسبی است و برای صاحب آن دارای ارزش است، می‌تواند مال محسوب شود.

✓ عدم رواج مال در بازار، مانع مالیت داشتن آن نمی‌شود و ربودن چیزهایی مانند عکس‌های خانوادگی، برگه‌ای که بر روی آن امضای یادگاری یک فرد مشهور است، سند مالکیت، گواهی‌نامه و ... نیز سرقت محسوب می‌شود، هر چند به دلیل نرسیدن به حد نصاب، بحث سرقت حدی در این موارد منتفی است و رفتار مجرمانه را باید در زمره سرقت‌های تعزیری به شمار آورد.

✓ فقط عین مال قابل ربایش است، نه حقوق (مثل حق حبس) و نه منفعت یا طلب.

✓ کالاهایی چون آلات لهو یا مشروبات الکلی که از نظر فقه اسلامی و قانون ایران ذاتاً فاقد ارزش می‌باشند، مال محسوب نشده و بنابراین، ربایش آنها جز در موارد استثنایی (مثل اینکه غیرمسلمانی از غیرمسلمانی دیگر خمر برباید، یا اینکه استفاده مشروع استثنایی از آنها قابل تصوّر باشد) سرقت محسوب نمی‌گردد.

✓ سرقت تجهیزات دریافت از ماهواره دارای وصف مجرمانه است، چون اشیای مذکور دارای مالیت هستند.

✓ ربودن انسان مشمول جرم خاص آدم‌ربایی (موضوع ماده ۶۲۱ ق.م.ا تعزیرات) است، البته حکم مقرر در ماده مذکور منصرف از ربودن نوزاد است و در این زمینه باید به حکم مقرر در ماده ۶۳۱ ق.م.ا تعزیرات مراجعه نمود.

• **جرم آدم‌ربایی:** مطابق ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی تعزیرات: «هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال (به موجب بند «ب» ماده یک قانون «کاهش مجازات حبس تعزیری») مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ در صورتی که ارتکاب جرم به عنف یا تهدید باشد به حبس درجه چهار و در غیر این صورت به حبس درجه پنج) محکوم خواهد شد در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرائم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.»

• **جرم نوزاد ربایی:** مطابق ماده ۶۳۱ قانون مجازات اسلامی تعزیرات: «هر کس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را بجای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل مزبور مرده بوده، مرتکب به چهار (۴/۰۰۰/۰۰۰) تا پانزده (۱۵/۰۰۰/۰۰۰) میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»
✓ قاچاق انسان جرمی مستقل از ربایش انسان محسوب می‌شود که البته قاچاق انسان می‌تواند توأم با آدم‌ربایی نیز واقع شود.

• **جرم قاچاق انسان:** مطابق ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان: «قاچاق انسان عبارتست از:

الف - خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد یادشده، به قصد فحشا یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج.
ب - تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفاء فرد یا افراد موضوع بند (الف) این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود.»

✓ اعضای بدن انسان مال محسوب می‌شود و ربودن آن سرقت به شمار می‌رود، مانند سرقت خون از بانک خون؛ البته این مطلب مربوط به حالتی است که اعضای بدن انسان از او جدا شده باشند؛ اما در فرضی که مرتکب، دیگری را بیهوش کند و اعضای بدن او را جدا نماید، رفتار او جنایت عمدی محسوب می‌شود و حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می‌گردد.

✓ در صورت ربودن انسان به دلیل لباس‌ها و اجناس با ارزش همراه او، اگر موضوع جرم اشخاصی همچون صغیر غیر ممیز یا مجنون یا مست یا بیهوش یا خواب باشند که تسلطشان بر اموالشان ثابت نمی‌باشد ربودن آنها در صورتی که قصد ربایندگی از ربودن شخص استیلا بر اموال وی باشد ضمن اینکه آدم‌ربایی محسوب می‌شود، سرقت نیز محسوب می‌شود.

• **آیا ربودن میت را می‌توان سرقت دانست؟**

✓ به دلیل عدم امکان مالکیت میت برای دیگری، میت فاقد مالیت می‌باشد، دیوان عالی کشور در تعدادی از آرای خود مشابه چنین نظری

دارد.

۳. **تعلق مال به دیگری:** برای تحقق جرم سرقت، مال ربوده‌شده، باید متعلق به غیر (یعنی در مالکیت دیگری) باشد.
- ✓ اگر مالکی مال خود را از غاصب برآید، سرقت محسوب نمی‌شود.
 - ✓ ربایش اموال بلاصاحب، که در مالکیت کسی قرار ندارند، سرقت محسوب نمی‌شود؛ اما هرگاه گم‌شدن مال به معنی خارج شدن مال از تحت سلطه مالک نباشد، مثل گم کردن انگشتر در داخل اتاق یا خانه، تصاحب آن توسط شخص دیگر می‌تواند سرقت تلقی شود.
 - ✓ برای تحقق جرم سرقت، شناخته‌شده بودن صاحب مال ضرورتی ندارد، بلکه فقط لازم است که مال ربوده‌شده متعلق به شخص دیگر (اعم از حقیقی یا حقوقی) باشد.
 - ✓ ربودن عین مرهونه یا عین مستأجره، توسط راهن یا مستأجر سرقت محسوب نمی‌شود و شخص رباینده فقط از نظر حقوقی ضامن است؛ اما در عقد قرض چنین نیست؛ زیرا در عقد قرض مال به ملکیت مقتضی درمی‌آید و با توجه به ماده ۶۵۰ قانون مدنی صرفاً حقیقی دریافت مثل آن را دارد و چنانچه پس از قرض اقدام به ربودن مال نماید، به دلیل ربودن مال دیگری، جرم سرقت محقق شده است.
 - ✓ اگر خریدار قبل از پرداخت ثمن مبیع را از فروشنده ربوده و بدین وسیله فروشنده را از «حقیقی حبس» بر مبیع محروم سازد، عمل او سرقت نیست؛ زیرا به محض انعقاد بیع، مالکیت مبیع به خریدار منتقل شده و بنابراین وی در واقع مال خود را برده است، همچنین مطابق حقوق ایران «حقیقی حبس» بایع بر مبیع مال قابل سرقت محسوب نمی‌شود.
 - ✓ سرقت از سارق، ادامه غضب ناشی از سرقت مال غیر توسط ثالث است و خود سرقت تلقی نمی‌شود.
- **آیا سرقت در اموال مشاع توسط أحد شرکا قابل ارتکاب است؟**
 - **نظر اول:** با لحاظ اینکه شریک مال مشاعی در جزء جزء آن مال، شریک است، ارتکاب جرم سرقت منتفی است.
 - **نظر دوم:** با لحاظ اینکه در تمامی اجزا مال مشاع، شرکا شریک‌اند نمی‌توان آن مال را متعلق به هر یک از شرکا فرض کرد و تحقق سرقت توسط هر شریک نسبت به مال مشاع ممکن است؛ به عبارت دیگر هرگاه کسی بیش از حصه خود از مال مشترک برآید، با توجه به اینکه این‌گونه اموال، «اموال دیگری» نبوده، بلکه «مال مشترک» می‌باشند، جرم سرقت محقق است.
 - ✓ **نتیجه‌گیری:** مطابق ماده ۲۷۷ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه شریک یا صاحب حق، بیش از سهم خود، سرقت نماید و مازاد بر سهم او به حد نصاب برسد، مستوجب حد است.» بنابراین سرقت در اموال مشاع، توسط أحد شرکا قابل ارتکاب است.
 - **اگر فردی به قصد تقاص و تسویه حساب، مال دیگری را بردارد، آیا می‌توان رفتار او را سرقت دانست؟**
 - در پاسخ به این سؤال میان نویسندگان اختلاف نظر وجود دارد؛
 - **نظر اول:** به عقیده برخی، بنا به ضرورت عمومی و حفظ نظم جامعه، تعدی به مالکیت افراد را در این موارد باید جرم دانست
 - **نظر دوم:** اما به عقیده برخی دیگر، با توجه به فقدان عنصر روانی رفتار شخص در این موارد جرم محسوب نمی‌شود؛ چراکه دائن (فردی که مال دیگری را برمی‌دارد) به قصد برداشتن طلب خود و نه به قصد سرقت برداشته است
 - ✓ **نتیجه‌گیری:** نظیر اخیر که با تفسیر به نفع متهم نیز همخوانی بیشتری دارد، مورد تأیید است.

انواع جرم سرقت

۱. **سرقت حدی:** مطابق ماده ۲۶۸ ق.م.ا: «سرقت در صورتی که دارای تمام شرایط زیر باشد موجب حد است»
۲. **سرقت تعزیری:** مطابق ماده ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هرگاه سرقت جامع شرایط حد نباشد ولی مقرون به تمام پنج شرط ذیل باشد مرتکب از پنج تا بیست سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌گردد»

عناصر تشکیل‌دهنده جرم سرقت

عناصر قانونی جرم سرقت

سرقت حدی: ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی

سرقت مقرون به ۵ شرط مشدده: ماده ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات
سرقت مقرون به آزار یا سرقت مسلحانه: ماده ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات
راهزنی: ماده ۶۵۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات
سرقت مسلحانه گروهی در شب: ماده ۶۵۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات
سرقت مقرون به یکی از شرایط مقرر در قانون: ماده ۶۵۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات
کیف‌زنی یا جیب‌بری: ماده ۶۵۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات
سرقت از محل تصادفات رانندگی یا مناطق حادثه‌زده: ماده ۶۵۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات
سرقت وسایل و متعلقات مربوط به تأسیسات مورد استفاده عمومی: ماده ۶۵۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات
سرقت ساده: ماده ۶۶۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات
سرقت از موزه‌ها یا اماکن تاریخی: ماده ۵۵۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات

عنصر مادی جرم سرقت

- ✓ عنصر مادی جرم سرقت عبارت است از ربودن مال متعلق به دیگری است که فقط با فعل محقق می‌شود.
- ✓ موضوع جرم سرقت مال منقول متعلق به دیگری است.

عنصر روانی جرم سرقت

علم به موضوع: مرتکب جرم سرقت باید علم داشته باشد که عمل ربودن بر روی مال دیگری واقع شده است، بنابراین در صورتی که شخصی مال دیگری را اشتبهاً به جای مال خود بردارد، به دلیل جهل موضوعی رفتار او جرم تلقی نمی‌شود.
سوء نیت عام: مرتکب باید قصد رفتار مجرمانه داشته باشد، یعنی در ربودن مال متعلق به دیگری عمد داشته باشد.
سوء نیت خاص: مرتکب باید قصد تحقق نتیجه مجرمانه که همان قصد اضرار به دیگری است داشته باشد؛ یعنی وقتی مرتکب قصد ربودن مال دیگری را دارد یعنی قصد محروم کردن مالک از دخل و تصرف در آن مال را دارد؛ بنابراین در صورتی که مرتکب قصد استفاده موقت یا پس دادن مال مسروق را داشته باشد، رفتار او را نمی‌توان سرقت دانست و رفتار مشمول عنوان خاص «ربایش» موضوع ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات است؛ بنابراین در فرضی که شخصی خودروی متعلق به دیگری را برای استفاده در شب عروسی بردارد، به دلیل اینکه قصد محروم ساختن دائمی مالک را ندارد، عمل او را نمی‌توان سرقت دانست؛ حتی در صورتی که مرتکب پس از برداشتن مال، از قصد خود عدول کرده و تصمیم بر پس ندادن آن مال بگیرد، باز رفتار او به دلیل عدم تقارن عنصر مادی و معنوی سرقت محسوب نمی‌شود.

سرقت حدی

شرایط سرقت حدی

ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی: سرقت در صورتی که دارای تمام شرایط زیر باشد موجب حد است:

۱. شیء مسروق شرعاً مالیت داشته باشد

✓ این شرط مختص سرقت حدی نیست، بلکه ربودن اشیائی که فاقد ارزش شرعی هستند، اساساً سرقت محسوب نمی‌شوند؛ مانند سرقت مشروبات الکلی، مگر در موارد استثنایی مثل اینکه غیرمسلمانی از غیرمسلمانی دیگر خمر برآید، یا اینکه استفاده مشروع از آنها قابل تصور باشد.

✓ مالیت داشتن مال مسروقه در زمان ارتکاب سرقت مدنظر است.

۲. مال مسروق در حرز باشد

✓ **ماده ۲۶۹ قانون مجازات اسلامی:** «حرز عبارت از مکان متناسبی است که مال عرفاً در آن از دستبرد محفوظ می‌ماند.»

- ✓ حرز در لغت به معنی جای محکم و استوار یا پناهگاه و یا جایی که چیزی را در آن محافظت می‌کنند، به کار رفته است.
- ✓ با لحاظ مجهول بودن جمله فوق، مهم نیست چه کسی مال را در حرز قرار داده باشد، بلکه شرط قرار گرفتن مال در حرز است.
- ✓ حرز «مکان» است و مواردی مانند حضور نگهبان، دزدگیر، قفل فرمان و دوربین مداربسته، گذرواژه و ... را نمی‌توان حرز به شمار آورد البته مکان حرز لزوماً مخفی و دور از انظار عمومی نیست؛ برای مثال ویتترین قفل شده یک جواهرفروشی حرز به شمار می‌رود، هر چند جلو دید و در مرئی و منظر عام باشد.
- ✓ خیابان حرز اتومبیل محسوب نمی‌شود، بنابراین سرقت اتومبیل در خیابان ولو با شکستن قفل اتومبیل موجب تحقق سرقت حدی نخواهد بود؛ بنابراین حتی سرقت اموال از داخل چنین اتومبیلی هم موجب حد نمی‌باشد؛ زیرا حرز مکان مناسبی است که عرفاً محل محافظت مال از ربایش باشد، شاید بتوان گفت که اتومبیل، «مکان نگهداری» اشیاء و لوازم درون آن نمی‌باشد، بلکه صرفاً «محل طبیعی» برای آن اشیاء و لوازم است؛ بنابراین سرقت اشیاء و لوازم داخل اتومبیل، مثل سرقت خود اتومبیل سرقت از حرز محسوب نمی‌شود؛ البته هرگاه خودروی ویژه‌ای مثل خوردهای ویژه حمل پول بانک‌ها، که درون آنها صندوق‌های قفل شده خاصی برای گذاشتن پول در نظر گرفته شده است، با شکستن صندوق‌ها و ربودن پول درون آنها سرقت موجب حد محقق شده است.
- ✓ با توجه به ماده ۲۶۹ ق.م.ا. حرز، «مکان مناسب» برای حفاظت از دستبرد است، بنابراین محل متعارف نگهداری مال، لزوماً حرز محسوب نمی‌شود؛ زیرا در بسیاری از موارد محل متعارف برای نگهداری مال، محل مناسبی برای حفاظت از دستبرد نیست، برای مثال یخچال محل متعارف برای نگهداری مواد خوراکی است، اما مکان مناسبی برای جلوگیری از سرقت نیست و یا محل پارک خودرو در خیابان که با علامت مشخص شده، محل متعارف است، اما مکان متناسب که مال عرفاً در آن از دستبرد محفوظ بماند، نیست، متناسب بودن به قضاوت عرف از مالی به مالی دیگر متفاوت است؛ مثلاً پارکینگ را می‌توان حرز مناسبی برای اتومبیل دانست، اما پارکینگ را نمی‌توان حرز مناسبی برای یک جواهر گران قیمت دانست، ولو آنکه درب پارکینگ قفل باشد و سایرین حق ورود نداشته باشند.
- ✓ متناسب بودن حرز مستلزم منع رفت و آمد سایرین به آنجا است، برای مثال کسی که در استخر لباس‌های خود را در جایی مخفی نماید، صرفاً آن را مخفی نموده و در حرز قرار نداده است، زیرا سایرین حق رفت و آمد به آن محل را دارند؛ در حالی که اگر لباس‌های خود را در کمد قرار داده و درب کمد را قفل کند، لباس‌های خود را در حرز قرار داده است، زیرا سایرین حق باز کردن درب کمد قفل شده را ندارند.
- ✓ منظور از حرز مناسب، حرزی نیست که لزوماً محل معمول حفاظت آن مال باشد؛ بلکه اگر عرف آن را برای محافظت از مال کافی بدانند، حرز محسوب می‌شود، هر چند که شیوه معمول حفاظت از آن مال نباشد:
 - * دفن وجوه نقد در زیر زمین، حرز محسوب می‌شود.
 - * پنهان کردن طلا در فریزر، حرز محسوب می‌شود.
- ✓ موارد ذیل بر مبنای عرف حرز محسوب می‌شوند:
 - * یک توقفگاه عمومی که در طول روز برای همه باز است حرز محسوب نمی‌شود؛ اما اگر شب درب آن بسته باشد، حرز محسوب می‌شود.
 - * یک مدرسه که درب آن بسته است، نسبت به غیر دانش‌آموزان و غیر کارمندان مدرسه حرز محسوب می‌شود؛ بنابراین سرقت دانش‌آموزان مدرسه از اموال موجود در مدرسه موجب حد نخواهد بود، ولی سرقت اشخاص دیگر ممکن است، با وجود سایر شرایط، سرقت موجب حد محسوب شود.
 - * حرز پول در یک روستا، یک اتاق در بسته است؛ اما حرز پول در یک شهر، گاوصندوق است.
 - * میوه‌های درخت داخل حصار به تبع خود درخت، در حرز مناسب است.
 - * جیب باطنی یا مخفی یا جیبی که بر روی آن لباس دیگری باشد، حرز مناسب است.

۳. سارق هتک حرز کند

- ✓ این شرط حائز ۲ نکته می‌باشد:
 ۱. رباینده مال، خود باید شخصاً اقدام به هتک حرز کرده باشد.
 - * فرد باید در هتک حرز به تنهایی یا به همراه دیگری «مباشرت» داشته باشد، نه اینکه تنها در آن معاونت کند، مثلاً کلید باز کردن در حرز

- را به دیگری بدهد. یا اینکه شخصی هتک حرز بکند و شخص دیگر مال را از حرز خارج کند، این سرقت موجب حد نیست.
- * اگر کسی قلابی را از بالای دیوار به داخل خانه انداخته و اموالی را بیرون بکشد، یا کودک خردسالی را به شکستن حرز ترغیب کند، باید هتک حرز را توسط وی محقق دانست؛ زیرا قلاب و کودک در این دو مثال، ابزاری در دست وی برای هتک حرز بوده‌اند.
۲. حرز به شرح ماده ۲۷۱ ق.م.ا باید موضوع هتک حرز قرار گرفته باشد.
- * **ماده ۲۷۱ قانون مجازات اسلامی:** «هتک حرز، عبارت از نقض غیرمجاز حرز است که از طریق تخریب دیوار یا بالا رفتن از آن یا باز کردن یا شکستن قفل و امثال آن محقق می‌شود.»
- * هتک حرز لزوماً به معنی شکستن مادّی حرز نیست، بلکه اعم است از مادّی و غیر مادّی؛ بنابراین چه کسی قفلی در منزلی را بشکند و چه آن را با استفاده از کلید ساختگی باز کند و یا در گاوصندوق را با استفاده از شماره رمز آن باز کند، یا از دیوار خانه‌ای بالا رود، در کلیه این موارد هتک حرز محقق شده است.
- ✓ لازم نیست هتک حرز به قصد سرقت انجام شده باشد، بلکه حتی اگر کسی به قصد تخریب هتک حرز کند و پس از آن تصمیم به سرقت بگیرد و مالی را از درون حرز برآید، عمل وی را می‌توان با وجود سایر شرایط، سرقت موجب حد دانست.
- ✓ ایجاد وقفه بین هتک حرز و سرقت مهم نیست، بنابراین کسی که صبح هتک حرز و بعد از ظهر از آن حرز سرقت می‌کند ممکن است بتواند به سرقت مستوجب حد محکوم شود، مگر آنکه به دلیل وقفه طولانی، یا به علت دیگری، هتک حرز به گونه‌ای بین مردم شایع شود که در زمان ربودن، دیگر نتوان مال را ربوده‌شده از حرز دانست.
- ✓ هتک حرز باید عمدی باشد، بنابراین در صورتی که راننده اتومبیلی که به طور غیرعمدی با دیوار خانه‌ای برخورد کند و آن را خراب کرده است، مالی را از درون خانه برآید، مشمول سرقت موجب حد نیست.
- ✓ اگر سارق با صحنه‌سازی و حیله و تقلب، اذن ورود بگیرد (مثل معرفی کردن خود به جای مأمور اداره آب برای خواندن کنتور آب) هتک حرز محقق است.
- ✓ اگر سارق داخل کمدی که به منزل دیگری برده می‌شود، پنهان شده و به این ترتیب وارد حرز شود، هتک حرز محقق است.
- ✓ اگر اجازه ورود به حرز یا باز کردن آن از سوی مالک یا متصرف قانونی به کسی داده شده باشد، در صورت ربودن مال وی را می‌توان هتک حرز و در نتیجه محکوم به حد دانست، بنابراین سرقت مستخدم یا مهمان موجب حد نیست.
- ✓ هتک حرز باید برای ورود به حرز باشد، نه برای خروج از آن؛ برای مثال سارق به طور مخفیانه وارد خانه‌ای که در آن باز است، بشود اما پس از جمع کردن اموال، در خانه قفل شده باشد و سارق برای خارج شدن از خانه، مجبور به شکستن در شود، سرقت حدی منتفی است.
- ۴. سارق مال را از حرز خارج کند**
- ✓ تنها کسی را می‌توان به ارتکاب سرقت موجب حد محکوم کرد که علاوه بر شرکت در هتک حرز، در اخراج مال نیز شرکت داشته باشد؛ بنابراین:
- * اگر دو نفر هتک حرز کنند و یکی از آنان مالی را از حرز بیرون آورد، شخص دوم مرتکب سرقت حدی شده است.
- * اگر دو نفر هتک حرز کنند و یکی از آنان داخل حرز شده و مال را تا پشت در بیاورد و آن کس که در بیرون است دست خود را داخل کرده و مال را از داخل حرز به بیرون آورد، اخراج مال از حرز به دومی منتسب و در نتیجه تنها شخص دوم که هم در هتک حرز شرکت داشته و هم مال را از حرز خارج کرده است، مستوجب حد خواهد بود.
- * اگر دو نفر هتک حرز کنند و اولی دست خود را همراه با مال از حرز بیرون آورده و شخص دوم مال را از بیرون حرز بگیرد، اخراج مال از حرز به اولی منتسب و در نتیجه تنها شخص اول که هم در هتک حرز شرکت داشته و هم مال را از حرز خارج کرده است، مستوجب حد خواهد بود.
- ✓ هرگاه مجموع دو شرط هتک حرز و اخراج مال از حرز در مورد هیچ یک از شرکت‌کنندگان صدق نکند، مثل اینکه یک نفر هتک حرز کرده و دیگری مال را از حرز بیرون آورد، حد سرقت علیه هیچ یک از آن دو اجرا نخواهد شد؛ زیرا عمل شخص اول اساساً سرقت محسوب نشده و عمل شخص دوم نیز، به دلیل عدم شرکت وی در هتک حرز، سرقت مستوجب حد نمی‌باشد.

✓ چنانچه سارق پیش از خارج کردن مال از حرز، دستگیر شده یا به هر دلیل غیرارادی، موفق به خارج کردن مال نشود، سرقت حدی منتفی است؛ حتی در چنین حالتی به دلیل ناتمام ماندن عنصر مادی و عدم خروج مال از ید صاحب آن، اساساً بحث سرقت (اعم از حدی یا تعزیری) منتفی است و نهایتاً می‌توان مرتکب را به مجازات شروع به سرقت محکوم ساخت.

✓ شرط لزوم اخراج مال از حرز نشان می‌دهد که تلف کردن یا خوردن مال (مثلاً مواد خوراکی) در درون حرز را نمی‌توان سرقت مستوجب حد دانست (و یا حتی سرقت به طور کلی) دانست. البته، هرگاه رباینده، مالی از قبیل یک قطعه جواهر کوچک را، که به وسیله بلعیده شدن از بین نمی‌رود و خارج شدن آن دشوار نمی‌باشد، ببلعد و بدین وسیله آن را از حرز خارج نماید، شرط اخراج مال از حرز محقق می‌گردد؛ زیرا در این حالت، بلعیدن مال درست مثل گذاشتن آن در داخل یک ظرف است؛ اما اگر بیرون آمدن آن سخت باشد، این کار مثل تلف کردن مال است و حدی وجود نخواهد داشت؛ هر چند که مال بعداً به طور اتفاقی خارج شده و در دسترس شخص قرار گیرد. بدیهی است، در این حالت ضمان مدنی برقرار خواهد بود.

✓ خارج کردن مال از حرز می‌تواند به مباشرت یا تسبیب باشد.

✓ ماده ۲۷۲ قانون مجازات اسلامی؛ خروج مال به تسبیب: «هرگاه کسی مال را توسط مجنون، طفل غیر ممیز، حیوان یا هر وسیله بی‌اراده‌ای از حرز خارج کند مباشر محسوب می‌شود و در صورتی که مباشر طفل ممیز باشد رفتار آمر حسب مورد مشمول یکی از سرقت‌های تعزیری است.

✓ ماده ۲۷۳ قانون مجازات اسلامی: «در صورتی که مال در حرزهای متعدد باشد، ملاک، اخراج از بیرونی‌ترین حرز است.»؛ زیرا مادامی که مال از بیرونی‌ترین حرز خارج نشده، هنوز در ید صاحب آن است. مثل اینکه سارق در گاوصندوق را باز کرده و از اتاق هم خارج شده، اما در زمان خروج از خانه دستگیر شود. او را باید به مجازات شروع به سرقت تعزیری (نه حدی) محکوم ساخت؛ زیرا سرقت حدی مستلزم خارج کردن مال از بیرونی‌ترین حرز می‌باشد.

۵. هتک حرز و سرقت مخفیانه باشد

✓ مخفیانه یا دور از چشم بودن یعنی اینکه سارق در کل فرایند سرقت هر دو عمل ۱- هتک حرز و ۲- ربودن، «متوسل به پنهان کاری» شود؛ بنابراین در صورتی که سارقی صبح و در میان حضور عابران وانمود کند که تعمیرکار است و برای تعمیر درب مغازه طلافروشی آمده و پس از شکستن قفل، شبانه بیاید و مخفیانه اموال داخل مغازه را برآید، عمل او مشمول سرقت حدی نیست؛ زیرا شرط مخفیانه بودن صرفاً در مورد ربودن اموال محقق شده است، نه در مورد هتک حرز.

✓ منظور از پنهان کاری، انجام سرقت دور از چشم افراد نیست؛ چون در این صورت این وضع با شرط اثبات سرقت با شهادت ۲ مرد عادل در تعارض است.

✓ منظور از توسل به پنهان کاری، اقدام سارق با حُفیه کاری است به نحوی که او تمامی تمهیدات لازم را اندیشیده است تا کسی شاهد جرم نباشد، ولی مشاهده اتفاقی صاحب مال یا سایرین، چنین اقدامی را از حالت مخفیانه خارج نمی‌کند.

✓ منظور از تلاش سارق برای پنهان کاری سعی در جهت پنهان ماندن «عمل ربایش» است؛ نه پنهان ماندن «هویت» سارق؛ بنابراین عمل سارق نقابداری که در روز روشن و در مقابل چشم همه به یک بانک حمله می‌کند، یک «عمل» مخفیانه یا پنهانی نیست، هر چند که وی با گذاشتن نقاب سعی در پنهان داشتن «هویت» خود کرده است.

✓ با لحاظ ماده ۲۶۷ و بند «ث» ماده ۲۶۸ ق.م.ا پنهانی بودن (مخفیانه) هتک حرز و سرقت از شرایط سرقت حدی است؛ نه از شرایط کلی سرقت؛ بنابراین سرقت‌های تعزیری اصولاً مستلزم «ربایش پنهانی» مال غیر نیستند.

۶. سارق پدر یا جد پدری صاحب مال نباشد

✓ اگر پدر یا جد پدری از فرزندان خود سرقت کند، سرقت حدی محسوب نمی‌شود، البته نه اینکه سرقت نبوده باشد، از جمله شرایط سرقت موجب حد این است که سارق، پدر صاحب مال نباشد؛ لذا اگر سارق پدر صاحب مال باشد بر فرض اینکه تمام شرایط دیگر محقق باشد، سرقت حدی محسوب نمی‌شود، اما سرقت تعزیری قابل محقق است.

✓ در صورت سرقت مادر از اموال فرزند، سرقت حدی قابل تحقق است.

✓ در صورت سرقت از اموال پدر یا جد پدری، سرقت حدی قابل تحقق است.

✓ در صورتی که زن و شوهر در خانه مشترک، مالی را از هم پنهان کرده و در حرز قرار داده باشند، سرقت حدی قابل تحقق است؛ ولی اگر بین زن و شوهر حرزی متصور نباشد، سرقت حدی منتفی است.

۷. ارزش مال مسروقه در زمان اخراج از حرز، معادل چهار و نیم نخود طلای مسکوک باشد

✓ نصاب سرقت حدی، معادل، معادل ۴/۵ نخود طلای مسکوک یا یک چهارم دینار طلای خالص است (هر هجده نخود برابر یک مثقال شرعی یا چهار و نیم گرم است) (معادل چهار و نیم نخود طلای مسکوک، حدوداً ۴ گرم طلا می‌باشد)؛ به عبارت دیگر برای حدی محسوب شدن سرقت، باید ارزش مال مسروقه در زمان اخراج از حرز **معادل** حدوداً ۴ گرم طلا باشد.

✓ اگر کسی مالی را در داخل حرز فاسد کرده و یا نقصی در آن ایجاد کند (مثلاً لباس را پاره، حیوان را ذبح و یا میوه را له کند) به گونه‌ای که ارزش آن از حد نصاب کمتر شود و بعد آن را از حرز خارج کند، سرقت حدی محسوب نمی‌شود؛ هرچند که در هر حال ضامن تفاوت قیمت بوده و با وجود سایر شرایط، ممکن است به ارتکاب سرقت مستوجب تعزیر نیز محکوم گردد.

✓ شرط به حد نصاب رسیدن ارزش مال مسروقه باید «در زمان اخراج مال از حرز» باشد.

✓ **ماده ۲۷۴ قانون مجازات اسلامی:** «ربایش مال به اندازه نصاب باید در یک سرقت انجام شود»

✓ در مورد سرقت از محل واحد چنانچه میان سرقت‌ها فاصله بیفتد، به نحوی که نتوان آنها را یک سرقت به شمار آورد، ارزش مال باید در هر یک از این دفعات باید به حد نصاب برسد.

✓ در فرضی که سارق از تمام خانه‌های یک محل سرقت کند، ارزش مال ربوده شده از هر خانه (نه مجموع آنها) باید به حد نصاب برسد، وگرنه سرقت او تعزیری محسوب می‌شود. البته این حکم شامل سرقت از چند اتاق در یک عمارت بزرگ نمی‌شود، زیرا به دلیل پیوستگی، عرفاً همه آنها یک حرز به شمار می‌روند.

✓ در مواردی که سرقت از یک حرز انجام می‌شود، ولی فاصله زمانی سرقت‌ها به قدری است که عرفاً نتوان آنها را یک سرقت به شمار آورد، ارزش مال در هر یک از دفعات باید به حد نصاب برسد.

✓ **ماده ۲۷۵ قانون مجازات اسلامی:** «هرگاه دو یا چند نفر به طور مشترک مالی را برابند باید سهم جداگانه هرکدام از آنها به حد نصاب برسد.»

✓ در مواردی که سهم یکی از شرکا به حد نصاب برسد و سهم شریک دیگر کمتر از حد نصاب باشد، نفر اول به جرم سرقت حدی و نفر دوم به جرم سرقت تعزیری محکوم می‌گردد.

✓ در رابطه با سرقت سند، چک و دیگر اوراق بهادار باید خاطر نشان ساخت هر چند بودن اموال مذکور به دلیل مالیت داشتن، سرقت قلمداد می‌شود، ولی به دلیل نرسیدن به حد نصاب، نمی‌توان رفتار مرتکب را سرقت حدی به شمار آورد؛ به عبارت دیگر در اسنادی مثل چک ارزش ذاتی ندارد، بلکه ارزش اعتباری دارد و پس از مراجعه به بانک تبدیل به پول می‌شوند، ربایش آنها سرقت تعزیری محسوب می‌شود؛ اما در چک‌پول‌ها که همچون اسکناس بین مردم رواج دارد، حد نصاب به میزان مبلغ مندرج در آنها ارزشیابی می‌شود و در صورتی که به حدی نصاب برسد، مشمول سرقت حدی است.

✓ برای تحقق سرقت حدی علم مرتکب به ارزش مال ضرورتی ندارد؛ یعنی لازم نیست که بداند مقدار آن به حد نصاب می‌رسد یا نه؛ زیرا اساساً در جرائم عمدی علم به متفرعات مهم نیست و آنچه دارای اهمیت می‌باشد، علم مرتکب به موضوع یعنی تعلق مال به دیگری است. البته اگر در درون مال مسروقه، مال دیگری باشد که ارزش آن به حد نصاب می‌رسد و مرتکب نسبت به آن علم ندارد، رفتار وی را نمی‌توان سرقت حدی به شمار آورد (برای مثال مرتکب کیف را تصور اینکه داخل آن کتاب است بردارد، غافل از آنکه درون کیف پر از طلا و ارز بوده است)

۸. مال مسروقه از اموال دولتی یا عمومی، وقف عام و یا وقف بر جهات عامه نباشد

✓ سرقت اموال دولتی یا عمومی یا سرقت اموال وقف عام، سرقت مستوجب حد نیست.

✓ سرقت مال مشترک بین دولت و اشخاص خصوصی با اجرای قاعده ثدرأ الحدود بالشبهات، مشمول حد نیست.

۹. سرقت در زمان قحطی صورت نگیرد

- ✓ قحطی در لغت به معنای خشکسالی، کمیابی و نایابی است، در اصطلاح حقوقی نیز به حالتی اطلاق می‌شود که در اثر یک بلای همه‌گیر، مردم قادر به امرار معاش و برطرف ساختن گرسنگی نباشند.
- ✓ سرقت هر چیزی (حتی غیرخوراکی) اگر در زمان قحطی صورت گیرد، مشمول سرقت حدی نمی‌شود؛ زیرا چه‌بسا مرتکب مال غیرخوراکی را ربوده باشد تا با فروش آن برای خود غذا تهیه کند.
- ✓ اگر وضعیت موجود، شخص را در وضعیتی قرار دهد که مضطر از ربودن مال شود، رفتار وی دیگر نه تنها سرقت حدی نیست؛ بلکه به دلیل اضطراب اساساً جرم محسوب نمی‌شود.

۱۰. صاحب مال از سارق نزد مرجع قضائی شکایت کند

- ✓ تا قبل از شکایت صاحب مال، حد سرقت جاری نمی‌شود؛ به عبارت دیگر تحقق سرقت حدی مستلزم شکایت صاحب مال نزد مراجع قضایی و عدم گذشت او پیش از اثبات جرم (پیش از صدور رأی قطعی) است، البته شرط مزبور نباید باعث چنین برداشتی شود که جرم سرقت حدی، در زمره جرائم قابل گذشت است؛ زیرا به صراحت ماده ۲۷۶ ق.م.ا در صورت فقدان هر یک از این شرایط تعقیب ادامه می‌یابد و مرتکب به مجازات سرقت تعزیری محکوم می‌شود.
- ✓ درخواست اجرای حد از سوی صاحب مال ضروری نیست، صرف شکایت صاحب مال کافی است.
- ✓ با فوت صاحب مال قبل از طرح شکایت علیه سارق، حد ساقط می‌شود.
- ✓ با توجه به آنکه تنها عین قابل سرقت است، نه منافع آن؛ منظور از صاحب مال در بند فوق، مالک عین است، نه متصرف مال یا مالک منافع؛ بنابراین در فرضی که شخصی خودرویی را اجاره کرده تا با آن امرار معاش کند، در صورت سرقت خودرو، حقی طرح شکایت ندارد و مالک عین باید اقدام به طرح دعوا نماید، در وقف خاص با توجه به آنکه امکان تحقق سرقت حدی وجود دارد، به نظر می‌رسد با توجه به ماده ۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳، متولی موقوفه عهده‌دار طرح دعوا در این زمینه باشد.
- ✓ در صورتی که صاحب مال پس از اثبات جرم، اقدام به گذشت نماید، به گذشت او ترتیب اثر داده نمی‌شود و تقاضای تخفیف بر مبنای ماده ۴۸۳ ق.آ.د.ک نیز امکان‌پذیر نیست؛ زیرا ماده مذکور صرفاً ناظر بر جرائم غیرقابل گذشت تعزیری است و در جرائم حدی قابل تقلیل یا تبدیل مجازات صرفاً از طریق عفو خاص یا توبه مرتکب امکان‌پذیر است و گذشت شاکی در این زمینه فاقد تأثیر است.

۱۱. صاحب مال قبل از اثبات سرقت سارق را نبخشد

- بخشیدن سارق قبل از اثبات جرم، عدول از شکایت و نوعی اعلام گذشت است و موضوع از شمول سرقت حدی خارج خواهد شد و تنها بر مبنای حفظ نظم عمومی یا جلوگیری از تجزیه سارق، امکان تعزیر سارق وجود خواهد داشت.

۱۲. مال مسروق قبل از اثبات سرقت تحت ید مالک قرار نگیرد

- ✓ یکی دیگر از شرایط تحقق سرقت حدی آن است که مال مسروق قبل از اثبات سرقت تحت ید مالک قرار نگیرد. با توجه به اطلاق شرط فوق، به نظر می‌رسد که حتی در مواردی که سارق مستقیماً مال را در اختیار مالک قرار نداده و مال از طریق شخص ثالث تحت ید مالک قرار داده شود، باز هم سرقت حدی منتفی است؛ بنابراین در فرضی که سارق مال مسروقه را به شخص ثالث بفروشد و خریدار آن مال را به خود مالک منتقل نماید، مجازات حدی ساقط می‌شود.
- ✓ در صورتی که، سارق قصد بازگرداندن مال مسروق را به مالک داشته باشد و مالک مخالف این امر باشد تا مجازات حدی به اجرا درآید؛ رضایت یا عدم رضایت مالک فاقد تأثیر است و مجازات حدی در هر حال ساقط می‌گردد.
- ✓ در مورد اموال قیمی، باید همان مال مسروق برگردانده شود و در صورت دادن قیمت آن از سوی سارق، مجازات حدی ساقط نخواهد شد؛ زیرا با توجه به بند فوق سارق باید «مال مسروق» (نه قیمت آن) را برگرداند، البته در مورد اموال مثلی مانند سگه و اسکناس این وضعیت متفاوت است و با توجه به ضرورت تفسیر به نفع متهم، اگر متهم مثل مال را در اختیار مالک قرار دهد، بحث مجازات حدی منتفی است.
- ✓ از اطلاق کلام قانونگذار چنین برمی‌آید که حتی اگر مال مسروق آسیب دیده باشد و سارق آن را تحت ید مالک قرار دهد، باز مجازات حدی ساقط می‌شود، مگر آنکه آسیب مال به حدی باشد که اساساً مالیت خود را از دست داده باشد.
- ✓ سارق باید مال را تحت ید مالک قرار دهد، نه صرفاً آن را به حرز بازگرداند؛ چون ممکن است مال در حرز تحت ید مالک قرار نگیرد؛ برای

مثال در فرضی که مالک مال را در یک گاوصندوق قدیمی واقع در یک خانه متروک پنهان نموده و سارق مال را در همان جا بگذارد، مجازات حدی ساقط نخواهد شد، چون مال تحت ید مالک قرار نگرفته است به علت اینکه ممکن است مالک هرگز به آنجا باز نگردد، تا به مال دسترسی پیدا کند.

✓ مهلتی که برای در اختیار مالک قرار دادن مال مسروقه در نظر گرفته شده نامحدود نیست؛ بلکه این مهلت تا زمان به اثبات رسیدن سرقت با ادله مثبتیه است؛ بنابراین تحت ید مالک قرار گرفتن مال مسروق بعد از اثبات رقت، اجرای حد را ساقط نمی‌کند.

• **سوال:** آیا سارق باید کل مال را در اختیار مالک قرار دهد یا همین که بخشی از آن را تحت ید مالک قرار دهد، برای سقوط مجازات حد کفایت می‌کند؟

✓ **پاسخ:** اختلاف نظر وجود دارد؛ به باور برخی، منظور از «مال مسروق» تمام آن است و بازگرداندن قسمتی از آن برای سقوط حد کافی نیست؛ اما با توجه به ضرورت تفسیر به نفع متهم، به نظر می‌رسد که حتی اگر جزئی از مال مسروق تحت ید مالک قرار بگیرد، موجب سقوط مجازات حدی خواهد شد؛ مگر آنکه مال مسروق از اموالی باشد که هر بخش آن به تنهایی ارزش چندانی نداشته باشد (مانند جوراب ورزشی یا دستکش یا اسکیت چوبی) که در این صورت باید تمام آن تحت ید مالک قرار گیرد.

۱۳. مال مسروق قبل از اثبات جرم به ملکیت سارق در نیاید

✓ در صورتی که مال مسروق به ملکیت سارق درآید، وصف حدی از سرقت برداشته می‌شود.

✓ اگر قبل از اثبات سرقت با ادله مثبتیه، مال مسروقه از راه عقود همچون بیع، یا هبه یا امثال آن اعم از عقود معوض یا غیر معوض به سارق منتقل شود، حد از سارق ساقط می‌شود.

✓ نحوه انتقال مالکیت در اینجا فاقد موضوعیت است و در مواردی که مال مسروق از طریق غیر قراردادی (نظیر ارث، مالکیت مافی‌الذمه و ...) به ملکیت سارق درآید، نیز حد ساقط می‌شود؛ مگر در عقد باطل که اساساً انتقالی صورت نمی‌گیرد و حد به قوت خود باقی است

✓ در عقد خیار به صرف انعقاد عقد، مجازات حدی ساقط می‌شود، ولو آنکه بایع (مالک) بعداً شرط خیار خود اعمال نماید و مبیع به مالکیت او برگردد؛ زیرا در عقد خیار مالکیت از همان لحظه انعقاد عقد (نه تاریخ انقضای خیار) منتقل می‌شود و خاتمه آن موجب استقرار حد نخواهد شد.

• **سوال:** آیا انتقال بخشی از مال نیز مانع اجرای مجازات حدی است؟

✓ **پاسخ:** اختلاف نظر وجود دارد؛ به باور برخی، منظور از «مال مسروق» تمام آن است و انتقال قسمتی از آن برای سقوط حد کافی نیست؛ اما با توجه به ضرورت تفسیر به نفع متهم، به نظر می‌رسد که حتی اگر جزئی از مال مسروق به سارق منتقل شود، موجب سقوط مجازات حدی خواهد شد.

۱۴. مال مسروق از اموال سرقت شده یا مغضوب نباشد

✓ در صورتی که مال مسروق خود از اموال مسروق یا مغضوب باشد، سرقت حدی منتفی است؛ بدیهی است که در این فرض سارق، شخصی غیر از مالک اصلی است؛ زیرا اگر شخص مال خودش را از جانب دیگری که غصب یا سرقت شده است، بر باید اساساً مرتکب جرمی نشده است و هدف قانونگذار شخصی است که مال دیگری را غصب یا سرقت نموده و شخص ثالثی مال مسروق یا مغضوب را از سارق یا غاصب بر باید (دزدی که از دزد دیگر بدزدد، شاه دزد است)

۱۵. غصب نشده بودن حرز یا محل نگهداری مال از سارق

✓ **ماده ۲۷۰ قانون مجازات اسلامی:** «در صورتی که مکان نگهداری مال از کسی غصب شده باشد، نسبت به وی و کسانی که از طرف او حق دسترسی به آن مکان را دارند، حرز محسوب نمی‌شود.»

✓ حرزی که مالک آن غصب شده است، نمی‌تواند نسبت به مالک از حرمتی برخوردار باشد، زیرا مالک حق ورود به ملک غصب شده خود را در هر زمانی که بخواهد دارد؛ بنابراین وی را نمی‌توان هاتک حرز دانست و به تبع آن سارق و مستحق حد دانست؛ هر چند که وی در صورت ربودن اشیای متعلق به غاصب از درون حرز، سارق محسوب شده و ممکن است به سرقت تعزیری محکوم گردد.

✓ سرقت از حرز غصبی تنها از سوی مالک یا اشخاصی که قانوناً حق دسترسی به آن دارند، حدی محسوب نمی‌شود در مورد سایر اشخاص،

سرقت حدی متصوّر است.

- ✓ در مواردی که حرز به طور امانی و از طریق اجاره، عاریه و ... در اختیار مالک قرار داده شده باشد، با توجه به غصبی نبودن حرز، چنانچه صاحب حرز اقدام به سرقت از اموال موجود در آن بنماید، رفتار او با رعایت سایر شرایط، سرقت حدی محسوب می‌شود.
- ✓ در صورتی که عکس قضیه فوق اتفاق بیفتد و مرتکب مالک حرز نباشد؛ بلکه مالک اموال موجود در آن باشد، رفتار او اساساً جرم محسوب نمی‌شود؛ مگر آنکه با رفتارهای مجرمانه مانند تخریب اقدام به هتک حرز نموده باشد که در این صورت فقط به مجازات همان جرم محکوم می‌شود.

۱۶. لزوم وجود شرایط مسؤولیت کیفری در مرتکب سرقت حدی

- ✓ اگر تمام شرایط مقرر در مواد ۲۶۸ ق.م.ا تا ۲۷۵ ق.م.ا در مورد سرقت محقق شده باشد؛ مرتکب در صورتی مستوجب حد سرقت خواهد شد که شرایط مسؤولیت کیفری اعم از عقل، بلوغ، قصد و اختیار در مورد او احراز گردد. همچنین مواد ۲۱۷ و ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی از این حیث قابل ملاحظه و تأمل می‌باشد.
- ✓ **ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی:** «در جرائم موجب حد، مرتکب در صورتی مسؤول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسؤولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد»
- ✓ با لحاظ ماده فوق مرتکب سرقت حدی باید عالم بر حکم و موضوع باشد و در ارتكاب عمل مجرمانه قاصد و ضمناً دارای عقل و بلوغ و اختیار باشد. قانونگذار با آوردن عبارت «داشتن علم» و «به حرمت شرعی رفتار ارتكابی آگاه باشد» لزوم علم به موضوع و علم به حرمت شرعی را شرط دانسته است؛ بنابراین با وجود جهل موضوعی و جهل حکمی، امکان اجرایی حد منتفی خواهد بود. همچنین با ذکر عبارت «علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسؤولیت کیفری ...» به لزوم وجود شرایطی از جمله قصد، عقل، بلوغ و اختیار تأکید داشته است؛ لذا مرتکب جرم حدی اگر فاقد قصد و اختیار بوده، مثلاً مکره، مجبور، مجنون یا صغیر باشد، مجازات حدی اجرا نخواهد شد.
- ✓ **ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی:** «در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسؤولیت کیفری را در زمان ارتكاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعای کند که اقرار او با تهدید و ارباب یا شکنجه گرفته شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می‌شود.»
- ✓ بنابراین اگر مرتکب جرم سرقت حدی صرفاً ادعا نماید که دچار جهل موضوعی بوده یا فاقد قصد مجرمانه در لحظه ارتكاب جرم بوده و یا ادعای وجود اکراه یا اجبار نماید، همین اندازه احتمال صدق گفتار وی توسط مقام قضایی برود، بی‌آنکه نیازی به یقین او در این مورد باشد، با اعمال قاعده درأ، حد سرقت منتفی خواهد شد.

۱۷. توبه نکردن سارق قبل از اثبات جرم

- قانونگذار ایران، توبه مرتکبان جرائم مستوجب حد از قبیل سرقت را، تا قبل از اثبات جرم، موجب سقوط حد دانسته است.
- ماده ۱۱۴ ق.م.ا: «در جرائم موجب حد ... هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌گردد»
- ماده ۲۷۶ قانون مجازات اسلامی:** «سرقت در صورت فقدان هریک از شرایط موجب حد، حسب مورد مشمول یکی از سرقت‌های تعزیری است.»
- از مفاد ماده فوق چنین استنباط می‌شود که جرم سرقت حدی در زمره جرائم غیرقابل گذشت است و حتی در صورت عدم شکایت صاحب مال، تعقیب یا مجازات به عنوان سرقت ادامه خواهد یافت. البته این حکم شامل سرقت‌های تعزیری قابل گذشت نیست، چراکه در این موارد نه تنها سرقت حدی منتفی است؛ بلکه به دلیل قابل گذشت بودن جرم، نسبت به جنبه تعزیری نیز قرار موقوفی تعقیب یا مجازات صادر خواهد شد.

ماده ۲۷۲ قانون مجازات اسلامی (خروج مال از حرز)		
هتک حرز توسط متهم و خروج مال توسط:	مجنون طفل غیر ممیز حیوان دست‌آموز مانند کبوتر ریسمان آهن‌ربا	چون در این موارد خارج‌کننده در حدّ وسیله تنزل یافته است، پس متهم سبب اقوا از مباشر بوده و در حکم مباشر سرقت حدّی محسوب می‌شود.
هتک حرز توسط متهم و خروج مال توسط:	طفل ممیز آگاه و مختار شخص بالغ عاقل آگاه به امر، و مختار	متهم مشمول احکام سرقت تعزیری به حسب مورد است؛ زیرا در این موارد خارج‌کننده مال در حدّ وسیله تنزل نیافته است و چون شخصاً هم اقدام به هتک حرز هم نکرده، پس سرقت حدّی منتفی است، هتک حرز، سارق نبوده و بنابراین اقدام او هم مشمول سرقت حدّی نخواهد بود
اگر خارج‌کننده بالغ عاقل و مختار باشد، مباشر سرقت تعزیری و هتک حرز مباشر جرم تخریب می‌باشد. اگر خارج‌کننده طفل ممیز عاقل و مختار باشد، مباشر جرم سرقت تعزیری است که با لحاظ سن و درجه جرم ارتكابی مشمول اقدامات تأمینی مواد ۸۸ و ۸۹ ق.م.ا قرار می‌گیرد و هتک حرز به عنوان آمر (مباشر معنوی) سرقت تعزیری قابل مجازات خواهد بود.		

ادله اثبات سرقت حدّی

اگر سرقت ارتكابی تمام شرایط مقرر در مواد ۲۶۸ ق.م.ا تا ۲۷۵ ق.م.ا را داشته و مرتکب نیز با جمع مواد ۲۱۷ و ۲۱۸ ق.م.ا واجد شرایط مسؤلیت کیفری باشد و همچنین با توجه به ماده ۱۱۴ ق.م.ا قبل از اثبات جرم توبه ننماید، حد سرقت یا یکی از ادله ذیل اثبات می‌شود:

۱. مرتبه اقرار مرتکب به سرقت حدّی

✓ ماده ۱۷۲ قانون مجازات اسلامی: «در کلیه جرائم، یکبار اقرار کافی است، مگر در جرائم زیر که نصاب آن به شرح زیر است:

الف - چهار بار در زنا، لواط، تفخیز و مساحقه

ب - دو بار در شرب خمر، قوادی، قذف و سرقت موجب حد»

✓ تبصره ۲ ماده ۲۱۸ ق.م.ا: «اقرار در صورتی اعتبار شرعی دارد که نزد قاضی در محکمه انجام گیرد»

۲. شهادت ۲ مرد عادل بر ارتکاب سرقت حدّی با لحاظ شرایط شهادت شرعی (مواد ۱۷۴ الی ۲۰۰ ق.م.ا)

✓ ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی: «نصاب شهادت در کلیه جرائم، دو شاهد مرد است مگر در زنا، لواط، تفخیز و مساحقه که با

چهار شاهد مرد اثبات می‌گردد. برای اثبات زنا، دو شاهد مرد و چهار زن عادل نیز کافی است. زمانی

که مجازات غیر از موارد مذکور است، حداقل شهادت سه مرد و دو زن عادل لازم است. در این مورد هرگاه دو مرد و چهار زن عادل به آن

شهادت دهند تنها حد شلاق، ثابت می‌شود. جنایات موجب دیه با شهادت یک شاهد مرد و دو شاهد زن نیز قابل اثبات است.»

۳. تحقق علم قاضی (با لحاظ مواد ۲۱۱ الی ۲۱۳ ق.م.ا)

✓ ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی: «علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی

که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند.»

✓ در صورت تعارض علم قاضی با ادله‌ای مثل اقرار یا شهادت مواد ۲۱۲ و ۲۱۳ ق.م.ا حاکم خواهند بود.

✓ ماده ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی: «در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد اگر علم، بین باقی بماند، آن ادله برای

قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رأی صادر می‌کند. چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود، ادله

قانونی معتبر است و بر اساس آنها رأی صادر می‌شود.»

✓ ماده ۲۱۳ قانون مجازات اسلامی: «در تعارض سایر ادله با یکدیگر، اقرار بر شهادت شرعی، قسامه و سوگند مقدم است. همچنین شهادت

شرعی بر قسامه و سوگند تقدم دارد.»

حدّ سرقت

ماده ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی: «حد سرقت به شرح زیر است:

الف - در مرتبه اول، قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن است، به طوری که انگشت شست و کف دست باقی بماند.

ب - در مرتبه دوم، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی است، به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند.

پ - در مرتبه سوم، حبس ابد است.

ت - در مرتبه چهارم، اعدام است هر چند سرقت در زندان باشد.

تبصره ۱- هرگاه سارق، فاقد عضو متعلق قطع باشد، حسب مورد مشمول یکی از سرقت‌های تعزیری می‌شود.

تبصره ۲- در مورد بند (پ) این ماده و سایر حبس‌هایی که مشمول عنوان تعزیر نیست هرگاه مرتکب حین اجرای مجازات توبه نماید و مقام رهبری

آزادی او را مصلحت بداند با عفو ایشان از حبس آزاد می‌شود. همچنین مقام رهبری می‌تواند مجازات او را به مجازات تعزیری دیگری تبدیل نماید.»

✓ اگر عضو متعلق به قطع، فلج یا شل باشد، حد بر همان عضو اجرا می‌شود.

✓ اگر مرتکب فاقد دست راست باشد، مجازات حدی ساقط و با توجه به تبصره ۱ ماده فوق، مرتکب به مجازات سرقت تعزیری محکوم می‌شود،

مطابق ماده ۸۵ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد،

اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین مصوب ۱۳۹۸/۳/۲۷ رئیس قوه قضاییه: «چنانچه محل قطع یا قصاص عضو

زایل شده باشد، اجرای حکم منتفی است و پرونده جهت اتخاذ تصمیم قانونی به دادگاه ارسال می‌گردد» این حکم قابل تسری به قصاص

عضو نیست و به صراحت تبصره ماده ۳۹۳ ق.م.ا در صورتی که مجرم دست راست نداشته باشد، دست چپ او و چنانچه دست چپ هم

نداشته باشد، پای او قصاص می‌شود.

✓ مطابق ماده ۹۶ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رئیس قوه قضاییه: «چنان چه به تشخیص پزشکی قانونی گرمی یا

سردی هوا موجب سربایت زخم شود، قطع عضو باید در هوای معتدل انجام گیرد»

✓ ماده ۹۳ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رئیس قوه قضاییه: «هزینه‌های اولیه برای مداوای محکوم پس از اجرای

قصاص یا قطع عضو و همچنین هزینه درمان در مواردی که ادامه بازداشت وی به دلیل قانونی دیگری لازم باشد، بر عهده دولت و در دیگر

موارد بر عهده محکوم است.»

✓ مجازات حبس ابد در مرتبه سوم ارتکاب سرقت حدی، چون مجازات حدی است، امکان تقلیل، تبدیل یا تخفیف مجازات حبس ابد وجود

ندارد؛ ولی مطابق تبصره ۲ ماده ۲۷۸ ق.م.ا: «هرگاه مرتکب حین اجرای مجازات توبه نماید و مقام رهبری آزادی او را مصلحت بداند با عفو

ایشان از حبس آزاد می‌شود. همچنین مقام رهبری می‌تواند مجازات او را به مجازات تعزیری دیگری تبدیل نماید»

✓ مطابق ماده ۸۲ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رئیس قوه قضاییه، اجرای قصاص عضو اصولاً بدون بیهوشی یا بی‌حسی

به عمل می‌آید، مگر آنکه جنایت در زمان بیهوشی یا بی‌حسی ارتکاب یافته یا اجرای قصاص بدون این اقدامات موجب گسترش جنایت شود

که در این صورت قصاص عضو با بیهوشی یا بی‌حسی صورت می‌گیرد، در رابطه با اینکه آیا حکم فوق قابل تسری به قطع عضو هم هست یا

نه، اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی به نظر می‌رسد آنچه در اینجا موضوعیت دارد، قطع دست یا پا است، نه رنج و تألمی که در نتیجه اجرای

مجازات ممکن است به بار آید و به نظر می‌رسد اجرای قطع عضو نیز همچون قصاص عضو در صورتی که خوف تسری برود، با بیهوشی یا

بی‌حسی ممکن باشد.

✓ مطابق ماده ۹۲ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رئیس قوه قضاییه، در قصاص عضو، اصولاً مرتکب نمی‌تواند پس از

اجرای مجازات اقدام به پیوند عضو قطع شده نماید، مگر آنکه مجنی علیه خودش اقدام به پیوند عضو نموده یا با پیوند عضو جانی موافق باشد،

در رابطه با اینکه آیا حکم فوق مبنی بر امکان پیوند عضو قطع شده، قابل تسری به قطع عضو نیز هست یا نه، اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی با

توجه به عدم تصریح قانونی در این زمینه به نظر می‌رسد باید پیوند عضو قطع شده را پذیرفت، خصوصاً اینکه این نظر با تفسیر به نفع متهم و

اصاله‌الایباحه نیز همخوانی بیشتری دارد.

- ✓ شل یا فلج بودن عضو، مانع اجرای قطع عضو نمی‌شود و تنها در صورت فقدان آن عضو، مجازات قطع عضو به تعزیر تبدیل می‌شود.
- ✓ اجرای مجازات تکرار جرم در جرائم حدی، مستلزم اجرای مجازات است؛ بنابراین در فرضی که شخص پس از صدور حکم محکومیت قطعی به قطع دست راست و پیش از اجرای مجازات، مرتکب سرقت حدی دیگری شود، مجازات قطع پا به اجرا گذاشته نمی‌شود؛ زیرا اجرای مجازات بعدی در صورتی است که مجازات قبلی اجرا شده باشد.

سرقت‌های تعزیری

۱- سرقت مقرون به ۵ شرط مشدده

ماده ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر گاه سرقت جامع شرایط حد نباشد ولی مقرون به تمام پنج شرط ذیل باشد مرتکب از ۵ تا ۲۰ سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌گردد:

- ۱- سرقت در شب واقع شده باشد.
- ۲- سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.
- ۳- یک یا چند نفر از آنها حامل سلاح ظاهر یا مخفی بوده باشند.
- ۴- از دیوار بالا رفته یا حرز را شکسته یا کلید ساختگی به کار برده یا اینکه عنوان یا لباس مستخدم دولت را اختیار کرده یا بر خلاف حقیقت خود را مأمور دولتی قلمداد کرده یا در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا توابع آن است سرقت کرده باشند.
- ۵- در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده باشند.

تبصره - منظور از سلاح مذکور در این بند موارد ذیل می‌باشد:

- ۱- انواع اسلحه گرم از قبیل تفنگ و نارنجک.
- ۲- انواع اسلحه سرد از قبیل قمه، شمشیر، کارد، چاقو و پنجه بوکس.
- ۳- انواع اسلحه سرد جنگی مشتمل بر کاردهای سنگری متداول در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران یا مشابه آنها و سرنیزه‌های قابل نصب بر روی تفنگ.

۴- انواع اسلحه شکاری شامل تفنگ‌های ساچمه‌زنی، تفنگ‌های مخصوص بیهوش کردن جانداران و تفنگ‌های ویژه شکار حیوانات آبی؛

✓ تعیین مجازات فوق مستلزم هر ۵ شرط فوق است و در صورتی که همه شرایط جمع نباشد، مرتکب به مجازات مقرّر در مواد بعدی محکوم خواهد شد.

✓ مستفاد از تبصره ماده ۱۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری: منظور از «شب» فاصله میان غروب تا طلوع آفتاب است.

✓ منظور از اینکه سارقان «دو نفر یا بیشتر باشند» مباشران جرم است و معاونان جرم به عنوان سارق محسوب نمی‌شوند.

✓ سلاح باید اصلی باشد و سلاح قلابی مشمول این ماده نمی‌گردد.

✓ صرف حمل سلاح برای جرم موضوع این ماده کافی بوده و استفاده از آن شرط نمی‌باشد.

✓ اسید در موارد مندرج ماده فوق به عنوان سلاح شمرده نشده است.

✓ شکستن حرز یا غصب عنوان در بند (۴) ماده فوق هر چند مستقلاً دارای عنوان خاص مجرمانه هستند، ولی رفتار مرتکب در اینجا مشمول تعدّد جرم نیست و مجموع اقدامات مرتکب مشمول عنوان خاص سرقت مشدّد موضوع ماده ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات است.

✓ رفتار تشدیدکننده مجازات از جانب سارق

* بالا رفتن از دیوار یا شکستن حرز

* یا به کار بردن کلید ساختگی: اعم از کلیدی که از روی کلید اصلی ساخته شده یا وسیله‌ای که بتواند همانند کلید قفل را باز کند (مثل

سنجاق، پیچ‌گوشتی یا ریموت)، یا حتی کلید مفقودشده محل سرقت که در اختیار سارق باشد.

- * یا اختیار کردن عنوان یا لباس مستخدم دولت
- * یا معرفی کردن خود به عنوان مأمور دولت برخلاف حقیقت
- * یا سرقت از محل سکنی؛ محلی که آماده سکونت است هر چند ذاتاً مسکونی نباشد، مثل آلونک چوپان که در آن سکونت دارد.
- * یا سرقت از محل مهیّا برای سکونت؛ محلی که آماده سکونت است، هر چند بالفعل کسی در آنجا ساکن نشده است، مثل ساختمان مسکونی که ساکنان آن هنوز مستقر نشده‌اند.
- * یا سرقت از توابع منزل مسکونی؛ انبارها، گاراها.
- ✓ منظور از اختیار کردن لباس یا عنوان مستخدم دولت آن است که لباس یا عنوان دولتی مورد استفاده سارق، لباس یا عنوان خودش نباشد، یعنی سارق بدون آنکه مأمور دولت باشد از لباس یا عنوان مستخدم دولت استفاده کرده باشد.
- ✓ با توجه به اطلاق لفظ «آزار» در بند (۵) ماده فوق، هر گونه آزاری اعم از آزار و اذیت جسمی یا روحی است، البته این آزار و اذیت باید در حین سرقت باشد، نه پس از آن؛ برای مثل در فرضی که سارقین بدون حضور صاحب‌خانه وارد خانه او شده و بعداً برای پس ندادن مال یا جلوگیری صاحب‌مال از طرح شکایت اقدام به تهدید یا آزار و اذیت او نمایند، مشمول ماده فوق نخواهد بود.
- ✓ جرم فوق یک جرم درجه ۲ محسوب می‌شود و بنابراین صدور قرار تعلیق اجرای مجازات در آن ممنوع است، البته صدور حکم آزادی مشروط یا آزادی تحت سامانه‌های نظارت الکترونیکی در آن بلامانع می‌باشد.
- ✓ رسیدگی به جرم فوق با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۵۴۱ مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۴ در صلاحیت دادگاه انقلاب (با قضات متعدّد) بوده و رأی دادگاه در این زمینه قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است؛ مطابق رأی مزبور: «ورود دسته‌جمعی و مسلّح به عنف در موقع شب به منازل مسکونی مردم و سرقت اموال با تهدید و ارعاب و وحشت از جرائمی است که نظم جامعه و امنیت عمومی را مختل می‌سازد و رسیدگی آن بر طبق بند (۱) ماده واحده قانون مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی است»

۲- سرقت مقرون به آزار یا سرقت مسلّحانه

- ماده ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر گاه سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلّح باشد به حبس از ۳ ماه تا ۱۰ سال و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد علاوه بر مجازات جرح به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم می‌گردد»
- ✓ سرقت موضوع ماده فوق منوط به وجود یکی از ۲ شرط ذیل است:
 ۱. مسلّح بودن سرقت
 ۲. همراه با آزار بودن سرقت (مقرون بودن سرقت به آزار) (اعم از روحی یا جسمی)
 - ✓ تحقق جرم فوق منوط به تحقق سرقت است و در صورتی که فردی به زور وارد خانه دیگری شده، بی‌آنکه مالی را برآید، رفتار او مشمول سایر عنوان مجرمانه (مانند ورود غیرقانونی به خانه دیگری) است، نه مشمول ماده فوق.
 - ✓ برای تحقق جرم فوق، آزار و اذیت باید در حین سرقت و برای سرقت باشد.
 - ✓ **مقرون بودن سرقت به آزار:**
 - * هر نوع آزار اعم از جسمی (با هر شدت و کیفیتی) و روحی
 - * بستن دهان مال‌باخته و هر نوع آزار فاقد آثار جسمی هم کافی است
 - * ایراد آزار علیه مال‌باخته یا هر فرد دیگری که در صحنه حاضر است، کافی است.
 - * در سرقت مقرون به آزار توأم با سلاح؛ حداکثر تعزیر علاوه بر مجازات مربوط به جرح اعمال خواهد شد.
 - ✓ اگر ثالثی که موضوع آزار قرار می‌گیرد کسی باشد که آزار او تأثیر منفی بر مال‌باخته نگذارد، مثل اینکه سارق همدست خود را کتک بزند، به نظر از شمول ماده فوق خارج است.
 - ✓ صدمات بعد از اتمام رفتار مجرمانه سرقت، پس از خروج از محل سرقت و متأخر بر ابعاد زمانی و مکانی وقوع جرم موجب تشدید مجازات بر

مبنای این ماده نیست.

- * درگیر شدن سارق پس از خارج کردن مال از اتاق در داخل حیاط با مال باخته، سرقت مقرون به آزار است.
- * درگیر شدن سارق پس از خروج از محل سرقت در خیابان با پلیس یا دیگری، سرقت مقرون به آزار نیست.
- ✓ صرف به همراه داشتن سلاح برای مسلحانه محسوب شدن سرقت کافی بوده و استفاده از آن شرط نمی‌باشد.
- ✓ در صورت تعدد سارقین، به همراه داشتن سلاح از سوی یکی از آنان کفایت می‌کند.
- ✓ منظور از سارق مسلح کسی است که سلاح واقعی به همراه داشته باشد؛ اما برای تحقق سرقت مقرون به آزار، واقعی یا غیرواقعی بودن سلاح فاقد موضوعیت است و آنچه اهمیت دارد، آزار رساندن به صاحب مال و اطرافیان اوست که ممکن است آزار رساندن با سلاح قلابی و اسباب‌بازی هم محقق شود.
- ✓ جرم فوق در زمره جرائم غیرقابل گذشت درجه ۲ به شمار می‌رود و در صورتی که دادگاه حکم به حداقل قانونی (۳ ماه) صادر نماید، با استناد به تبصره ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ لزوماً به مجازات جایگزین حبس تبدیل می‌شود.
- ✓ با توجه به ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، دادگاه موظف است در رابطه با جرم فوق، حکم به حداقل قانونی صادر نماید که از این جهت در مورد جرم سرقت مقرون به آزار یا مسلحانه قابل انتقاد به نظر می‌رسد.
- ✓ در صورتی که حین سرقت جرحی واقع شود، مرتکب به حداکثر مجازات قانونی (۱۰ سال) محکوم خواهد شد. برای تحقق این شرط:
 - * اولاً برای تشدید مزبور ضرورتی ندارد که جرح حتماً با استفاده از سلاحی که به همراه سارق است، صورت گرفته باشد
 - * ثانیاً این حکم شامل ایراد ضرب نمی‌شود و ایراد ضرب خودش یکی از مصادیق بدنی است و در این موارد حکم به مجازات قانونی (نه حداکثر آن) داده خواهد شد
- * ثالثاً تعیین مجازات تعزیری فوق، مانع صدور حکم به قصاص یا دیه به علت جرحی که واقع شده نمی‌شود
- * رابعاً در مواردی که رفتار مرتکب منتهی به قتل صاحب مال یا اطرافیان او شود، از مصادیق جرم مشدد به شمار می‌رود، هر چند جرح با قتل متفاوت است؛ که در این صورت مرتکب به مجازات قتل و سرقت مشدد محکوم خواهد شد؛ البته با توجه به حکم مقرر در ماده ۱۳۵ ق.م.ا مجازات تعزیری سرقت مقرون به آزار به دلیل تقدم اجرای قصاص بر تعزیر، اجرا نمی‌شود.

۳- راهزنی

- ماده ۶۵۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر کس در راه‌ها و شوارع به نحوی از انحاء مرتکب راهزنی شود در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد به ۳ تا ۱۵ سال حبس و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود.»
- ✓ مطابق ماده ۲۸۱ ق.م.ا: «راهزنان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند محاربند» با توجه به این ماده به نظر می‌رسد که عمل راهزنان در صورتی محاربه محسوب می‌شود که دست به اسلحه برده و موجب سلب امنیت عمومی شوند
 - ✓ برای تحقق جرم موضوع ماده ۶۵۳ ق.م.ا تعزیرات و با توجه به عبارت «مرتکب راهزنی شود» رفتار مرتکب باید در عمل منتهی به بردن مال دیگری شود در حالی که در ماده ۲۸۱ ق.م.ا به چنین قیدی اشاره نشده و همین که راهزنان با سلاح موجب سلب امنیت شوند به مجازات محاربه محکوم می‌شوند، ولو آنکه در عمل موفق به بردن مال دیگری نشوند.
 - ✓ جرم موضوع این ماده در زمره جرائم مفید به نتیجه است یعنی سرقت باید صورت گیرد و صرف رعب و وحشت مشمول این ماده نمی‌گردد.
 - ✓ در خصوص تأثیر مکان در تحقق جرم محاربه موضوع ماده ۲۸۲ ق.م.ا باید گفت که مکان خاصی در تحقق محاربه شرط نیست.

تفاوت راهزنی موجب حد و راهزنی موجب تعزیر	
راهزنی موجب حد	راهزنی موجب تعزیر
ماده ۲۸۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲	ماده ۶۵۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵
لزوم مسلح بودن راهزن	عدم لزوم مسلح بودن راهزن
در هر جایی که مردم حضور داشته باشند محقق می‌شود مانند استادیوم	فقط در راه‌ها و شوارع محقق می‌شود (اعم از راه‌های داخل یا خارج شهر)
لزوم تحقق سلاح کشیدن و سلب امنیت عمومی	لزوم تحقق سرقت
اعمال مجازات حد محاربه	اعمال حبس تعزیری

۴- سرقت مسلحانه گروهی در شب

ماده ۶۵۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر گاه سرقت در شب واقع شده باشد و سارقین دو نفر یا بیشتر باشند و لااقل یک نفر از آنان حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشد در صورتی که بر حامل اسلحه عنوان مُحارِب صدق نکند جزای مرتکب یا مرتکبان حبس از ۵ تا ۱۵ سال و شلاق تا (۷۴) ضربه می‌باشد.»

شرایط تحقق جرم فوق:

۱. سرقت در شب واقع شده باشد، منظور از «شب» فاصله میان غروب تا طلوع آفتاب است.
۲. سارقین ۲ نفر یا بیشتر باشند، منظور از اینکه سارقان «دو نفر یا بیشتر باشند» مباشران جرم است و معاونان جرم به عنوان سارق محسوب نمی‌شوند.
۳. مسلح بودن حداقل یک نفر:
 - * اعم از اینکه سلاح ظاهر یا مخفی باشد
 - * اعم از اینکه سلاح گرم یا سرد، پُر یا خالی، مجاز یا غیرمجاز باشد.
 - * صرف حمل سلاح کافی است، حتی اگر استفاده نشود
 - * مسلح شدن سارق حین سرقت با وسایل موجود در صحنه سرقت هم مشمول ماده فوق است، برای مثال چاقویی از آشپزخانه محل سرقت بردارد و مسلح شود.
- ✓ جرم فوق از تعزیرات درجه ۳ محسوب می‌شود و به موجب بند «ت» ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری یک است، مگر آنکه رفتار مرتکب از مصادیق محاربه باشد که در این صورت رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه انقلاب خواهد بود؛ همچنین تحقیقات مقدماتی جرم فوق با استناد به ماده ۹۲ ق.آ.د.ک در صلاحیت انحصاری بازپرس است و انجام تحقیق از سوی دادستان یا دادیار در این موارد امکان‌پذیر نمی‌باشد.
- ✓ مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۷۸۹۴ مورخ ۲۹/۱۰/۱۳۸۱: «اگر عمل سارق به قصد ایجاد رعب و وحشت انجام شده باشد، مصداق ماده ۱۸۵ (ماده ۲۷۹ کنونی) قانون مجازات اسلامی است.»

۵- سرقت مقرون به یکی از شرایط مقرر در قانون

ماده ۶۵۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «در صورتی که سرقت جامع شرایط حد نباشد و مقرون به یکی از شرایط زیر باشد مرتکب به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود:

- ۱- سرقت در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا در توابع آن یا در محل‌های عمومی از قبیل مسجد و حمام و غیر اینها واقع شده باشد.
- ۲- سرقت در جایی واقع شده باشد که به واسطه درخت و یا بوته یا پرچین یا نرده مُحرَز بوده و سارق جرّز را شکسته باشد.
- ۳- در صورتی که سرقت در شب واقع شده باشد.

۴- سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.

۵- سارق مستخدم بوده و مال مخدوم خود را دزدیده یا مال دیگری را در منزل مخدوم خود یا منزل دیگری که به اتفاق مخدوم به آنجا رفته یا شاگرد یا کارگر بوده و یا در محلی که معمولاً محل کار وی بوده از قبیل خانه، دکان، کارگاه، کارخانه و انبار سرقت نموده باشد.

۶- هر گاه اداره‌کنندگان هتل و مسافرخانه و کاروانسرا و کاروان و به طور کلی کسانی که به اقتضای شغل اموالی در دسترس آنان است تمام یا قسمتی از آن را مورد دستبرد قرار دهند.»

✓ برای تحقق جرم موضوع ماده فوق، وجود یکی از شرط‌های مذکور کفایت می‌کند.

✓ استناد به ماده فوق در صورتی ممکن است که سارق مسلح نباشد، وگرنه مجازات او حسب مورد بر اساس مواد ۶۵۱، ۶۵۲ یا ۶۵۴ قانون تعزیرات تعیین خواهد شد.

✓ در صورتی که کارگر فروش فروشی، فرش‌ها را بریاید، عمل او مشمول بند «۵» ماده فوق می‌باشد.

✓ در رابطه با بند «۶» ماده فوق باید توجه داشت که «در دسترس» افراد بودن به معنای سپرده شدن به آنان نیست تا بتوان آن را مشمول خیانت در امانت دانست؛ در «سپردن» مال تحت استیلائی دیگری قرار می‌گیرد، در حالی که در «دسترسی»، مال صرفاً در اختیاری دیگری قرار داده می‌شود تا فوراً آن را پس بگیرد، برای مثال در فرضی که طلافروش، طلا را به مشتری می‌دهد تا همان‌جا آن را مشاهده کند و مشتری فوراً یا به فرار بگذارد، عمل او سرقت است؛ زیرا مال به او سپرده نشده بلکه صرفاً در دسترس او قرار داده شده، در حالی که اگر مشتری طلا را به خانه ببرد تا پس از بررسی نظر خود را در مورد خریدن آن اعلام کند، در صورت عدم استرداد رفتار او خیانت در امانت محسوب می‌شود؛ زیرا مال به او سپرده شده و تحت استیلائی او قرار گرفته است.

✓ جرم فوق به استناد ماده ۱۰۴ ق.م.ا، اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳: در زمره جرائم قابل گذشت به شمار می‌رود مشروط بر آنکه:

۱. اولاً مرتکب فاقد سابقه محکومیت کیفری مؤثر (موضوع ماده ۲۵ ق.م.ا) باشد.

۲. ثانیاً ارزش مال ربوده بیش از ۲۰ میلیون تومان نباشد.

* همچنین با توجه به تبصره ماده ۱۰۴ ق.م.ا، الحاقی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳: حداقل و حداکثر مدت حبس ماده فوق به نصف تقلیل یافته؛ بنابراین مدت حبس در ماده فوق با تحقق ۲ شرط فوق از ۳ ماه تا ۱ سال و ۶ ماه می‌باشد.

۶- کیف‌زنی یا جیب‌بری

ماده ۶۵۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس مرتکب ربودن مال دیگری از طریق کیف‌زنی - جیب‌بری و امثال آن شود به حبس از ۱ تا ۵ سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

✓ واژه «و امثال آن» در ماده فوق اشاره به مواردی مثل چنگ‌زدن گردن‌بند از گردن، عینک از چشم، تلفن همراه از دست، کلاه از سر یا ساعت از مچ دارد. اینها باید همراه مال باخته باشد تا ربایش آن مشمول ماده گردد و الاً مثلاً در موردی که کیفی از جالباسی آویزان شده است ربوده می‌شود و یا از داخل جیب لباسی که به جالباسی آویزان شده است، پول برده می‌شود، ظاهراً از شمول ماده خارج است.

✓ جرم فوق به استناد ماده ۱۰۴ ق.م.ا، اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳: در زمره جرائم قابل گذشت به شمار می‌رود مشروط بر آنکه:

۱. اولاً مرتکب فاقد سابقه محکومیت کیفری مؤثر (موضوع ماده ۲۵ ق.م.ا) باشد.

۲. ثانیاً ارزش مال ربوده بیش از ۲۰ میلیون تومان نباشد.

* همچنین با توجه به تبصره ماده ۱۰۴ ق.م.ا، الحاقی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳: حداقل و حداکثر مدت حبس ماده فوق به نصف تقلیل یافته؛ بنابراین مدت حبس در ماده فوق با تحقق ۲ شرط فوق از ۶ ماه تا ۲ سال و ۶ ماه می‌باشد.

۷- سرقت از محل تصادفات رانندگی یا مناطق حادثه‌زده

ماده ۶۵۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر گاه سرقت در مناطق سیل یا زلزله‌زده یا جنگی یا آتش‌سوزی یا در محل تصادف رانندگی صورت پذیرد و حائز شرایط حد نباشد مرتکب به مجازات حبس از ۱ تا ۵ سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

✓ محل وقوع سرقت:

* مناطق سیل‌زده

* مناطق زلزله‌زده

* مناطق جنگی

* مناطق آتش‌سوزی

* محل تصادف رانندگی

✓ موارد مقرّر در ماده فوق حصری هستند و شامل مواردی مانند سرقت از امکانی که به دلایلی نظیر طوفان شدید، برف سنگین و ... تخریب شده‌اند، نمی‌شود.

✓ برای شمول حکم فوق باید سرقت از همان خودرویی که تصادف کرده یا سرنشینان آن، صورت پذیرد و مثلاً شامل سرقت از خودرویی که در محل تصادف پارک شده یا از افرادی که برای دیدن صحنه تصادف حاضر شده‌اند، نمی‌شود.

۸- سرقت وسایل و متعلقات مربوط به تأسیسات مورد استفاده عمومی

ماده ۶۵۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس وسائل و متعلقات مربوط به تأسیسات مورد استفاده عمومی که به هزینه دولت یا با سرمایه دولت یا سرمایه مشترک دولت و بخش غیردولتی یا به وسیله نهادها و سازمان‌های عمومی غیردولتی یا مؤسسات خیریه ایجاد یا نصب شده مانند تأسیسات بهره‌برداری آب و برق و گاز و غیره را سرقت نماید به حبس از ۱ تا ۵ سال محکوم می‌شود و چنانچه مرتکب از کارکنان سازمان‌های مربوطه باشد به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.»

✓ تجهیزات باید «ایجاد و نصب شده باشند» تا سرقت آنها مشمول این مقرره قرار بگیرد وگرنه سرقت تجهیزاتی که نه ایجاد و نه نصب شده است، مثل تجهیزاتی که از خارج وارد شده‌اند، مثلاً از انبار گمرک مشمول این ماده نیست.

✓ سرقت از اموال و وسایل مزبور که از سوی دولت یا سایر نهادهای فوق برای هدفی به غیر از «استفاده عمومی» ایجاد یا نصب شده است، مشمول ماده فوق نخواهد بود.

✓ از عبارت «سازمان‌های مربوطه» چنین به نظر می‌رسد که صرف اشتغال در ادارات موجب تشدید مجازات به شرح مقرّر در قسمت اخیر ماده فوق نخواهد بود و شخص باید از کارکنان همان اداره باشد، برای مثال در فرضی که کارمند اداره پست، صندوق پست نصب شده را برآید، موجب تشدید می‌باشد، در حالی که اگر کارمند اداره گاز صندوق پست نصب شده را برآید، بعید به نظر می‌رسد که موجب تشدید باشد.

✓ جرم موضوع ماده فوق ناظر بر فرضی است که خود وسایل و متعلقات دزدیده شود، نه محتویات آن؛ برای مثال برداشتن پول‌های صندوق صدقات از سوی کارمند کمیته امام خمینی (ره) را نمی‌توان مشمول ماده فوق دانست، در حالی که ربودن خود صندوق صدقات مشمول این ماده خواهد بود.

۹- سرقت یا استفاده غیرمجاز از آب، برق، گاز و تلفن

ماده ۶۶۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هرکس بدون پرداخت حق انشعاب آب و فاضلاب و برق و گاز و تلفن مبادرت به استفاده غیرمجاز از آب و برق و تلفن و گاز و شبکه فاضلاب نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به پرداخت جزای نقدی از یک تا دوبرابر خسارت وارده محکوم خواهد شد. چنانچه مرتکب از مأمورین شرکت‌های مذکور باشد به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد.»

ماده فوق به موجب قانون مجازات استفاده‌کنندگان غیرمجاز از آب، برق، تلفن، فاضلاب و گاز مصوب ۱۳۹۶ نسخ شده است.

سرقت (استفاده غیرمجاز) آب، برق، تلفن، فاضلاب و گاز		
پرداخت بهای خدمات مصرفی + جبران خسارت + جزای نقدی درجه ۶	برای مصرف خانگی	۱- استفاده از آب، برق، گاز و شبکه فاضلاب و اشتراک خدمات ارتباطی و فناوری اطلاعات بدون دریافت انشعاب قانونی
پرداخت بهای خدمات مصرفی + جبران خسارت + جزای نقدی معادل ۱ تا برابر بهای خدمات مصرفی	برای مصرف غیر خانگی	۲- استفاده غیرمجاز از آب، برق، گاز و شبکه فاضلاب و اشتراک خدمات ارتباطی و فناوری اطلاعات با داشتن انشعاب
پرداخت بهای خدمات مصرفی + جبران خسارت مصرفی + حداکثر جزای نقدی درجه ۶ + قطع انشعاب به مدت ۳ تا ۶ ماه	در صورت تکرار جرم	
الزام به اعاده وضع به حالت سابق + پرداخت بهای خدمات مصرفی + جبران خسارت + جزای نقدی درجه ۶	مرتکب از افراد عادی باشد	۳- تصرف یا تغییر در وضعیت دستگاه اندازه‌گیری به هر طریق که منجر به اخلال در کارکرد صحیح و ثبت ارقام می‌شود
الزام به اعاده وضع به حالت سابق + پرداخت بهای خدمات مصرفی + جبران خسارت + جزای نقدی درجه ۶	مرتکب از مأموران دستگاه‌های ذی‌ربط باشد	
الزام به اعاده وضع به حالت سابق + پرداخت بهای خدمات مصرفی + جبران خسارت + جزای نقدی درجه ۶	جرم سازمان‌یافته باشد	
قطع خدمات برق، گاز، آب و فاضلاب تا زمان پرداخت		عدم پرداخت بهای مصرفی توسط مصرف‌کنندگان مجاز غیردولتی خدمات عمومی پس از اتمام مهلت مناسب تعیین شده از سوی دستگاه ذی‌ربط
در صورت استنکاف از پرداخت بدهی معوق مطابق مقررات اجباری مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا قابل وصول می‌باشد.		

✓ در رابطه با سرقت «آب» باید یادآور شد که قانون فوق ناظر بر استفاده غیرمجاز از آب بدون انشعاب یا دستکاری کنتور برای کمتر نشان دادن میزان مصرف است؛ اما در مواردی که شخصی آب را از دیگری بریاید، مشمول جرم سرقت است (برای مثال ماده ۶۸۴ ق.م.ا تعزیرات که صراحتاً به سرقت آب اشاره کرده است)

۱۰- سرقت ساده

ماده ۶۶۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «در سایر موارد که سرقت مقرون به شرایط مذکور در مواد فوق نباشد مجازات مرتکب، حبس از ۳ ماه و ۱ روز تا ۲ سال و تا (۷۴) ضربه شلاق خواهد بود.»

✓ جرم فوق به استناد ماده ۱۰۴ ق.م.ا، اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳: در زمره جرائم قابل گذشت به شمار می‌رود مشروط بر آنکه:

۱. اولاً مرتکب فاقد سابقه محکومیت کیفری مؤثر (موضوع ماده ۲۵ ق.م.ا) باشد.

۲. ثانیاً ارزش مال ربوده بیش از ۲۰ میلیون تومان نباشد.

* همچنین با توجه به تبصره ماده ۱۰۴ ق.م.ا، الحاقی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳؛ حداقل و حداکثر مدت حبس ماده فوق به نصف تقلیل یافته؛ بنابراین مدت حبس در ماده فوق با تحقق ۲ شرط فوق از ۴۵ روز تا ۱ سال می‌باشد.

✓ مطابق رأی وحدت رویه شماره ۷۸۷ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: «آراء صادره درباره جرائم مذکور در ماده ۴۲۸

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است. چنانچه جرمی به اعتبار یکی از بندهای ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری در دادگاه کیفری یک مطرح گردد و دادگاه پس از رسیدگی به آن، تشخیص دهد که عمل ارتكابی عنوان مجرمانه دیگری دارد و به این جرم رسیدگی و حکم مقتضی صادر نماید، این امر تغییری در صلاحیت دیوان عالی کشور در رسیدگی به فرجام‌خواهی از رأی مذکور ایجاد نمی‌کند؛ بنابراین چنانچه جرمی با عنوان سرقت حدی یا سرقت مشدد در دادگاه کیفری یک مطرح شود، ولی دادگاه کیفری یک آن را از مصادیق سرقت ساده غیرحدی تشخیص دهد، خودش رسیدگی را ادامه می‌دهد و رأی صادره به رغم آنکه از جرائم موضوع ماده ۴۲۸ ق.آ.د.ک نیست، قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور می‌باشد.

✓ ماده ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری: «آرای صادره درباره جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه سه و بالاتر است و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها نصف دیه کامل یا بیش از آن است و آرای صادره درباره جرائم سیاسی و مطبوعاتی، قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است»

۱۱- سرقت از موزه‌ها یا اماکن تاریخی

ماده ۵۵۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس اشیاء و لوازم و همچنین مصالح و قطعات آثار فرهنگی - تاریخی را از موزه‌ها و نمایشگاه‌ها، اماکن تاریخی و مذهبی و سایر اماکن که تحت حفاظت یا نظارت دولت است سرقت کند یا با علم به مسروقه بودن اشیای مذکور را بخرد یا پنهان دارد در صورتی که مشمول مجازات حد سرقت نگردد علاوه بر استرداد آن به حبس از ۱ تا ۵ سال محکوم می‌شود»

✓ شرایط تحقق جرم فوق:

- * مال مورد سرقت عبارت از لوازم یا مصالح یا قطعات آثار فرهنگی - تاریخی می‌باشد.
- * محل مورد سرقت موزه‌ها و نمایشگاه‌ها، اماکن تاریخی و مذهبی و سایر اماکن که تحت حفاظت یا نظارت دولت است
- ✓ شرط تحقق جرم فوق حمایت یا نظارت دولت است و برای مثال در فرضی که شخصی یک شیء عتیقه را که در خانه دیگری است از او برآید، مشمول ماده فوق نخواهد بود.
- ✓ با توجه به اشاره ماده به «اماکن»، نظارت دولت مثلاً بر خودرویی که در حال حمل یک اثر تاریخی است، مشمول ماده فوق نمی‌شود.
- ✓ در مورد سرقت یک اثر تاریخی گران‌بها از موزه‌ی تحت حفاظت و نظارت دولت می‌توان گفت که این عمل ممکن است سرقت مستوجب حد باشد.

اقسام خاص سرقت

۱- سرقت نظامیان

فصل هشتم «قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح» مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ (مشمول بر مواد ۸۸ الی ۹۲) مربوط به ارتکاب جرم سرقت توسط نظامیان در رابطه با امور نظامی است، که حتی به محاربه نیز منتهی می‌گردد.

ماده ۸۸: «هر نظامی که اسلحه و مهمات و مواد منفجره متعلق به دولت یا در اختیار دولت را سرقت نماید به حبس از ۲ تا ۱۰ سال محکوم می‌شود».

ماده ۸۹: «هر نظامی که وسایل و لوازم نظامی (غیر از سلاح و مهمات و مواد منفجره) و وجوه و اجناس یا اشیاء متعلق به دولت یا آنچه در اختیار نیروهای مسلح است را سرقت نماید به حبس از ۱ تا ۵ سال محکوم می‌گردد».

ماده ۹۰: «هرگاه بزه‌های ارتكابی مذکور در مواد (۸۸) و (۸۹) این قانون در موقع اردوکنشی یا مأموریت آماده‌باش رزمی یا عملیات رزمی یا در منطقه جنگی باشد یا سرقت آن در مأموریت محوله یگان، مؤثر و در آن ایجاد اخلال نماید و یا یک یا چند نفر از آنان در حین سرقت حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشند یا حرز را شکسته باشند مرتکبان به حبس از ۳ تا ۱۵ سال محکوم می‌گردند».

ماده ۹۱: «هر نظامی بعضی یا کل نوشته‌ها یا اسناد یا اوراق یا دفاتر یا مطالبی که در دفاتر ثبت و ضبط نیروهای مسلح مندرج یا در اماکن نظامی محفوظ یا نزد اشخاصی که رسماً مأمور حفظ آنها هستند سپرده شده را برآید به حبس از ۲ تا ۱۰ سال محکوم می‌شود».

تبصره ۱- چنانچه امانت‌دار یا مستحفظ مرتکب جرم فوق شود به حبس از ۳ تا ۱۵ سال محکوم می‌گردد.
تبصره ۲- هرگاه در اثر بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی توسط مباشر ثبت و ضبط اسناد یا امانت‌دار و مستحفظ، جرم فوق واقع و یا اسناد و مدارک و نوشتجات مفقود یا معدوم یا تخریب گردد مرتکب به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم می‌گردد»
ماده ۹۲: «هرگاه بزه‌های فوق موجب اخلال در نظام (به هم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد، مرتکب به مجازات محارب محکوم می‌شود.»

۲- سرقت اقوام شخص ورشکسته

ماده ۵۵۳ قانون تجارت: «اگر اقوام شخص ورشکسته بدون شرکت مشا‌ئ‌الیه اموال او را از میان ببرند یا مخفی نمایند یا پیش خود نگاهدارند به مجازاتی که برای سرقت معین است محکوم خواهند شد» بدین ترتیب، قانونگذار چنین عملی را در حکم سرقت دانسته است و در حال حاضر باید مجازات سرقت تعزیری ساده را نسبت به این‌گونه مرتکبان اعمال نمود.

۳- سرقت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری

مطابق ماده ۶۱ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶: «هر شخصی که با علم و عمد مرتکب عملی شود که طبق مواد (۱۵)، (۲۸) و (۴۰) نقض حقوق به شمار آید یا طبق ماده (۴۷) عمل غیرقانونی تلقی شود، مجرم شناخته شده و علاوه بر جبران خسارت به پرداخت جزای نقدی از نود میلیون (۹۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست میلیون (۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا حبس تعزیری از ۹۱ روز تا ۶ ماه یا هر دوی آنها محکوم می‌شود»

۴- سرقت رایانه‌ای (سایبری)

مطابق ماده ۱ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸: «هرکس به طور غیرمجاز به داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که به وسیله تدابیر امنیتی حفاظت شده است دسترسی یابد، به حبس از ۹۱ روز تا ۱ سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

- ✓ موضوع این جرم ربایش داده‌های رایانه‌ای است و در فرضی که شخصی رایانه، تلفن همراه، لوح فشرده یا حامل‌های داده (نظیر هارد اکسترنال یا یو اس بی) را بر بایده، رفتار وی مشمول سرقت عادی (نه رایانه‌ای) خواهد بود.
- ✓ چنانچه مرتکب با دسترسی به رایانه شخصی دیگری، عکس‌ها، برنامه‌ها یا دیگر فایل‌های موجود در کامپیوتر را برای خودش کپی کند، رفتار وی سرقت رایانه‌ای محسوب می‌شود؛ بنابراین در سرقت رایانه‌ای (برخلاف سرقت عادی) داده‌های رایانه‌ای لزوماً از ید صاحب آن خارج نمی‌شود و در صورتی که شخصی اصل داده‌ها را از ید صاحب آن خارج نماید، صرفاً از موجبات تشدید مجازات قلمداد می‌شود. (برای مثال، به جای کپی پیست، اقدام به کات پیست نماید.)
- ✓ در مواردی که شخص صرفاً داده‌های رایانه‌ای را مشاهده کند یا از روی آن بنویسد یا نقاشی بکشد یا به خاطر بسپارد، به دلیل عدم ربودن داده‌ها نهایتاً با رعایت سایر شرایط قانونی مرتکب جرم دسترسی غیرمجاز شده است. مطابق نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه شماره ۷/۱۱۰ مورخ ۱۳۸۲/۶/۲۳: «سرقت اطلاعات سری از شبکه‌های رایانه‌ای مشمول عنوان سرقت مال نیست، زیرا آن اطلاعات مال نیست»
- ✓ در سرقت رایانه‌ای نیز همانند سرقت عادی، داده رایانه‌ای باید متعلق به شخص دیگر باشد؛ بنابراین در فرضی که شخصی اطلاعات خود را به اشتباه برای دیگری از طریق ایمیل ارسال کرده و پس از آن به صندوق ایمیل او دسترسی پیدا کند و آنها را بردارد، رفتار وی نهایتاً دسترسی غیرمجاز است، نه سرقت رایانه‌ای.

جرایم مرتبط با جرم سرقت

مداخله در اموال مسروقه

ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس با علم و اطلاع یا با وجود قرائن اطمینان‌آور به اینکه مال در نتیجه ارتکاب سرقت بدست آمده است آن را به نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. در صورتی که متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد به حداکثر مجازات در این ماده محکوم می‌گردد.

- ✓ موضوع جرم فوق مداخله در اموال مسروقه است، و اموال ناشی از سایر جرائم در شمول این مقررّه نیست.
- ✓ نقل و انتقال آگاهانه اموال ناشی از سایر جرائم می‌تواند در قالب انتقال مال غیر در حکم کلاهبرداری قابل پیگیری باشد.
- ✓ جرم مداخله در اموال مسروقه شامل ۴ رفتار ذیل است:

۱. تحصیل نمودن مال مسروقه
 ۲. یا مخفی نمودن مال مسروقه
 ۳. یا قبول نمودن مال مسروقه
 ۴. یا مورد معامله قرار دادن مال مسروقه
- ✓ مخفی نمودن مال مسروقه جزء لاینفک سرقت به شمار می‌رود و بنابراین چنانچه خود سارق اقدام به اخفای مال نماید رفتار او تعدّد جرم محسوب نمی‌شود و بحث تحصیل و قبول نمودن نیز در مورد خود سارق اساساً متصوّر نیست.
 - ✓ از میان مصادیق فوق «معامله اموال مسروقه» از سوی خود سارق قابل ارتکاب بوده و سایر موارد (تحصیل یا مخفی یا قبول نمودن اموال مسروقه) ناظر به اشخاص ثالث است.
 - ✓ این جرم در زمره جرائم بسیط و آنی به شمار می‌رود و اینکه مرتکب، معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد، شرط تشدید مجازات است، نه تحقق جرم، ناگفته نماند اخفای اموال مسروقه بر خلاف سایر مصادیق جرم فوق، در زمره جرائم مستمر به شمار می‌رود.
 - ✓ عنصر روانی جرم مداخله در اموال مسروقه عبارت است از:

- * علم به مجرمانه بودن عمل
 - * عمد در تحصیل یا مخفی یا قبول یا مورد معامله قرار دادن اموال مسروقه
 - * علم به مسروقه بودن اموال یا وجود قرائن اطمینان‌آور نسبت به مسروقه بودن اموال
- ✓ اگر مرتکب علم به مسروقه بودن مال نداشته باشد؛ اما قرائن اطمینان‌آور بر مسروقه بودن مال موجود داشته باشد، به منزله علم اوست برای مثال، در بعضی محله‌ها صرفاً اموال مسروقه به فروش می‌رسد و شخص از این محل‌ها مالی را با قیمتی بسیار ارزان بخرد.
 - ✓ منظور از قرائن اطمینان‌آور اوضاع و احوالی مانند عرضه کالا به قیمتی خیلی ارزان‌تر از قیمت واقعی یا اطلاع از سابقه فروشنده به ارتکاب سرقت، نامتناسب بودن ارزش کالا با وضع ظاهر زندگی فروشنده و مواردی مانند آن است.
 - ✓ بطلان معامله انجام‌شده بین طرفین از لحاظ مقررات قانون مدنی، موجب عدم شمول موضوع در ماده ۶۶۲ ق.م.ا تعزیرات نیست.
 - ✓ نظریه مشورتی شماره ۷/۱۶۶۷ مورخ ۱۳۶۹/۴/۳ اداره حقوقی قوه قضاییه: «حمل و نگهداری و خفای اموال مسروقه که بدون مجوز مال مسروقه در ید او قرار گرفته هر یک به تنهایی جرم مستقلی نمی‌باشد، بلکه این اعمال مستقر در عمل سرقت و کلیه آن اعمال در حکم عمل واحد است و یک مجازات برای سارق در نظر گرفته می‌شود»
 - ✓ در مورد خریداری یا پنهان کردن اموال مسروقه‌ای که جزء آثار فرهنگی - تاریخی به شمار می‌روند و مرتکب، آنها را از اماکنی که تحت نظارت یا حفاظت دولت ر بوده است (مانند موزه‌ها) باید به ماده ۵۵۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مراجعه نمود، نه ماده فوق.
 - ✓ معامله اموال مسروقه از مصادیق تعدّد معنوی یعنی انتقال مال غیر و انتقال مال مسروقه به شمار می‌رود.
 - ✓ **معامله غیر حرفه‌ای اموال مسروقه:** اگر معامله اموال مسروقه توسط متهم به عنوان حرفه قرار داده نشده باشد، علاوه بر جرم سرقت به جرم معامله اموال مسروقه محکوم خواهد شد.
 - ✓ **معامله حرفه‌ای مال مسروقه:** اگر معامله اموال مسروقه توسط متهم به عنوان حرفه قرار داده شده باشد، علاوه بر جرم سرقت به حداکثر

مجازات جرم معامله اموال مسروقه محکوم خواهد شد.

✓ ظاهراً معامله حرفه‌ای اموال مسروقه مستلزم تکرار عمل مجرمانه در قالب تحقق عنصر مادی از نوع «جرم به عادت» است.

دخالت غیر مجاز در اموال توقیف شده

ماده ۶۶۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس عالم‌اً در اشیاء و اموالی که توسط مقامات ذی صلاح توقیف شده است و بدون اجازه دخالت یا تصرفی نماید که منافی با توقیف باشد ولو مداخله کننده یا متصرف مالک آن باشد به حبس از ۳ ماه تا ۱ سال محکوم خواهد شد»

ساخت و یا تهیه هر نوع وسیله برای ارتکاب جرم

ماده ۶۶۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس عالم‌اً عامداً برای ارتکاب جرمی اقدام به ساخت کلید یا تغییر آن نماید یا هر نوع وسیله‌ای برای ارتکاب جرم بسازد، یا تهیه کند به حبس از ۳ ماه تا ۱ سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد»

✓ جرم موضوع ماده فوق یکی از مصادیق معاونت می باشد که به طور مستقل جرم انگاری شده است و بنابراین حتی اگر جرم اصلی محقق نشود مرتکب به مجازات فوق محکوم خواهد شد و در صورت تحقق جرم اصلی رفتار وی از مصادیق تعدد معنوی به شمار می رود.

✓ جرم فوق از سوی مباشر جرم اصلی نیز قابل ارتکاب است و در صورتی که برای ارتکاب جرم اقدام به انجام یکی از اعمال فوق نموده و سپس مرتکب جرم اصلی شود، رفتار او از مصادیق تعدد جرائم مختلف به شمار می رود؛ البته به عقیده برخی با توجه به آنکه تهیه وسایل از مقدمات جرم و جزء لاینفک آن به شمار می رود، تحقق جرم فوق از سوی مباشر اصلی متصور نیست.

✓ جرم ساخت و یا تهیه هر نوع وسیله برای ارتکاب هر جرمی شامل ۴ رفتار ذیل است:

۱. ساخت کلید

۲. یا تغییر کلید

۳. یا ساخت هر وسیله

۴. یا تهیه هر وسیله

✓ ساختن کلید یا وسیله باید به منظور ارتکاب جرم باشد؛ بنابراین در فرضی که یک کلیدساز به تقاضای صاحب خانه برای او کلید ساخته و بعداً با همان کلید وارد خانه او شده و مرتکب سرقت شود، تنها به مجازات سرقت محکوم می شود و به دلیل نداشتن قصد قبلی، بحث جرم فوق منتفی است.

✓ ساخت وسیله برای ارتکاب هر جرمی اعم از سرقت، قتل، ضرب و جرح و ... مشمول ماده فوق خواهد بود.

✓ جرم فوق صرفاً با ساختن محقق نمی شود و با تهیه وسیله ارتکاب جرم، مانند خریداری وسایل ارتکاب جرم محقق می شود.

✓ همین که شخص برای سرقت از هر خانه یا خودرویی کلید یا هر نوع وسیله برای ارتکاب جرم بسازد، مشمول ماده فوق خواهد بود.

✓ عنصر روانی جرم ساخت و یا تهیه هر نوع وسیله برای ارتکاب جرم عبارت است از:

* علم به استفاده و کاربرد از آن وسیله برای ارتکاب جرم

* عمد ر انجام رفتار فیزیکی اعم از ساخت و تهیه وسایل ارتکاب جرم

✓ ساخت وسایل جرم قمار، جرم مستقلی است که در ماده ۷۰۷ ق.م.ا تعزیرات جرم انگاری شده است. به موجب این ماده: «هر کس آلات و وسایل مخصوص به قماربازی را بسازد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا از خارج وارد کند یا در اختیار دیگری قرار دهد به سه ماه تا یک سال حبس و بیست و پنج میلیون (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم می شود.»

✓ ساخت اسلحه، جرم مستقلی است که در ماده ۴ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز ۱۳۹۰ مورد پیش بینی قرار گرفته است؛ به موجب این ماده: «واردکردن هر نوع سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل به کشور، خارج کردن آنها از کشور، ساخت، مونتاژ، نگهداری، حمل، توزیع، تعمیر و هرگونه معامله آنها بدون مجوز مراجع ذی صلاح جرم است و مرتکب به مجازاتهای

مندرج در این قانون محکوم می‌شود»

ربایشی که مشمول عنوان سرقت نیست

ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس مال دیگری را بریاید و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد به حبس از ۶ ماه تا ۱ سال محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه این کار صدمه‌ای به مجنی‌علیه وارد شده باشد به مجازات آن نیز محکوم خواهد شد.»
✓ ماده فوق ناظر بر جرم خاص «ربایش» است که مرتکب مال دیگری را بدون قصد محروم نمودن دائم مالک (مثلاً به قصد استفاده موقت) برمی‌دارد، در صورتی که شخص پس از برداشتن مال، از قصد برگرداندن آن صرف‌نظر کند، باز رفتار او به دلیل عدم تقارن عنصر مادی و معنوی، سرقت محسوب نمی‌شود.

✓ جرم فوق به استناد ماده ۱۰۴ ق.م.ا، اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳: در زمره جرائم قابل گذشت به شمار می‌رود مشروط بر آنکه:

۱. اولاً مرتکب فاقد سابقه محکومیت کیفری مؤثر (موضوع ماده ۲۵ ق.م.ا) باشد.

۲. ثانیاً ارزش مال ربوده بیش از ۲۰ میلیون تومان نباشد.

* همچنین با توجه به تبصره ماده ۱۰۴ ق.م.ا، الحاقی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳: حداقل و حداکثر مدت حبس ماده فوق به نصف تقلیل یافته؛ بنابراین مدت حبس در ماده فوق با تحقق ۲ شرط فوق از ۳ ماه تا ۶ ماه می‌باشد.

حکم به رد اموال مسروقه

مسئولیت سارق در استرداد مال مسروق و جبران ضرر و زیان

ماده ۶۶۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «در کلیه موارد سرقت و ربودن اموال مذکور در این فصل دادگاه علاوه بر مجازات تعیین شده سارق یا رباینده را به رد عین و در صورت فقدان عین به رد مثل یا قیمت مال مسروقه یا ربوده شده و جبران خسارت وارده محکوم خواهد نمود.»

✓ مطابق ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری: «دادگاه در مواردی که حکم به رد عین، مثل و یا قیمت مال صادر می‌کند، مکلف است میزان و مشخصات آن را قید و در صورت تعدد محکوم‌علیه، حدود مسئولیت هر یک را مطابق مقررات مشخص کند. تبصره - در صورتی که حکم به پرداخت قیمت مال صادر شود، قیمت زمان اجرای حکم، ملاک است.»

✓ در مورد مال مسروقه مطابق ماده فوق، دادگاه مؤظف است علاوه بر تعیین مجازات، حسب مورد حکم به رد مال پرداخت مثل یا قیمت آن نیز صادر نماید، بی‌آنکه نیازی به تقدیم دادخواست از سوی مدعی خصوصی باشد.

✓ رأی وحدت رویه شماره ۷۹۹ مصوب ۱۵/۷/۱۳۹۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: «در موارد شرکت در سرقت، مسئولیت هر یک از سارقان در رد مال به میزان مالی است که تحصیل کرده است و دادگاه در اجرای ماده ۶۶۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۲۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ حدود مسئولیت هر یک از سارقان را بر همین اساس مشخص می‌کند و اگر میزان مال تحصیل شده توسط هر یک از سارقان معلوم نباشد، با توجه به اصل تساوی مسئولیت که از جمله در مواد ۴۵۳، ۵۲۶ و ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد پذیرش قانونگذار قرار گرفته است، مسئولیت سارقان در رد مال مسروقه به طور مساوی است.»

ماده ۲۱۴ قانون مجازات اسلامی: «مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است، اگر موجود باشد عین آن را و اگر موجود نباشد مثل آن را و در صورت عدم امکان رد مثل، قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده خسارات وارده نیز برآید. هرگاه از حیث جزائی وجهی بر عهده مجرم تعلق گیرد، استرداد اموال یا تأدیه خسارت مدعیان خصوصی بر آن مقدم است.»

ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی: «بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب باید تکلیف اشیاء و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله ارتکاب جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا

حسب مورد، مسترد، ضبط یا معدوم شود. در مورد ضبط، دادگاه تکلیف اموال و اشیاء را تعیین می‌کند. همچنین بازپرس و یا دادستان مکلف است مادام که پرونده نزد وی جریان دارد به تقاضای ذینفع و با رعایت شرایط زیر دستور رد اموال و اشیاء مذکور را صادر نماید:

الف - وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد.

ب - اشیاء و اموال، بلامعارض باشد.

پ - جزء اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد.

در کلیه امور جزائی دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن اعم از اینکه مبنی بر محکومیت یا برائت یا موقوفی تعقیب متهم باشد، در مورد اشیاء و اموالی که وسیله ارتکاب جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص یافته است، باید رأی مبنی بر استرداد، ضبط یا معدوم شدن آن صادر نماید.»

✓ با لحاظ مواد ۲۱۴ و ۲۱۵ ق.م.ا و ۶۶۷ ق.م.ا بخش تعزیرات، اگر شاکی عین، مثل یا قیمت مال مسروق را بخواهد، نیازی به تقدیم دادخواست ضرر و زیان نیست و اگر خسارتی بیشتر را مطالبه کند باید دادخواست ضرر و زیان بدهد.

✓ با خودداری سارق از استرداد مال مسروق، امکان اجرای حبس ممتنع با اعمال ماده ۶۹۶ ق.م.ا بخش تعزیرات وجود خواهد داشت.

ماده ۶۹۶ ق.م.ا بخش تعزیرات: «در کلیه مواردی که محکوم علیه علاوه بر محکومیت کیفری به رد عین یا مثل مال یا ادای قیمت یا پرداخت دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم محکوم شده باشد و از اجرای حکم امتناع نماید در صورت تقاضای محکوم له دادگاه با فروش اموال محکوم علیه به جز مستثنیات دین حکم را اجرا یا تا استیفاء حقوق محکوم له، محکوم علیه را بازداشت خواهد نمود»

مواد ۱ و ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴

✓ ماده ۱: «هرکس به موجب حکم دادگاه به دادن هر نوع مالی به دیگری محکوم شود و از اجرای حکم خودداری کند، هرگاه محکوم به عین معین باشد آن مال اخذ و به محکوم له تسلیم می‌شود و در صورتی که رد عین ممکن نباشد یا محکوم به عین معین نباشد، اموال محکوم علیه با رعایت مستثنیات دین و مطابق قانون اجرای احکام مدنی و سایر مقررات مربوط، توقیف و از محل آن حسب مورد محکوم به یا مثل یا قیمت آن استیفاء می‌شود»

✓ ماده ۳: «اگر استیفاء محکوم به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد محکوم علیه به تقاضای محکوم له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم له حبس می‌شود. چنانچه محکوم علیه تا سی روز پس از ابلاغ اجرائیه، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خویش را اقامه کرده باشد حبس نمی‌شود، مگر اینکه دعوای اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود»

جرم سرقت		
ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی: «سرقت عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است»		
سرقت جرمی، ساده، آنی و مقید است		
عنصر قانونی	سرقت حدی: ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲	
	سرقت تعزیری: مواد ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۱ و ۵۵۹	
	کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی «قانون تعزیرات» مصوب ۱۳۷۵	
عنصر مادی	رفتار مجرمانه	ربودن مال متعلق به دیگری
	نتیجه حاصله جرم	ضرر رساندن به مالک
عنصر روانی	علم به موضوع	علم به تعلق مال به دیگری
	سوء نیت عام	داشتن قصد مجرمانه یعنی، قصد ربودن مال دیگری
	سوء نیت خاص	داشتن قصد نتیجه یعنی، قصد ضرر رساندن به مالک را داشته باشد.

یه پیام غیربازگانی: ما در سایت www.mollakarimi.ir، کانال تلگرام ([@omidmollakarimi](https://t.me/omidmollakarimi)) و صفحه اینستاگراممون ([@vekalatyar](https://www.instagram.com/vekalatyar))، هر آنچه برای قبولی در آزمون‌های حقوقی نیاز است را به شما خواهیم داد! می‌دانیم که داوطلبان آزمون‌های حقوقی، زمانی که تصمیم می‌گیرند که شروع به خواندن نمایند در انتخاب منابع سردرگم هستند؛ کاری که ما انجام می‌دهیم این است که اوون منابعی رو که برای قبولی کفایت می‌کند رو به طور رایگان در اختیارتون می‌گذاریم و بهتون اطمینان می‌دیم که نیاز به خواندن منابع متعدد نخواهید داشت. در واقع، صدها داوطلبی که از این خدمات استفاده کردند و جواب گرفتن رو می‌تونیم شاهد عملکرد مثبتمون بدونیم.

جرم تحصیل مال از طریق نامشروع

ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری: «هر کس به نحوی از انحاء امتیازاتی را که به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض می‌گردد نظیر جواز صادرات و واردات و آنچه عرفاً موافقت اصولی گفته می‌شود در معرض خرید و فروش قرار دهد و یا از آن سوءاستفاده نماید و یا در توزیع کالاهایی که مقرر بوده طبق ضوابطی توزیع نماید مرتکب تقلب شود و یا به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است مجرم محسوب و علاوه بر رد اصل مال به مجازات ۳ ماه تا ۲ سال حبس و یا جریمه نقدی معادل دو برابر مال به دست آمده محکوم خواهد شد. تبصره - در موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات تخفیف و تعلیق دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره ۱ ماده ۱ این قانون خواهد بود.»

قانونگذار در ماده فوق به بیان جرم تحصیل مال از طریق نامشروع پرداخته است، به نظر می‌رسد علت وضع این ماده، جرم‌انگاری رفتارهایی است که رفتار مرتکب علی‌رغم بردن مال اشخاص به صورت نامشروع، مشمول هیچ یک از عناوین مجرمانه دیگر مانند سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت و ... نمی‌شود و قانونگذار از این راه در صدد مجازات مرتکبین چنین رفتارهایی برآمده است، عبارت «به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است» در ماده فوق نیز مؤید همین مطلب می‌باشد؛ بنابراین با پیش‌بینی این جرم هر یک از رفتارهای زیر را می‌توان تحصیل مال از طریق نامشروع دانست:

* تحصیل مال دیگری به صرف دروغ: همان‌گونه که در مبحث کلاهبرداری ذکر شد، تحقق کلاهبرداری مستلزم مانور متقلبانه است و در صورتی که شخص صرفاً با دروغ مال دیگری را ببرد، رفتار وی را نمی‌توان مشمول کلاهبرداری دانست؛ بنابراین رفتار وی مشمول عنوان مجرمانه تحصیل مال از طریق نامشروع است.

* تصاحب مال گم‌شده دیگری: همان‌گونه که در مبحث خیانت در امانت ذکر شد، تحقق خیانت در امانت مستلزم تصاحب مال سپرده شده به امین می‌باشد؛ همچنان که شرط تحقق سرقت، ربودن مال است، در حالی که در مورد مال گم‌شده نه سپردنی وجود دارد و نه ربودنی؛ اما این منطقی و البته عادلانه نیست که تصاحب‌کننده مال گم‌شده را به دلیل عدم وجود شرایط فوق، قابل مؤاخذه ندانیم، مثال دیگری که در این زمینه می‌توان ذکر کرد، وصول کردن چکی است که دارنده چک در بانک جا گذاشته است و یکی از کارمندان بانک یا مشتریان وجه آن را دریافت نماید، در این فرض مرتکب نه چک را با توسل به وسایل متقلبانه به دست آورده، نه آن را ربوده و نه چک به وی سپرده شده است، بدیهی است نمی‌توان فردی را که با سوءاستفاده از این شرایط اقدام به وصول چک دیگری نموده است، غیرقابل مجازات دانست.

* تحصیل مال از کارت عابر بانک جامانده در دستگاه خودپرداز: در این فرض مرتکب کارت بانکی دیگری را نه به واسطه حيله و فریب تحصیل نموده و نه آن را ربوده و نه کارت به وی سپرده شده است، اما اگر از شرایط سوءاستفاده نماید و مبلغ موجود در کارت را به حساب خود منتقل کرده یا برداشت کند، نمی‌توان این سودجویی و فرصت‌طلبی را غیرقابل مجازات دانست.

✓ مثال‌های فوق و مثال‌های دیگر حاکی از حالتی است که شخص با سوءاستفاده و سودجویی خود مال دیگری را تحصیل نموده، بی‌توجه به آنکه ممکن است چه پیامدها و آسیب‌هایی از این رفتار بر صاحب مال تحمیل شود، بر همین اساس قانونگذار در ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، تحصیل مال از هر راه نامشروع دیگر را جرم‌انگاری نموده و مجازات آن را ۳ ماه تا ۲ سال حبس و یا جریمه نقدی معادل دو برابر مال به دست‌آمده دانسته است، تا از این راه خلاً موجود و محدودیت‌های قانونی را که ممکن است به دلیل عدم جرم‌انگاری مستقل این رفتارها به بار آید پُر نماید.

✓ با توجه به عبارت «تحصیل کند» در ماده فوق چنین برمی‌آید که این جرم تنها از طریق رفتار مثبت یا فعل قابل ارتکاب است؛ بنابراین در فرضی که دیگری پولی را به اشتباه به حساب او واریز شده است، مسترد ننماید، رفتار او را نمی‌توان تحصیل مال از طریق نامشروع دانست؛

- چراکه در اینجا برای به دست آوردن مال اقدامی مرتکب نشده است و صرفاً پولی را که متعلق به او نبوده است، پس نداده است و به همین دلیل فقط از جهت مدنی موجب ضمان است. مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۲۰۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۴ اداره حقوقی قوه قضاییه: «با عنایت به مواد ۳۰۱، ۳۰۲ و ۳۰۳ قانون مدنی، چنانچه سهواً وجهی به حساب کسی واریز شود، دریافت‌کننده مکلف به تسلیم آن و پرداخت‌کننده صرفاً مجاز به مطالبه و استرداد آن است و از موارد تحصیل مال نامشروع نمی‌باشد»
- ✓ با توجه به نسخ تبصره ۱ ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری به موجب ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ تبصره ماده فوق نیز نسخ شده است و در حال حاضر تعلیق اجرای مجازات و تخفیف آن به کمتر از حداقل قانونی امکان‌پذیر است.
- ✓ چنانچه دادگاه حکم به حداقل قانونی (۳ ماه حبس) صادر نماید، مجازات مرتکب با استناد به تبصره ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ لزوماً به مجازات جایگزین حبس تبدیل می‌شود.
- ✓ جرم تحصیل مال از طریق نامشروع، از جرایم در حکم کلاهبرداری محسوب نشده و فقط از حیث قواعد تخفیف و تعلیق مشابه جرم کلاهبرداری می‌باشد، از این رو نمی‌توان آثار کلاهبرداری را بر این جرم بار نمود و بنابراین استناد به مرور زمان در این جرم با هر مبلغی (ولو بیش از یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال) امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۵/۲۶۲۸ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۴ اداره حقوقی قوه قضاییه: «... چون بزه «تحصیل مال از طریق نامشروع» از جرایم احصاء شده در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیست، در نتیجه مشمول ممنوعیت مرور زمان ماده ۱۰۹ قانون مورد بحث (قانون مجازات اسلامی) نیز نیست»
- ✓ مطابق تبصره ۳ ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۲: «چنانچه ظن نزدیک به علم بر تحصیل مال از طریق نامشروع وجود داشته باشد در حکم مال نامشروع محسوب و مرتکب در صورتی که مشمول مجازات شدیدتری نباشد به حبس درجه ۶ محکوم می‌شود. در هر صورت مال مزبور ضبط خواهد شد مگر اینکه تحصیل مشروع آن اثبات شود»
- ✓ مطابق رأی وحدت رویه شماره ۵۷۲ مصوب ۱۳۷۰/۱۱/۱: «در ماده دوم قانون نحوه اجرای اصل (۴۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۳/۵/۱۷ هفدهم مرداد ۱۳۶۳ تصریح شده که دارایی اشخاص حقیقی و حقوقی محکوم به مشروعیت می‌باشد و از تعرض مصون است مگر در مواردی که خلاف آن ثابت شود. طرق تحصیل اموال نامشروع هم که باید در دادگاه به اثبات برسد در این قانون معین شده و شامل موردی نمی‌شود که سازمان دولتی برای تسهیل در انجام خدمات اداری کارمند خود مزایایی منظور و به او داده باشد.»

جرم صدور چک پرداخت‌نشده

تعریف چک

به موجب ماده ۳۱۰ قانون تجارت: «چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که در نزد محال علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌نماید»

انواع چک مطابق قانون صدور چک

۱. **چک عادی**، چکی است که اشخاص عهده بانک‌ها به حساب جاری خود صادر می‌کنند و دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادرکننده آن ندارد.
۲. **چک تأییدشده**، چکی است که اشخاص عهده بانک‌ها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال علیه پرداخت وجه آن تأیید می‌شود.
۳. **چک تضمین‌شده**، چکی است که توسط بانک به عهده همان بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین می‌شود.
۴. **چک مسافرتی**، چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هریک از شعب آن بانک توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می‌گردد. تبصره - (الحاقی ۱۳۹۷) قوانین و مقررات مرتبط با چک حسب مورد، راجع به چک‌هایی که به شکل الکترونیکی (داده‌پیام) صادر می‌شوند نیز لازم‌الرعايه است. بانک مرکزی مکلف است ظرف مدت یک سال پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون، اقدامات لازم در خصوص چک‌های

الکترونیکی (داده‌پیام) را انجام داده و دستورالعمل‌های لازم را صادر نماید.

تعریف جرم صدور چک پرداخت‌نشده: صدور چک به نحو غیرقابل پرداخت به عهده یکی از بانک‌ها و تسلیم آن به دیگری یا غیر قابل پرداخت کردن چک صادره به یکی از طرق پیش‌بینی شده در قانون می‌باشد.

طریق اول پیگیری چک: اقامه دعوی تجاری از طریق تقدیم دادخواست (حقوقی)

دارنده چک می‌تواند علیه همه مسؤولین اعم از صادرکننده و ظهرنویسان با تقدیم دادخواست اقامه دعوی تجاری نماید مزایای اقامه دعوی تجاری از قرار ذیل است:

الف- اقامه دعوی علیه همه مسؤولین از جمله ظهرنویسان؛

ب- صدور قرار تأمین خواسته (بدون تودیع خسارت احتمالی).

شرایط اقامه دعوی تجاری:

۱. اخذ گواهی عدم پرداخت در ظرف ۱۵ روز یا ۴۵ روز یا ۴ ماه از تاریخ صدور چک مستنداً به مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ ق.تجارت برحسب مورد.

۲. اقامه دعوی در ظرف یک سال یا دو سال از تاریخ اخذ گواهی عدم پرداخت مستنداً به مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۳۱۴ ق.تجارت برحسب مورد.

طریق دوم پیگیری چک: صدور اجرائیه از طریق ثبت^۱

دارنده چک می‌تواند در صورت عدم پرداخت وجه چک از طریق ثبتی به موجب «آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی» درخواست صدور اجرائیه علیه صادرکننده نماید. نکات موردتوجه از قرار ذیل است:

سند رسمی‌ای که بدون صدور حکم از دادگاه قابل صدور اجرائیه برای اجراء مدلول سند باشد مثل سند رسمی طلب

سند عادی‌ای که بدون صدور حکم از دادگاه قابل صدور اجرائیه برای اجراء مدلول سند باشد مثل چک

سند لازم‌الاجراء

✓ به موجب آخرین اصلاحات آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء: «درخواست اجرای مفاد اسناد رسمی [یا در حکم رسمی مانند چک] در ... مواردی که صدور اجرائیه بر عهده ثبت محل یا اداره اجرای ثبت می‌باشد از طریق دفترخانه اسناد رسمی صورت می‌گیرد. نحوه پذیرش و اقدام نسبت به درخواست اجرائیه از دفاتر اسناد رسمی مطابق شیوه‌نامه‌ای است که به تصویب رئیس سازمان ثبت خواهد رسید.»

✓ مطابق ماده ۵ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء (اصلاحی ۱۳۹۸): «سردفتر پس از احراز شرایط قانونی صدور اجرائیه و احراز هویت و صلاحیت درخواست‌کننده، مکلف است نسبت به ورود و تکمیل اطلاعات در سامانه اجراء اقدام، مدارک و مستندات مربوط را به سند الکترونیکی تبدیل و بانضمام اجرائیه صادره حداکثر ظرف ۴۸ ساعت از طریق سامانه مذکور، به اداره اجرای ثبت محل ارسال و اصول مدارک و مستندات را ضبط و بایگانی نماید. تبصره ۱- هرگاه سردفتر در صدور اجرائیه با اشکالی روبرو شود باید از صدور آن خودداری کرده و ظرف ۲۴ ساعت با طرح صریح اشکال، از ثبت محل استعلام و کسب تکلیف نماید. تبصره ۲- صدور اجرائیه فقط نسبت به تعهدات حال شده‌ای که در سند لازم‌الاجراء منجزاً قید شده باشد و اجرای آن در صلاحیت اداره ثبت باشد، امکان‌پذیر است.»

^۱ این قسمت بر مبنای آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی (مصوب ۱۳۸۷ رئیس قوه قضائیه با اصلاحات ۱۳۹۸) روزرسانی شده است. این آیین‌نامه در ۱۳۹۸/۱۲/۶ تغییر نموده است.

- ✓ وفق ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء (اصلاحی ۱۳۹۸): «از تاریخ ابلاغ اجرائیه متعهد باید ظرف ده روز مفاد آن را به موقع اجراء بگذارد یا ترتیبی برای پرداخت دین خود بدهد یا مالی معرفی کند که اجرای سند را میسر گرداند. اگر خود را قادر به اجرای مفاد اجرائیه نداند باید ظرف همان مدت صورت جامع دارائی خود را به مسئول اجراء بدهد و اگر مالی ندارد صریحاً اعلام کند. بدهکاری که در مدت مذکور قادر به پرداخت دین خود نبوده مکلف است هر موقع که متمکن از پرداخت تمام یا قسمتی از بدهی خود گردد آن را بپردازد. تبصره: ادارات اجرای ثبت مکلفند بلافاصله با تشکیل پرونده اجرایی الکترونیکی نسبت به شناسایی و توقیف اموال و دارایی‌های متعهد از طریق بانک‌های اطلاعاتی سازمان ثبت و سایر دستگاه‌ها که به هر نحو اطلاعاتی در مورد اموال اشخاص دارند، اقدام نمایند. مقررات این ماده مانع از توقیف اموالی که از سوی بستانکار به منظور تعقیب اجرائیه و استیفای طلب معرفی می‌شود، نخواهد بود.»
- ✓ ماده ۱۸۳ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء: (اصلاحی ۱۳۹۸) «درخواست اجرای چک از محلی که بانک طرف حساب صادرکننده چک در آن محل واقع شده یا محل اقامت متعهدله به عمل می‌آید. برای صدور اجرائیه، بستانکار مکلف است تقاضانامه مخصوص صدور اجرائیه و همچنین اصل و فتوکپی مصدق چک و گواهی برگشتی آن را به دفترخانه اسناد رسمی مسئول پذیرش اجرائیه ارائه نماید. دفترخانه اصل چک را ممهور به مهر (پذیرش اجرا شد) نموده و آن را به بستانکار مسترد می‌نماید. تبصره ۱- درخواست اجرای چک‌های صادره از شعب بانک‌های ایرانی خارج از کشور در دفترخانه‌های اسناد رسمی تهران که در شیوه‌نامه سازمان ثبت معین می‌گردد، به عمل خواهد آمد. تبصره ۲- پس از صدور اجرائیه، دارنده چک می‌تواند ضمن اعلام انصراف، گواهی لازم را از اداره ثبت درخواست نماید. در این صورت، اگر اجرائیه ابلاغ شده باشد، حق‌الاجراء برابر مقررات وصول و پرونده مختومه می‌گردد»
- ✓ از طریق ثبتی فقط علیه صادرکننده می‌توان درخواست اجرای چک نمود. پس علیه ظهرنویسان و ضامین درخواست اجرای چک ممکن نیست.
- ✓ اقدام به صدور اجرائیه از طریق ثبتی، بدون مراجعه به دادگاه مختص به برخی اسناد رسمی و عادی است. علی‌رغم این که چک سند رسمی نیست مقنن ویژگی لازم‌الاجراء بودن برخی از اسناد رسمی را در مورد چک نیز جاری دانسته است؛ به عبارت بهتر، دستور به اجرای سند رسمی (و یا در حکم سند رسمی مانند چک) حسب مورد توسط مراجع صالح ثبت یا سردفتر تنظیم‌کننده سند صادر می‌شود.
- ✓ در طریق ثبتی، نیازی به رعایت مواعد نیست یعنی اینکه چک چه زمانی برگشت خورده و در چه زمانی به مراجع ثبتی مراجعه شده مؤثر نیست.
- ✓ برای صدور اجرائیه از طریق ثبتی، باید مطابقت امضاء منعکس در چک با نمونه امضاء موجود در بانک در عرف بانکداری تأیید شده باشد. در غیر این صورت، نمی‌توان به طریق ثبتی اقدام کرد. در صورتی هم که مهر شخص حقوقی صاحب حساب در چک نخورده باشد در اداره ثبت اجرائیه صادر نخواهد شد.
- ✓ چنانچه چک به وکالت یا نمایندگی صادر شود یا مدیران شرکت مبادرت به صدور چک کنند اجرائیه به نحو تضامن علیه صادرکننده و صاحب حساب صادر خواهد شد؛ به عبارت بهتر، به تقاضای بستانکار (دارنده چک) اجرائیه علیه امضاءکننده و اصیل (صاحب حساب) بر اساس تضامن صادر می‌شود.
- ✓ چک سند رسمی نیست. چک سند عادی است. چک سند تجاری می‌باشد. چک در حکم سند رسمی است. چک سند لازم‌الاجرا می‌باشد.
- ✓ هزینه اجرای ثبت، نیم‌عشر اجرائیه است که هزینه آن از حقوقی و کیفری بیشتر است ولی بعد از اجرا وصول می‌شود، ضمناً شامل خسارت تأخیر تأدیه و حق الوکاله نمی‌شود.
- ✓ اعلام جرم علیه صادرکننده چک بی‌محل مانع درخواست صدور اجرائیه از طریق آیین‌نامه اجرای ثبت نخواهد بود.

طریق سوم پیگیری چک: صدور اجرائیه از طریق دادگاه

این طریق در ماده ۲۳ قانون صدور چک اصلاحی ۱۳۹۷ بدین شیوه بیان شده است: «دارنده چک می‌تواند با ارائه گواهی‌نامه عدم پرداخت، از دادگاه صالح صدور اجرائیه نسبت به کسری مبلغ چک و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه قانونی را درخواست نماید. دادگاه مکلف است در صورت وجود شرایط زیر حسب مورد علیه صاحب حساب، صادرکننده یا هر دو اجرائیه صادر نماید: الف- در متن چک، وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی نشده باشد؛ ب- در متن چک قید نشده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است؛ ج- گواهی‌نامه عدم پرداخت به دلیل

دستور عدم پرداخت طبق ماده ۱۴ این قانون و تبصره‌های آن [چکی که صادرکننده یا ذینفع ادعا می‌کند مفقود یا سرقت یا جعل شده یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگری تحصیل گردیده] صادر نشده باشد.»

در این طریق «صادرکننده مکلف است ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه، بدهی خود را بپردازد، یا با موافقت دارنده چک ترتیبی برای پرداخت آن بدهد یا مالی معرفی کند که اجرای حکم را میسر کند؛ در غیر این صورت، حسب درخواست دارنده، اجرای احکام دادگستری، اجرائیه را طبق قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ به مورد اجراء گذاشته و نسبت به استیفای مبلغ چک اقدام می‌نماید.»

شرایط درخواست صدور اجرائیه از طریق دادگاه (مطابق ماده ۲۳ قانون صدور چک اصلاحی ۱۳۹۷)

۱. ارائه گواهی عدم پرداخت.
 ۲. تقاضای صدور اجرائیه از دادگاه صالح.
 ۳. تقاضا نسبت به کسری مبلغ چک و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه قانونی.
- شرایط صدور اجرائیه علیه صاحب حساب یا صادرکننده چک یا هر دو توسط دادگاه (مطابق ماده ۲۳ قانون صدور چک اصلاحی ۱۳۹۷)

۱. در متن چک، وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی نشده باشد.
 ۲. در متن چک قید نشده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.
 ۳. گواهی عدم پرداخت به دلیل دستور عدم پرداخت طبق ماده ۱۴ این قانون و تبصره‌های آن صادر نشده باشد.
- وظایف صادرکننده چک متعاقب صدور اجرائیه (مطابق ماده ۲۳ قانون صدور چک اصلاحی ۱۳۹۷)

۱. ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه، بدهی خود را بپردازد.
۲. یا با موافقت دارنده چک ترتیبی برای پرداخت آن بدهد.
۳. یا مالی معرفی کند که اجرای حکم را میسر کند.

طریق چهارم پیگیری چک: طرح شکایت کیفری علیه صادرکننده چک

دارنده چک در صورت عدم پرداخت وجه چک می‌تواند علیه صادرکننده شکایت کیفری به جرم صدور چک بلامحل مطرح نماید. نکات مورد توجه از قرار ذیل است:

- ✓ مستنداً به ماده ۱۱ قانون صدور چک برای طرح شکایت کیفری بایستی مواعد ۶ ماهه رعایت شده باشد یعنی:
اولاً: بایستی دارنده در ظرف ۶ ماه از تاریخ صدور چک، گواهی عدم پرداخت اخذ نموده باشد.
ثانیاً: دارنده چک بایستی ظرف ۶ ماه از تاریخ گواهی عدم پرداخت، شکایت کیفری طرح نموده باشد.
- ✓ در صورت عدم رعایت یکی از مواعد فوق‌الاشعار طرح شکایت کیفری منتفی است.
- ✓ هرگاه چک به وکالت صادر گردد و یا به نمایندگی صادر شود و یا مدیران شرکت مبادرت به صدور چک نمایند. مستنداً به ماده ۱۹ ق. چک مسؤولیت کیفری متوجه صادرکننده یعنی امضاءکننده خواهد بود.
- ✓ هرگاه چک به وکالت یا نمایندگی صادر شود و یا مدیران شرکت مبادرت به صدور چک کند از حیث پرداخت وجه چک، صادرکننده با صاحب حساب یعنی وکیل یا موکل و یا مدیران با شرکت مسؤولیت تضامنی دارند.
- ✓ چک‌های دارای جنبه کیفری هستند که محال‌علیه آن بانک است. همچنین در مورد چک‌هایی می‌توان از دوایر اجرای ثبت درخواست صدور اجرائیه نمود که محال‌علیه آن بانک باشد؛ بنابراین چکی مشمول قانون صدور چک است که محال‌علیه آن بانک باشد زیرا هم وصف کیفری چک و هم لازم‌الاجراء بودن آن منبعت از قانون صدور چک است اما مطابق قانون تجارت محال‌علیه چک محتمل است هر شخص حقیقی یا حقوقی باشد. پس چک‌های صادره بر عهده مؤسسات مالی و اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه مشمول ق. صدور چک نیستند اما مشمول ق. تجارت هستند.
- ✓ شکایت کیفری در مورد چک بلامحل فقط علیه صادرکننده امکان‌پذیر است و علیه ضامن و ظهرنویس نمی‌توان شکایت کیفری طرح کرد.
- ✓ مواردی که صادرکننده چک قابل تعقیب کیفری نمی‌باشد در ماده ۱۳ ق. چک احصاء شده‌اند.

✓ مطابق تبصره ۳ ماده ۱۴ ق. چک پرداخت چک‌های تضمین‌شده و مسافرتی را نمی‌توان متوقف نمود مگر آنکه بانک صادرکننده نسبت به آن ادعای جعل نماید.

✓ دعوی حقوقی از حیث دادخواست‌دهنده و طرف دعوا محدودیتی ندارد یعنی همه علیه همه می‌توانند طرح کنند، اما شکایت کیفری فقط یکی می‌تواند طرح شکایت کند آن هم فقط علیه یکی (یکی علیه یکی)؛ به عبارت بهتر، دارنده سندی که اولین بار به بانک مراجعه کرده و گواهی عدم پرداخت به نامش صادر شده (ملاک نهایی «گواهی عدم پرداخت» است) می‌تواند علیه یکی یعنی فقط صادرکننده، شکایت کیفری مطرح کند بر خلاف اجرائیه ثبتی که همه می‌توانند متقاضی اجرائیه باشند چه دارنده چک چه منتقل‌الیه.

مزایای طرح شکایت کیفری علیه صادرکننده چک

۱. سریع‌تر بودن دادرسی به دلیل لزوم فوریت تعقیب و رسیدگی
۲. فقدان هزینه‌های سنگین دادرسی
۳. وجود ضمانت اجرای سنگینی چون حبس برای صادرکننده

جهات کیفری چک

جهات کیفری، صدور چک پرداخت نشدنی با لحاظ مواد ۳ و ۱۰ قانون صدور چک جرم‌انگاری شده است و با لحاظ ماده ۷ قانون صدور چک برای آن ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته شده است.

ماده ۳ قانون صدور چک: «صادرکننده چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده، به صورتی از بانک خارج نماید یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید چک را به صورتی تنظیم نماید که بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضا یا قلم خوردگی در متن چک، یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن از پرداخت وجه چک خودداری نماید»

ماده ۱۰ قانون صدور چک: «هر کس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید عمل وی در حکم صدور چک بی‌محل خواهد بود و به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۷ محکوم خواهد شد و مجازات تعیین شده غیرقابل تعلیق خواهد بود.»

ماده ۷ قانون صدور چک: «هرکس مرتکب بزه صدور چک بلامحل گردد به شرح ذیل محکوم خواهد شد:

الف - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ۱۰ میلیون ریال باشد به حبس تا حداکثر ۶ ماه محکوم خواهد شد.

ب - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ۱۰ میلیون ریال تا ۵۰ میلیون ریال باشد از ۶ ماه تا ۱ سال حبس محکوم خواهد شد.

ج - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ۵۰ میلیون ریال بیشتر باشد به حبس از ۱ سال تا ۲ سال و ممنوعیت از داشتن دسته‌چک به مدت ۲ سال محکوم خواهد شد و در صورتی که صادرکننده چک اقدام به صدور چک‌های بلامحل نموده باشد مجموع مبالغ مندرج در متون چک‌ها ملاک عمل خواهد بود.

تبصره - این مجازات شامل مواردی که ثابت شود چک‌های بلامحل بابت معاملات نامشروع و یا بهره ربوی صادر شده، نمی‌باشد.»

۱. **دارا نبودن وجه نقد یا عدم کفایت آن در تاریخ مندرج (بی‌محل بودن چک):** با لحاظ آنکه چک سند پرداخت فوری است و به موجب ماده ۳ مکرر قانون صدور چک از تاریخ مندرج در آن قابل وصول می‌باشد پس صادرکننده چک باید در تاریخ مندرج و بعد از آن در حساب خود وجه معادل مبلغ مندرج در چک را موجودی داشته باشد و بنابراین فقدان موجودی یا کسری موجودی از موجبات تحقق جرم صدور چک پرداخت نشدنی محسوب می‌شود و به موجب ماده ۵ قانون صدور چک اصلاحی ۱۳۹۷، حتی در صورت کسری موجودی، دارنده می‌تواند تا سقف موجودی مبلغ چک را مطالبه کرده و نسبت به الباقی آن تقاضای صدور گواهی عدم پرداخت نماید.

✓ اگر مبلغ موجود در بانک کمتر از مبلغ مندرج در چک باشد؛ ماده ۵ قانون صدور چک اصلاحی ۱۳۹۷: «در صورتی که موجودی حساب صادرکننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد، به تقاضای دارنده چک بانک مکلف است مبلغ موجودی در حساب را به دارنده چک بپردازد و دارنده با قید مبلغ دریافت‌شده پشت چک، آن را به بانک تسلیم نماید. بانک مکلف است بنا به درخواست دارنده چک فوراً کسری

مبلغ چک را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی وارد نماید و با دریافت کد رهگیری و درج آن در گواهینامه‌ای با مشخصات مذکور در ماده قبل، آن را به متقاضی تحویل دهد. به گواهینامه فاقد کد رهگیری در مراجع قضائی و ثبتی ترتیب اثر داده نمی‌شود. چک مزبور نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده، بی‌محل محسوب و گواهینامه بانک در این مورد برای دارنده چک، جانشین اصل چک می‌شود. در مورد این ماده نیز بانک مکلف است اعلامیه مذکور در ماده قبل را برای صاحب حساب ارسال نماید.»

۲. خارج کردن تمام یا قسمتی از وجهی که به اعتبار آن چک صادر شده است از بانک محال‌علیه: اقدام صادرکننده چک به خالی کردن حساب خود یا ایجاد کسری در موجودی نیز از موجبات تحقق جرم صدور چک پرداخت‌نشده است که اگر با اقدام عالمانه و عاقلانه صادرکننده و مسبوق به مانوری متقلبانه برای تحصیل مال متعلق به دارنده چک، صورت گرفته باشد، امکان کلاهبرداری مفروض است.

✓ مقصود قانونگذار از استعمال اصطلاح «به صورتی» بیان کلیه طرق مستقیم و غیرمستقیمی است که هدف و نتیجه آنها خارج کردن پشتوانه چک از بانک یعنی از اختیار دارنده چک است.

✓ مباشرت مستقیم صادرکننده در اخراج وجه چک از بانک، شرط تحقق جرم نیست، بلکه ممکن است با تبانی با شخص دیگر چکی را به نام او صادر کرده و از وی بخواهد که قبل از مراجعه دارنده چک اول، به بانک مراجعه و چک خود را نقد کند و بدین وسیله چک اول بلامحل شود، یا اینکه ممکن است صاحب حساب، بلافاصله پس از صدور چک، حساب خود را مسدود نماید.

۳. صدور دستور عدم پرداخت: صادرکننده چک در موارد خاص برای تأمین حقوق مالی خود می‌تواند به بانک محال‌علیه دستور عدم پرداخت وجه چک را صادر نماید. در این راستا برای حمایت از حقوق دارندگان چک، قانونگذار روند ویژه‌ای را برای دستور عدم پرداخت به بانک به موجب ماده ۱۴ قانون صدور چک تعیین کرده است، عدم رعایت این مقررات به شرح ذیل امکان اقامه دعوی کیفری علیه صادرکننده چک را فراهم خواهد ساخت.

✓ **ماده ۱۴ قانون صدور چک:** «صادرکننده چک یا ذینفع یا قائم‌مقام قانونی آنها با تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگری تحصیل گردیده می‌تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. بانک پس از احراز هویت دستوردهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارائه چک بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم می‌نماید. دارنده چک می‌تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت داده شکایت کند و هرگاه خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده ثابت گردد دستوردهنده علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۷ این قانون به پرداخت کلیه خسارات وارده به دارنده چک محکوم خواهد شد.»

✓ **تبصره ۱-۱** «ذینفع در مورد این ماده کسی است که چک به نام او صادر یا ظهرنویسی شده یا چک به او واگذار گردیده باشد (یا چک در وجه حامل به او واگذار گردیده) در موردی که دستور عدم پرداخت مطابق این ماده صادر می‌شود بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف دستوردهنده در حساب مسدودی نگهداری نماید.»

✓ منظور از قائم‌مقام آنها مانند ورثه، در صورت وقوع فوت، یا قیم در صورت وقوع حجر می‌باشد.

✓ هرگاه چک توسط دو یا چند نفر صادر شده باشد، هر یک از آنان به تنهایی حق صدور دستور عدم پرداخت را دارد

✓ **تبصره ۲-۲** «دستوردهنده مکلف است پس از اعلام به بانک شکایت خود را به مراجع قضایی تسلیم و حداکثر ظرف مدت یک هفته گواهی تقدیم شکایت خود را به بانک تسلیم نماید در غیر این صورت پس از انقضا مدت مذکور بانک از محل موجودی به تقاضای دارنده چک وجه آن را پرداخت می‌کند.» پس از دستور عدم پرداخت، بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف دستوردهنده در حساب مسدود (نه حساب جاری) نگهداری نماید. و دستوردهنده باید پس از آن در دادسرا شکایت خود را مطرح نموده (مثلاً نسبت به سرقت دسته چک خود طرح شکایت نماید) و حداکثر ظرف یک هفته گواهی آن را به بانک تسلیم نماید؛ در غیر این صورت بانک به تقاضای دارنده چک وجه آن را پرداخت می‌کند و دستوردهنده علاوه بر مجازات جرم صدور چک پرداخت‌نشده به پرداخت کلیه خسارات نیز محکوم می‌گردد.

✓ **تبصره ۳-۳** «پرداخت چک‌های تضمین‌شده و مسافرتی را نمی‌توان متوقف نمود مگر آنکه بانک صادرکننده نسبت به آن ادعای جعل نماید.

در این مورد نیز حق دارنده چک راجع به شکایت به مراجع قضایی طبق مفاد قسمت اخیر ماده ۱۴ محفوظ خواهد بود.»
✓ در صورتی که صدور گواهینامه عدم پرداخت به دلیل دستور عدم پرداخت باشد، سوء اثر محسوب نخواهد شد؛ مگر آنکه صادرکننده به شرح فوق اقدام به طرح شکایت ننموده یا عدم صحت ادعای او در مرجع صالح به اثبات برسد که در این صورت چک صادره همانند سایر چک‌های پرداخت‌نشده دارای سوء اثر خواهد بود.

✓ افراد مجاز به صدور دستور عدم پرداخت:

۱. صادرکننده
۲. یا ذی نفع
 - * کسی که چک به نام او صادر شده
 - * کسی که چک به نام او ظهرنویسی شده
 - * کسی که چک به او واگذار شده
۳. یا قائم‌مقام قانونی آنها اعم از:
 - * ورثه صادرکننده یا ذی نفع
 - * قیم فرد محجور (صادرکننده یا ذی نفع)

✓ موارد قانونی دستور عدم پرداخت:

۱. مفقود شدن چک
۲. سرقت چک
۳. جعل چک
۴. تحصیل چک در نتیجه کلاهبرداری
۵. تحصیل چک در نتیجه خیانت در امانت
۶. تحصیل چک در نتیجه تهدید
۷. تحصیل چک در نتیجه ربا

✓ نحوه صدور دستور عدم پرداخت

۱. کتبی بودن دستور عدم پرداخت
 ۲. لزوم تصریح به علت دستور عدم پرداخت
 ۳. صادرکننده «طرف یک هفته» از تاریخ صدور دستور عدم پرداخت، گواهی تقدیم شکایت خود به مرجع قضایی را، به بانک تسلیم نماید.
- ✓ با اثبات صحت ادعای دستوردهنده، مسؤولیت کیفری صادرکننده چک منتفی است.
- ✓ با عدم اثبات صحت ادعای دستوردهنده، صادرکننده چک به مجازات صدور چک پرداخت‌نشده و پرداخت وجه چک و خسارات محکوم خواهد شد.
۴. تنظیم چک به شکل نادرست: تنظیم چک به یکی از اشکال ذیل از موجبات عدم پرداخت مبلغ چک توسط بانک محسوب شده و گواهی عدم پرداخت به موجب آن صادر می‌گردد.

۱. عدم مطابقت امضای روی چک با امضای موجود در بانک

✓ چک بدون امضاء به علت فقدان یکی از شرایط اساسی تحقق آن چک محسوب نمی‌شود، لذا صادرکننده چک بدون امضاء قابلیت تعقیب کیفری را ندارد؛ چک بدون امضاء قابلیت صدور اجرائیه را هم ندارد، زیرا در این خصوص تصدیق مطابقت امضاء، شرط عمده صدور اجرائیه است.

✓ چک بدون امضا و دارای اثر انگشت، چک تلقی محسوب نمی‌شود، البته از طریق حقوقی پیگیری طلب ممکن است.

✓ چکی که باید توسط دو نفر امضاء شود و یک نفر آن را امضاء کرده و تحویل می‌دهد به نظر دیوان عالی کشور فقدان هر یک از امضاهای

معرفی شده و موجود در بانک محال علیه وصف قانونی را از چک سلب می‌کند ولی از نظر دکتر میرمحمدصادقی، این چک ناقص است و قابلیت تعقیب کیفری را دارد؛ زیرا در چنین حالتی چک در هر حال به شکل ناقص صادر شده و شخص یا اشخاصی که آن را به این شکل امضاء کرده و به دارنده داده‌اند، قابل تعقیب کیفری می‌باشند.

۲. یا قلم خوردگی در متن چک

✓ هر نوع قلم خوردگی باید در ظهر چک (پشت چک) توضیح داده شود، وگرنه منجر به عدم پرداخت آن می‌شود.

۳. یا اختلاف در مندرجات چک

✓ نمونه اختلاف در مندرجات عبارت است از، اختلاف مبلغ به عدد و به حروف، چک در وجه دو نفر صادر شود، چک در وجه حامل صادر شود ولی نام شخص دیگری هم نوشته شود و شخص دیگری به بانک مراجعه نماید.

۵. **صدور چک از حساب مسدود:** از دیگر مواردی که منتهی به عدم وصول وجه چک می‌شود صدور چک از حساب مسدود است و قانونگذار این رفتار را هم در حکم صدور چک بلا محل دانسته است، مانند فرضی که با وجود مسدود کردن حساب از سوی صاحب حساب، دسته چک هنوز نزد او موجود باشد و اقدام به صدور چک نماید، مطابق ماده ۱۰ قانون صدور چک: «هر کس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید عمل وی در حکم صدور چک بی محل خواهد بود...»

✓ اقدام صادرکننده چک به صدور چک پرداخت نشدنی با علم او به مسدود بودن حساب بانکی اش، اقدام او را در حکم جرم صدور چک بی محل قرار می‌دهد که از موجبات تشدید مجازات می‌باشد، از این رو مرتکب به حداکثر مجازات‌های مندرج در ماده ۷ قانون صدور چک محکوم خواهد شد.

✓ برخلاف اینکه صدور چک پرداخت نشدنی، جرم مادی صرف است و در آن نیازی به اثبات عنصر روانی نیست؛ اما در جرم صدور چک از حساب مسدود، لزوم احراز علم صادرکننده چک به مسدود بودن حساب وی به هنگام صدور چک باید مورد توجه قرار گیرد.

✓ مجازات جرم صدور چک از حساب مسدود، حداکثر مجازات‌های مربوط به صدور چک پرداخت نشدنی به حسب مبلغ چک می‌باشد.

✓ مجازات جرم صدور چک از حساب مسدود قابل تعلیق نمی‌باشد.

جهت غیر کیفری چک

ماده ۱۳ قانون صدور چک: در موارد زیر صادرکننده چک قابل تعقیب کیفری نیست:

الف - در صورتی که ثابت شود چک سفید امضا داده شده باشد.

ب - هرگاه در متن چک وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد.

ج - چنانچه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله و یا تعهدی است.

د - هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

ه - در صورتی که ثابت شود چک بدون تاریخ صادر شده و یا تاریخ واقعی صدور چک مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد.

✓ با لحاظ ماده ۱۳ قانون صدور چک، اگر چکی در قالب سفید امضاء، تضمینی، مشروط، بدون تاریخ یا وعده‌دار صادر شود و دارنده چک در تاریخ سررسید به بانک مراجعه کند ولی چک به هر دلیل قابل پرداخت نباشد و منتهی به صدور گواهی عدم پرداخت شود، دارنده می‌تواند اقدام به طرح شکایت کیفری علیه صادرکننده نماید، اما صادرکننده از این حق برخوردار است که در دادگاه غیر کیفری بودن چک صادره را با اثبات وجود یکی از موارد ماده ۱۳ قانون صدور چک، طرح نموده و از مجازات مسؤلیت کیفری مبرا شود، هر چند که هم چنان دادخواست حقوقی مطالبه وجه علیه صادرکننده قابل طرح و ارائه است.

۱. **چک‌های سفید امضا:** چک سفید امضا چکی است که صادرکننده آن را فقط امضا کرده و به طرف مقابل می‌دهد تا هر زمان که اراده کرد سایر مندرجات را تکمیل و آن را به بانک ارائه نماید

✓ غالباً در رابطه بین موجر و مستأجر، موجرین برای حصول اطمینان از این که مستأجر همواره مطابق میل و خواسته آنها عمل کرده و در موعد مقرر مورد اجاره را تخلیه خواهد نمود. اقدام به گرفتن چک سفید امضا می‌کنند.

- ✓ اگر محرز شود که دارنده چک سفید امضا بر خلاف قانون یا بر خلاف تراضی طرفین اقدام به استیفای مبلغ از طریق چک کرده است. صادرکننده می‌تواند اقدام به طرح شکایت کیفری سوءاستفاده از سفید مهر و سفید امضا موضوع ماده ۶۷۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات علیه دارنده چک نماید.
- ۲. **چک تضمینی و مشروط:** چک‌هایی که برای تضمین انجام معامله صادر شده و یا وصول وجه آنها منوط به تحقق شرطی بوده است. غالباً یا در متن چک قید می‌شود یا با ارجاع به قرارداد منعقد بین صادرکننده و دارنده اثبات می‌شود که چک تضمینی یا مشروط بوده و فاقد عنوان کیفری است.
- ✓ انجام یا عدم انجام معامله، تحقق یا عدم تحقق شرط تأثیری ندارد و صادرکننده چنین چک‌هایی از تعقیب کیفری معاف است.
- ✓ هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد، بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد. (ماده ۳ ق.ص.چ)
- ✓ با توجه به مواد ۳ و ۱۳ قانون صدور چک، اگر دارنده چک مشروط به بانک مراجعه نماید و چک مخدوش و بلامحل نباشد و دستوری هم برای عدم پرداخت چک صادر نشده باشد، بانک بدون توجه به شرط مبلغ را پرداخت خواهد کرد.
- ۳. **چک بدون تاریخ و چک مدت‌دار:** چک به عنوان وسیله پرداخت فوری دارای یک تاریخ است و تاریخ صدور چک همان تاریخ مندرج در چک باید باشد.
- ✓ اصل بر صحت تاریخ چک و به روز بودن آن است و وعده‌دار بودن چک باید اثبات گردد.

تعریف جرم صدور چک پرداخت‌نشده: تعریف جرم کلاهبرداری از نظر دکتر ملاکریمی عبارت است از: «صدور چک به نحو غیرقابل پرداخت و تسلیم آن به دیگری یا غیرقابل پرداخت کردن چک صادره به نحوی که بانک به یکی از علل قانونی از پرداخت وجه چک خودداری نماید.»

عناصر تشکیل‌دهنده جرم صدور چک پرداخت‌نشده

عناصر قانونی جرم صدور چک پرداخت‌نشده

مواد ۳، ۷، ۱۰ و ۱۳ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ با آخرین اصلاحات تا تاریخ ۱۴۰۰/۱/۲۹

عناصر مادی جرم صدور چک پرداخت‌نشده

رفتار مجرمانه جرم صدور چک پرداخت‌نشده

۱. دارا نبودن وجه در حساب
۲. خارج کردن وجه از حساب
۳. صدور دستور عدم پرداخت
۴. صدور چک به نحو غیرقابل پرداخت (عدم مطابقت امضای روی چک با امضای موجود در بانک یا قلم‌خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات چک)
۵. صدور چک از حساب مسدود

شرایط و اوضاع و احوال برای تحقق جرم صدور چک پرداخت‌نشده

تحقق موارد مندرج در مواد ۳ و ۱۰ قانون صدور چک

نتیجه حاصله جرم صدور چک پرداخت‌نشده

- ✓ صدور چک پرداخت‌نشده، جرم مقید به نتیجه است
- ✓ نتیجه این جرم، عدم پرداخت وجه توسط بانک و صدور گواهی عدم پرداخت.
- ✓ لحظه صدور چک به نحو غیرقابل پرداخت، لحظه تحقق جرم به نحو تام محسوب نمی‌شود، بلکه زمان وقوع جرم زمانی است که چک صادر شده در قالب یکی از شرایط مواد ۳ یا ۱۰ قانون صدور چک، منتهی به پرداخت نشود، پس با لحاظ اینکه جرم مقید است، لحظه صدور گواهی

عدم پرداخت توسط بانک، زمان تحقق نتیجه می‌باشد.

عنصر روانی جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی

✓ جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی «جرم مادی صرف» است.

✓ در جرائم مادی صرف نیازی به اثبات عنصر روانی متهم نیست.

✓ اثبات مواردی مثل اینکه صادرکننده فکر می‌کرده در حساب خود وجه کافی دارد یا مواردی مانند این چیزی از مسؤولیت کیفری صادرکننده نمی‌کاهد.

✓ در صدور چک از حساب مسدود «علم صادرکننده به مسدود بودن حساب» باید اثبات شود.

افراد دارای حق شکایت کیفری نسبت به جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی

ماده ۱۱ قانون صدور چک: «جرائم مذکور در این قانون بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست و در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه ننماید یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت ننماید دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت.»

منظور از دارنده چک در این ماده شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است. برای تشخیص اینکه چه کسی اولین بار برای وصول چک به بانک مراجعه کرده است، بانک‌ها مکلفند به محض مراجعه دارنده چک هویت کامل او را در پشت چک با ذکر تاریخ قید نمایند. کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده حق شکایت کیفری نخواهد داشت، مگر آن که انتقال قهری باشد.

در صورتی که دارنده چک بخواهد چک را به وسیله شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود او وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت بی‌محل بودن چک محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را با تصریح نمایندگی شخص مذکور در ظهر چک (پشت چک) قید نماید و در هر صورت بانک اعلامیه مذکور در ماده ۴ و ۵ ر به نام صاحب چک صادر می‌کند و حق شکایت کیفری وی محفوظ خواهد بود.

بنابراین افراد ذیل حق شکایت کیفری نسبت به جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی را دارند:

۱. **دارنده چک؛** کسی که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است.

۲. **کسی که چک با انتقال قهری به او منتقل شده است؛** اگر شاکی بعد از ارائه چک به بانک و قبل از انقضای مدت ۶ ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت فوت نماید و دلیلی بر انصراف شاکی از شکایت مطروحه موجود نباشد، هر یک از ورثه نسبت به سهم خویش و یا کل ورثه نسبت به کل مبلغ چک حق شکایت کیفری، ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ انتقال قهری ناشی از فوت مورث خود، را خواهد داشت.

✓ کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده حق شکایت کیفری ندارد (انتقال پس از اخذ گواهی عدم پرداخت)

✓ اگر بعد از شکایت کیفری، شاکی چک را به دیگری یا حقوق خود را نسبت به چک را به دیگری واگذار نماید، تعقیب کیفری متوقف خواهد شد (انتقال پس از شکایت کیفری)

مشتکی عنه در جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی

۱. با لحاظ مواد ۳ و ۱۳ قانون صدور چک، اگر جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی مستند به رفتار صادرکننده باشد؛ به عبارت دیگر مستند به رفتار صادرکننده چک غیرقابل پرداخت شود؛ شکایت علیه صادرکننده صورت می‌گیرد.

۲. با لحاظ مواد ۳ و ۱۴ و تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون صدور چک، اگر چک «قابل پرداخت» بوده ولی شخصی غیر از صادرکننده دستور عدم پرداخت وجه آن را به بانک صادر کند شکایت علیه او صورت می‌گیرد.

۳. با لحاظ ماده ۱۹ قانون صدور چک، اگر چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، مسؤولیت کیفری با امضاکننده چک است؛ مگر اینکه صادرکننده ثابت کند عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او بوده است که در این صورت مسؤولیت کیفری متوجه صادرکننده نیست.

در مورد جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی نکات ذیل قابل توجه است:

- ✓ جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی لزوماً هم‌زمان با صدور چک محقق نمی‌شود و در بسیاری از موارد، شخص پس از صدور چک، اقدام به خالی کردن حساب خود می‌نماید یا با دستور عدم پرداخت به بانک، مانع وصول چک می‌شود.
- ✓ اگر چک قبلاً صادر شده باشد و بلامحل نباشد، به علت صدور حکم ورشکستگی، بانک ممنوع از پرداخت وجه چک شده باشد، از شمول قانون صدور چک خارج است.
- ✓ به نظر می‌رسد هرگاه عدم پرداخت هم مستند به فعل صادرکننده و هم مستند به صدور دستور عدم پرداخت توسط شخص دیگری باشد، باید صادرکننده که منشأ اولیه عدم پرداخت بوده است، تحت تعقیب کیفری قرار گیرد، نه دستوردهنده‌ای که بر دستور وی هیچ اثری مترتب نبوده است.
- ✓ نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۷۲۷۸ مورخ ۱۳۷۹/۸/۸: «اگر سارق امضای صاحب دسته چک را در چک شبیه‌سازی کرده و با آن اجناس خریده باشد علاوه بر سرقت مرتکب جعل سند غیررسمی (چک) و استفاده از سند مجعول شده است (ماده ۵۳۶ ق.م.ا.ت.زیرات) و اگر امضای سارق با امضای صاحب حساب مشابه نباشد عمل مجرمانه سارق در این مرحله علاوه بر سرقت از مصادیق کلاهبرداری است که به هر حال با عنایت به مختلف بودن بزه‌هایی که مرتکب شده (سرقت، جعل، استفاده از سند مجعول یا کلاهبرداری) برای هر یک از اعمال مجرمانه متهم باید مجازات جداگانه تعیین شود.»
- ✓ اگر کسی با صحنه‌سازی خود را فرد معتبری جا زده و بدین وسیله دیگری را با قبول کردن چکی که صادر کرده است ترغیب می‌کند و در مقابل اموال یا جوهری را از وی دریافت می‌دارد، در صورت برگشت خوردن چک، هم به ارتکاب جرم کلاهبرداری و هم به ارتکاب جرم صدور چک بلامحل محکوم گشته و مقررات راجع به تعدد جرم درباره وی اعمال می‌شود.
- ✓ با توجه به صدور گواهی عدم پرداخت، جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی را باید در زمره جرائم مقید محسوب نمود و حتی در فرض صدور چک از حساب مسدود نیز تا مادامی که دارنده چک به بانک مراجعه ننموده و چک صادره منتهی به عدم پرداخت نشده باشد، مثلاً کارمند بانک اشتبهاً مبلغ چکی را که از حساب مسدود صادر شده است، پرداخت نماید) بحث جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی منتفی است.
- ✓ با صدور گواهی عدم پرداخت دارنده چک باید ظرف ۶ ماه در مرجع کیفری صالح اقدام به طرح شکایت نماید، وگرنه به دلیل شمول مرور زمان کیفری، شکایت او دیگر مسموع نبوده و برای دریافت وجه چک باید در دادگاه حقوقی اقدام به طرح دعوا نماید.
- ✓ مطابق ماده ۱۱ قانون صدور چک: «جرائم مذکور در این قانون بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست و در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه ننماید یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت ننماید دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت.» همان گونه که ملاحظه می‌شود، برای طرح شکایت کیفری، دارنده چک باید دو مهلت ۶ ماهه را رعایت نماید: ۱- ظرف ۶ ماه از تاریخ صدور چک، با مراجعه به بانک آن را برگشت بزند، ۲- پس از صدور گواهی عدم پرداخت، ظرف ۶ ماه اقدام به طرح شکایت نماید

مزایای شکایت کیفری برای شاکی در جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی

۱. دارنده چک می‌تواند وجه چک و ضرر و زیان ناشی از جرم را نیز توأم با رسیدگی کیفری در دادگاه کیفری مطالبه نماید.
- ✓ تبصره ماده ۲ قانون صدور چک: «دارنده چک می‌تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شده که مستقیماً و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تقاضا نماید. در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه‌های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند، باید درخواست خود را به همان دادگاه صادرکننده حکم تقدیم نماید.»
- ✓ ماده ۱۵ قانون صدور چک: «دارنده چک می‌تواند وجه چک و ضرر و زیان خود را در دادگاه کیفری مرجع رسیدگی مطالبه نماید.»
۲. رسیدگی به کلیه شکایات و دعاوی جزایی و حقوقی مربوط به چک در دادسرا و دادگاه تا خاتمه دادرسی، فوری و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد.

- ✓ ماده ۱۶ قانون صدور چک: «رسیدگی به کلیه شکایات و دعاوی جزایی و حقوقی مربوط به چک در دادسرا و دادگاه تا خاتمه دادرسی، فوری و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد.»
۳. اگر به متهم دسترسی نباشد آخرین نشانی متهم در بانک محالاً علیه اقامتگاه قانونی او محسوب می‌شود و هرگاه به این نشانی شناخته نشود گواهی مأمور به منزله ابلاغ اوراق تلقی شده و رسیدگی بدون نیاز به احضار متهم با آگاهی انجام می‌شود.
- ✓ ماده ۲۲ قانون صدور چک: «در صورتی که به متهم دسترسی حاصل نشود، آخرین نشانی متهم در بانک محالاً علیه اقامتگاه قانونی او محسوب می‌شود و هرگونه ابلاغی به نشانی مزبور به عمل می‌آید.
- هرگاه متهم حسب مورد به نشانی بانکی یا نشانی تعیین شده شناخته نشود یا چنین محلی وجود نداشته باشد گواهی مأمور به منزله ابلاغ اوراق تلقی می‌شود و رسیدگی به متهم بدون لزوم احضار متهم وسیله مطبوعات ادامه خواهد یافت.»

مجازات جرم صدور چک پرداخت‌نشده

ماده ۷ قانون صدور چک: «هرکس مرتکب بزه صدور چک بلامحل گردد به شرح ذیل محکوم خواهد شد:

- الف - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ۱۰ میلیون ریال باشد به حبس تا حداکثر ۶ ماه محکوم خواهد شد.
- ب - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ۱۰ میلیون ریال تا ۵۰ میلیون ریال باشد از ۶ ماه تا ۱ سال حبس محکوم خواهد شد.
- ج - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ۵۰ میلیون ریال بیشتر باشد به حبس از ۱ سال تا ۲ سال و ممنوعیت از داشتن دسته‌چک به مدت ۲ سال محکوم خواهد شد و در صورتی که صادرکننده چک اقدام به صدور چک‌های بلامحل نموده باشد مجموع مبالغ مندرج در متون چک‌ها ملاک عمل خواهد بود.

تبصره - این مجازات شامل مواردی که ثابت شود چک‌های بلامحل بابت معاملات نامشروع و یا بهره ربوی صادر شده، نمی‌باشد.»

✓ **جرم فوق با استناد به مواد ۱۱ و ۱۲ قانون صدور چک در زمره جرائم قابل گذشت به شمار می‌رود، و با توجه به تبصره ماده ۱۰۴ ق.م.ا، الحاقی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳؛ حداقل و حداکثر مدت حبس ماده فوق به نصف تقلیل می‌یابد. بنابراین مجازات جرم صدور چک پرداخت‌نشده از قرار ذیل است:**

- چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ۱۰ میلیون ریال باشد به حبس تا حداکثر ۳ ماه محکوم خواهد شد.
- چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ۱۰ میلیون ریال تا ۵۰ میلیون ریال باشد از ۳ ماه تا ۶ سال حبس محکوم خواهد شد.
- چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ۵۰ میلیون ریال بیشتر باشد به حبس از ۶ ماه تا ۱ سال و ممنوعیت از داشتن دسته‌چک به مدت ۲ سال محکوم خواهد شد

با توجه به تبصره ۲ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی که مقرر داشته است برای تعیین درجه باید به حداکثر مجازات توجه نمود، و با توجه به اینکه حداکثر مجازات جرم صدور چک پرداخت‌نشده در فرض اول ۳ ماه حبس است و ۳ ماه حبس در گروه تا ۳ ماه حبس قرار می‌گیرد؛ لذا در این فرض مجازات جرم صدور چک پرداخت‌نشده جزء جرائم تعزیری درجه ۸ است و حداکثر مجازات جرم صدور چک پرداخت‌نشده در فرض دوم ۶ ماه است و ۶ ماه در گروه بیش از ۳ ماه تا ۶ ماه قرار می‌گیرد؛ لذا در این فرض مجازات مرتکب جرم صدور چک پرداخت‌نشده جزء جرائم تعزیری درجه ۷ است در فرض سوم حداکثر مجازات این جرم ۱ سال حبس است و ۱ سال در گروه بیش از ۶ ماه تا ۲ سال قرار می‌گیرد؛ لذا در این فرض مجازات مرتکب جرم صدور چک پرداخت‌نشده جزء جرائم تعزیری درجه ۶ است.

در خصوص مجازات مرتکب جرم صدور چک پرداخت‌نشده، به صورت مشدد ماده ۱۰ قانون صدور چک چنین مقرر داشت است: «هر کس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید عمل وی در حکم صدور چک بی‌محل خواهد بود و به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۷ محکوم خواهد شد و مجازات تعیین شده غیرقابل تعلیق خواهد بود.»

مجازات جرم صدور چک پرداخت‌نشده ماده ۱۰ قانون صدور چک		
حد اکثر ۳ ماه حبس	اگر مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ۱۰ میلیون ریال باشد	صدور چک پرداخت‌نشده به صورت ساده
۳ ماه تا ۶ ماه حبس	اگر مبلغ مندرج در متن چک از ۱۰ میلیون ریال تا ۵۰ میلیون ریال باشد	
۶ ماه تا ۱ سال حبس و ممنوعیت از داشتن دسته‌چک به مدت ۲ سال	اگر مبلغ مندرج در متن چک از ۵۰ میلیون ریال بیشتر باشد	
۳ ماه حبس	اگر مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ۱۰ میلیون ریال باشد	صدور چک پرداخت‌نشده به صورت مشدد «هر کس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید ... و به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۷ محکوم خواهد شد»
۶ ماه حبس	اگر مبلغ مندرج در متن چک از ۱۰ میلیون ریال تا ۵۰ میلیون ریال باشد	
۱ سال حبس و ممنوعیت از داشتن دسته‌چک به مدت ۲ سال	اگر مبلغ مندرج در متن چک از ۵۰ میلیون ریال بیشتر باشد	

✓ در صورتی که صادرکننده چک اقدام به صدور چک‌های متعدّد نموده باشد، مجموع مبالغ مندرج در متون چک‌ها ملاک عمل خواهد بود.

✓ قانونگذار در رابطه با چک‌های پرداخت‌نشده که مبلغ آن بیش از ۵۰ میلیون ریال است، یک مجازات تکمیلی هم در نظر گرفته است و مطابق قسمت اخیر بند (ج) ماده ۷ قانون صدور چک، صادرکننده چک به مدت ۲ سال از داشتن دسته چک محروم خواهد شد. مسدود ساختن حساب جاری و ممنوعیت از افتتاح حساب تا ۳ سال دیگر از اقدامات تکمیلی است، که قانونگذار در مورد چک پرداخت‌نشده در ماده ۲۱ قانون فوق مورد پیش‌بینی قرار داده است، به موجب این ماده: «بانک‌ها مکلفند کلیه حساب‌های جاری اشخاصی را که بیش از یک بار چک بی‌محل صادر کرده و تعقیب آنها منجر به صدور کیفرخواست شده باشد بسته و تا سه سال به نام آنها حساب جاری دیگری باز ننمایند.» ناگفته نماند حکم مقرّر در این ماده، برخلاف بند (ج) ماده ۷ مقید به نصاب خاصی نیست و در همه مواردی که شخص بیش از یک بار اقدام به صدور چک پرداخت‌نشده با هر مبلغی نموده و تعقیب آنها منتهی به صدور کیفرخواست شده باشد، اجرا می‌شود.

✓ در مورد چک‌هایی که بابت معاملات نامشروع مانند خرید مواد مخدر، معاملات ربوی و ... صادر می‌شود، حمایت حقوقی و کیفری از چک برداشته شده و همان‌گونه که در تبصره ماده ۷ قانون صدور چک نیز آمده است: «این مجازات شامل مواردی که ثابت شود چک‌های بلامحل بابت معاملات نامشروع و یا بهره ربوی صادر شده، نمی‌باشد» البته برداشتن وصف کیفری از چنین چک‌هایی مانع تعقیب جرم اصلی نمی‌شود، برای مثال در فرضی که شخصی بابت ربا چکی را به دیگری داده باشد، هرچند به مجازات صدور چک پرداخت‌نشده محکوم نمی‌شود، اما به مجازات جرم ربا محکوم خواهد شد.

مجازات تکمیلی جرم صدور چک پرداخت‌نشده

با توجه به این که مجازات جرم صدور چک پرداخت‌نشده از نوع مجازات‌های تعزیری می‌باشد و به استناد ماده ۲۳ ق.م.ا دادگاه می‌تواند در مورد فردی که مرتکب جرم تعزیری شده است مجازات تکمیلی اختیاری را نیز علاوه بر مجازات اصلی تعیین نماید. لذا در خصوص مرتکب این جرم دادگاه می‌تواند علاوه بر مجازات‌های مقرّر در ماده ۷ قانون صدور چک مجازات‌های تکمیلی مقرّر در ماده ۲۳ ق.م.ا را نیز برای محکوم‌علیه مقرّر کند.

مجازات تبعی جرم صدور چک پرداخت‌نشده

با توجه به ماده ۲۵ ق.م.ا که محکومیت قطعی به حبس تا درجه ۵ در جرائم عمدی محکوم‌علیه را از حقوق اجتماعی محروم می‌کند جرم صدور چک پرداخت‌نشده که مجازات آن حسب مورد حبس تعزیری درجه ۶ یا ۷ یا ۸ می‌باشد، لذا برای مرتکب جرم صدور چک پرداخت‌نشده، مجازات تبعی وجود ندارد.

تخفیف مجازات جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی

در خصوص مرتکب جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی که جزء جرائم تعزیری است، حسب مورد تعزیر درجه ۶ یا ۷ یا ۸ می‌باشد، در صورت احراز جهات تخفیف مذکور در ماده ۳۸ ق.م.ا قاضی می‌تواند مجازات مرتکب جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی را تخفیف دهد و یا مطابق ماده ۳۹ ق.م.ا در فرضی که مجازات تعزیری درجه ۷ یا ۸ است در صورت احراز شرایط مقرر در ماده مذکور مرتکب را از تحمیل مجازات معاف کند. همچنین به استناد ماده ۳۷ ق.م.ا در مورد میزان حبس درجه ۶ قاضی می‌تواند ۱ تا ۲ درجه مجازات را تقلیل دهد یا مجازات حبس را به جزای نقدی متناسب با همان درجه تبدیل کند. لازم به ذکر است که تقلیل مجازات یعنی اینکه در صورتی که قاضی می‌خواهد مجازات را تخفیف دهد باید مجازاتی کمتر از حداقل مجازات مقرر در قانون برای مرتکب تعیین نماید.

اعمال جهات تأخیر اجرای مجازات در جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی

تعویق صدور حکم در جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی: با توجه به اینکه مجازات جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی حسب مورد تعزیر درجه ۶ یا ۷ یا ۸ می‌باشد، و با توجه به اینکه تعویق صدور حکم در جرائم تعزیری درجه ۶ تا ۸ امکان‌پذیر است، لذا در مورد مرتکب جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی امکان صدور قرار تعویق صدور حکم وجود دارد.

تعلیق اجرای مجازات در جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی: با توجه به اینکه مجازات جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی حسب مورد تعزیر درجه ۶ یا ۷ یا ۸ می‌باشد، و با توجه به اینکه تعلیق اجرای مجازات در جرائم تعزیری درجه ۳ تا ۸ امکان‌پذیر است، لذا در مورد مرتکب جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی امکان صدور قرار تعویق صدور حکم وجود دارد.

البته مطابق ماده ۱۰ قانون صدور چک، «هر کس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید عمل وی در حکم صدور چک بی‌محل خواهد بود و به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۷ محکوم خواهد شد و مجازات تعیین‌شده غیرقابل تعلیق خواهد بود.»

نظام نیمه آزادی در جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی: با توجه به اینکه مجازات جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی جزء جرائم تعزیری قابل گذشت می‌باشد و با توجه به اینکه یکی از شرایط نظام نیمه آزادی در ماده ۵۷ ق.م.ا گذشت شاکی است، بنابراین در جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی که یک جرم قابل گذشت استفاده از نظام نیمه آزادی وجود ندارد.

آزادی مشروط در جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی: با توجه به اینکه مجازات جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی حسب تعزیری کمتر از ۱۰ سال است، لذا اگر مرتکب یک‌سوم مجازات تعیین‌شده در دادنامه را تحمل کرده باشد و در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد و حالات و رفتار مرتکب جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی در زندان نشان دهد که پس از آزادی دیگر مرتکب جرم نمی‌شود و به تشخیص دادگاه محکوم به جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی تا آنجا که استطاعت دارد، ضرر و زیان را که مورد حکم و موافقت مدعی خصوصی است بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد همچنین در صورتی که قبلاً از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد قاضی دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند حکم آزادی مشروط مرتکب جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی را صادر نماید.

مجازات جایگزین حبس در جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی

- کمتر از ۱۰ میلیون ریال باشد به حبس تا حداکثر ۳ ماه (که لزوماً به مجازات جایگزین حبس تبدیل می‌شود)
- از ۱۰ میلیون ریال تا ۵۰ میلیون ریال باشد از ۳ ماه تا ۶ سال حبس (که لزوماً به مجازات جایگزین حبس تبدیل می‌شود، مگر آنکه مرتکب دارای سابقه محکومیت‌های قطعی مقرر در ماده ۶۶ ق.م.ا باشد)
- از ۵۰ میلیون ریال بیشتر باشد به حبس از ۶ ماه تا ۱ سال (صدور مجازات جایگزین حبس در این مورد، با توجه به قابل گذشت بودن جرم، امکان‌پذیر نیست)

✓ همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در اکثر موارد مجازات جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی به جایگزین حبس تبدیل می‌شود، هر چند حسب مقرر در ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۳ کماکان به قوت خود باقی است: «اگر استیفای محکوم‌به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد محکوم‌علیه به تقاضای محکوم‌له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم‌له حبس می‌شود. چنانچه محکوم‌علیه تا سی روز پس از ابلاغ اجرائیه، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خویش را

اقامه کرده باشد حبس نمی‌شود، مگر اینکه دعوای اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود.»

اعمال جهات سقوط اجرای مجازات در جرم صدور چک پرداخت‌نشده

گذشت در جرم صدور چک پرداخت‌نشده

جرم صدور چک پرداخت‌نشده با استناد به مواد ۱۱ و ۱۲ قانون صدور چک در زمره جرائم قابل گذشت به شمار می‌رود.

مرور زمان در جرم صدور چک پرداخت‌نشده

مرور زمان شکایت: مرور زمان شکایت در خصوص جرم صدور چک پرداخت‌نشده راه دارد و دارنده چک باید ظرف ۶ ماه از تاریخ صدور

گواهی عدم پرداخت برای شکایت به مرجع قضایی مراجعه نماید (ماده ۱۱ قانون صدور چک)

مرور زمان تعقیب: با توجه به اینکه مرور زمان تعقیب در جرائم تعزیری غیرمنصوص شرعی راه دارد و چون جرم صدور چک پرداخت‌نشده

جزء جرائم تعزیری غیرمنصوص شرعی است، لذا مرور زمان تعقیب در خصوص در این جرم راه دارد و مدت آن در صورتی که مبلغ مندرج در متن

چک:

• کمتر از ۱۰ میلیون ریال باشد، ۳ سال است.

• از ۱۰ میلیون ریال تا ۵۰ میلیون ریال باشد، ۵ سال است.

• از ۵۰ میلیون ریال بیشتر باشد، ۷ سال است

✓ مگر این که مبلغ مندرج در متن چک بیش از ۱ میلیارد ریال باشد که به استناد بند «ب» ماده ۱۰۹ ق.م.ا مشمول مرور زمان نمی‌شود.

مرور زمان صدور حکم: با توجه به اینکه مرور زمان صدور حکم در جرائم تعزیری غیرمنصوص شرعی راه دارد و چون جرم صدور چک

پرداخت‌نشده جزء جرائم تعزیری غیرمنصوص شرعی است، لذا مرور زمان صدور حکم در خصوص در این جرم راه دارد و مدت آن در صورتی

که مبلغ مندرج در متن چک:

• کمتر از ۱۰ میلیون ریال باشد، ۳ سال است.

• از ۱۰ میلیون ریال تا ۵۰ میلیون ریال باشد، ۵ سال است.

• از ۵۰ میلیون ریال بیشتر باشد، ۷ سال است

✓ مگر این که مبلغ مندرج در متن چک بیش از ۱ میلیارد ریال باشد که به استناد بند «ب» ماده ۱۰۹ ق.م.ا مشمول مرور زمان نمی‌شود.

مرور زمان اجرای مجازات: با توجه به اینکه مرور زمان صدور حکم در جرائم تعزیری اعم از قابل گذشت و غیرقابل گذشت و اعم از منصوص

شرعی و غیرمنصوص شرعی راه دارد و چون جرم صدور چک پرداخت‌نشده جزء جرائم تعزیری غیرمنصوص شرعی قابل گذشت است، لذا مرور

زمان صدور حکم در خصوص در این جرم راه دارد و مدت آن در صورتی که مبلغ مندرج در متن چک:

• تا ۵۰ میلیون ریال باشد، ۵ سال است.

• اگر بیش ۵۰ میلیون ریال بیشتر باشد، ۷ سال است.

✓ مگر این که مبلغ مندرج در متن چک بیش از ۱ میلیارد ریال باشد که به استناد بند «ب» ماده ۱۰۹ ق.م.ا مشمول مرور زمان نمی‌شود.

تأثیر توبه بر مجازات مرتکب جرم صدور چک پرداخت‌نشده: در خصوص مرتکب جرم صدور چک پرداخت‌نشده اگر ثابت شود که

مرتکب توبه کرده است با توجه به اینکه جرم صدور چک پرداخت‌نشده حسب مورد جزء جرائم تعزیری درجه ۶ یا ۷ یا ۸ می‌باشد، لذا شامل حکم

ماده ۱۱۵ ق.م.ا خواهد بود. یعنی اثر توبه در جرم صدور چک پرداخت‌نشده سقوط مجازات خواهد بود.

در جرم صدور چک پرداخت‌نشده

✓ پرداخت وجه چک قبل از شکایت کیفری، موجب عدم امکان تعقیب کیفری صادرکننده است.

✓ گذشت شاکی خصوصی قبل از صدور حکم قطعی، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.

✓ پرداخت وجه چک و خسارات قبل از صدور حکم قطعی، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.

✓ گذشت شاکی خصوصی بعد از صدور حکم قطعی، اجرای حکم متوقف می‌شود.

✓ پرداخت وجه چک و خسارات بعد از صدور حکم قطعی، اجرای حکم متوقف می‌شود.

جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی	
صدور چک به نحو غیرقابل پرداخت و تسلیم آن به دیگری یا غیرقابل پرداخت کردن چک صادره به نحوی که بانک به یکی از علل قانونی از پرداخت وجه چک خودداری نماید.	
صدور چک پرداخت‌نشدنی جرمی، ساده، آنی و مقید است	
عنصر قانونی	مواد ۳، ۷، ۱۰ و ۱۳ قانون صدور چک
عنصر مادی	۱. دارا نبودن وجه در حساب ۲. خارج کردن وجه از حساب ۳. صدور دستور عدم پرداخت ۴. صدور چک به نحو غیرقابل پرداخت (عدم مطابقت امضای روی چک با امضای موجود در بانک یا قلم‌خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات چک) ۵. صدور چک از حساب مسدود
نتیجه حاصله جرم	عدم پرداخت وجه توسط بانک و صدور گواهی عدم پرداخت.
عنصر روانی	جرم صدور چک پرداخت‌نشدنی «جرم مادی صرف» است و چون جرم مادی صرف است نیازی به اثبات عنصر روانی متهم نیست.

یه نکته بسیار مهم: ده‌ها جزوه سبک و روان حقوقی که به طور شگفت‌انگیزی شیوا و گیرا و رسا توضیح دادم و قول می‌دم که اگر فقط یکی از اوونها رو از سایت www.mollakarimi.ir مطالعه کنید به جزواتم اعتیاد پیدا می‌کنید! در ضمن کلیه جزوات رو به طور رایگان در اختیارتون می‌گذاریم و بهتون اطمینان می‌دیم که نیاز به خواندن منابع متعدد نخواهید داشت.

جرم تخریب کیفی

تعریف جرم تخریب

تعریف جرم تخریب از نظر دکتر ملاکریمی عبارت است از: «اتلاف یا ایراد خسارت عمدی به مال دیگری می‌باشد.»

عناصر تشکیل‌دهنده جرم تخریب

عنصر قانونی جرم تخریب: عنصر قانونی جرم تخریب در حقوق ایران ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ می‌باشد.

ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس عمداً اشیاء منقول و یا غیرمنقول متعلق به دیگری را تخریب نماید یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد، به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد»

عنصر مادی جرم تخریب

رفتار مجرمانه جرم تخریب: رفتار مجرمانه جرم تخریب اتلاف یا ایراد خسارت یا نابود کردن به هر نحو ممکن می‌باشد.

✓ منظور از اتلاف از بین بردن کل مال و منظور از ایراد خسارت، آسیب جزئی به مال است. برای مثال آتش زدن یک دستگاه خودرو از مصادیق اتلاف یا نابود کردن و خط انداختن بر روی خودرو از مصادیق ایراد خسارت است.

✓ ورود خسارت امری عرفی است که ممکن است از مالی به مال دیگر متفاوت باشد، برای مثال خط انداختن بر روی سنگ یک مجسمه گران‌بها از مصادیق تخریب است، اما خط کشیدن بر روی آجری که قرار است به عنوان مصالح ساختمانی مورد استفاده قرار گیرد، تخریب محسوب نمی‌شود.

- ✓ رفتار مجرمانه در جرم تخریب لزوماً با فعل محقق نمی‌شود و با رعایت سایر شرایط قانونی از طریق ترک فعل نیز امکان‌پذیر است. مثل این که سوزنبنایی عمداً مانع را فرود نیاورد تا اتمبیلی بر اثر تصادف با قطار در حال عبوری خسارت ببیند، یا مسؤول برق کارخانه‌ای با عدم قطع به موقع برق، از روی عمد، باعث بروز آتش‌سوزی در آن کارخانه شود، و یا باغبانی عمداً با آب ندادن به گل باعث خشک شدن آن گردد
- ✓ همچنین تخریب لزوماً با مباشرت محقق نشده و از طریق تسبیب نیز امکان‌پذیر است، مانند کسی که گلدانی با گل‌های گران‌قیمت را عمداً در مقابل گوسفند بگذارد و گوسفند گل‌ها را همانند علوفه بخورد.
- ✓ در مواردی که در اثر رفتار شخص به اصل مال لطمه‌ای وارد نشود، بحث تخریب منتفی است ولو آنکه موجب مشقت و دردسر برای صاحب‌مال شود برای مثال کثیف کردن لباس به نحوی که با شستن کاملاً تمیز شود را نمی‌توان تخریب دانست یا زدن قفل و زنجیر به وسیله نقلیه دیگری هر چند موجب ایجاد زحمت برای مالک آن شود. اما به جهت عدم آسیب به اصل مال تخریب محسوب نمی‌شود.
- ✓ در تخریب همانند سایر جرائم مقید باید میان رفتار شخص و نتیجه حاصله رابطه سببیت وجود داشته باشد؛ بنابراین در فرضی که شخصی برای نابودی خودروی دیگری داخل آن مواد محترقه گذاشته باشد، اما به دلیل ریزش سقف پارکینگ کل خودرو نابود شود، بحث تخریب منتفی است.

شرایط و اوضاع و احوال برای تحقق جرم تخریب: از میان همه شرایطی که وجود آنها برای تحقق جرم تخریب ضروری است، ۳ شرط مهم وجود دارد که عبارتند از:

۱. موضوع جرم باید مال باشد.
 ۲. مال باید متعلق به دیگری باشد.
۱. **موضوع جرم باید مال باشد:** موضوع جرم تخریب، از بین بردن یا ایراد خسارت به مال دیگری اعم از منقول یا غیرمنقول، اسناد، مدارک، حیوان، محصول زراعی و ... است که مجازات مرتکب نیز ممکن است بر حسب مال تخریب شده متفاوت باشد، بنابراین چیزهایی نظیر مشروبات الکلی، حیوانات حرام‌گوشت (غیر حفاظت‌شده) و سایر اشیا و اقلامی که در شرع فاقد مالیت هستند، موضوع این جرم قرار نمی‌گیرند، البته این حکم شامل اقلامی که از نظر قانونی (نه شرعی) نگهداری یا معامله آنها ممنوع است (مانند سلاح و مهمات) نمی‌شود، همچنین اموالی که در عرف مورد داد و ستد قرار نمی‌گیرند، اما دارای ارزش هستند (مانند عکس‌های خانوادگی) مشمول این جرم خواهند بود.
- ✓ ایراد جنایت نسبت به جنین یا انسان یا میت را نمی‌توان تخریب دانست و در صورت ورود آسیب به این موارد دیه یا اُرش تعیین شده است، البته این حکم شامل اعضای مصنوعی یا دندان مصنوعی نمی‌شود و این موارد مشمول تخریب خواهند بود.
 - ✓ اخلال در داده‌های رایانه‌ای یا غیرقابل پردازش کردن آن را نمی‌توان مشمول جرم تخریب دانست و دارای عنوان مجرمانه خاص تخریب رایانه‌ای است، برای مثال در فرضی که شخصی به سراغ رایانه دیگری رفته و پایان‌نامه او را حذف کند مرتکب تخریب رایانه‌ای شده است، در حالی که اگر همان پایان‌نامه چاپ شده باشد و شخص آن را بسوزاند یا پاره کند، مرتکب جرم تخریب غیر رایانه‌ای شده است.
 - ✓ اگر شخصی با دست‌کاری در سامانه رایانه‌ای و رفتارهایی مانند رمزنگاری یا تغییر رمز رایانه دیگری، مانع دسترسی به داده‌های رایانه‌ای اش شود، مرتکب تخریب رایانه‌ای شده است، در حالی که اگر به خود سامانه رایانه‌ای یا کامپیوتر خسارت وارد کند (مثلاً صفحه آن را بشکند) مرتکب تخریب غیر رایانه‌ای شده است؛ به عبارت دیگر برخلاف تخریب غیر رایانه‌ای که موضوع آن مال است، موضوع تخریب رایانه‌ای داده‌های رایانه‌ای می‌باشد.
 - ✓ همچنین اموال غیرعینی و غیرملموس مشمول عنوان تخریب قرار نمی‌گیرند، مثل اینکه کسی به طلب یا حق اختراع یا اسرار تجاری دیگری صدمه‌ای وارد کرده باشد، آنچه که در مورد عینی بودن مال مورد تخریب گفتیم به معنی آن نیست که خسارت وارده به آن نیز لزوماً باید ملموس و قابل مشاهده باشد؛ بنابراین به نظر می‌رسد در صورتی که کسی، یک فیلم عروسی را از روی یک نوار ویدیویی پاک کند می‌توان به تخریب کیفری محکوم کرد، هرچند که در ظاهر به نوار ویدیویی خسارت فیزیکی قابل مشاهده‌ای وارد نشده است.
۲. **مال باید متعلق به دیگری باشد:** تخریب نسبت به مالی امکان‌پذیر است که متعلق به دیگری اعم از شخص خصوصی یا نهادهای دولتی یا عمومی باشد؛ بنابراین در مواردی که شخص مال متعلق به خودش را از بین برده یا به آن لطمه وارد نماید، بحث تخریب منتفی است.

✓ در صورتی که موجر مال مورد اجاره را از بین ببرد یا راهن، عین مرهونه را عین مرهونه را از بین ببرد، بحث تخریب منتفی است، هرچند ضمان مدنی موجر در برابر مستأجر یا راهن در مقابل مرتبه به قوت خود باقی است، البته این حکم شامل عقد قرض نمی‌شود؛ زیرا در عقد قرض مال مورد قرض به مالکیت مقترض درمی‌آید و چنانچه مقترض (قرض دهنده) اقدام به تخریب مال مورد قرض نماید، رفتار او مشمول عنوان تخریب کیفری است.

✓ در مواردی که امین اقدام به تخریب مال امانی نماید، رفتار او مشمول تعدد یعنی خیانت در امانت و تخریب است و با استناد به ماده ۱۳۱ ق.م.ا به مجازات جرم شدیدتر محکوم می‌شود.

✓ مشاعی بودن مال مانع تحقق جرم تخریب از سوی شرکای مال مشاعی نمی‌باشد، رأی وحدت رویه شماره ۱۰ مصوب ۱۳۵۵/۷/۲۱ مؤید این امر است: «به طوری که از اطلاق و عموم ماده ۲۶۲ قانون کیفر عمومی مستفاد می‌گردد ارتکاب اعمال مذکور در آن ماده در صورتی که مقرون به قصد اضرار و یا جلب منافع غیرمجاز با سوءنیت باشد قابل تعقیب و مجازات است هرچند مالکیت اموال موضوع جرم مشمول ماده فوق به طور اشتراک و اشاعه باشد»

✓ در موارد استثنایی قانونگذار به دلیل اهمیت مال، حتی تخریب آن از سوی مالک را نیز امکان‌پذیر دانسته است، که البته این موارد مستلزم تصریح قانونی است.

نتیجه حاصله جرم تخریب: جرم تخریب جزء جرائم مقید و آنی است و نتیجه در این جرم ورود ضرر به مالک می‌باشد؛ بنابراین باید بین رفتار مجرمانه و نتیجه حاصله رابطه علیت وجود داشته باشد؛ یعنی ورود خسارت باید ناشی از فعل یا ترک فعل مرتکب باشد، اعم از اینکه به طور مستقیم باشد مثل شکستن شیشه اتومبیل یا غیرمستقیم باشد مثل قطع آب که موجب خشک شدن درختان باغ شود.

عنصر روانی جرم تخریب

علم به موضوع: مرتکب جرم تخریب باید موضوع جرم، که تعلق مال به دیگری است علم داشته باشد.

سوءنیت عام: سوءنیت عام عبارت است از قصد ارتکاب رفتار مجرمانه می‌باشد در تمام جرائم عمدی، سوءنیت عام از اجزای اصلی رکن روانی است، در جرم تخریب نیز مرتکب باید در انجام عمل ارتكابی عامد باشد؛ یعنی مرتکب باید قصد و عمد در اتلاف یا ایراد خسارت نسبت به مال دیگری داشته باشد.

سوءنیت خاص: سوءنیت خاص عبارت است از قصد تحقق نتیجه که در جرائم عمدی مقید باید وجود داشته باشد، در جرم تخریب نیز که یک جرم مقید به نتیجه است، سوءنیت خاص باید وجود داشته باشد. سوءنیت خاص در جرم تخریب قصد نتیجه که ضرر رساندن به مالک است.

مجازات جرم تخریب (ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات)

• در صورتی که میزان خسارت وارده یک صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا کمتر باشد: در این فرض مجازات حبس جرم فوق به استناد بند «ت» ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ نسخ شده و تبدیل به جزای نقدی شده است به موجب ماده بند مذکور: «مجازات حبس موضوع ماده (۶۷۷) قانون، در صورتی که میزان خسارت وارده یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا کمتر باشد به جزای نقدی تا دو برابر معادل خسارت وارده (می‌باشد)» (درجه ۷)

• در صورتی که میزان خسارت وارده بیشتر از یک صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد: جرم فوق به استناد ماده ۱۰۴ ق.م.ا قابل گذشت محسوب شده و مطابق تبصره الحاقی به این ماده «حداقل و حداکثر مجازات‌های حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد.» بنابراین مجازات جرم فوق در حال حاضر ۳ ماه تا ۱ سال و ۶ ماه حبس (درجه ۶) است.

✓ در صورتی که جرم فوق با استفاده از مواد منفجره واقع شده باشد مجازات مرتکب ۲ تا ۵ سال حبس است. (ماده ۶۷۸ ق.م.ا تعزیرات)

جرم تخریب کیفری	
اتلاف یا ایراد خسارت عمدی به مال دیگری می‌باشد	
تخریب جرمی، ساده، آنی و مقید است	
عنصر قانونی	ماده ۶۷۷ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی «قانون تعزیرات» مصوب ۱۳۷۵
عنصر مادی	رفتار مجرمانه
	شرایط و اوضاع و احوال
	نتیجه حاصله جرم
عنصر روانی	علم به موضوع
	سوء نیت عام
	سوء نیت خاص
مجازات	در صورتی که میزان خسارت وارده یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا کمتر باشد
	در صورتی که میزان خسارت وارده بیشتر از یک صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد
	جزای نقدی تا دو برابر معادل خسارت وارده
	۳ ماه تا ۱ سال و ۶ ماه حبس

مصادیق تخریب در قانون مجازات اسلامی

۱- احراق (آتش زدن) اموال موضوع ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات

ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس عمداً عمارت یا بنا یا کشتی یا هواپیما یا کارخانه یا انبار و به طور کلی هر محل مسکونی یا معد^۲ برای سکنی یا جنگل یا خرمن یا هر نوع محصول زراعی یا اشجار یا مزارع یا باغ‌های متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از ۲ تا ۵ سال محکوم می‌شود.

تبصره ۱- اعمال فوق در این فصل در صورتی که به قصد مقابله با حکومت اسلامی باشد مجازات محارب را خواهد داشت.

تبصره ۲- مجازات شروع به جرائم فوق شش ماه تا دو سال حبس می‌باشد.»

✓ مصادیق مندرج در ماده فوق حصری هستند و بنابراین آتش زدن وسایل نقلیه اعم از عمومی یا خصوصی مشمول این ماده نیست، اما در مورد کشتی و هواپیما تفاوتی میان عمومی و خصوصی نیست و آتش زدن آن در هر صورت مشمول ماده فوق است.

✓ ماده فوق ناظر بر ۳ نوع مال است:

۱. عمارت و اماکن مسکونی، یا کارخانه و انبار

۲. کشتی و هواپیما

۳. محصولات زراعی، خرمن، اشجار؛ مزارع، جنگل

✓ منظور از محصولات زراعی اعم از این است که محصولات مذکور هنوز چیده نشده و روی زمین باشد یا این که چیده و درو شده باشد و در گوشه‌ای انبار شده باشد.

✓ در صورتی که شخص هواپیما، کشتی، مسکن و ... را که متعلق به خودش است، آتش بزند رفتار او ولو به قصد مقابله با حکومت اسلامی مشمول این ماده نخواهد بود؛ زیرا همان گونه که بیان شد تخریب نسبت به مال دیگری اعم از اشخاص خصوصی یا نهادهای دولتی یا عمومی امکان‌پذیر است.

✓ رفتار مرتکب در ماده فوق به شکل احراق و آتش زدن نمایان می‌شود و در صورتی که شخص از طریق راه‌های دیگر اقدام به تخریب موارد

- ✓ مذکور نماید، ولو آنکه به قصد مقابله با حکومت اسلامی باشد، به مجازات مقرر در ماده ۶۷۷ ق.م.ا بخش تعزیرات محکوم خواهد شد.
- ✓ مقصود از «قصد مقابله با حکومت اسلامی» مقابله با اساس نظام است و چنانچه اقدامات فوق صرفاً به قصد بر هم زدن امنیت کشور صورت گرفته باشد، مرتکب را نمی‌توان به مجازات محارب محکوم کرد.
- ✓ تبصره ۲ ماده فوق به موجب ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ منسوخ شده است و برای تعیین مجازات شروع به جرم در این موارد باید به حکم عام مقرر در ماده ۱۲۲ ق.م.ا مراجعه کرد.
- ✓ مطابق تبصره ۱ ماده ۱۳ قانون شکار و صید اصلاحی ۱۳۷۵: «در صورت ایجاد آتش سوزی عمدی در پارک‌های ملی و آثار طبیعی ملی، مرتکب به مجازات‌های مقرر در ماده (۶۷۵) قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد»

۲- احراق (آتش زدن) اموال منقول

- ماده ۶۷۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر کس سایر اشیاء منقول متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد.»
- ✓ ماده فوق فقط راجع به احراق (آتش زدن) اموال منقول است. البته در رابطه با آن دسته از اموال منقولی که در ماده ۶۷۶ به آنها اشاره شده است (مانند کشتی، هواپیما، محصول درو شده و ...) باید به همان ماده مراجعه کرد و همان گونه که در ماده فوق آمده است، این حکم ناظر بر «سایر اشیاء منقول» می‌باشد که در ماده قبل به آنها اشاره نشده است.
 - ✓ احراق (آتش زدن) اموال غیرمنقول حکمی مانند تراکتور، داس، بذر و ... مشمول ماده فوق است؛ زیرا این اموال ماهیتاً منقول هستند و مطابق ماده ۱۷ قانون مدنی فقط از دو جنبه صلاحیت محاکم و توقیف اموال در حکم غیرمنقول تلقی می‌شوند.
 - ✓ برای تحقق احراق صرف آتش زدن مال کفایت می‌کند و با توجه به مقید بودن بزه تخریب، تا مادامی که در نتیجه آتش زدن مال، آسیبی به آن وارد نشده باشد (مانند گاو صندوق‌های نسوز) رفتار شخص را نمی‌توان تخریب دانست.
 - ✓ جرم فوق به استناد ماده ۱۰۴ ق.م.ا قابل گذشت محسوب شده و مطابق تبصره الحاقی به این ماده «حداقل و حداکثر مجازات‌های حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد.» بنابراین مجازات جرم فوق در حال حاضر ۳ ماه تا ۱ سال و ۶ ماه حبس (درجه ۶) است.
 - ✓ با توجه به مطلب فوق متوجه می‌شویم که شروع به جرم در ماده فوق قابل مجازات نیست؛ زیرا بر اساس ماده ۱۲۲ ق.م.ا فقط جرائم با مجازات حبس درجه ۱ تا ۵ شروع به جرم آنها قابل مجازات است.
 - ✓ در صورتی که جرم فوق با استفاده از مواد منفجره واقع شده باشد مجازات مرتکب ۲ تا ۵ سال حبس است. (ماده ۶۷۸ ق.م.ا تعزیرات)
 - ✓ استفاده از واژه «اشیا» به جای اموال در ماده فوق بیانگر آن است که جرم تخریب نسبت به چیزهایی که برای افراد ارزش شخصی دارند، نیز امکان‌پذیر است، هرچند از دیدگاه عرفی ارزش چندانی نداشته باشد.
 - ✓ در مورد احراق (آتش زدن) اسناد، اوراق و قباله‌ها اعم از دولتی و غیردولتی باید به مواد ۶۸۱ و ۶۸۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مراجعه نمود.

۳- تلف یا مسموم یا ناقص نمودن حیوان حلال گوشت یا ممنوع الشکار

- ماده ۶۷۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر کس به عمد و بدون ضرورت حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری یا حیواناتی که شکار آنها توسط دولت ممنوع اعلام شده است را بکشد یا مسموم یا تلف یا ناقص کند به حبس از ۹۱ روز تا ۶ ماه یا جزای نقدی از پانزده میلیون (۱۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست و پنج میلیون (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد.»
- ✓ جرم فوق به استناد ماده ۱۰۴ ق.م.ا قابل گذشت محسوب شده و مطابق تبصره الحاقی به این ماده «حداقل و حداکثر مجازات‌های حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد.» بنابراین حداکثر مجازات جرم فوق در حال حاضر تا ۳ ماه حبس خواهد بود.

۴- شکار و صید بدون مجوز حیوانات حفاظت شده

- ماده ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر کس بر خلاف مقررات و بدون مجوز قانونی اقدام به شکار یا صید حیوانات و جانوران وحشی حفاظت شده نماید به حبس از ۳ ماه تا ۳ سال و یا جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد.»
- ✓ منظور از شکار، گرفتن حیوان به طریقی مثل تیر انداختن به سوی حیوان می‌باشد.
 - ✓ منظور از صید، گرفتن حیوان با استفاده از وسایلی مثل دام یا تور ماهیگیری و مانند آنها است.
 - ✓ هر دو رفتار شکار و صید با فعل مثبت ارتکاب می‌یابند و تفاوتی نمی‌کند که حیوان زنده گرفته شود یا کشته شود.
 - ✓ منظور از حیوانات وحشی حفاظت شده، آن دسته از حیوانات و جانورانی (اعم از پستانداران، پرندگان، خزندگان و آبزیان) هستند که از سوی شورای عالی شکاربانی و نظارت بر صید تعیین گردیده است، اعم از آنکه حیوانات مذکور حلال گوشت یا حرام گوشت باشد.
 - ✓ جرم فوق، غیرقابل گذشت می‌باشد.

۵- احراق و اتلاف اسناد دولتی

- ماده ۶۸۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر کس عالماً دفاتر و قباله‌ها و سایر اسناد دولتی را بسوزاند یا به هر نحو دیگری تلف کند به حبس از ۲ تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد.»
- ✓ ماده فوق ناظر بر اسناد متعلق به دولت است (مانند یک ساختمان متعلق به دولت) اما ماده ۵۴۴ ق.م.ا تعزیرات درباره اسناد حفاظت شده در امکان دولتی است (موضوع ماده ۵۴۴ ق.م.ا تعزیرات، اسناد متعلق به دولت نیست)؛ همچنین ماده ۶۰۴ ق.م.ا تعزیرات هم ناظر بر کلیه اوراق و اسنادی (حتی یک سند عادی) است که بر حسب وظیفه به مأموران دولت سپرده شده است.
 - ✓ صرف پاره کردن و دو نیم کردن سند را همیشه نمی‌توان به منزله تلف کردن آن دانست، بلکه باید از بین بردن بر آن صدق کند.
 - ✓ علت تشدید مجازات جرم فوق، به دلیل تعلق اسناد به دولت است.
 - ✓ به نظر می‌رسد که منظور از اسناد یا دفاتر دولتی اسنادی است که متعلق به دولت است، نه اینکه صرفاً از سوی دولت صادر شده باشد، برای مثال از بین بردن سند رسمی یک خانه شخصی، مشمول ماده فوق نیست؛ زیرا صرفاً از سوی دولت صادر شده است، اما اتلاف سند رسمی یک ساختمان دولتی مشمول ماده فوق است.
 - ✓ اتلاف اوراق بهادار، وجه نقد، حواله‌ها و سایر اسناد مالی که بر حسب وظیفه به مأموران دولتی یا عمومی سپرده شده است، اختلاس محسوب می‌شود و مشمول ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ می‌باشد.
 - ✓ در مواردی که صدق اتلاف بر رفتار فرد منطبق نباشد، برای مثال معادل سند نزد اداره دولتی موجود باشد، بحث جرم فوق منتفی است.
 - ✓ جرم فوق، غیرقابل گذشت می‌باشد.

۶- احراق و اتلاف اسناد غیردولتی

- ماده ۶۸۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر کس عالماً هر نوع اسناد یا اوراق تجارتي و غیر تجارتي غیردولتی را که اتلاف آنها موجب ضرر غیر است بسوزاند یا به هر نحو دیگر کشف کند به حبس از ۳ ماه تا ۲ سال محکوم خواهد شد.»
- ✓ حکم ماده فوق در مورد اتلاف اسناد دولتی متعلق به اشخاص خصوصی است، اعم از آنکه از سوی دولت صادر شده باشد یا سایر مراجع.
 - ✓ با توجه به عبارت «موجب ضرر غیر» در ماده فوق، جرم احراق و اتلاف اسناد غیردولتی جرمی مقید است و احراق و اتلاف اسناد غیردولتی باید موجب ضرر غیر شود.
 - ✓ در صورتی که شخصی سند متعلق به خود را به هر نحو از بین ببرد (مثلاً سند اتومبیل خود را بسوزاند) مشمول جرم فوق نیست.
 - ✓ جرم فوق به استناد ماده ۱۰۴ ق.م.ا قابل گذشت محسوب شده و مطابق تبصره الحاقی به این ماده «حداقل و حداکثر مجازات‌های حبس

تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد.» بنابراین حداکثر مجازات جرم فوق در حال حاضر تا ۱ سال حبس خواهد بود.

۷- نهب و غارت و اتلاف اموال به نحو قهر و غلبه

- ماده ۶۸۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر نوع نهب و غارت و اتلاف اموال و اجناس و امتعه یا محصولات که از طرف جماعتی بیش از سه نفر به نحو قهر و غلبه واقع شود چنانچه محارب شناخته نشوند به حبس از ۲ تا ۵ سال محکوم خواهند شد.»
- ✓ نهب به معنای غارت و چپاول و عنصر مادی جرم فوق نیز تاراج و اتلاف اموال از طرف جماعتی بیش از غارت و چپاول و عنصر مادی جرم فوق نیز تاراج و اتلاف اموال از طرف جماعتی بیش از ۳ نفر است.
 - ✓ برای تحقق این جرم تعدد بزه‌دید لازم نیست، ولی تعدد مال شرط است، برای مثال از بین بردن اموال و اجناس متعلق به یک نفر را می‌توان مشمول جرم فوق دانست، اما اتلاف یک مال مشخص که متعلق به چند نفر است، تحت شمول این ماده قرار نمی‌گیرد.
 - ✓ استفاده قانونگذار از اصطلاح «قهر و غلبه» اشاره به توسل مرتکبین به خشونت و عنف دارد؛ بنابراین هر گاه چهار نفر یا بیشتر به طور پنهانی و شبانه یا با توسل به حیله و نیرنگ به غارت و سرقت اموال بپردازند، مشمول حکم سرقت دسته‌جمعی موضوع مواد ۶۵۱، ۶۵۴ و ۶۵۶ ق.م.ا تعزیرات یا مقررات قانونی دیگر شده و از شمول ماده ۶۸۳ ق.م.ا تعزیرات خارج خواهد بود.
 - ✓ برای تحقق رفتار مجرمانه جرم فوق باید ۴ نفر در ارتکاب جرم مباشرت داشته باشند و بنابراین چنانچه ۲ نفر به عنوان مباشر و ۲ نفر به عنوان معاون مرتکب جرم شوند، مشمول جرم و ماده فوق نمی‌باشند.
 - ✓ علت تشدید جرم فوق نهب (تخریب) همراه با غارت (سرقت) می‌باشد.
 - ✓ تعیین مجازات مقرر در ماده فوق منوط به آن است که رفتار مرتکب مشمول جرم سرقت دسته‌جمعی موضوع مواد ۶۵۱، ۶۵۴ و ۶۵۶ ق.م.ا تعزیرات و جرم محاربه موضوع ماده ۲۷۹ ق.م.ا نباشد؛ بنابراین در فرضی که مرتکبین با انگیزه ترس عمومی دست به سلاح برده و موجب ترس سایرین شوند، به مجازات محاربه محکوم می‌شوند.

۸- چراندن و قطع و درو نمودن محصول غیر

- ماده ۶۸۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر کس محصول دیگری را بچراند یا تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان کسی را خراب کند یا محصول دیگری را قطع و درو نماید یا به واسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن است یا با اقدامات و وسایل دیگر خشک کند یا باعث تضییع آن بشود یا آسیاب دیگری را از استفاده بیاندازد به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود»
- ✓ جرم فوق در مورد تضییع یا از بین بردن محصولات زراعی از طریق رفتارهایی مانند چراندن، خراب کردن، قطع کردن، درو کردن محصولات غیر یا سرقت یا قطع آب است؛ اما در حالتی که مرتکب اقدام به آتش زدن محصولات زراعی دیگری نماید، به مجازات مقرر در ماده ۶۷۵ ق.م.ا تعزیرات محکوم خواهد شد.
 - ✓ منظور از چراندن محصول آن است که شخص گاو، گوسفند و دیگر حیوانات خود را در زمین متعلق به دیگری بچراند.
 - ✓ در صورتی که مرتکب اقدام به سرقت آب نماید و از این طریق موجب از بین رفتن محصولات دیگری شود، بر اساس مقررات مربوط به تعدد مادّی (سرقت آب و تخریب محصولات زراعی) برای وی مجازات تعیین می‌گردد.
 - ✓ مطابق بند «ث» ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، مجازات جرم فوق از حبس درجه ۵ و شلاق فقط به حبس درجه ۶ تبدیل شده است.

۹- اتلاف و قطع اصله نخل

- ماده ۶۸۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر کس اصله نخل خرما را به هر ترتیب یا هر وسیله بدون مجوز قانونی از بین ببرد یا قطع نماید به ۳ تا ۶ ماه حبس یا به پانزده میلیون (۱۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست و پنج میلیون (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی یا هر دو

مجازات محکوم خواهد شد.»

- ✓ قطع اصله نخل از سوی صاحب آن مشمول جرم فوق نیست.
- ✓ ظاهراً در مورد تخریب نخل مُثْمِر و دارای محصول و همچنین نخلستان باید به ماده ۶۸۴ ق.م.ا تعزیرات و در مورد اصله نخل که هنوز ثمری ندارد، باید به ماده ۶۸۵ ق.م.ا تعزیرات استناد نمود.
- ✓ جرم فوق به استناد ماده ۱۰۴ ق.م.ا قابل گذشت محسوب شده و مطابق تبصره الحاقی به این ماده «حداقل و حداکثر مجازات‌های حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد.» بنابراین حداکثر مجازات جرم فوق در حال حاضر تا ۳ ماه حبس خواهد بود.

۱۰- قطع و تخریب درختان موضوع قانون گسترش فضای سبز

- ماده ۶۸۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر کس درختان موضوع ماده یک قانون گسترش فضای سبز را عالماً عامداً و بر خلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آنها را فراهم آورد علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به حبس تعزیری از ۶ ماه تا ۳ سال و یا جزای نقدی از سه میلیون (۳/۰۰۰/۰۰۰) تا هیجده میلیون (۱۸/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد.»
- ✓ ماده فوق به موجب ماده ۴ قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها اصلاحی مصوب ۱۳۸۸/۴/۲۰ نسخ شده است، ماده مذکور چنین بیان داشته است: «هر کس درختان موضوع ماده (۱) قانون گسترش فضای سبز را عالماً و عامداً و بر خلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آنها را فراهم آورد، علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال برای قطع هر درخت و در صورتی که قطع درخت بیش از سی اصله باشد به حبس تعزیری از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد.»
 - ✓ جرم موضوع این ماده، حتی از سوی مالک درخت قابل ارتکاب است؛ زیرا هدف از وضع آن حمایت از مالکیت افراد نیست، بلکه حفاظت از درختان موضوع قانون گسترش فضای سبز است.
 - ✓ صرف قطع شاخ و برگ درختان را نمی‌توان به منزله قطع درخت و مشمول ماده فوق و (تخریب درخت) دانست. تخریب درخت اعم از این است که مستقیماً قطع شده یا اینکه به طرّقی مثل ریختن مواد شیمیایی یا نفتی در پای درخت موجب از بین رفتن آن فراهم شود.
 - ✓ همچنین بعید نیست مرتکب ترک فعل عمدی (مثلاً آب ندادن به درختان باغ از سوی مالک) را هم بتوان به معنی فراهم آوردن موجبات از بین رفتن درختان و در نتیجه مشمول ماده فوق دانست.
 - ✓ مثمّر یا غیرمثمّر بودن درخت تأثیری در اصل جرم ندارد و آنچه اهمیت دارد، جلوگیری از قطع بی‌رویه هر نوع درختی است که در معابر، میادین، بزرگراه‌ها، پارک‌ها، بوستان‌ها باغات در حریم شهرها وجود دارد.
 - ✓ مجازات قطع و تخریب درختان موضوع قانون گسترش فضای سبز
 - * در صورت قطع تا ۳۰ اصله درخت: مجازات آن فقط جزای نقدی است. (جزای نقدی درجه ۸)
 - * در صورت قطع بیش از ۳۰ اصله درخت: مجازات آن حبس تعزیری است. (حبس تعزیری درجه ۵)

۱۱- تخریب و احراق و هر نوع خرابکاری در تأسیسات مورد استفاده عمومی

- ماده ۶۸۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر کس در وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی از قبیل شبکه‌های آب و فاضلاب، برق، نفت، گاز، پست و تلگراف و تلفن و مراکز فرکانس و ماکروویو (مخابرات) و رادیو و تلویزیون و متعلقات مربوط به آنها اعم از سد و کانال و انشعاب لوله‌کشی و نیروگاه‌های برق و خطوط انتقال نیرو و مخابرات (کابل‌های هوایی یا زمینی یا نوری) و دستگاه‌های تولید و توزیع و انتقال آنها که به هزینه یا سرمایه دولت یا با سرمایه مشترک دولت و بخش غیردولتی یا توسط بخش خصوصی برای استفاده عمومی ایجاد شده و همچنین در علائم راهنمایی و رانندگی و سایر علائمی که به منظور حفظ جان اشخاص یا تأمین تأسیسات فوق یا شوارع و جاده‌ها نصب شده است، مرتکب تخریب یا ایجاد حریق یا از کار انداختن یا هر نوع خرابکاری دیگر شود بدون آنکه منظور او اخلال در نظم و امنیت عمومی باشد به

حبس از ۳ تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- در صوتی که اعمال مذکور به منظور اخلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی باشد مجازات محارب را خواهد داشت.
تبصره ۲- مجازات شروع به جرائم فوق یک تا سه سال حبس است.»

✓ موضوع جرم ماده فوق وسایل و تجهیزات مورد استفاده عمومی است اعم از اینکه با هزینه دولتی یا بخش خصوصی و یا با هزینه مشترک دولتی و بخش خصوصی ولی برای استفاده عمومی ایجاد شده باشد؛ بنابراین لازم نیست که حتماً این اموال برای دولت باشد.
✓ مجازات شدید جرم فوق به دلیل اهمیت اشیا و اموالی است که مرتکب آنها را از بین برده یا خراب کرده است، در این ماده برخلاف ماده ۶۷۵ ق.م.ا تعزیرات، شیوه تخریب، فاقد موضوعیت است و اشیای مذکور به هر طریق (خواه احراق یا سایر طرق) از بین رفته باشد، مشمول این ماده خواهد بود.

✓ از عبارت «مورد استفاده عمومی» در ماده فوق، مشخص می‌شود که آنچه در مورد اموال موضوع این ماده مهم است، استفاده عمومی است و تعلق آن به دولت، فاقد اهمیت است، همچنان که نصب یا ایجاد آن از سوی دولت نیز مهم نیست و همین که این اموال مورد استفاده عمومی باشد، کفایت می‌کند ولو آن که متعلق به بخش خصوصی بوده یا از سوی بخش خصوصی ایجاد یا نصب شده باشد؛ بنابراین تخریب کنتور برق یک خانه، به دلیل عدم استفاده عمومی مشمول این ماده نمی‌باشد، حتی اگر از سوی دولت نصب شده باشد.
✓ تحقق جرم فوق منوط به «ایجاد یا نصب» موارد مذکور است و تا زمانی که این شرط محقق نشده باشد، رفتار مرتکب مشمول تخریب عادی است، برای مثال تخریب تابلوی راهنمایی و رانندگی که هنوز نصب نشده است، مشمول این ماده نخواهد بود، از سوی دیگر صرف نصب کفایت می‌کند، ولو آن که هنوز در عمل مورد استفاده قرار نگرفته باشد، مانند کابل‌های برق که نصب شده، اما هنوز در عمل راه‌اندازی نشده باشد.

✓ تخریب آن دسته از علائم راهنمایی و رانندگی مشمول جرم فوق هستند که برای حفظ جان اشخاص ضروری باشد؛ بنابراین تخریب تابلویی که پیچ تند را نشان می‌دهد، مشمول ماده فوق است، در حالی که تخریب تابلویی که مسافت باقی مانده تا مقصد را نشان می‌دهد، مشمول ماده فوق نخواهد بود.

✓ تبصره ۱ ماده فوق نیز همانند تبصره ۱ ماده ۶۷۵ ق.م.ا تعزیرات به یک ضابطه ذهنی برای تعیین مجازات محاربه توجه شده است و در صورتی که مرتکب به قصد مقابله با حکومت اسلامی، دست به این اقدامات زده باشد به مجازات مذکور محکوم خواهد شد.
✓ تبصره ۲ ماده فوق به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ نسخ شده است و اکنون برای تعیین مجازات شروع به جرم باید به حکم عام ماده ۱۲۲ ق.م.ا مراجعه نمود.

۱۲- اقدام علیه بهداشت عمومی

ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زائد، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا ۱ سال محکوم خواهند شد.

تبصره ۱- تشخیص این که اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می‌شود و نیز غیرمجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی و همچنین اعلام جرم مذکور حسب مورد بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود.

تبصره ۲- منظور از آلودگی محیط زیست عبارتست از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را بطوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد.»

✓ نظریه مشورتی شماره ۷/۶۴۵۷ مورخ ۱۳۸۲/۸/۸ اداره حقوقی قوه قضاییه: «ماده ۶۸۸ ق.م.ا (تعزیرات) حصری نمی‌باشد، بلکه جنبه تمثیلی دارد که با توجه به تبصره ۱ ماده مذکور تشخیص آن به عهده مرجع مذکور در تبصره است»

۱۳- تخریب در زندان توسط زندانی

ماده ۵۴۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه فرار نماید به شلاق تا (۷۴) ضربه یا ۳ تا ۶ ماه حبس محکوم می‌شود و اگر برای فرار درب زندان را شکسته یا آن را خراب کرده باشد، علاوه بر تأمین خسارت وارده به هر دو مجازات محکوم خواهد شد»

✓ منظور از زندانی کسی است که به طور قانونی و به دستور مرجع صالح به بازداشتگاه یا زندان معرفی شده است؛ مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۸۰۲۱ مورخ ۱۳۷۳/۱۲/۲۳ اداره حقوقی قوه قضاییه: «زندانی در صورتی مشمول این ماده است که توسط حکم یا دستور مقام قضایی زندانی یا بازداشت شده باشد؛ بنابراین اگر زندانی به موجب دستور کارکنان اداری مراجع قضایی و کسانی که صلاحیت این کار را نداشته‌اند به زندان معرفی شده باشد و فرار کند مشمول این ماده نخواهد بود.»

✓ با توجه به ضرورت تفسیر مضیق قوانین جزایی، به نظر می‌رسد فرار از «تحت نظرگاه» های پلیس که مظنون را حداکثر تا ۲۴ ساعت در آن نگهداری می‌کنند، مشمول ماده فوق نخواهد بود.

✓ برای تحقق جرم فوق ۲ شرط لازم است:

۱. شکستن در زندان برای فرار انجام گرفته باشد.

۲. زندانی عملاً فرار کرده باشد.

✓ فرار از زندان همراه با شکستن یا تخریب از مصادیق تعدد جرم محسوب نمی‌شود؛ بلکه دارای عنوان مجرمانه خاص بوده و قانونگذار برای جرم واحد ۲ مجازات تعیین نموده است.

۱۴- شکستن مهر و پلمپ یا دفاتر ثبت و ضبط اموال دولتی یا اسناد موجود در اماکن دولتی

محو یا شکستن مهر یا پلمپ

ماده ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر گاه محلی یا چیزی بر حسب امر مقامات صالح رسمی مهر یا پلمپ شده باشد و کسی عالماً و عامداً آن‌ها را بشکند یا محو نماید یا عملی مرتکب شود که در حکم محو یا شکستن پلمپ تلقی شود مرتکب به حبس از ۳ ماه تا ۲ سال محکوم خواهد شد. در صورتی که مستحفظ آن مرتکب شده باشد به حبس از ۱ تا ۲ سال محکوم می‌شود و اگر ارتکاب به واسطه اهمال مستحفظ واقع گردد مجازات مستحفظ ۱ تا ۶ ماه حبس یا حداکثر (۷۴) ضربه شلاق خواهد بود.»

✓ ماده فوق صرفاً محدود به فک غیرقانونی پلمب‌هایی که به دستور مقام قضایی صورت گرفته است، نمی‌شود و شامل اماکن و اشیایی که به دستور سایر «مقامات رسمی صالح» انجام گرفته‌اند، نیز می‌شوند؛ مطابق تبصره ۲ ماده ۲۷ قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲: «کسانی که پلمب یا لاک و مهر محل‌های تعطیل شده در اجرای این قانون را بشکنند و محل‌های مزبور را به نحوی از انحاء برای کسب مورد استفاده قرار دهند، به مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد.»

• **سوال:** آیا شکستن پلمب‌هایی که شهرداری به اماکن می‌زند را هم می‌توان مشمول ماده فوق دانست؟

✓ **پاسخ:** اداره حقوقی قوه قضاییه در یکی از آخرین نظریات مشورتی خود در این زمینه، پاسخ را منفی دانسته است؛ مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۵/۱۷۴۴ مورخ ۱۳۹۵/۷/۲۶ اداره حقوقی قوه قضاییه: «ماده ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ راجع به فک پلمپی است که بر حسب امر مقامات صالح رسمی پلمپ شده باشد. در ماده ۱۰۰ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی و تبصره‌های آن، جوازی برای پلمپ محل‌هایی که بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه احداث می‌شوند، توسط مأمورین شهرداری پیش‌بینی نشده و اختیار جلوگیری از عملیات ساختمانی ساختمان‌های بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه که در ماده ۱۰۰ به آن تصریح شده است، جواز پلمپ محل‌های موردنظر نیست و شهرداری باید به کیفیت مناسب دیگری از عملیات ساختمانی غیرمجاز جلوگیری کند و همانطور که در قسمت آخر تبصره ۷ ماده مذکور آمده است، در مواردی که شهرداری مکلف به جلوگیری از عملیات ساختمانی است و دستور شهرداری اجرا نشود، می‌تواند با استفاده از مأموران اجرائیات خود و در صورت لزوم مأموران انتظامی برای متوقف ساختن عملیات ساختمان اقدام نماید؛

- در نتیجه پلمپ محل‌هایی که بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه احداث می‌شوند، جواز قانونی نداشته و فک آن نیز جرم تلقی نمی‌شود.»
- ✓ ارتکاب جرم فوق لزوماً از سوی مالک محل یا شیء توقیف‌شده صورت نمی‌گیرد و از اطلاق ماده فوق چنین برمی‌آید که هر کسی عالمماً عامداً مرتکب چنین اقدامی شود، به مجازات مذکور محکوم خواهد شد.
 - ✓ اگر مستحفظ یا شخصی که برای حفاظت از ملک یا مال پلمب شده، تعیین می‌شود، اقدام به فک پلمب نماید، به مجازات شدیدتری محکوم خواهد شد
 - ✓ اگر شخص ثالث در نتیجه اِهمال مستحفظ اقدام به فک پلمب نماید، مرتکب به مجازات ماده فوق محکوم می‌گردد، همچنین مستحفظ نیز به دلیل کوتاهی خود به حبس یا شلاق تعزیری به شرح مذکور محکوم خواهد شد.
 - ✓ در صورتی که شخصی برخلاف دستور موقت صادره از دادگاه، وارد ملک شده و اقداماتی را در آن انجام دهد، مشمول ماده فوق نخواهد بود و نقض دستور موقت را نمی‌توان به منزله فک پلمب دانست؛ مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۱۱۴ مورخ ۱۳۸۳/۱/۱۶ اداره حقوقی قوه قضاییه: «مطابق ماده ۳۱۶ ق.ا.د.م ۱۳۷۹ که دستور موقت ممکن است دایر بر توقیف مال یا انجام عملی یا منع از امری باشد، توقیف مال بیشتر جنبه ثبتي دارد تا فیزیکی. بنابراین دستور موقت به توقیف زمین مزروعی؛ یعنی ممانعت از نقل و انتقال ثبتي آن و لذا به جز خرید و فروش که ممنوع است سایر موضوعات که در دستور موقت نیامده بلاشکال است. به علاوه دستور موقت از شمول ماده ۵۴۳ ق.م.ا (تعزیرات) خارج است»

اهمال منجر به سرقت یا تخریب یا معدوم شدن اسناد و مدارک محفوظ در اماکن دولتی

- ماده ۵۴۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر گاه بعضی یا کل نوشته‌ها یا اسناد یا اوراق یا دفاتر یا مطالبی که در دفاتر ثبت و ضبط دولتی مندرج یا در اماکن دولتی محفوظ یا نزد اشخاصی که رسماً مأمور حفظ آنها هستند سپرده شده باشد، ربوده یا تخریب یا برخلاف مقررات معدوم شود دفتردار و مباشر ثبت و ضبط اسناد مذکور و سایر اشخاص که به واسطه اهمال آنها جرم مذکور وقوع یافته است، به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال محکوم خواهند شد.
- ✓ قانونگذار در مواد ۶۰۴ و ۶۸۱ ق.م.ا تعزیرات، اتلاف اسناد و اوراق و نوشته‌های دولتی را جرم‌انگاری نموده است. تفاوت مواد ۵۴۴ و ۵۴۵ ق.م.ا تعزیرات با مواد ۶۰۴ و ۶۸۱ ق.م.ا تعزیرات:
 - ۱. مواد ۵۴۴ و ۵۴۵ ق.م.ا تعزیرات ناظر بر اسناد و اوراق و نوشته‌هایی است که در دفاتر ثبتی یا دولتی به ثبت رسیده یا برای حفاظت به دفاتر ثبتی یا دولتی سپرده شده است؛ در حالی که ماده ۶۰۴ ق.م.ا ناظر بر اسناد و نوشته‌هایی است که بر حسب وظیفه به مأموران دولتی یا قضایی داده شده است، و ماده ۶۸۱ ق.م.ا تعزیرات ناظر بر اسناد متعلق به دولت (نه سپرده شده به دولت یا صادره از سوی دولت) می‌باشد که از سوی هر شخصی (نه لزوماً مأموران دولتی) قابل ارتکاب است.
 - ۲. مواد ۶۰۴ و ۶۸۱ ق.م.ا تعزیرات، مربوط به اتلاف عمدی این اسناد و مدارک است و بنابراین در فرضی که در نتیجه بی‌مبالاتی مأمور دولتی، سندی که بر حسب وظیفه به وی سپرده شده است، تلف شود، به مجازات ماده ۶۰۴ ق.م.ا تعزیرات محکوم نخواهد شد؛ در حالی که اسناد و مدارک موضوع ماده ۵۴۴ ق.م.ا تعزیرات حتی در مواردی که در نتیجه اِهمال مأمور ثبت یا مأمور دولتی، آن سند یا مدرک تلف شود، نیز مجازات کیفری تعیین شده است.
 - ✓ مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۸۹۵۸ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۳ اداره حقوقی قوه قضاییه: «آنچه در ماده ۵۴۴ ق.م.ا (تعزیرات) ذکر شده عناوین حصری است و مفقود شدن پرونده در اثر اِهمال باید بررسی شود، چنانچه به علت ربودن یا تخریب یا معدوم شدن باشد، مشمول آن ماده خواهد بود و الا مشمول آن ماده نخواهد بود»
 - ✓ مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۲۰۰ مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۴ اداره حقوقی قوه قضاییه: «ماده ۵۴۴ ق.م.ا ناظر است بر اسناد و اوراق، دفاتر و مطالبی که در دفاتر، ثبت و ضبط شده و نزد اشخاصی که مأمور حفظ آن هستند سپرده شده باشد؛ بنابراین مشمول امانات پستی دیگر غیر از نوشته‌ها و اسناد مذکور نمی‌شود، مواردی غیر از نوشته‌های مورد اشاره ممکن است مشمول ماده ۶۷۴ ق.م.ا (تعزیرات) باشد»
 - ✓ مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۶۰۳۷ مورخ ۱۳۸۳/۸/۱۰ اداره حقوقی قوه قضاییه: «پاره شدن گذرنامه بر اثر سهل‌انگاری و بی‌توجهی فرزند دارنده گذرنامه جرم نبوده و مشمول ماده ۵۴۴ و یا ۶۸۱ ق.م.ا (تعزیرات) نیست»

سرقت یا تخریب یا معدوم نمودن اسناد و مدارک محفوظ در اماکن دولتی و یا در نزد مأمورین دولتی

ماده ۵۴۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «مرتکبین هر یک از انواع و اقسام جرم‌های مشروح در ماده فوق به حبس از ۳ تا ۶ سال محکوم خواهند گردید و اگر امانت‌دار یا مستحفظ مرتکب یکی از جرائم فوق‌الذکر شود به ۳ تا ۱۰ سال حبس محکوم خواهد شد.»
در رابطه با مجازات مرتکب جرم موضوع ماده ۵۴۴ ق.م.ا تعزیرات، باید قائل به تفکیک شد:

۱. اگر شخص عادی اقدام به ربودن یا تخریب این اسناد کند، به ۳ تا ۶ سال حبس محکوم خواهد شد و در صورتی که تخریب در نتیجه رفتار غیر عمدی آنان بوده باشد، مجازات نخواهند شد.

۲. اگر مأمور دولتی یا ثبتی که عهده‌دار حفاظت از اسناد مذکور هست، اقدام به ربودن یا تخریب این اسناد کند، به ۳ تا ۱۰ سال حبس محکوم شده و در صورتی که در نتیجه إهمال او، شخص ثالثی اقدام به تخریب این اسناد نماید، مطابق ماده ۵۴۴ ق.م.ا (تعزیرات) به ۶ ماه تا ۲ سال حبس محکوم می‌گردد، البته اگر شخص ثالث پس از ماهنگی قبلی با مستحفظ (نه در نتیجه إهمال او) اقدام به تخریب یا سرقت نموده باشد، رفتار مستحفظ از مصادیق معاونت در جرم به شمار می‌رود.

محو و شکستن مهر یا پلمپ به عنف ربایش و معدوم نمودن اسناد و مدارک محفوظ در اماکن دولتی

ماده ۵۴۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «در صورتی که مرتکب به عنف مهر یا پلمپ را محو نماید یا بشکند یا عملی مرتکب شود که در حکم محو یا شکستن پلمپ تلقی شود یا نوشته یا اسناد را بر باید یا معدوم کند حسب مورد به حداکثر مجازات‌های مقرر در مواد قبل محکوم خواهد شد و این مجازات مانع از اجرای مجازات جرائمی که از قهر و تشدد حاصل شده است نخواهد بود.»
✓ با توجه به ماده ۱۳۴ ق.م.ا اصل بر عدم جمع مجازات‌ها است و در صورت تعدد جرائم، مرتکب به مجازات جرم اشد محکوم خواهد شد؛ در حالی که در ماده فوق چنانچه در نتیجه رفتار قهری مرتکب، جرم دیگری واقع شده باشد، مجازات آن جرم نیز در مورد وی به اجرا می‌آید.

۱۵- تخریب اموال تاریخی - فرهنگی و مواد مرتبط با آن

ماده ۵۵۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است، یا تزئینات، ملحقات تأسیسات، اشیاء و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور، که مستقلاً نیز واجد حیثیت فرهنگی - تاریخی یا مذهبی باشد، خرابی وارد آورد علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از ۱ الی ۱۰ سال محکوم می‌شود.»

✓ جرم تخریب آثار تاریخی و مذهبی، جرمی مقید و ساده است.

✓ در صورتی که مالک ملکی از ثبت آن به عنوان آثار ملی بی‌اطلاع باشد، به دلیل جهل موضوعی و مستنداً به مواد ۵۶۹ ق.م.ا تعزیرات از مجازات قانونی معاف خواهد بود.

✓ برای تحقق جرم فوق لازم نیست که کل بنا تخریب شود و آسیب به بخشی از آن (مانند کندن کاشی‌های نصب‌شده در یک عمارت تاریخی) موجب تحقق جرم فوق است، همچنین گاهی مرتکب بی‌آنکه به اصل بنا یا منصوبات آن لطمه‌ای وارد نماید، اشیاء و لوازم موجود در آن (مانند گلدانی که در بنای تاریخی است) را تخریب می‌کند، جرم فوق محقق می‌شود.

ایجاد تزلزل بنیان، خرابی و لطمه در آثار تاریخی

ماده ۵۶۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس بدون اجازه از سازمان میراث فرهنگی کشور، یا با تخلف از ضوابط مصوب و اعلام شده از سوی سازمان مذکور در حریم آثار فرهنگی - تاریخی مذکور در این ماده مبادرت به عملیاتی نماید که سبب تزلزل بنیان آنها شود، یا در نتیجه آن عملیات به آثار و بناهای مذکور خرابی یا لطمه وارد آید، علاوه بر رفع آثار تخلف و پرداخت خسارت وارده به حبس از ۱ تا ۳ سال محکوم می‌شود.»

اقدام به خارج کردن اموال تاریخی - فرهنگی از کشور

ماده ۵۶۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هرگونه اقدام به خارج کردن اموال تاریخی - فرهنگی از کشور هر چند به خارج کردن آن نینجامد قاچاق محسوب و مرتکب علاوه بر استرداد اموال به حبس از ۱ تا ۳ سال و پرداخت جریمه معادل دو برابر قیمت اموال موضوع قاچاق

محکوم می‌گردد.»

- ✓ جرم فوق ماهیتاً شروع به جرم محسوب می‌شود که به طور مستقل جرم‌انگاری شده است و قانونگذار صرف اقدام به خارج کردن اموال تاریخی - فرهنگی از کشور را هم قاچاق دانسته است.
- ✓ به صراحت تبصره ۴ ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ اموال تاریخی - فرهنگی را از مصادیق کالاهای ممنوعه دانسته و مجازات کالای ممنوعه مطابق بندهای چهارگانه ماده فوق‌الذکر با توجه به ارزش کالای مذکور متفاوت است و بدین شرح تعیین می‌شود: «هر کس مرتکب قاچاق کالای ممنوع گردد یا کالای ممنوع قاچاق را نگهداری یا حمل نماید یا بفروشد، علاوه بر ضبط کالا به شرح زیر و مواد (۲۳) و (۲۴) مجازات می‌شود:

- الف - در صورتی که ارزش کالا تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد، به جزای نقدی معادل ۲ تا ۳ برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق
- ب - در صورتی که ارزش کالا از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) تا یک صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد به جزای نقدی معادل ۳ تا ۵ برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق
- پ - در صورتی که ارزش کالا از یک صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) تا یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد به بیش از ۶ ماه تا ۲ سال حبس و به جزای نقدی معادل ۵ تا ۷ برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق
- ت - در صورتی که ارزش کالا بیش از یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد به ۲ سال تا ۵ سال حبس و به جزای نقدی معادل ۷ تا ۱۰ برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق» و مستنداً به ماده ۴۴ همان قانون رسیدگی به جرم مزبور در صلاحیت دادگاه انقلاب است. ناگفته نماند سایر جرائم مربوط مانند تخریب، حفاری و سرقت اموال تاریخی - فرهنگی در صلاحیت عام دادگاه کیفری دو می‌باشد.
- ✓ جرم ماده فوق با استناد به بند (د) قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ از مصادیق اخلال در نظام اقتصادی محسوب می‌شود به موجب ماده ۲ این قانون: «هر گونه اقدامی به قصد خارج کردن میراث فرهنگی چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد افساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می‌شود و در هر دو صورت دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد حکم خواهد داد.»

حفاری و کاوش به قصد تحصیل اموال تاریخی - فرهنگی

- ماده ۵۶۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر گونه حفاری و کاوش به قصد بدست آوردن اموال تاریخی - فرهنگی ممنوع بوده و مرتکب به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال و ضبط اشیاء مکشوفه به نفع سازمان میراث فرهنگی کشور و آلات و ادوات حفاری به نفع دولت محکوم می‌شود. چنانچه حفاری در اماکن و محوطه‌های تاریخی که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است، یا در بقاع متبرکه و اماکن مذهبی صورت گیرد علاوه بر ضبط اشیاء مکشوفه و آلات و ادوات حفاری مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم می‌شود.
- تبصره ۱- هر کس اموال تاریخی - فرهنگی موضوع این ماده را حسب تصادف بدست آورد و طبق مقررات سازمان میراث فرهنگی کشور نسبت به تحویل آن اقدام ننماید به ضبط اموال مکشوفه محکوم می‌گردد.

- تبصره ۲- خرید و فروش اموال تاریخی - فرهنگی حاصله از حفاری غیرمجاز ممنوع است و خریدار و فروشنده علاوه بر ضبط اموال فرهنگی مذکور، به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم می‌شوند. هر گاه فروش اموال مذکور تحت هر عنوان از عناوین به طور مستقیم یا غیرمستقیم به اتباع خارجی صورت گیرد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم می‌شود.»

- ✓ نظریه مشورتی شماره ۷/۸۵۷۸ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۹ اداره حقوقی قوه قضاییه: «صرف داشتن اموال و اشیای عتیقه و خرید و فروش آن جرم محسوب نمی‌شود، بسیاری از مردم دارای چنین اشیایی می‌باشند که از سال‌های قبل به صورت موروثی باقی مانده است. مقررات ماده ۵۶۲ ق.م.ا (تعزیرات) ناظر به موردی است که شیء عتیقه از طریق حفاری و کاوش به قصد به دست آوردن اموال تاریخی، فرهنگی تحصیل و مورد خرید و فروش قرار گیرد»

- ✓ نظریه مشورتی شماره ۷/۱۲۸۶ مورخ ۱۳۷۵/۵/۱۱ اداره حقوقی قوه قضاییه: «خرید و فروش اشیاء عتیقه (اموال تاریخی - فرهنگی) منحصرأ در صورت حصول شرایط مقرر در تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۵۶۲ ق.م.ا (تعزیرات) جرم محسوب می‌شود و قابل مجازات است»

✓ اشیای عتیقه با توجه به قانون حفظ آثار ملی مشخص می‌گردد.

تجاوز به اراضی و تپه‌ها و اماکن تاریخی و مذهبی که به ثبت آثار ملی رسیده و مالک خصوصی ندارد

ماده ۵۶۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس به اراضی و تپه‌ها و اماکن تاریخی و مذهبی که به ثبت آثار ملی رسیده و مالک خصوصی نداشته باشد تجاوز کند به ۶ ماه تا ۲ سال حبس محکوم می‌شود مشروط بر آنکه سازمان میراث فرهنگی کشور قبلاً حدود مشخصات این قبیل اماکن و مناطق را در محل تعیین و علامت‌گذاری کرده باشد.»

مرمت، تعمیر، تغییر، تجدید و توسعه ابنیه یا اماکن فرهنگی - تاریخی ثبت شده

ماده ۵۶۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس بدون اجازه سازمان میراث فرهنگی و بر خلاف ضوابط مصوب اعلام شده از سوی سازمان مذکور به مرمت یا تعمیر، تغییر، تجدید و توسعه ابنیه یا تزئینات اماکن فرهنگی - تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی مبادرت نماید، به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال و پرداخت خسارت وارده محکوم می‌گردد.»

انتقال بدون مجوز اموال تاریخی - فرهنگی ثبت شده

ماده ۵۶۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس بر خلاف ترتیب مقرر در قانون حفظ آثار ملی اموال فرهنگی - تاریخی غیرمنقول ثبت شده در فهرست آثار ملی را با علم و اطلاع از ثبت آن به نحوی به دیگران انتقال دهد و به حبس از ۳ ماه تا ۱ سال محکوم می‌شود»
✓ انتقال اموال مزبور از سوی مالک آن مشمول جرم فوق خواهد بود و چنانچه از سوی شخصی غیر از مالک انتقال یافته باشد از مصادیق تعدد معنوی یعنی انتقال مال غیر و جرم موضوع ماده فوق به شمار می‌رود که در این فرض دادگاه با استناد به ماده ۱۳۱ ق.م.ا حکم به مجازات اشد یعنی انتقال مال غیر صادر می‌نماید.

تغییر نحوه استفاده اماکن فرهنگی، تاریخی ثبت شده برخلاف شئون اثر و بدون مجوز

ماده ۵۶۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس نسبت به تغییر نحوه استفاده از ابنیه، اماکن و محوطه‌های مذهبی فرهنگی و تاریخی که در فهرست آثار ملی ثبت شده‌اند، برخلاف شئونات اثر و بدون مجوز از سوی سازمان میراث فرهنگی کشور، اقدام نماید علاوه بر رفع آثار تخلف و جبران خسارت وارده به حبس از ۳ ماه تا ۱ سال محکوم می‌شود»

✓ تغییر نحوه استفاده از اماکن فوق بدون مجوز در صورتی جرم محسوب می‌شود برخلاف شئونات اثر باشد، وگرنه رفتار شخص فاقد وصف کیفری است و صرفاً می‌توان او را ملزم به عدم استفاده قبلی نمود (مانند کسی که یک عمارت دوران عباسیان را بدون مجوز به یک اقامتگاه بوم‌گردی تبدیل کند)

ساخت و خرید و فروش و نگهداری نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی

ماده ۵۶۶ مکرر قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هرکس نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی اعم از ایرانی و خارجی را به جای اثر اصلی بسازد یا آن را به قصد عرضه، قاچاق یا فروش، معرفی، حمل یا نگهداری کند یا با آگاهی از تقلبی بودن اثر خریداری کند به حبس از ۹۱ روز تا ۶ ماه و جزای نقدی معادل نصف ارزش اثر اصلی با اخذ نظر کارشناس از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری محکوم می‌شود.»

تبصره ۱- نمونه تقلبی به اشیائی اطلاق می‌گردد که در دوره معاصر ساخته شده و از حیث نقوش، خطوط، شکل، جنس، اندازه، حجم و وزن شبیه آثار فرهنگی - تاریخی اصیل بوده یا بدون آن که نمونه اصلی وجود داشته باشد به عنوان اثر فرهنگی - تاریخی اصیل معرفی شود و علامتی از سوی سازنده یا سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری برای تشخیص از اصل، بر روی آن حک نشده باشد.

تبصره ۲- چنانچه شیئی تقلبی نمونه اصلی نداشته باشد، ارزش آن به فرض وجود توسط کارشناسان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تعیین می‌گردد.

تبصره ۳- اشیاء مکشوفه موضوع این ماده به نفع سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ضبط می‌گردد. حکم این تبصره شامل اشیائی که قبل از لازم‌الاجراء شدن این قانون ضبط شده نیز می‌گردد»

✓ صرف ساختن نمونه تقلبی یک اثر فرهنگی - تاریخی (مانند سکه دوره هخامنشی) جرم محسوب نمی‌شود، بلکه اولاً باید «به جای اثر اصلی» ساخته شده و ثانیاً مشابه نمونه اصلی خود باشد، البته همان گونه که در تبصره ۱ ماده فوق آمده است حتی در مواردی که نمونه اصلی وجود

نداشته باشد، نیز چنانچه اثر ساخته شده به عنوان اثر اصیل معرفی شود، بی‌آنکه دارای علامت نشان‌دهنده غیر اصیل بودن آن باشد نیز مشمول جرم فوق خواهد بود.

✓ ماده فوق صرفاً ناظر بر ساخت آثار فرهنگی و تاریخی نیست و حمل، نگهداری، معرفی یا خریداری این آثار نیز مشمول مجازات فوق است، البته در مورد خریداری این آثار لازم است که خریدار از تقلبی بودن آن آگاه باشد و در مورد حمل، نگهداری و معرفی نیز شرط آن است که به قصد قاچاق، عرضه یا فروش بوده باشد.

✓ فروش نمونه تقلبی به دیگری به عنوان اثر اصلی از مصادیق کلاهبرداری به شمار می‌رود.

شاکای یا مدعی خصوصی در جرائم علیه میراث فرهنگی

ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «در کلیه جرائم مذکور در این فصل، سازمان میراث فرهنگی یا سایر دوایر دولتی بر حسب مورد شاکای یا مدعی خصوصی محسوب می‌شود.»

نفی مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در جرائم علیه میراث فرهنگی

ماده ۵۶۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «در مورد جرائم مذکور در این فصل که به وسیله اشخاص حقوقی انجام شود هر یک از مدیران و مسوولان که دستوردهنده باشند، بر حسب مورد به مجازات‌های مقرر محکوم می‌شوند.

تبصره - اموال فرهنگی - تاریخی حاصله از جرائم مذکور در این فصل تحت نظر سازمان میراث فرهنگی کشور توقیف و در کلیه مواردی که حکم به ضبط و استرداد اموال، وسائل، تجهیزات و خسارات داده می‌شود به نفع سازمان میراث فرهنگی کشور مورد حکم قرار خواهد گرفت.»

✓ تعیین مجازات برای مدیران و مسوولان شخص حقوقی منافاتی با تعیین مجازات برای خود شخص حقوقی ندارد و دادگاه موظف است با رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۴۳ ق.م.ا شخص حقوقی را به یک یا دو مورد از مجازات‌های مقرر در ماده ۲۰ ق.م.ا محکوم نماید.

معافیت مالک از کیفر به واسطه بی‌اطلاعی از ثبت اثر

ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «در کلیه موارد این فصل در صورتی که ملک مورد تخریب، ملک شخصی بوده و مالک از ثبت آن به عنوان آثار ملی بی‌اطلاع باشد از مجازات‌های مقرر در مواد فوق معاف خواهد بود.»

مصادیق تخریب در قوانین خاص

۱- تخریب رایانه‌ای (سایبری)

داده‌های رایانه‌ای برخلاف آنکه ملموس و عینی نیستند، اما تخریب آنها تحت عنوان جرم خاص تخریب رایانه‌ای مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. در تخریب رایانه‌ای، موضوع جرم سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی نیست، بلکه داده‌های آن است؛ بنابراین چنانچه کسی رایانه شخصی یا تلفن همراه دیگری را تخریب نماید، رفتار او جرم تخریب عادی موضوع ماده ۶۷۷ ق.م.ا تعزیرات محسوب می‌شود؛ مگر آنکه از کار انداختن سامانه‌های رایانه‌ای از طریق شیوه غیرفیزیکی مانند واردکردن، انتقال دادن، پخش، حذف کردن، متوقف کردن، دستکاری یا تخریب داده‌ها یا امواج الکترومغناطیسی یا نوری، سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی دیگری را از کار بیندازد یا کارکرد آنها را مختل کند، مرتکب تخریب رایانه‌ای شده است. تخریب رایانه‌ای در یکی از ۳ شکل زیر محقق می‌شود:

۱. **تخریب داده‌ها: ماده ۸ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸:** «هر کس به طور غیرمجاز داده‌های دیگری را از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده حذف یا تخریب یا مختل یا غیرقابل پردازش کند به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال یا جزای نقدی از بیست و پنج میلیون (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»؛ بنابراین در فرضی که شخصی به طور غیرمجاز داده‌های تلفن همراه مانند عکس‌ها یا مخاطبین او را حذف نماید، مرتکب تخریب رایانه‌ای شده است.

۲. **ممانعت از دسترسی: ماده ۱۰ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸:** «هرکس به طور غیرمجاز با اعمالی از قبیل مخفی کردن داده‌ها، تغییر گذرواژه یا رمزنگاری داده‌ها مانع دسترسی اشخاص مجاز به داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی شود، به حبس از ۹۱ روز تا ۱ سال یا جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.» در این مورد مرتکب به اصل داده‌ها آسیبی وارد نمی‌کند، بلکه با رفتارهایی مانند رمز گذاشتن، صرفاً مانع دسترسی شخص دیگری

می‌شود و به همین دلیل در مقایسه با جرم موضوع ماده ۸ قانون جرائم رایانه‌ای مجازات خفیف‌تری دارد.

۳. از کار انداختن خود سامانه رایانه‌ای: ماده ۹ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸: «هر کس به طور غیرمجاز با اعمالی از قبیل واردکردن، انتقال دادن، پخش، حذف کردن، متوقف کردن، دستکاری یا تخریب داده‌ها یا امواج الکترومغناطیسی یا نوری، سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی دیگری را از کار بیندازد یا کارکرد آنها را مختل کند، به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال یا جزای نقدی از بیست و پنج میلیون ریال تا صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.» همان گونه که بیان شد، تخریب سامانه‌های رایانه‌ای (نه داده‌های آن) با رفتارهای فیزیکی مانند اتلاف یا آتش زدن محقق نمی‌شود و رفتار مرتکب در این موارد تخریب ساده به شمار می‌رود، ولی در مواردی که مختل شدن سامانه‌های رایانه‌ای از طریق شیوه‌های غیرفیزیکی مختل شود، رفتار مرتکب مشمول عنوان تخریب رایانه‌ای خواهد بود.

تشدید تخریب رایانه‌ای ماده ۱۱ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸: «هر کس به قصد به خطر انداختن امنیت، آسایش و امنیت عمومی اعمال مذکور در مواد (۸)، (۹) و (۱۰) این قانون را علیه سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی که برای ارائه خدمات ضروری عمومی به کار می‌روند، از قبیل خدمات درمانی، آب، برق، گاز، مخابرات، حمل و نقل و بانکداری مرتکب شود، به حبس از ۳ تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد»
۲- تخریب وسایل و تجهیزات راه‌آهن به موجب قانون کیفر بزه‌های راه‌آهن مصوب ۱۳۲۰ اصلاحی ۱۳۴۹ جرم‌انگاری شده است.

۳- اخلال در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی به موجب قانون مجازات اخلالگران در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی مصوب ۱۳۴۹ جرم‌انگاری شده است.

۴- اخلال در صنایع به موجب قانون مجازات اخلالگران در صنایع مصوب ۱۳۵۳ جرم‌انگاری شده است.

۵- اخلال در صنایع نفت به موجب قانون راجع به مجازات اخلالگران در صنایع نفت ایران مصوب ۱۳۳۶ جرم‌انگاری شده است.

۶- تخریب وسایل و تجهیزات نظامی از سوی نظامیان به موجب مواد ۹۳ و ۹۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ جرم‌انگاری شده است.

۷- تخریب اسناد مربوط به امام خمینی (ره) به موجب قانون الحاق موادی به قانون نحوه حفظ و آثار حضرت امام خمینی (ره) مصوب ۱۳۶۹ جرم‌انگاری شده است.

جرائم لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷

قانونگذار در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، علاوه بر جرم‌انگاری جرم کلاهبرداری در شرکت‌های سهامی به جرم‌انگاری رفتارهای ذیل پرداخته است:

۱. جرم تقلب در پذیره‌نویسی یا صدور سهام: مطابق ماده ۲۴۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷: «اشخاص زیر به حبس تأدیبی از ۳ ماه تا ۲ سال یا به جزای نقدی از بیست و پنج میلیون (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و پنجاه میلیون (۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

۱- هرکس که عالم‌اً و بر خلاف واقع پذیره‌نویسی سهام را تصدیق کند و یا برخلاف مقررات این قانون اعلامیه پذیره‌نویسی منتشر نماید و یا مدارک خلاف واقع حاکی از تشکیل شرکت به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم کند و یا در تعیین ارزش آورده غیر نقد، تقلب اعمال کند.

۲- هرکس در ورقه سهم بانام یا گواهینامه موقت سهم مبلغ پرداخت شده را بیش از آنچه که واقعاً پرداخت شده است قید کند.

۳- هرکس از اعلام مطالبی که طبق مقررات این قانون باید به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام کند بعضاً یا کلاً خودداری نماید و یا مطالب خلاف واقع به مرجع مزبور اعلام دارد.

۴- هرکس سهام یا قطعات سهام را قبل از به ثبت رسیدن شرکت و یا در صورتی که ثبت شرکت مزورانه انجام گرفته باشد صادر کند.

۵- هرکس سهام یا قطعات سهام را بدون پذیره‌نویسی کلیه سرمایه و تأدیه حداقل سی و پنج درصد آن و نیز تحویل کلیه سرمایه غیر نقد صادر

کند.

۶- هرکس قبل از پرداخت کلیه مبلغ اسمی سهم سهام بی‌نام یا گواهی‌نامه موقت بی‌نام صادر کند.»
۲. **جرم تقلب در فروش سهام:** مطابق ماده ۲۴۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷: «اشخاص زیر به حبس تأدیبی از ۳ ماه تا ۱ سال یا به جزای نقدی از پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست میلیون (۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

۱- هرکس عالمماً سهام یا گواهی‌نامه موقت سهام بدون ذکر مبلغ اسمی صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد.
۲- هرکس سهام بی‌نام را قبل از آنکه تمام مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد بفروشد یا به معرض فروش گذارد.
۳- هرکس سهام بانام را قبل از آنکه اقلأسی و پنج درصد مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد بفروشد یا به معرض فروش گذارد.»
۳. **جرایم رئیس و اعضای هیأت مدیره:** مطابق مواد ۲۴۶ و ۲۵۰ تا ۲۶۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷: ماده ۲۴۶: «رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی در صورت ارتکاب هر یک از جرائم زیر به حبس تأدیبی از ۲ ماه تا ۶ ماه یا به جزای نقدی از سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد:
۱- در صورتی که ظرف مهلت مقرر در این قانون قسمت پرداخت نشده مبلغ اسمی سهام شرکت را مطالبه نکنند و یا ۲ ماه قبل از پایان مهلت مذکور مجمع عمومی فوق‌العاده را جهت تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده دعوت نمایند.

۲- در صورتی که قبل از پرداخت کلیه سرمایه شرکت به صدور اوراق قرضه مبادرت کرده یا صدور آن را اجازه دهند.» ناگفته نماند قانونگذار در ماده ۲۴۷ لایحه مذکور به بیان حالتی که عضو هیأت مدیره مجرم شناخته نمی‌شود، پرداخته است، به موجب این ماده: «در مورد بند یک ماده ۲۴۶ در صورتی که هر یک از اعضاء هیأت مدیره قبل از انقضاء مهلت مقرر در جلسه هیأت مزبور صریحاً اعلام کند که باید به تکلیف قانونی برای سلب مسئولیت جزائی عمل شود و به این اعلام از طرف سایر اعضاء هیأت مدیره توجه نشود و جرم تحقق پیدا کند عضو هیأت مدیره که تکلیف قانونی را اعلام کرده است مجرم شناخته نخواهد شد. سلب مسئولیت جزائی از عضو هیأت مدیره منوط به این است که عضو هیأت مدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیأت مزبور مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به هر یک از اعضاء هیأت مدیره اعلام نماید. در صورتی که جلسات هیأت مدیره به هر علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسئولیت جزائی از عضو هیأت مدیره کافی است.»

ماده ۲۵۰: «رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی عام که قبل از تأدیه کلیه سرمایه ثبت شده شرکت و قبل از انقضاء دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت و تصویب دو ترازنامه آن توسط مجمع عمومی مبادرت به صدور اوراق قرضه نمایند به جزای نقدی از سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۱: «رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی عام که بدون رعایت مقررات ماده ۵۶ این قانون مبادرت به صدور اوراق قرضه نمایند به حبس تأدیبی از ۳ ماه تا ۲ سال و جزای نقدی از بیست و پنج میلیون (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا صد و پنجاه میلیون (۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم خواهند شد.»

ماده ۲۵۲: «رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی عمومی که نکات مندرج در ماده ۶۰ این قانون را در اوراق قرضه قید نمایند به جزای نقدی از سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم خواهند شد.»

ماده ۲۵۳: «اشخاص زیر به حبس تأدیبی از ۳ ماه تا ۱ سال یا به جزای نقدی از بیست و پنج میلیون (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) تا صد و پنجاه میلیون (۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

۱- هرکس عامداً مانع حضور دارنده سهم شرکت در جلسات مجمع عمومی صاحبان سهام بشود.
۲- هرکس با خدعه و نیرنگ خود را دارنده سهم یا قطعات سهم معرفی کند و یا به این طریق در اخذ رأی در مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت نماید اعم از آنکه این کار را شخصاً یا توسط دیگری انجام دهد.»

ماده ۲۵۴: «رئیس و اعضاء هیأت مدیره شرکت سهامی که حداکثر تا ۶ ماه پس از پایان هر سال مالی مجمع عمومی عادی صاحبان سهام را دعوت نکنند یا مدارک مقرر در ماده ۲۳۲ را به موقع تنظیم و تسلیم نمایند به حبس از ۲ تا ۶ ماه یا به جزای نقدی از سی میلیون

ریال تا شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.»

ماده ۲۵۵: «رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی که صورت حاضرین در مجمع را مطابق ماده ۹۹ تنظیم نکنند به جزای نقدی از سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم خواهند شد.»

ماده ۲۵۶: «هیأت رئیسه هر مجمع عمومی که صورت جلسه مذکور در ماده ۱۰۵ را تنظیم نکند. به مجازات مذکور در ماده قبل محکوم خواهد شد.»

ماده ۲۵۷: «رئیس و اعضاء هیأت رئیسه هر مجمع عمومی که مقررات راجع به حق رأی صاحبان سهام را رعایت نکرده باشند به مجازات مذکور در ماده ۲۵۵ محکوم خواهند شد.»

ماده ۲۵۸: «اشخاص زیر به حبس تأدیبی از ۱ سال تا ۳ سال محکوم خواهند شد:

۱- رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که بدون صورت داری و ترازنامه یا باستناد صورت داری و ترازنامه مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم کرده باشند.

۲- رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که ترازنامه غیر واقع بمنظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت بصاحبان سهام ارائه یا منتشر کرده باشند.

۳- رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که اموال یا اعتبارات شرکت را برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگریکه خود بطور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذینفع میباشند مورد استفاده قرار دهند.

۴- رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که با سوء نیت از اختیارات خود برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا به خاطر شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به طور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذی نفع می باشند استفاده کنند.»

ماده ۲۵۹: «رئیس و اعضاء هیأت مدیره شرکت که متعمداً مجمع عمومی صاحبان سهام را در هر موقع که انتخاب بازرسان شرکت باید انجام پذیرد به این منظور دعوت ننمایند و یا بازرسان شرکت را به مجامع عمومی صاحبان سهام دعوت نکنند به حبس از ۲ تا ۶ ماه یا جزای نقدی از دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.»

ماده ۲۶۰: «رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل که عمداً مانع یا مخل انجام وظایف بازرسان شرکت بشوند یا اسناد و مدارکی را که برای انجام وظایف آنها لازم است در اختیار بازرسان قرار ندهند به حبس تأدیبی از ۳ ماه تا ۲ سال یا به جزای نقدی از بیست و پنج میلیون (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا صد و پنجاه میلیون (۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.»

ماده ۲۶۱: «رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی که قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه یا در صورتی که ثبت افزایش سرمایه مزورانه یا بدون رعایت تشریفات لازم انجام گرفته باشد سهام یا قطعات سهام جدید صادر و منتشر کنند به جزای نقدی از سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم خواهند شد. و در صورتی که قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام مبادرت به صدور و انتشار سهام جدید یا قطعات سهام جدید بنمایند به حبس تأدیبی از ۲ ماه تا ۶ ماه و به جزای نقدی از سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم خواهند شد.»

ماده ۲۶۲: «رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر بشوند به جزای نقدی از سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم خواهند شد:

۱- در صورتی که در موقع افزایش سرمایه شرکت به استثنای مواردی که در این قانون پیش بینی شده است حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیرهنویسی و خرید سهام جدید رعایت نکنند و یا مهلتی را که جهت پذیرهنویسی سهام جدید باید در نظر گرفته شود به صاحبان سهام ندهند.

۲- در صورتی که شرکت قبلاً اوراق قرضه قابل تعویض با سهم منتشر کرده باشد حقوق دارندگان این گونه اوراق قرضه را نسبت به تعویض اوراق آنها با سهام شرکت در نظر نگرفته یا قبل از انقضاء مدتی که طی آن این قبیل اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت است اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشر کنند یا قبل از تبدیل یا تعویض اوراق قرضه یا بازپرداخت مبلغ آنها سرمایه شرکت را مستهلک سازند یا آن را از طریق بازخرید سهام کاهش دهند یا اقدام به تقسیم اندوخته کنند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهند.»

ماده ۲۶۳: «رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی که عالمماً برای سلب حق تقدم از صاحبان سهام نسبت به پذیره‌نویسی سهام جدید به مجمع عمومی اطلاعات نادرست بدهند یا اطلاعات نادرست را تصدیق کنند به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال یا به جزای نقدی از صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا سیصد میلیون (۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.»

ماده ۲۶۴: «رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی که در مورد کاهش سرمایه عالمماً مقررات زیر را رعایت نکنند به جزای نقدی از سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم خواهند شد:

۱- در صورت عدم رعایت تساوی حقوق صاحبان سهام.

۲- در صورتی که پیشنهاد راجع به کاهش سرمایه حداقل ۴۵ روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده به بازرس شرکت تسلیم نشده باشد.

۳- در صورتی که تصمیم مجمع عمومی دائر بر تصویب کاهش سرمایه و مهلت و شرایط آن در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالتنشاری که اعلانات مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی نشده باشد.»

ماده ۲۶۵: «رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی که در صورت از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت بر اثر زیان‌های وارده حداکثر تا ۲ ماه مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام را دعوت ننمایند تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رأی واقع شود و حداکثر تا ۱ ماه نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام ننمایند به حبس از ۲ ماه تا ۶ ماه یا به جزای نقدی از سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.»

۴. جرائم بازرسان و مدیران تصفیه: مطابق مواد ۲۶۶ تا ۲۶۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷:

ماده ۲۶۶: «هرکس با وجود منع قانونی عالمماً سمت بازرسی را در شرکت سهامی بپذیرد و به آن عمل کند به حبس تأدیبی از ۲ ماه تا ۶ ماه یا جزای نقدی از سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

ماده ۲۶۷: «هرکس در سمت بازرسی شرکت سهامی عالمماً راجع به اوضاع شرکت به مجمع عمومی در گزارش‌های خود اطلاعات خلاف حقیقت بدهد و یا این گونه اطلاعات را تصدیق کند به حبس تأدیبی از ۳ ماه تا ۲ سال محکوم خواهد شد.»

ماده ۲۶۸: «مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که عالمماً مرتکب جرائم زیر بشوند به حبس تأدیبی از ۲ ماه تا ۶ ماه یا به جزای نقدی از سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

۱- در صورتی که ظرف ۱ ماه پس از انتخاب تصمیم راجع به انحلال شرکت و نام و نشانی خود را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام نکنند.

۲- در صورتی که تا ۶ ماه پس از شروع به امر تصفیه مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را دعوت نکرده وضعیت اموال و مطالبات و قروض شرکت و نحوه تصفیه امور شرکت و مدتی را که جهت پایان دادن به امر تصفیه لازم میدانند باطلاع مجمع عمومی نرسانند.

۳- در صورتی که قبل از خاتمه امر تصفیه همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در این قانون اساسنامه شرکت پیش‌بینی شده است دعوت نکرده صورت‌داری منقول و غیر منقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده‌اند به مجمع مذکور تسلیم نکنند.

۴- در صورتی که در خاتمه دوره تصدی خود بدون آن که تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند به عملیات خود ادامه دهند.

۵- در صورتی که ظرف ۱ ماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام ننمایند.

۶- در صورتی که پس از اعلام ختم تصفیه وجوهی را که باقیمانده است در حساب مخصوصی در یکی از بانک‌های ایرانی تودیع نمایند و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند به آن بانک تسلیم نکرده مراتب را طی آگهی ختم تصفیه به اطلاع اشخاص ذی‌نفع نرسانند.»

ماده ۲۶۹: «مدیر تصفیه یا مدیران هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر شوند به حبس تأدیبی از ۱ سال تا ۳ سال محکوم خواهند شد:

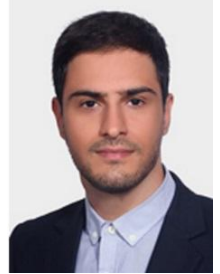
۱- در صورتی که اموال یا اعتبارات شرکت در حال تصفیه را بر خلاف منافع شرکت یا برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود بطور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذی‌نفع می‌باشند مورد استفاده قرار دهند.

۲- در صورتی که برخلاف ماده ۲۱۳ به انتقال داری شرکت مبادرت کنند یا بدون رعایت حقوق بستانکاران و موضوع کردن قروضی که هنوز موعد تأدیه آن نرسیده داری شرکت را بین صاحبان سهام تقسیم نمایند.»

اگر در حین مطالعه با موارد سهو قلم و یا خطاهای انسانی دیگر که ما از آن غافل مانده‌ایم، مواجه شدید؛ از طریق ایمیل mollakarimi.omid@gmail.com با ما در میان بگذارید تا اصلاح نماییم. در نگارش بعضی از قسمت‌های این جزوه از کتاب «جرایم علیه اموال و مالکیت دکتر میرمحمد صادقی» و کتاب «حقوق جزای اختصاصی آقای ساولانی» و کتاب «دوره پیشرفته حقوق جزای عمومی و اختصاصی دکتر بهداد کامفر» و کتاب «حقوق جزای اختصاصی دکتر عظیم‌زاده» کمک گرفته‌ایم.

اینستاگرام شخصی: [omid_mollakarimi](https://www.instagram.com/omid_mollakarimi)

آخرین به‌روزرسانی جزوه: ۱۴۰۲



امید ملاکریمی هستم؛ یه حواس‌پرت متولد دهه ۶۰ توو تهران! ارزش اصلی من در زندگی، کمک به دیگران و تأثیرگذاری بر زندگی آنهاست. به یادگیری و اشتراک‌گذاری آموخته‌هایم با دیگران علاقه‌ی زیادی دارم. البته همه تلاش‌م را می‌کنم تا روش‌هایی را که به افزایش کیفیت یادگیری کمک می‌کنند یاد بگیرم و بعد از افزودن تجربیات خودم، آنها را به دیگران هم انتقال بدهم. در حوزه آموزش و نویسندگی در رشته حقوق با روش «ساده‌نویسی» و «به کار بردن مثال‌های روان» متفاوتم! من به این جمله ایمان دارم: «اگر موفقیت بیشتری می‌خواهی باید به دیگران کمک کنی تا به موفقیت بیشتری دست یابند.»

داستان من: بعد از اینکه لیسانس رو گرفتم مثل خیلی از دانش‌آموخته‌های حقوق وارد دوره کارشناسی ارشد شدم؛ البته باید بگم که یه کار ثابت هم داشتم که ماهانه یه حقوق ثابت از اوون می‌گرفتم. رفته رفته به این نتیجه رسیدم که اگه بخوام اینجوری ادامه بدم دست آخر بعد از دریافت مدرک کارشناسی ارشد و یا حتی دکتری در بهترین حالت می‌خوام یه کارمند سطح بالا توو یه اداره بشم که نهایتاً یه حقوق خوب دریافت کنم. شاید برای خیلی‌ها رسیدن به یه حقوق کارمندی خوب نقطه اوج آرزوهاشون محسوب بشه اما من رسیدن به یه حقوق ثابت خوب رو مطلوب نمی‌دیدم. همیشه دوست داشتم مثل قهرمانای این فیلما به آدمایی که توو موقعیت‌های بد قرار گرفتن کمک کنم و با کلی غرور و کمال رضایت از مفید بودن خودم یه نفس عمیق بکشم و بگم «توونستم!». از این فیلما که بگذریم ذات زندگی آدمیزاد اینه که باید بجنگه و از «یه جا نشستن» یا همون «صبح به صبح کارت زدن توو یه محیط اداری» فراری باشه. خلاصه اواخر اسفند ماه بود که تصمیم گرفتم عطای حقوق ثابت را به لقایش ببخشم و از اول فروردین شروع کنم به خوندن! البته این اشتیاق سوزان باید اول اول توو خود آدم ایجاد بشه و حتی اگه دوستان و اطرافیان با تمسخر بهت بگن: «تو که کار ثابت داری، می‌خوای بشینی و بخونی که چی!»؛ یا بگن: «صد و ده هزار تا شرکت می‌کنن و نهایتاً سه هزار تا ور می‌دارن و تو بدون سهمیه عمراً شانس نداری!»؛ اطمینان نداشتیم که به موفقیت برسیم اما با خودم عهد کردم که اول فروردین «بسمه‌الله» بگم و با همه توانم پیش برم؛ البته قبلش از خانواده‌ام خواستم که توو این مسیر کمک کنن و این هشت ماه به کم توقع و انتظارشون رو از من کم کنن. من ریسک شیرین بلندپروازانه‌ای رو آغاز کرده بودم؛ خلاصش کنم برات: «با وجود تمام ترسی که از شکست داشتم، از تصمیم‌ام راضی بودم!». جمله یه بنده‌ی خدا اوومد توو ذهنم که می‌گفت اگر آرزوت اینه که یه ماشین بخری، اول برو یه جاسوئیچی برای ماشینی که توو رویاته تهیه کن و یقین داشته باش که به ماشینه می‌رسی! منم بدون معطلی، رفتم یک سنجاق سینه کوچولو که رووش آرم کانون رو داره و وکیل‌های کانون همیشه روی گت یا مانتوشون می‌زنن تهیه کردم. تا شروع کردم کمک‌های خدا رو دیدم که یکی یکی برام می‌اومد. مثلاً با مسؤل یه کتابخونه صحبت کردم و با وجود اینکه ساعت کار اوونجا تا ۶ بعد از ظهر بود بهم گفت: می‌تونی با نگرهبان مجموعه هماهنگ کنی و تا ۱۱ شب هم از کتابخونه استفاده کنی! خلاصه اینکه ایمان داشتم اگر امروز زحمت بکشم فردا از نتیجه و میوه شیرین اوون زحمات بهره‌مند می‌شم؛ به فرموده قرآن: «فان مع العسر، یُسرا». خوشحالم از اینکه که امروز که این متن رو نوشتم در وضعیتی هستم که در تمامی آزمون‌های حقوقی (وکالت، قضاوت، ارشد، دکتری) قبول شدم و به عضویت «هیأت علمی» رسیدم و می‌خوام متنم رو با یه جمله تموم کنم: «تووی سکوت تلاش کن و اجازه بده صدای موفقیتت همه جا پیچه!»

چشم‌انتظار خواندن داستان موفقیت‌تان هستیم!

به امید موفقیت تو؛ امید ملاکریمی

پایان گفتار ما: حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است